فهرس

میکروفیلم تهیه شد

باز بین شد
۱۳۵۳خ

کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب ~~مجموعه ادعیه~~ جامعه مبارکه — عنوان فارسی

مصنف
مؤلف جامع معلوم نشد

خطی
چاپی نسخ ۳۰ سطری

سال طبع یا تحریر — عدد اوراق ۱۳۱

جزء کتب ادعیه شماره ۲۸۶

شماره عمومی ۳۴۰۷ شماره قبض

واقف ابتیاعی آستانه قدس تاریخ وقف ۱۳۱۱ خورشیدی

طول ۲۱ عرض ۱۳ سانتیمتر قفسه

[illegible stamp]

ابتیاعی آستان قدس در ۱۳۱۱ شمسی

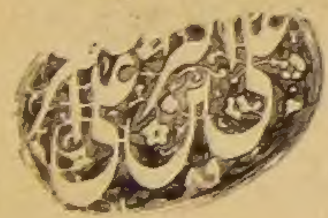
ادبیه

هو الله تعالی شأنه العزیز

دخل فی ملکی و انا العبد الجانی

علی اکبر بن علی جعفر الطالقانی

فی رجب المرجب ۱۳۰۲



بازبینی شد
۱۳۵۴خ

کتابخانه آستان قدس
مرکز خطی

فهرست جامعة المباركة مشتملة على اثنى عشر حرفاً

کتابخانه آستان قدس

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

کتابخانه آستان قدس
ویژه خطی

تبارک الذی بیده ملکوت الارض والسماء ومنه الابتداء
والیه الانتهاء غایة کل شکوی ونجوی فی الدعاء ومرجع
الامور کلها فی الشدة والرخاء نور الانوار ورافع السماء الواجب
الوجود الحی القیوم بلا فناء احمده بتوفیقه فی السراء والضراء
حمدا یلیق بجناب قدسه من طریق الشکر والثناء سبحانه
واسع العطاء وغافر الخطاء عالم الغیب والشهادة ذی العز
والکبریاء واصلی علی کافة الاصفیاء والعرفاء من الملائکة
والنبیین والصدیقین والشهداء خصوصا علی الاسم الاعظم
من سائر الاسماء اعنی تاج الازکیاء وخاتم الانبیاء سیدنا
محمد وآله الاتقیاء الهادین علی مناهج التضرع والدعاء مع استغراقهم
فی لجج بحر التسلیم والرضاء صلوة زاکیة مبارکة الابتداء
والانتهاء باقیة الروح بدوام الکون والفضاء آنرا بیند در ایشان

تبارک

کتابخانه آستانه قدس

تبارک وتعالی و سبحان الذی اعطی کل شیء خلقه ثم هدی بفحوای
وان من شیء الا یسبح بحمده بهر زبان و بیان مشکور با سماء حسنی و معروف
بصفات علیات و بحکم ولله الاسماء الحسنی فادعوه بها
از نداء فرح فزای و ذلک ذکری للذاکرین مؤمنان را یقینی که احصاء اسماء
الهی مستلزم فیوض غیر متناهیست و منکشف خواهد ارنا الاشیاء
کما هی لان من احصاها دخل الجنة وفی الجنة وجوه یومئذ
ناظرة الی ربها ناظرة و چون استبعاد نصیب از اسمی منوط بتجلی بدان
صفت است حقیقت اسم بر داعی تجلی کرده بقدر استعداد و استحقاق مظهر آثار
انوار آن اسم تواند شد سئل علیه السلم عن الاحسان فقال ان تعبد الله
کانک تراه وان لم تکن تراه فانه یراک و بنظر ایقان سبب عروج
بمراتب ذروه اعلی و وصول بمدارج آن سده استماع چه دعوات و مداومت اسماء
مبارکات میسر نگردد پس آناء اللیل واطراف النهار از دعا غافل نگشته بدان و علانیه
مواظبت نماید متیقن که نه کار مثمر فواید و تکرار در حصول مقاصد در رفع شدائد فاتح ابواب
رحمت و اسباب رفعت چه هرگاه منظر هندی و افسون بطاء مؤلف از مفردات
و مرکبات نامفهوم هم دافع سموم و رافع هموم تواند شد چرا دعوات
مبارکات مؤلف از کلمات تامات و اسماء مقدسات داله بر ذات
و صفات جمال و جلال جناب اقدس الهی در افصح لغات و ابلغ اشارات
باوضح عبارات و احسن تلفیقات رافع درجات و دافع بلیات نتواند شد
چنانچه در کشف تصریح شده که ضعف طالع و بی رونقی امور جز بدعا و استعلاج
نپذیرد و مضمون حدیث لا یرد القضاء الا الدعاء فذکر ان نفعت

الذكرى و بمصداق و لا رطب و لا يابس الا في كتاب مبين و
ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنين بی شک خواص
جمله اشیا در ضمن آیات بینات و دعوات اجابت سمات بحسن
وجهی و اکمل نحوی موجود و مفهوم عموم ما فرطنا في الكتاب من شيء
مبنی خصوص و الذرم است لکن ادراک دقایق رموز و شقایق حقایقش نصاب صعب
المأخذ است و ما يعلم تأويله الا الله و الراسخون في العلم
و بی مساعدت توفیق و معاضدت تایید یقین که اشراف بر شرفات قصر کمال و سمو
جلال شریف تیسیر نمیشود و ما توفيقي الا بالله و الا چه مطلب جوینده و سالک که ام المقصد
پوینده که بیان کیفیت و شان کمیت جمع و تفصیلش در طی تعداد ابعد از آیات
معجز سمات مندرج و مندمج نباشد اوتيت جوامع الكلم آن لقمه کرامت
که در گنج توتیب و منه صلى الله عليه و آله لكل آية منها ظهر و بطن
الى سبعة بطن و عن باب مدينة العلم عليه السلام القرآن ظاهره
انيق و باطنه عميق لا تفنى عجائبه و لا تنقضي غرائبه
و قد قيل و ما من آية الا و لها سبع معان الظاهر للعوام
و الباطن للخواص و الاشارات للعارفين و الامارات
للمؤمنين و اللطائف للصديقين و الدقائق للفائزين
الحقائق للنبيين ثم تحت كل كلمة بحر حكم عجاج ذات قعر مواج
فاذا قرأه الشاهد من العارفين و الصادق من الخائضين اعطى
لكل حرف ذهن و لكل ذهن فهم و لكل فهم فطنة و لكل فطنة
عبرة و ذلك قوله تعالى و من يؤت الحكمة فقد اوتي خيرا كثيرا و ما

يذكر

يذكر الا اولو الالباب و بالجمله ارباب تنزه و اصحاب تأله را در ترتیب
و تألیف و قرائت دعوات و ختم سور و آیات و طریق مداومت اسما
و اذکار آثار حسنات دارد و ابتهاء ذات حسن اسیاریه و تحقیقات کشفیه واقع
شده و بسیاق تدوین انوار از ازهار اشجار ریاض فیاض در ضمن چهار نجیبه
سمت تحریر می‌پذیرد و الله يهدي من يشاء الى صراط مستقيم
حرف الاول في تبيين شروط العشرة المرعية في اكثر الاعمال و الهداية
من الله الكريم المتعال حرف الثاني في تعيين مراتب الدعوات
مسبوقا بنمط من الاشارات قال الشريف فرع التعريف و
لذلك صح به خرق العادة في عالم الغيب و الشهادة و ان اربابه
العارفين على درجات فمنهم من وهب الله له التصرف في عالم
العناصر كتصرف ابرهيم على نبينا و عليه السلام في النار بالتبريد و
الكليم في الماء و الحجر بالشق و التفجير و تصرف سليمن في الارض و الهواء
بالقبض و التسخير منهم من وهب له التصرف في ملكوت الارض و السماء
كتصرف نبينا في ملكوت القمر و الشجر و الحصا فمن اراد التصرف الكلي فلا
بد له من التخلق بجميع الاسماء ليعطيه كل اسم ما في قوته و انما
يحصل ذلك بالتخلي عن كل رسم و التحلي على كل وصف و ذلك بعيد
جدا و اما الذي يتصرف باسم واحد فلا مرين اما ان يكون الاسم
من الاصول الكلية او يكون المتخلق نافذ البصيرة تام الشهود بالنسبة
الى حضرة الاسمية القدسية ليشهدها من حيث الاشتمال و الاحاطة
كما مر عن ولي الحق و وصي مطلق من باب بسط الزمان لتخلفه بسر اسمه

الباسط کتخلقه بسائر الاسماء العظام بانه علیه السلام عند الکوکب بختم
القرآن و کتصرف سلیمن بالوهاب و لوط بشدید العقاب و الخضر
بالعلیم و لقمان بالحکیم و هود بالهادی و نوح بالمنجی
و الصادق بالجامع و الناطق بالرافع و منهم من یتصرف باسم الذات
کسیدنا رسول الله صلعم المظهر لتمام الصفات حیث قال بعثت
لاتمم مکارم الاخلاق و منهم من یتصرف بالالف و هو القطب الغوث
الصاحب الجامع الرغائب و منهم من یتصرف بالحاء والباء و منهم
بالطاء والهاء و منهم بالواو والدال و منهم بالقاف والصاد
و منهم بالسین والمیم و منهم باللام والجیم و منهم بالراء والعین و منهم
بالباء والشین و منهم بالکاف والنون و منهم بالکسر والبسط و منهم
بالازواج والافراد و منهم بالنورانیة والظلمانیة و منهم بالروحانیة
والجسمانیة و منهم بالناریة والهوائیة و منهم بالمائیة والترابیة
و منهم بالسور والآیات و منهم بالنصب والاشارات و منهم بالطبع و
الاثر و منهم بالوهم والنظر و منهم بالطلسمات والنیرنجات و منهم
بالصلوات والدعوات و منهم بالعزم والرزم و منهم بالحزم و
الکظم و منهم بالنقش والتصویر و منهم بالرای والتدبیر و منهم بالتوکل
والاعتماد و کل ذلک منوط بصدق النیة وحسن الاعتقاد و چون بملاحظه
هر یک از حروف و الفاظ و جمل بسط ترکیبی و لفظی عدد اشخاص و اعیان علوی و سفلی هر فردی را
از کمل عددی و حدی اختیار افتاده و جمله عینی صواب و تامه جامعه حاوی کل آن احزاب
لهذا مناهج اربعه ۱ کافیه ۲ وافیه ۳ شافیه ۴ تامه جامعه که اشرف طرق متعدد که

بابیه لذ

باقیه اند در شش جهت ولیه او تشیخ مبیذ برد واقف عارف داند که هر مرتبه باقیه کریمه
معینه جهة اعتصام و اختتام منفصل کهف و منظور اگرنه ورد و دائم بش صورت اتمام عمل در
مرآت عدد ایام معادل جمع اسمی و بسط لفظی و شمار درجات فلکی و احکام کوکب
الغرض لبیه خاصه یک صره منطقی جهر کشاید و با وجد وقت و مجال در جمالیات دعوت
یومی و در جلال لیلی سر لکن در هر یک از آن ساعت مدبر یومی و لیلی را اقوی شمرده
از اوخته لدیقه غفلت نکرنند و پس از ادای نافله که درین روضه فایحه تعبیر از آن
بدعوت نامه و صلوة قایمه شده تا جمله احدی المناهج که وجهه قصد است با اعتصام و اختتام
منتهی نشود بقوی و فعل بهجه مبطل دعوت نکردند در خلوت او لقبله مقرر باشد
دور انو دعا بعذر لمحه بربع نشیند و در مرتبه که نوبت بجمع اسمی آن حصص زمانیه و کمیت
اجزاء اسمیه افراد فرادا و حرفا حرفا بمقیاس اندیشه باهم سنجد اعنی دوام اسم
هادی مثلا در مرتبه که جمع اسمی خوانده شود بنج الف را در ضمیر منیر خاصه ه پس یک را
حق ۱ و چهار را از آن د و ده یعنی حصه ی داننده و حول بریکتو یقفو اثر انشی نیکو فال
در غایت اعتدال بپا ایستد و بعقد احسن ظن تعوید بازوی اخلاص سازند و صورت ابتشیر را
در مرآت ضمیر منتقش کنانند ارشاد از لنجه سلسله غیر متناهیه عدد را که مرآت حقیقت
نمانت با اجزای فردیه و زوجیه انتظام و سبعه کامله مرکب از فرد اول و زوج ثانی و در زوج اول
و فرد ثانی را با عدد موالید و ارکان نسبت مثلا عدد کاملی و جمعیتش با سبع و اربع کلا اشخاص
و حرکات فلکی کمال طهور اربعه هیولانی ۲۶ و بمؤدای آیه واقع هدایه إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ
عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ از انضمام شمار بروج عالیه
انجمه معادل منازل قمریه و محاکی مفاتیح رموز کون و بر در نقود کنوز رحمت بی پایان جناب
قدس الهیه اعنی حروف هجائیه است لهذا در دعوت کبیر مربع با سطح اسم را در ۲۸

ور دسانند و چنانچه طاقت حمل آن نیارند خارج قسمت حاصل الضرب را بر ۴
یا بر ۷ یا بر ۹ یا بر ۱۲ یا بر ۲۴ یا بر ۳۶۰ تعیین نمایند و کسر خارج را اگر باشد بهتر آنست
ادوار علاوه حصه روز عید اعنی یوم الآخر گردانند چه درین اسلوب هر یک از خصص مختلفه را
بانظایر خویش از جهت تام التسویه و تعدیل حاصل آید عده ادوار شمار نوبت شاید لکن عدل
و دقت اتم و اکمل نماید و در هر صورتی که حیله ترکیب از زیور نقط عاری شد اخلال بمراتب
شانزده گانه تامه جامعه که جز عدد مدبر نوری لیالی آنها باختلاف ایام و لیالی مختلف نگردد
روا ندارند دعوت کبیر را مرتبه اخیره دانند و هرگاه ذوق و طاقت احراز مرتبه
مرکبه از سبعه جامعه و عشره کامله ۱۷ باشد این را بر دو نفر اسید اعنی در یک وقت
از شانزده مرتبه بجا آورنده نسبتی هر یک را مجلسی سازند چنانکه شب به دعوت نامه پردازند
و روز کبیر آغاز نهند یا فاصله دهند میان آن دو وقت فریضه یا نافله یا خفی و خروجی از
خلوت بانجام مرام وَعَلَیکَ الاهتمامُ فی الابتداءِ والانتهاءِ
بالاعتصامِ والاختتامِ واللهُ یدعو الی دارِ السلامِ حرف
الثالث فی علم العقود وکشف الشهود ارباب تطابق و اصحاب توافق کیفیات
عوالم امکانی بمعادله عده مفاصل اصابع انسانی با شمار منازل فلکی و مفردات حروف هجائی
عربی از هر مفصلی اشاره بحرفی و از هر عقدی اراده قدری از مفردات عددی کرده اند
که سواد خوانان صحف منور کنوز در مقام اعلام و محل افهام زبان علم و قلم را بزاد در ادای حقایق
و انشاء عبارت لطیف سجل دقیق و دلائل معارف داشته بامالة و اشاره قلب را
بما بر رسانند تفصیل این اجمال و اظهار این نوع کمال آنکه مفاصل اربعة عشر بمیزان چهارده طرف
انفعی و چهارده گانه بیاسی بهمان ترتیب از نصف ثانی تقسیم نمایند و بلغات الرسل
الابهام بهر مفصل پس بر سر هر صبعی و ازان نسبت به تفصیلی ابهام ارکب تا نود که [illegible]

عقود

کتابخانه آستان قدس
ویژه خطی 6

عقود آحاد و عشرات بمجموعه عقد در دست راست منعقد کنند بمقابله آحاد یعنی از یک
تا نه و بازای عشرات الی الوف در عقد جمع آید و حاذی عشره آلاف را که
نوبات عبارت از آنست استرجاع مبنی و استجماع انامل اربعه که در آن نسبت هر یک
در حکم صفری تواند بود بر سر ابهام کف نماید و بهمان وضع در دست چپ اتصال
رؤس خمسه بهم از آنکه تحریک نمایند و بر هم آوردن خمسه مجتمعه مبنی بر خمسه مجتمعه یسار
نحو اتصال کرد یعنی بسه ار هزار و التأییدُ من اللهِ العلیمِ الشأن
تأیید چون غرض اصلی و ثمره حقیقی در تقسیم و تفسیم حروف بر آن نهاد آمین
در اوقات لایقه حصول حاجات و اجابت دعوات است بجایگاه امکنه متبرکه را برعایت امور
وضعیه و اعتباریه در شرایع حقه مانند مسجد الحرام خاصه عند الرکن و المقام و ملتزم
و مستجار و حجر و حطیم و میزاب و عرفات و مشعر و منی و مسجد اقصی و مدینه مشرفه
و مسجد کوفه و بین المنبر و القبر و بقیع و نجف و طوس و مشاهد حایر کربلا و روضه رضا و سایر
هیاکل و مراقد انبیاء و اولیاء و قبة الخضراء و بالقصر و صحاری تنها خلوت مظلم منزه از اصوات
در آن مطلب اثرهاست از منه لایقه را رسم مدخل تمام و آیات و اخبار صحیحه نیز بر
صدق آن مرام بسیارست و چنین از امم متخالفه خاصه از اهل اسلام و یهود و صابئین
و منجمین در تحقیق انزمان که اِنَّ لِلّٰهِ فی ایامِ دهرِکم نفحات مجربات نکرای
دقیق و خبرهای صحیح واقع دوارده شده و بزاد او ارکنه خلاصه آنها جز دکعه و داعی حق
با تنزیه و تطییب و تطهیر منقطع از وسایل و وسایط رب آویز اخلاص و تضرع پس
از اجتناب از محرمات و احتراز از اکل و شرب و لبس مشتبهات و ترک توغل
در شهوات با قیام بوظایف طاعات و عبادات از صوم و صلوة و ادعیه و صدقات
و التزام مناجات و اختیار خلوات در موقع و ازمنه مخصوصه ماثوره بتقاضای حاجات

از جبین سکنت و مسکنت دست عجز و زبان نیاز بدرگاه مهیمن کارساز دلائی کل راز بر گشاده و انباز پوری پذیر بنده نواز گشوده حروف را که مقالید خزاین اسرار مکنونه و اشباح او دلیع عوالم لاهوتیه اند مفاتیح اسماء عظام الهیه سازد و چنین در احصای آنها بتعداد رسد بعده جمله آنرا تکرار نماید و پس از اتمام دعا مبسوط بیمین را بعد از یساری ده و یسار را بیمین ۳۱۲ حزبنا مسکینا متذللا متزلزلا متضرعا باکیا داجیا بیانه خواند بعد از اتمام دعوت اندک زمانی بهمان حال بر دو دست در قنوت داشته از غایه عجز و فروتنی و سکون خشم از ما سواد پوشیده و زبان در کام کشیده و دل را بذکر خفی که بحر یکی در آن اسرار انیو از کلمات اجابت سمات و آیات مبارکات لا اله الا انت سبحانك انی كنت من الظالمین یا رب انی مسنی الضر وانت ارحم الراحمین یا رب انی مغلوب فانتصر یا سبحانك انك قلت ادعونی استجب لكم فانك لا تخلف المیعاد گویا سازد از آنکه فارغ شود در بحر عجز استغراق کرده و جهت یقین را بباران رقت و کشت امید را بسحاب رحمت شسته و رسته دارد تا اشعه اشراق قدسی میت المامول را بابارقه لمعان نور سرور که مبشر اجابت منور سازد زینهار متقاعد گشته و دست اخلاص از دامن شاهد دعوت باز ندارد فان الله علی کل شیء قدیر و اجابة دعوة المضطر من لدیه غیر عسیر حرف الرابع فی تقسیم الساعات من الایام واللیالی بالبروج والدراری در موضعش اشعار شده که طرف خطی که از مرکز عالم بمرکز کوکب گذشته بجزوی از فلک اعلی منتهی گشته در حال وقوع بر منطقه الحرز را در خارج نقطه تقاطع اقرب دایره عرض بآن ره بطرف خط مذکور

ومنطقه را

ومنطقه را موضع کوکب در طول کرند خط را خط تقویم نامند و بعد موضع را از راس الحمل که توالیست از منطقه بر توالی طول کوکب و حرکتی که کوکب بوی قطع آن قوس نماید حرکت طولی و تقویمی خوانند و دایره صغیره که بحرکت اولی از آن خط مرتسم و لامحاله با معدل متوازی یا متحد شود مدار یوی دانند و آنچه از اگر قطع افق بیان مدام فوق الارض ابدی الظهور و تحتانی ابدی الخفا و در تقاطع حصه اعلی قوس النهار و اسفل قوس اللیل مابین طرف خط تقویمی و افق شرقی از قوس النهار و افق غربی از قوس اللیل دایره باشد اکنون گفته می شود که مبدأ اشبانروز نزد فقها رحمه الله تعالی برکات افاداتهم بملاحظه آنکه ظلمت اصلست و نور طاری و تقابل بینهما تقابل عدم و ملکه والملكات اصل بالنسبة علی الاعدام اول شب بود نزد متدبرین فارس و روم و بعض از اهل آیه وافی هدایه لا الشمس ینبغی لها ان تدرك القمر ولا اللیل سابق النهار اول روز چه نور وجودیست و ظلمت عدمی و اما اهل تنجیم قاطبه وصول مرکز آفتاب را بدایره نصف النهار مبدا گرفته اند تا وی مقدار در همه آفاق تقریبا حاصل آید لکن معتبر نزد یونانیین تقاطع اعلی و نزد خطا و الیغور و افرنج اسفل باشد و در عرف شرع مبدا روز طلوع صبح صادق و از آن شب غروب قرص است و حکمای فارس را وضع طبیعی منظور یعنی طلوع جرم و غروب آن چه وجود نهار شرعا و طبعا بطلوع شمس و وجود لیل منوط بغروب او پس شبانروزی یعنی قوس النهار و قوس اللیل مدار شمس را اکثر امم به بیست و چهار جزو متساوی منقسم سازند و اقسام را ساعات مستویه و معتدله و مقدار از معدل را که در هر ساعتی طلوع کند و تقریبا پانزده درجه باشد اجزاء ساعات مستویه نامند و چنانچه هر یک از روز و شب یعنی قوس النهار و قوس اللیل علیحده بدوازده قسمت متساوی کنند اقسام متفاوته را ساعات معوجه

ذر بانیه گویند که هر ساعتی از مستویه و معوجه را بشصت دقیقه و هر دقیقه را بشصت ثانیه و
عند القدر و ز منجمین تا عاشره منجزی سازند پس ساعات مستویه و معوجه با اختلاف
روز و شب متفاوت شود چه در اکثر ربع مسکون شمالی از اول جدی تا آخر جوزا روز
در تزاید باشد و در نصف مقابل در تناقص و از این استقرا مفهوم گردد که اطول ایام
و اقصر لیالی در وصول آفتاب باول سرطان باشد و اقصر آن و اطول این هنگام
حلولش باول جدی و چون باعتبار مبدأیت هر جزوی از ازمان البعض متساویه
متساویه مفروض تواند شد که جمله البعض چنان اعتبار شود که در اشتقاق از بعض ببعض شبیه عودی باشد
و ادوار معتبره نزد منجمین بسیار بود از انجمله ساعات مستویه اسبوعیه را بر عده سیارات
دایر کنند و به سنن الهیه تا سر چشته روز یکشنبه را مبدأ سازند کما قال علیه السلام

وَفِي الاحَدِ البِنَاءُ لِاَنَّ فِيهِ بَدَءَ اللهُ فِي خَلْقِ السَّمَاءِ

و ساعات اول شمس دهند چه وی سید اشخاص علوی و رابطه ظهور احکام شبانروزی
و ساعات دیگر از کوکب تحتانی شمرند و از قمر بزحل روند و منتهی گردند در آخر شبه
یکشنبه بمریخ که ساعت ١٦٨ او دورات چهارم بوی سپرده شود و هر یک را چهار
ساعت هفت از ایام و هفت از لیالی رسد و رب الیوم و رب اللیل
صاحب ساعت نخستین از روز و شب بود چون هر ساعت را هم برجی و اسمی
از بروج بهره ی و از حروف بخشی و از اعمال مخصص است جدولی در آن ابواب نگارش
می یابد وَالتَّوْفِيقُ مِنَ اللهِ الخَلَّاقِ الاَحَدِ **نُكْتَةٌ** لَا يَخْفَى عَلَيْكَ
اَنَّ كَاشِفَ التَّخْصِيصِ فِي بَعْضِ المَوَادِّ رُبَّمَا يَكُونُ الطَّرْحُ وَالاِسْقَاطُ
وَالنَّمَطُ المَذْكُورُ يَدُلُّ عَلَى صِحَّةِ هٰذَا التَّوْزِيعِ لِاَنَّ البَاقِي مِنَ الشَّمْسِ
وَاحِدٌ وَمِنْ خ ٣ وَمِنْ د ٤ وَمِنْ ی ٥ فَكَفَى الوُثُوقُ عِنْدَ التَّأَمُّلِ

بهذا

کتابخانه آستان قدس رضوی

الشروط العشرة

١	التلقين والاستجازة من الاستاذ الكامل لقوله عليه السلام خذوا العمل من افواه الرجال فان لكل عمل عاملا
٢	التخلق بالاخلاق الحسنة والآراء الصحيحة والاعمال الصالحة لان العمل الصالح يرفعه باذن الله تعالى
٣	توجه التام وصدق اليقين بحصول المرام فان لكل امرئ ما نوى وليس للانسان الا ما سعى
٤	كون المقصد في بقعة الامكان وحيز الاباحة كما قال خصال الدعاء اخلاص النية ومعرفة الوسيلة والانصاف في المسئلة
٥	ترك ما لا يعني في الافعال والاقوال مع طهارة الظاهر والباطن في كل حال فان الله يحب التوابين ويحب المتطهرين ولا يضيع اجر المحسنين
٦	التوكل الى الخالق والعزلة عن الخلائق مع الالحاح والتضرع والبكاء في الخلوة والدعوات لقوله تعالى ادعوا ربكم تضرعا وخفية
٧	المبادرة بالصدقة والصيام مع اكل الحلال وترك الحرام وتقليل اللحوم والاجتناب من البقولات الكريهة لقوله اطب مطعمك تستجب دعوتك
٨	استعمال الطيب والبخور اللائق مع تطهير اللباس وترك الوسواس لقوله تعالى اليه يصعد الكلم الطيب
٩	صلاح الوقت وضبط الحد وتعيين العدد ورفع اليد مع تجويد القراءة والنفث بعد التلاوة
١٠	الافتتاح والاختتام بالصلوات والدعوات المشحونة بالاستغفار والتحميد والتسبيح والتهليل والتكبير في الاصباح والاعشاء

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین الی آخر السورة

ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا
من لدنک رحمة انک انت الوهاب

الدعوة التامة الجامعة الاسم الاعظم الهادی فی یوم الخمیس المثال

للدعوة التامة الجامعة فی لیلة الخمیس

مناهج بارزه	مراتب تفصیلیه	هادی	عدد ما فوقه	بسایط
صغیرة	۱	ان کان الاسم واحدًا فواحدًا وان کان زائدًا فزائدًا	۱	ترکیبی
کافی	۲	عدد مفردات ترکیبیه	۴	ا
۱	۳	نقاط ترکیبیه	۳	د ی
۴	۴	مفردات لفظیه	۱۰	لفظی
۲ ۲۰	۵	نقاط لفظیه	۳	ه ا ا
وسط	۶	جمل ترکیبیه	۲۰	
وافی	۷	جمل لفظیه	۱ء۳	ل
۱	۸	افلاک شامله	۹	ف
۱۰	۹	ابراج عالیه	۱۲	
۳ ۱ء۳	۱۰	منازل قدریه	۲۸	د
کبیر شافی	۱۱	درجات فلکیه	۳ء	
ربع الاسم	۱۲	سبعه سیاره	۷	ا
	۱۳	اسطقسات اربعه	۴	
	۱۴	موالید عنصریه	۳	ل
۴۰۰	۱۵	اس بومی	۵	ی
	۱۶	مدبر نهاری	۹۵۰	ا

مناهج بارزه	مراتب تفصیلیه	وهاب	عدد ما فوقه	بسایط
صغیرا	۱	الاسم واحدًا فواحدًا	۱	ترکیبی
کافی	۲		۴	و
۱	۳		۱	ه ا
۴ ۱	۴		۱۰	ب
۱۴	۵		۲	لفظی
وسط	۶		۱۴	و
وافی	۷		۱۳۳	ا و
۱	۸		۹	
۱۰	۹		۱۲	ه
۲ ۱۳۳	۱۰		۲۸	ا ا
کبیر شافی ایضا	۱۱		۳ء	ل
	۱۲		۷	
	۱۳		۴	ف
	۱۴		۳	
۱۹ء	۱۵		۲	ب
	۱۶	مدبر لیلی	۳۱۴	۱

والله یهدی من یشاء الی صراط مستقیم رب هب لی ملکا لا ینبغی لاحد انک انت الوهاب

الله نور السموات والارض
والله بکل شیء علیم

الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه
سنة ولا نوم هو العلی العظیم

الدعوة التامة الجامعة الاسم الاعظم النور فی یوم الاحد

الدعوة التامة الجامعة لاسمی الاعظم العلی العظیم فی یوم السبت

مناهج بارزه	مراتب تفصیلیه	نور	عدد ما فوقه	بسایط
صغیرا	۱	عدد اسمی	۱	ترکیبی
کافی	۲	مفردات ترکیبی	۳	
۱	۳	نقاط ترکیبی	۱	
۳ ۱	۴	مفردات لفظی	۸	
۲۵ء	۵	نقاط لفظی	۲	لفظی
وسط	۶	جمل ترکیبی	۲۵ء	
وافی	۷	جمل لفظی	۳۲	
۱	۸	افلاک حاوی	۹	
۸ ۲	۹	ابراج عالی	۱۲	
۳۲۰	۱۰	منازل قمری	۲۸	
	۱۱	درجات فلکی	۳ء	
کبیر شافی	۱۲	سیارات علوی	۷	
[illegible]	۱۳	استقسات عنصری	۴ء	
	۱۴	موالید تکوینی	۳	
	۱۵	اس بومی	۱	
۹۰	۱۶	مدبر نهاری	۴۰	

مناهج بارزه	مراتب تفصیلیه	علی عظیم	عدد ما فوقه	بسایط
صغیر	۱		۲	ترکیبی
کافی	۲		۷	ع ل ی
۲	۳		۵	ع ظ
۵ ۷	۴		۱۸	ی م
۱۱۳	۵		۱۳	لفظی
وسط	۶		۱۱۳۰	ع ی
وافی	۷		۱۳۴۴	ن ل
۲	۸		۹	ا م
۱۸ ۱۳	۹		۱۲	ی
۱۳۴۴	۱۰		۲۸	ا ع
	۱۱		۳۰	ی
کبیر شافی	۱۲		۷	ن
[illegible]	۱۳		۴	ظ
	۱۴		۳	ا ل ی
	۱۵		۱۷	ا م
۹۵۲	۱۶	مختلف فی کل یوم ولیله	۴۵	ی م

ربنا اتمم لنا نورنا واغفر لنا انک انت الوهاب لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

فاتحة الكتاب

تجميد الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله تهليل هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى يسبح له ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم تسبيح سبحان الذي خلق الازواج كلها مما تنبت الارض ومن انفسهم ومما لا يعلمون توكيل ان الحكم الا لله عليه توكلت وعليه فليتوكل المتوكلون تكفيه وكفى بالله شهيدا دعا ربنا اتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وقنا عذاب النار

انشرا ٨

تجميد الحمد لله الذي انزل على عبده الكتاب ولم يجعل له عوجا قيما لينذر باسا شديدا من لدنه ويبشر المؤمنين الذين يعملون الصالحات ان لهم اجرا حسنا ماكثين فيه ابدا تهليل الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى ووسع كل شيء علما تسبيح سبحانك اللهم لا علم لنا الا ما علمتنا انك انت العليم الحكيم توكيل توكلت على الله انه هو السميع العليم تكفيه وكفى بالله حسيبا دعا رب اشرح لي صدري ويسر لي امري واحلل عقدة من لساني يفقهوا قولي

١١

فتح

تحمید الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شکور

تهلیل لا اله الا هو الرحمن الرحیم

تسبیح سبحان الله رب العرش عما یصفون

توکیل وما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب

تکفیه وکفی بالله شهیدا

دعا ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و انت خیر الفاتحین

یس

تحمید الحمد لله الذی فضلنا علی کثیر من عباده المؤمنین

تعالی الله الملک الحق لا اله الا هو رب العرش الکریم

سبحان الذی بیده ملکوت کل شیء و الیه ترجعون

ومن یتوکل علی الله فان الله عزیز حکیم

وکفی بالله ولیا

ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطانا ربنا ولا تحمل علینا اصرا کما حملته علی الذین من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولینا فانصرنا علی القوم الکافرین

همزه

تحمید الحمد لله الذی خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور ثم الذین کفروا بربهم یعدلون

تهلیل لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین

تسبیح سبحانه اذا قضی امرا فانما یقول له کن فیکون

توکیل توکلت علی الله ربی و ربکم ما من دابة الا هو اخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم

تکفیه وکفی بالله نصیرا

دعا ربنا اغفر لنا ذنوبنا واسرافنا فی امرنا وثبت اقدامنا وانصرنا علی القوم الکافرین

انعام

تحمید الحمد لله وسلام علی عباده الذین اصطفی الله خیر اما یشرکون

تهلیل لا اله الا هو له الحمد فی الاولی والاخرة وله الحکم والیه ترجعون

تسبیح سبحان ربک رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین

توکیل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم

تکفیه وکفی بالله علیما

دعا ربنا اتنا ما وعدتنا علی رسلک ولا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد

فيل

تحميد اَلحمدُ لِلّٰهِ
الذی لم يتّخذ
وَلدًا ولم يكن له
شريكٌ في المُلك
ولم يكن له ولىٌّ
مِنَ الذُّل وكبّره
تكبيرًا تهليل
لا اله الّا هو كلُّ
شيءٍ هالكٌ الّا وجهه
له الحكم واليه
ترجعون تسبيح
سبحانه وتعالى عمّا
يقولون علوًّا كبيرًا
توكيل هو الرحمن آمنّا
به وعليه توكّلنا
فستعلمون من هو
في ضلالٍ مبين تكفيه
وكفى بالله سميعًا دعا
ربّنا ظلمنا انفسنا و
ان لم تغفر لنا وترحمنا
لنكوننّ من الخاسرين

آية الكرسى

تحميد اَلحمدُ لِلّٰهِ
ربّ العالمين
الرّحمن الرّحيم
مالك يوم الدّين
تهليل شهد الله
انّه لا اله الّا هو
والملائكة
واولوا العلم
قائمًا بالقسط
لا اله الّا هو العزيز
الحكيم تسبيح
سبحانه وتعالى
عمّا يشركون توكيل
ومن يتوكّل على
الله فهو حسبه
انّ الله بالغ امره
قد جعل الله لكلّ
شيءٍ قدرًا تكفيه وكفى
بالله وكيلًا دعا ربّنا
آتنا من لدنك رحمةً و
هيّئ لنا من امرنا رشدًا

آية النور

تحميد اَلحمدُ لِلّٰهِ
ربّ السّموات و
ربّ الارض ربّ
العالمين وله الكبرياء
في السّموات و
الارض وهو العزيز
الحكيم تهليل
الله لا اله الّا هو
ربّ العرش الكريم
تسبيح سبحان ربّ
السّموات والارض
ربّ العرش عمّا
يصفون توكيل ربّنا
عليك توكّلنا
واليك انبنا و
اليك المصير تكفيه
وكفى بربّنا هاديًا
ونصيرًا دعا ربّنا
اتمم لنا نورنا و
اغفر لنا انّك على
كلّ شيءٍ قدير

بهذا الاعتبار ولكن الهند لما اعتبروا ساعات المستوية في
هذا التقسيم فعندهم تختلف ارباب الليالي دون الايام
الخامس في الدعوة التامة والصلوة القائمة اذا نظر الى الماء
يقول الحمد لله الذي جعل الماء طهورا وعند الوضوء اللهم
اجعلني من التوابين واجعلني من المتطهرين وعند المضمضة
اللهم لقني حجتي يوم القاك واطلق لساني بذكرك وحمدك وشكرك
وثنائك وعند الاستنشاق اللهم لا تحرم مني طيبات الجنة
واجعلني ممن يشم ريحها وروحها وريحانها وعند غسل
الوجه اللهم بيض وجهي يوم تبيض فيه الوجوه ولا تسود وجهي
يوم تسود فيه الوجوه وعند غسل اليد اليمنى اللهم اعطني كتابي
بيميني والخلد في الجنان بيساري وحاسبني حسابا يسيرا وعند اليسرى
اللهم لا تعطني كتابي بشمالي ولا من وراء ظهري ولا تجعلها مغلولة لا تؤخذني
على عنقي واعوذ بك من مقطعات النيران وعند مسح الرأس اللهم
غشني برحمتك وبركاتك وعفوك وعافيتك وعند رجليه
اللهم ثبت قدمي على الصراط المستقيم يوم تزل فيه الاقدام
واجعل سعيي فيما يرضيك عني يا ذا الجلال والاكرام وعند الفراغ
الحمد لله اولا واخرا ظاهرا وباطنا اللهم اسئلك تمام الوضوء
وتمام الصلوة وتمام رضوانك والمغفرة واذا دخل المسجد و
الخلوة فليقدم رجله اليمنى قائلا بسم الله وبالله ومن الله و
الى الله وفي سبيل الله وعلى ملة رسول الله رب ادخلني مدخل

صدق واخرجني مخرج صدق واجعل لي من لدنك سلطانا نصيرا
و عند الخروج يقدم اليسرى ويفتح باب الخلوة ويقول اللهم افتح لي
ابواب رحمتك ورأفتك واغلق عني ابواب سخطك وغضبك
واجعلني من السائرين اليك والقاصدين لديك و عند الجلوس
ربنا عليك توكلنا واليك انبنا واليك المصير و اذا توجه في
الخلوة الى القبلة يقول اللهم اليك توجهت وبك امنت ورضاك
طلبت وثوابك ابتغيت وعليك توكلت فافتح مسامع
قلبي لذكرك وثبتني على دينك واهدني من عندك وافض علي
من فضلك وانشر علي من رحمتك وانزل علي من بركاتك ولا تزغ
قلبي بعد اذ هديتني وهب لي من لدنك رحمة انك انت الوهاب
و يتوجه للصلوة بعد فصول الاقامة ويكبر ثلاثا ويقول جل جلاله و
عم نواله وعظم شانه وبهر برهانه ورفع سلطانه ولا اله غيره اعوذ
بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم اللهم انت الملك الحق لا اله
الا انت سبحانك انت ربي وانا عبدك عملت سوءا
وظلمت نفسي واعترفت بذنبي واستغفرك فاغفر لي فانه لا
يغفر الذنوب الا انت يا غفور يا شكور يا حليم يا كريم
ثم يكبر رابعا وخامسا ويقول لبيك وسعديك والخير في يديك
والشر ليس اليك و المهدي من هديت عبدك وابن عبديك منك
وبك ولك واليك لا ملجا ولا منجا ولا مفر منك الا اليك
سبحانك وحنانيك تباركت وتعاليت سبحانك سبحانك

سبحانك ربنا ورب البيت ثم يكبر سادسا ويقول
اللهم يا دائم الفضل على البرية و يا باسط اليدين بالعطية
ويا صاحب المواهب السنية و يا رب هذه الدعوة التامة
والصلوة القائمة بلغ نبينا درجة الوسيلة و الفضل و
الفضيلة بالله استفتح واستنجح و على الله اتوكل واعتصم
بلطفه استعين واستعيذ وبه استنصر واستجير ومن يتوكل على
الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شيء قدرا وان الله
قد احاط بكل شيء علما واحصى كل شيء عددا ثم يكبر تكبيرة
الاحرام بعد ان ينوي للصلوة ويقول تبارك اسمه
وتعالى شانه ولا اله الا هو وجهت وجهي للذي فطر
السموات والارض عالم الغيب والشهادة حنيفا مسلما
وما انا من المشركين ان صلوتي ونسكي ومحياي و
مماتي لله رب العالمين لا شريك له وبذلك امرت وانا
من المسلمين واعلم ان تكبيرة الاحرام من هذه التكبيرات فرض
والباقيات الصالحات نفل ثم يقرا الفاتحة والسورة ثم يركع
يقول في ركوعه اللهم لك ركعت وبك امنت وعليك توكلت
وانت ربي خشع لك سمعي وبصري وشعري ولحمي ودمي ومخي
وعصبي وعظامي متضرعا متذللا غير مستنكف ولا
مستكبر ولا مستحسر سبحان ربي العظيم وبحمده سبحان
ربي العظيم وبحمده سبحان ربي العظيم وبحمده ثم ينتصب

قائما وقائلا لك الحمد ربنا تبارك وتعالى وعند الانتصاب الله اكبر
ويقول الحمد لله رب العالمين اهل الكبرياء والعظمة واهل الجود و
الجبروت واهل العفو والرحمة واهل التقوى والمغفرة ثم يكبر و
يميل الى السجود قائلا يا خفي الالطاف نجنا مما نخاف ويقول
في سجوده اللهم لك سجدت وبك اسلمت وبك امنت واهتديت
وانت ربي سجد وجهي البالي الفاني لوجهك الدائم الباقي الذي
خلقه وشق سمعه وبصره فتبارك الله رب العالمين واحسن
الخالقين سبحان ربي الاعلى وبحمده ثلثا ثم يجلس ويكبر ويقول
استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم عالم الغيب و
الشهادة بديع السموات والارض مالك الملك ذو الجلال
والاكرام العلي العظيم الكبير المتعال عما يقولون ومما
يصفون اذا قضى امرا فانما يقول له كن فيكون فسبحان الذي بيده
ملكوت كل شيء واليه ترجعون ثم يكبر ويسجد الثانية
كالاولى ويقول عند رفع راسه بعد التكبير رب اغفر وارحم
وتجاوز عما تعلم انك انت الاعز الاجل الاكرم ثم يقوم الى
الثانية ويصليها كالاولى بتغيير السورة ويقنت فيها قبل
الركوع بالكلمات الفرج المعروفة بالدعاء القدسية لا اله الا
الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلي العظيم لا اله الا الله
الملك الحق المبين سبحان الله رب السموات السبع ورب العدد
الارضين السبع وما فيهن وما بينهن وما فوقهن

وهو

وهو رب العرش العظيم وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين
الهي كفى علمك عن المقال وكفى كرمك عن السؤال يا ذا القدرة
والعزة والجلال ويا من له الملك والحكم والحمد والبقاء
في ذروة الكمال منزهة ان ينا له الفهم والقياس والمثال وهو
شديد المحال وقابل الاعمال المشكور في كل حال عالم الغيب و
الشهادة الكبير المتعال ويقول في التشهد بعد السجود الثاني من
الركعة الثانية بسم الله وبالله والحمد لله وخير الاسماء الحسنى
كالتحيات المباركات والصلوات الطيبات الزاكيات الطاهرات
كلها لله ما طاب وزكى وخلص وصفى اشهد ان لا اله الا الله و
وحده لا شريك له الها واحدا احدا صمدا فردا ملكا مقتدرا قدوسا
حيا قيوما لم يتخذ صاحبة ولا ولدا سبحانه وتعالى عما يقولون
علوا كبيرا تسبح له السموات السبع والارض ومن فيهن وان من
شيء الا يسبح بحمده ولكن لا تفقهون تسبيحهم انه كان حليما
غفورا واشهد ان محمدا عبده ورسوله ارسله بالهدى ودين
الحق بشيرا ونذيرا ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون اللهم
صل على محمد وآل محمد وبارك وسلم وترحم عليه وعلى آله كما صليت
وباركت وتحننت وترحمت على احد من اوليائك واصفيائك على ابراهيم
وآل ابراهيم انك حميد مجيد ذو العرش المجيد فعال لما يريد وعلى
كل شيء شهيد وقدير وتقبل شفاعته وارفع درجته وقرب وسيلته
والحمد لله رب العالمين ثم الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا

لیهتدی لولا ان هدانا الله ان الله لغفور رحیم وله الکبریاء فی
السموات والارض وهو العزیز الحکیم فتعالی الله الملک الحق لا اله الا هو رب
العرش الکریم یختص برحمته من یشاء ویهدی الی صراط مستقیم
فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم ولا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم ثم یسلم باراده الخروج عن الصلوة ویقول السلام علی سیدنا
ونبینا محمد واله الطیبین وعلی الملائکة المقربین واولوا العزم
من الانبیاء والمرسلین ورحمة الله وبرکاته علیه وعلیهم اجمعین
السلام علیکم وعلینا وعلی عباد الله الصالحین من الاولین والاخرین
یا معاشر المؤمنین من الجن والانس والروحانیین الله اکبر الله اکبر الله
اکبر الله اکبر ثم یسجد ویقول فی سجوده لا اله الا الله الها واحدا ونحن
له مسلمون لا اله الا الله لا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین
ولو کره المشرکون لا اله الا الله ربنا ورب آبائنا الاولین لا اله
الا الله وحده وحده انجز وعده ونصر عبده واعز جنده
ولا شریک له قوله الحق وله الملک والحمد والفخر والمجد یحیی و
یمیت وهو حی لا یموت ذو العظمة والجبروت بیده الخیر ذوا
الجلال والاکرام رب العرش العظیم تتمیم ودر رکعت سیم نماز
مغرب ودو آخر ظهر وعصر وعشا فاتحة الکتاب بی سوره اتفاقا
واجماعا مجزیست چون درانرکعات اقتصار کرده پس درازکار و تسبیحات و
دعوات هم تاسیا باسوه الحسنة الهادیة المهدیة اقتصار
اولی چه در رکوع وسجود دو رکعت اخر سبحان ربی العظیم وبحمده و

سبحان

سبحان ربی الاعلی وبحمده مثناة بی دعاء معهود اللهم لک رکعت
وسجدت و در رفع راس از رکوع بعد از تکبیر الحمد لله رب العالمین
اهل الکبریاء والعظمة بی فقرات باقیه و در رفع راس اولی از سجده
بعد از تکبیر استغفر الله ربی واتوب الیه کافی و در تشهد هم اختصار بقدر
وجوب که اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له وان محمدا عبده
ورسوله اللهم صل علی محمد وآله و جلسه خفیفه که در رکعت نخستین بعد از رفع راس
از سجده ثانیه بقدر ذکر رب اغفر وارحم وتجاوز عما تعلم
انک انت الاعز الاجل الاکرم بایستد در رکعت ثالثه
فرایض چهار رکانه نه در کار و در حالتی که از قعود بقیام رود
خواه در فرایض و خواه در نوافل بحول الله تعالی وقوته اقوم واقعد ارکع
واسجد گوید مکرر در قیام ثانی ثلاثی و رباعی کر چون تشهد دراند موضع بحول الله
ختم شود و در بین این فقره حرکت بصوب قیام نماید در اند موضع حول الله اجزای
از ان ذکر شریف اند تنبیه چنانچه در بین تکبیرات ستة افتتاحیه رعایت ادب کرده
باشد بعد از تکبیرة الاحرام خود بلا فاصله ارسال یدین کرده کف دست راست را
زانو بر ران ایمن و چپ از ابهام نوضع بر ران ایسر گذاشته و سر بزیر افکنده و گردن را
اندک مایل بدوش چپ کرده در غایت تذلل و استکانت شروع بقرائت نماید و خضوع
وخشوع رهیه اوضاع وی تا در تلاوت را از مستحبات و ضروریه شمرده موقوف دلی
و زبان از متممات دانند و اگر بکبر سن و عظم جثه و سوء مزاج ثقلی در خود یابد
در حالت رجوع از قیام بقعود و از قعود بقیام بی آنکه صاعد امتکا ساد و کف دستها
در اندو الحال بر زمین گذارد در قعود و قیام اراده راستی که کف دستها روی زانو باشد

استغنا اقرب باد ب بیند پس سلام بهما سوف و چون هر فردی از عباد را در خور
تتبعات و توفیقات تعقیبی خاص و ترتیبی معهود شوق و شعف ضاد فست و
بالاخال در کتب ادعیه ماثور از مفتاح الفلاح و غیر تعقیبات بسیار بعموما و
خصوصها همه نمازها و هر فریضه را علیحده علیحده مذکور شده الغا دران باب خوض بلیغ نا
رفته لکن در تعقیب هیچ فریضه خصوصا صبح و عشا از تسبیح حضرت زهرا علیها السلام غفلت
روا ندارند تسبیح بعد الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک
ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا از تکبیر سر کرده از
حمد بر تسبیح گرایند و اگر چه الله اکبر ۳۴ و الحمد لله ۳۳ و سبحان الله ۳۳
روایت شده نهایت چون این تسبیح مربع یا مثمن خوانده میشود بعضی از کمل بعده
میقات کلیمی هر یک از تکبیر و تحمید و تسبیح را در تعقیبات رسانیده
مجموع از ادرصوت اختصا بکمتر از عدد صور اشکال فلکیه ۴۸ که هر یک
از تکبیرات و تحمیدات و تسبیحات شانزده باشد و اندا شمرند تعقیبات
ماثوره بسیار است و دعوات مرغوبه بیشمار لکن میل صادق و رغبت موافق
بری از کلال و ملال معتبر در اوراد و اذکار بعقیده مرتاضین مبطلات
صلوة مبطل تعقیبات جلوس و خضوع بنحو و سکوت از ما لا یعنی و
توقف در مصلی خاصه در نماز صبح تا طلوع قرص و خواندن مشکوة الانوار
در انوقت از مهمات ارباب حاجات لکن حدیث بکروا بالصدقة وارغبوا فیها
تصدق اول روز در سفر و حضر دافع بلیات و سجده شکر بحصول توفیق
ادای طاعات بروایات بعضی از اصحاب عصمت صلعم از عالم مبالغه در وجوب
و اطلاق … شاید … از مستحبات و بعد آن قرب الجنة قاع صفصف غراسها

سبحان

١٧

سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر تسبیحات اربعه
مدخل بحول لقرا قلش بار در تعقیبات از آیات باهرات حرف السادس
فی تعیین القبلة و استخراج خط السمت از دایرة الهندیة ظل عمود مخروط
مستدیر قایم بر سطح افق را در حین وصول آفتاب بنصف النهار
ظل مقیاس سایه نصف النهار فیء زوال گویند و در ان سطح مستوی
که قاعده مقیاس قایم بود ظل را خط مستقیم ببینند و خط واصل
میان راس مقیاس و سر ظل را قطر ظل خوانند و اینها را اگر مقیاس
موازی سطح افق بود ظل اول و ظل معکوس نامند و اگر قایم بر
آن سطح بود ظل ثانی و مستوی و در طلوع نیر ظل نخستین معدوم پس از
انحادث و تزاید ارتفاع افزون و اگر بسمت الراس رسد نامتناهی گردد و ثانی
بر عکس اول در وصول نیر بافق نامتناهی و تزاید ارتفاع کوتاهی و در سمت الراس
بکلی فانی نماید و از تقدیر ظل بر اجزاء مقیاس ظل اول را اصابع … تا بر
هفت و دوازده قسمت نمایند حصص سبعه را ظل اقدام و اثنی عشریه را ظل اصابع نامند
و در تعیین خط نصف النهار و سمت قبله سطح ارضی را چنان هموار کنند که آب
از اطراف برابر ساکن او در تسویه بکوشند و دست باز زنند و بر منتصف قاعده اش
از تقدیر معینه شاقولی او بزند تا در گردش از ان متساوی الساقین یکسان گردد
پس بر مرکز دایره کبیره صغیره کشند بفلک قاعده مقیاس اگر ارتفاعش ربع قطر بود او را
چنان نصب کنند که قاعده بر دایره صغیره منطبق باید و مدخل و مخرج ظل را نشان کنند اند
قوس را بتعیین علامات تنصیف و از مرکز بمنتصف خط نصف النهار را اخراج نمایند و
عمود بر ان خط اعتدال دانند و دایره مرتسمه مقسوم بار باع متساوی از خطین …

دایرهٔ هندیه خوانند و هر قطعه را بنود جزو متساوی قسمت کرده اند و در تحقیق
سمت قبله که نقطهٔ تقاطع افق بلد و دایرهٔ سمتیه که از سمت الراس مکهٔ معظمه گذرد خطی از
مرکز با آن نقطه کشانند چنانکه در بلدی که طولش با مکه متساوی باشد نقطهٔ جنوب را سمت قبله دانند
اگر عرض بیش از عرض مکه نبود آید الا نقطهٔ شمال و اگر در طول هم موافق نباشند تفاضل طولین را اهر
پانزده درجه ساعتی و کسر را هر یک چهار دقیقه گرفته محفوظ دارند روزی که خور در هشتم جوزا
سرطان باشد از ساعات بعد از زوال اگر طول بلد بیش از طول مکه باشد و الا از ساعات قبل
زوال که در آن ظل مقیاس منطبق بر خط سمت قبله بود کعبه در خلاف جهت ظل نشیند چه طول و عرض مکه
کمتر از طول و عرض بلد باشد انحراف غربی جنوبی بود در بیش شرقی شمالی و اگر طول زاید و عرض
ناقص باشد شرقی جنوبی و عکسش غربی شمالی پس چنانچه رعایت ساعات منطوق نکرده دید بنوع
در آیای که خوب تر باوج بود تفاوت بین الطولین والعرضین را از نقطهٔ شمال و جنوب
و مشرق و مغرب پس و پیش شمرده موضع تقاطع خطین مستقیمین را سمت الراس مکه دانند
و از مرکز دایرهٔ هندیه که قایم مقام بلد است و سمت الراس آن خط مستقیم بنقطهٔ تقاطع
گذرانند و بمحیط رسانیده و آن را سمت قبله دانند مثلا در دار السلطنه تبریز تفضل ما
بین الطولین یه از نقطهٔ شمال و جنوب بطرف مغرب خط کشند و از آن خط نصف
النهار مکه خوانند و بوصل فضل بین العرضین یو از نقطهٔ مشرق و مغرب هم
بجانب مغرب خط مشرق و مغرب اعتدال آن بلدهٔ معظمه نمایند پس از مرکز خطی بموضع
تقاطع تا محیط کشانید آن خط را بمثابهٔ دایرهٔ ارتفاع سمت مکه و قوس واقع از افق
میان نقطهٔ جنوب و طرف آن خط انحراف از آن دانند و در اسطرلاب بعد انحراف از
نقطهٔ شمال یا جنوب بجانب مشرق یا مغرب خط سمت کشیده از سایر اعمال بی نیاز
شوند و در معرفت ابعاد بلاد بعضی از یکی از طول و عرض اگر متفق باشند در جانب

زایده

زایده در طرف دیگر را بغیر آنچه بر ند و در مختلفین هر این مثلثی فرض شود و ضلعش فضل ما
بین الطولین و العرضین معلوم و بر زاویهٔ قایمه بعد بین البلدین که قوس باشد از دایرهٔ عظیما
مثبتا سمت الراس بلد مفروض و مطلوب مجهول بر یعنی ضلعین معلومین را جذر گرفته در جای
درجات از ند بعد دار السلطنه تبریز از مکهٔ معظمه ۷۷۸ فرسنخ و چهار تسع و دو ثلث
تسع اند بسیط زمین از خط استوا و افق آن بلد بچهار ربع دو ظاهر و دو خفی مفروز
کشته طول هر ربعی از شرق بمغرب قف و عرض جنوب بشمال ص و مبدا طول عمارت
اکثری از جزایر خالدات که بمعمورهٔ قدیم مشهور و اکنون در آب و از ساحل بحر مغرب
ی درجه دور واقعست که نهند تا بعد بلاد از آن مبدا در جهت توالی بروج افتد و هند
ختا مبدا شرقی را کنگدز نمودند تا بعد در جهت حرکت اولی کرده و بهر تقدیر از خط استوا
تا سو له دقیقه معظم معموره هفت قسمت شده طول از مغرب بمشرق متفاوت و عرض آن
که نهار اطول نیم ساعت افزاید و مبدا نخستین آنجا که نهار اطول ده و از ده ساعت
و چهل و پنج دقیقه و عرض بلد به لط دقیقه بود و از آن بقعه تا افق استوا و از آخر هفتم که
در آن موضع عرض بلد سه اله دقیقه بود تا سو له تمام میل کلی را بفرط حرارت و برودت و قلت
عمارت و غلبه بداخل اقالیم نگیرند و طول و عرض سایر اوضاع هر یکی از جدول بیند
و موضعی را که طول آن زص و عرض انه افزون بود از ربع شرقی شمالی و مثلثهٔ نارئی
شمرند و آنچه در طول و عرض از آن دو حد کمتر غربی جنوبی هوایی و طول زاید و عرض ناقص
شرقی جنوبی خاکی و عکسش غربی شمالی آبی و بتحقیق در رصد بطلمیوس بازاء هر
درجهٔ فلکی بیست و دو فرسخ و دو تسع از محیط عظیمهٔ کرهٔ ارض محسوب
طول هر فرسخی دوازده هزار ذراع شرعی و ذرعی بیست و چهار
اصبع بدو مستوی و استخراج جذر مربع منوط بمعرفت اعمال حسابی بخنبی

سبعه اقاليم	طول (طرف جنوب)	طول (طرف شمال)	عرض	بلاد ممالك مشهوره از اقاليم سبعه
ل ۱	۳۹۰۲	۳۸۴۸	یج مح	يمن و ختن و سرانديب نوبه و سيلان و پيكو
ی ۲	۲۷۴۸	۳۰۴۸	ك ا	مكهٔ معظمه و مدينهٔ مشرفه و هرموز و دكن بحرين و گجرات و بنكاله
ح ۳	۳۰۴۸	۳۳۳۲	كز	فارس و عراق عرب و شام و مصر و اسكندريه و حلب
س ۴	۳۳۳۲	۳۱۱۴	لا ك	عراق عجم و آذربايجان و خراسان و استراباد و بلخ
ه ۵	۳۱۱۴	۲۹۰۸	له	شيروان و مغان و قراباغ و سمرقند و خوارزم و قونيه
د ۶	۲۹۰۸	۲۷۱۱	مح	قسطنطنيه و چين و كاشغر و قوم و داغستان
ر ۷	۲۷۱۱	۲۵۰۳	مح ند	بلغار و سقلاب و مساكن ياجوج ماجوج

سبعه اقاليم	اطول ساعات مبدا اقاليم	اطول ساعات وسط اقاليم	سعة مشرق صيفي	ظل صيفي	تعديل النهار صيفي
			ل ط	ل ط	ط
ل ۱	س	یح	الد لح	ا ط	ما ه
ی ۲	ح	ح	الد مه	ط ح	لو جه
ح ۳	یه	ید	الو لا	و ح	لح ح
س ۴	یه	ید	مه لح	طح	لح ا
ه ۵	یه	یه	لد مح	لو ح	مط لا
د ۶	یه	یه	لح لد	نط بح	مد قا
ر ۷	یه	یو	لو ل	ه ه	نو سبکند

دايرة الهنديه في تعيين سمت القبلة

نقطهٔ تقاطع مكهٔ معظمه

كنكدز

فضل بين العرضين

جذر مربعين ضلعين

يزب

جزاير خالدات

طول مكه تبريز

عرض مكه تبريز

نقطهٔ جنوب تبريز

خط مشرق مكه

خط مغرب مكه

نقطهٔ مغرب اعتدال تبريز

خط مشرق

خط مغرب

انحراف حقيقي

خط نصف النهار تبريز

فضل بين العرضين

فضل بين الطولين

الحروف	البلاد	طولها	عرضها
	افريقيه	لو ح	الط ح
عح اله شق	فاس قصبه طنجه	لح ٧	لج ح
عطاه شق	قرطبه دار الملك اندلس	لح الو	لد
عح اله شق	نبجه بربر	سه ح	لد
طاله حق	خزى دار الملك حبشه	سه ح	ط ل
	دنقله شهر نوبه	ل م	ىد ل
فح ٤ بق	اسكندريه	سا ند	ل نح
فح لح حق	مصر	سح ك	ل ك
اند شق	صنعا	يح ح	ىد ل
٤٤	مكه معظمه	عز ى	كا م
٤ه مق	طايف	عز ل	كا م
عد ح جق	بحرين	فح ح	اله ه
سلا جق	لحسا	فح ل	اله ى
٤ جق	بيت المقدس	سو ل	لا ه
الده خق	همدان	ىح ح	لد ى
الو له جق	قزوين	نه ل	لو ح
م ٤ جق	اصفهان	قو م	لد اله

الحروف	البلاد	طولها	عرضها
لد ٧ خ	كاشان	فو ح	لد ح
لا نه ع	قم	نه ح	لد ه
اله الو خ	رى	نو ك	لد ح
له ٤ خ	امل	نح ك	لو ه
لو ٤ ع	سارى	نح ح	لو ح
الو ٤ خ	لاهيجان	نه ى	لو ح
لح مح خ	استراباد	فط له	لو ه
م ٤	سمنان	نح ح	لو ح
لح ه خ	دامغان	نح نه	لو ك
مند خ	سبزوار	صا ل	لو ه
موله خ	نيشابور	صه	لو كا
مه و حق	طوس	صد ل	لو ح
٤ه حق	نون	صل	له ل
نلح خ	هرات	صه ك	له ل
ىىله خ	مرو	صر ح	لو م
سه لو خ	بلخ	قا ح	لو ما
مح ى خ	اسفراين	صد ك	لو م

الحروف	البلاد	طولها	عرضها
سد طح خ	بدخشان	قد اله	لو ى
م ٤ مر خ	كركانج دار الملك خوارزم	صد ل	مه ر
مط ٤ خ	بخارا	صر ل	لط ه
ننس خ	سمرقند	صط ر	لط لو
مه ٤ خ	خجند	قه له	ما نه
نح و خ	كاشغر	قو ل	مد ح
نح ل خ	ختن	قز ح	مه ح
عح ل خ	خانبالغ	قكه ح	مق ح
عد ح خ	هرمون	صه ح	اله ح
سنا خ	كرمان	صد ل	الط ه
سح ٤ خ	سيستان	صر ح	له ل
نح ل خ	بست	قه ح	لج ح
نه م خ	ميمند	قا قه	لج ك
ع لو خ	غزنين	قد ك	لج له
	كابل	قد م	لد الو
سو ٤ خ	كيج مكران	صط ح	الج ح
	كجرات	دل	الد ح

الحروف	البلاد	طولها	عرضها
مه لد شق	سومنات	قو ح	ر ح
نح خ	ملتان	قر له	الط م
عه ه ح	قندهار	قر م	لح ح
	لاهور	قط ك	لا ه
عح ٤ شق	قنوج	قه ه	الو له
	بنارس	قيز ك	الو نه
ع س شق	سرانديب	قل ح	ى
سو ٤ شق	تبت	قى ح	م ح
سح مه خ	كشمير	قج ح	له ح
ع ل خ	اكره	قيد ا	الر ح
	دهلى	قح له	الح له
	بيجاور	قه ح	ه ح
عح و حق	طرابلس	سطم	لد م
٤ ر	دمشق	ع ح	لج ه
	بعلبك	ع ه	لج ه
	حمص	ع ه	لد ح
٤ ل حق	انطاكيه	ما لو	لو ل

انحراف	البلاد		
لدا جن	قيسرية	عدح	له ل
لح الطي	حلب	عدمي	له ه
	ملاطية	عاه	لو ح
	رومية كبرى	نه لر	ما ه
	اثينة مدينة الحكماء	سه م	لح
سه جن	قسطنطينية	نطه	مه ح
	عمورية	سد ه	مح ح
ه ا جن	ارزن روم	عز ح	لط م
لو جن	سواس	عام	لط م
له جن	قونية	سو ل	ما ح
مح جن	حران مرجرون	عد ح	لو م
	رقه	عج ه	لو ح
وند جن	موصل	عز ح	لد ل
ی سه جن	اربيل	عو ه	له ح
يحم خج	وان	عط ح	ما ح
نو كر خج	ارومى	عط مه	لو ح
مه لخ	نخجوان	ما مه	لح م

انحراف	البلاد		
لو ی خ	مراغه	مد ح	لو ه
يه م خ	تبريز	مد ح	لح ح
يك خ	اردبيل	مد ح	لح ح
ل ل خ	موغان	مح ح	لح ح
لو ا خ	بردع	مح ح	م ل
مه لخ	كنجه	مح ح	ما ه
مد ما خ	تفليس	لح ح	مد ح
ح ط خ	شماخى	ند ل	م ه
مه ح خ	باب الابواب	نه ح	مح ح
	بادكويه	ند ل	لط ل
	كويا مدينة روس	و ح	مح ح
لط ی خ	بلغار	سه ح	ص ط ل
س خ	بغداد	ف ح	لح ال
ه سه خ	واسط	فا ل	لد ه
لو نط خ	بصره	مد ح	ل ح
له ا خ	شوشتر	ند ل	ل ح
يحم خ	شيراز	لح ح	ال ط ل

حرف السابع فيما قالوا الحكماء العظماء في تأثيرات الروحانيات
وانفعالات عالم الاستحالة من السموات معدن البركات بحكمة الله
صانع المصنوعات ومخترع الماهيات على سبيل التنبيهات
والتصريحات وعلى الفطن اللبيب التحدس من الاشارات ورفع
الشكوك والشبهات بتوفيق الله المعطي الخيرات وفاتح ابواب السعادات
بهداية المحكمات في علوم اليقينيات من الالهيات والطبيعيات و
الرياضيات والصلوة على افضل المخلوقات سيدنا المصطفى محمد
واله خير البريات فاعلم يا بني ايدكم الله تعالى بروح منه ان الحكماء
الالهيين قالوا في تصريحاتهم ان الباري سبحانه جعل عالم الاجسام
قسمين علويا وسفليا لعلل شتى لما فيه من اتقان الصنعة واحكام
الحكمة منها تبصرة للعقلاء ان لله تعالى دارين اثنين احدهما
الدنيا عالم الاستحالة والاخرى عالم الارواح والبقاء كما جعل
في الفلك نيرين وسعدين ونحسين وعقدتين دلالة الى احكام
اهليهما وذلك ان امور الدنيا وحالات ابنائها تبتدي كحال
القمر من نقص الوجود وادون المراتب مرتقية الى اتمها و
اكملها فاذا بلغت الى اقصى مدى غاياتها ومنتهى نهاياتها
اخذت في الانحطاط والنقصان الى الانحلال والاضمحلال
واما امر الاخرة من الثبات والدوام فقد تشبه بحال
الشمس كما ان احد السعدين يدل على سعادة ابناء الدنيا
والاخر على سعادة الاخرة لان الزهرة اذا استولت على

الموالید فانها دلت لهم علی الحسن والبهاء والسرور واللذة
والنعمة والرفاهیة واللهو واللعب والغنی وما تنافس فیه ابناء
الدنیا من هذا القبیل ویعدونها سعادة ولکن بالحقیقة
محنة وشقاوة واما سعد الاکبر اذا استولی فقد دل علی حسن
الاخلاق وتجربة النفس ورغبة الخیر والعمل بالعدل والانصاف
والتمسك بالدین وکثرة العبادة وذکر المعاد والزهد عن
اللذات الفانیة والشهوات المتعبة والنظر فی المنقلب والجد
فی الطلب وهکذا حکم النحسین فان احدهما دلیل محنة ابناء
الدنیا من الفقر والذل والبؤس والهوان والتعب والفناء
والمصائب والاحزان ونوائب الحدثان والاخر علی الشرور من
الفسوق والفجور وقلة الرحمة واهراق الدماء وانتهاك
المحارم والعصیان والحمیة الجاهلیة والسرعة والعجلة
وترك النظر فی العواقب وقلة الورع وانکار امر الدین و
المعاد فمن کانت هذه حالته فی الدنیا فلیس له فی الاخرة نصیب
الا العذاب الالیم واما کون عطارد ممازجا للنجوم تنبیه
علی ان امور الدنیا متعلقة بامور الاخرة وممازجة لها
کما قال علیه السلام الدنیا مزرعة الاخرة وهکذا حکم البروج
المنقلبة یدل علی تقلب امور الدنیا وحالات اهلها والثوابت
علی ثبات امور الاخرة وسرور اهلها وذوات الجسدین علی
ممازجتها واتصال احدهما بالاخر واما کون العقدتین خفیتا

الذات ظاهرتا التأثیرات تدلان علی ان فی العالم جواهر
لطیفة خفیات الذات ظاهرات الافعال والتأثیرات من اجناس
الملائکة وقبائل الجن واحزاب الشیاطین ومن الحکمة فی کسوف
النیرین رفع الشکوك عن قلوب المرتابین   عالم سفلی تابع علوی
واشخاص ارضی منفعل از اجرام فلکی چه نفقدان اخلاء وامتلاء جوهر هوا از
تابش نور و ضیاء کواکب درخشان واتصال این بان وطریان وحدت نمایان
وباستیفاء صور اعیان بر سبیل تجدد وامثال انجو اتصال بان نام ونشان
محیط کرم بادهٔ شوق بر حول مرکز گردان بیشك تعجب فعل وانفعال بینهما
مرتفع از اذهان بتجربة جمال شاهد هر امری که از مطلع اقبال تابد و باع
کمال و برتری شناید و در تشکل فلك بشکل فاضل اتفاق افتد و تثلیث و
تسدیس از سایر انها بر براهین هندسی و طبیعی و نکات تالیفی و عددی
ممتاز و در همه اوضاع لطف حق کارسازنده نوا از تبصرة تاثیر شمس در
علوی و سفلی بس نمایانست و کوته نظران هم غافل و ذاهل نه از انچه علوی
اگر پرده ور کردند از نطاق اعلی با دنی راجع و ضعیف افتند و از ربط سفلی هم
متحیر شوند چه اگر پیش روند چیر زده رجوع باو نمایند و اگر پس مانند در
سرعت بسویش افزایند تلخود را پروانه سان تره در رعب رجعت و تره در استقامت
در هوای وصالش بحرق ساخته بنمود تازه اهنك نوی و خطبهٔ جدید آغاز
و مرکز نذور شان اعلی الدوام مقابل خورداند و بحرکت وی کم و کاست محرکات
فرمایند و تاثر قمر بجملهٔ بحر و بر و شجر و مدر و نبات و حیوان و تجدد موج و جوش
هر روزه و هر ساله ایشان از افتاب جهانتاب باختلاف لیل و نهار و تعاقب

خزان وبهار و تبدل اخلاق واطوار و ظهور طبايع واثار بيش از ان دانند
كه كمين خامه را در ميدان بيان ان در خرام ارند و اثار انوار ما راهم خاصه در مد
وجذر بحار و نمو نقول و ثمار و در بحرانات و قرانات و كاهش وفزايش رطوبات
چون بس ظاهر و باهر بينند از ان و نيرين را در ين عالم موثر اعظم خوانند و اثار
خمسه باقيه را نيز در اكثر موارد براى العين مشاهده وكتب احكام را در شرح
وبسط انها مطالعه نمايند و از ان راه در مقام تحقيق كوبند العقول والشرايع
مطابقة على ان المتولي لتدبير كل نوع وجنس روح سماوي و هذه الارواح
مسماة في لسان الشرع بالملائكة وانما قلنا ان الامر كذلك بحسب العقول
لانه لما ثبت بالدلائل ان المدبر السفلي ارواح عالم العلوي ثم ان المبدأ
الواحد لا يكون مصدرا للاثار مختلفة وجب استناد كل واحد منها الى
روح فلكي اما عند من يقول الواحد لا يصدر عنه الا الواحد فظاهر
واما عند من لا يقول بذلك فلا شك انه ينكر كون المبدأ الواحد تعالى
شانه مصدرا للافعال متضادة من السعادة والنحوسة والذكورة
والانوثة والخير والشر والبرد والحر واما بحسب الشرع لقوله تعالى
والذاريات ذروا فالحاملات وقرا فالجاريات يسرا فالمقسمات امرا
وكذا والنازعات غرقا والناشطات نشطا والسابحات سبحا فالسابقات
سبقا فالمدبرات امرا وكذا والصافات صفا فالزاجرات زجرا فالتاليات
ذكرا وكذا عليها ملائكة غلاظ شداد وكذا نزل به الروح الامين على
قلبك وكذا فارسلنا اليها روحنا فتمثل لها بشرا سويا وايضا فقبضت
قبضة من اثر الرسول وايضا وتوفته رسلنا وهم لا يفرطون وقول

سليمان على نبينا وعليه السلام اشارة باتصال روحه بروح
عطارد علمنا منطق الطير فقد تواترت الاخبار على ان الموكل با
بالسحاب والرعد والبرق ملك وكذا بالارزاق والاجال والبحار
والجبال و اذا ثبت هذا فقد صارت المسئلة في الوفاق بين
الرسل عليهم السلام والحكماء اعلى الله درجاتهم ولما بان لك
ان الالهيين من فلاسفة لما اعتقدوا في الكواكب والافلاك
انها احياء ناطقة مدبرة لعالم الاستحالة واقعة بفعل صانع
مختار وهو الاله الاعظم رب الارباب فاطر السموات وخالق الموجودات
بحيث انه تعالى اودع في كل واحد منها حكمة وقوة مخصوصة
قالوا هنا فاى خلل في جلاله وقدح في كبريائه ان يكون للملك الاعظم
القدوس عبيد مخلوقون بيد قدرته منقادون لتدبيره سائرون بامره
ونهيه ان نفوض لكل واحد منهم تدبير مملكة واقليم وتكميل امر
جسيم ولذا اجتمعوا على ان للعالم صانعا فاطرا حكيما مقدسا عن سمات
الحدثان وهو علة تامة لم يزل واحد وهو واجب الوجود وفائض
الخير والجود لا يتكثر ولا يلحقه صفة الحوادث وقد كلف اهل التميز
من عباده الاقرار بربوبيته واوضح لهم السبيل وبعث رسلا للدلالة
وتبيينا للحجة امرهم ان يدعوا الى رضوانه ويحذروا من عقابه ووعد
المطيع نعيما لا يزول واوعدوا العاصي عذابا بقدر الاستحقاق منقطعا
على مر الدهور فالواجب علينا معرفة الاقرار بالقصور عن الوصول الى
كنه جلاله وانما يتقرب اليه العبد بالمتوسطات المقربين من الروحانيات

والجسمانيين اما الجسمانيون كمعلمنا الاول غاذيمون وهرمس نبيين
حكيمين شيث وادريس على نبينا وعليهما السلام فان دعوة الانبيا
من الرسل كلهم واحدة وسبيلهم مهيع وشرعهم منهل وسننهم
رضية عقلية غير مختلفة لرموا فضائل النفس بقدر الوسع و
الطاقة كقوله تعالى شرع لكم من الدين ما وصى به نوحا والذي
اوحينا اليك وما وصينا به ابرهيم وموسى وعيسى ان اقيموا
الدين ولا تتفرقوا فيه وكما قال هرمس اول ما يجب على المرء الفاضل
بطباعه المحمودة وسجيته المرضية في عاديه المرجوة فيها عاقبة
الحسنة تعظيم الله تعالى وشكره على معرفته وجزيل رحمته ونعمته
و بعد ذلك فللناموس عليه حق الطاعة والاعتراف بمنزلته
و للسلطان عليه حق المناصحة والانقياد و لنفسه حق الاجتهاد
في العلم والعمل ليفتح باب السعادة بالطلب والادب و للاب حق
الرعاية له بالقول والفعل و لخلصائه حق التحلي لهم بالمودة و
المسارعة في قضاء حوائجهم فاذا اعدل فاحكم هذه الاسس لم
يبق عليه الا الكف الاذى عن العامة و بسهولة الخلق حسن
المعاشرة واما الروحانيون فهم المنزهون جوهرا وفعلا وحالة
اما الجوهر كما صدر عن باب مدينة العلم عليه السلام لما سئل
عنه فقال صور عارية عن المواد عالية عن القوة والاستعداد
تجلى فيها فتلألأت وطالعها فاشرقت والقى في هويتها مثاله و
اظهر عنها افعاله وخلق الانسان ذا نفس ناطقة ان زكيها بالعلم

والعمل فقد شابهت جواهر اوائل عللها وان اعتدل مزاجها
وفارقت الاضداد فقد شاركت بها السبع الشداد فقد جبلوا
على الطهارة وفطروا على التقديس والتسبيح لا يعصون الله ما
امرهم ويفعلون ما يؤمرون واما الفعل فهم الاسباب المتوسطون
في الايجاد والاختراع وتصريف الامور والاحوال والتوجيه
الى الكمال المقدر من الحضرة القدسية والى فيض الوارد على
الاشخاص السفلية من جناب الالهية فمنها مدبرات السبعة
السيارة فلكل روحاني هيكل ولكل هيكل فلك و لا شك ان
نسبة الروحانية الى هيكله كنسبة الروح الى الجسد وهو مدبر
فيحصل من تحريكاتهم الانفعالات في طباع الامهات ليظهر من التركيبات
والامتزاجات قوى الروحانيات وصور المجردات في نفوس الحيوان
والنبات و قد يكون التاثيرات كلية صادرة عن روحاني كلي و
قد يكون جزئية صادرة عن جزئي فمع جنس المطر ملك ومع كل
قطرة ملك وهم الذين يسمون في اصطلاح القدماء بارباب الانواع
كذلك القول في جميع اثار العلوية والسفلية ومنها المتوسطات
القوي السائرة في تمام الموجودات لهداية الشايعة في الكائنات
بعناية رب البريات فسبحان الله جاعل الملائكة اولي اجنحة مثنى و
ثلاث ورباع واما الحال فكيف يخفى من الروح والريحان والبهجة و
السرور في جوار رب الارباب طعامهم التسبيح وشرابهم التقديس
وردائهم التهليل ودثارهم التمجيد انسهم بذكر الله وشوقهم الى

الى طاعته فمن قايم ومن راكع ومن ساجد ومن قاعد ومن خاشع
ومن ناظر ومن واله ومن كروبي في نشاة القبض ومن جبروتي في موطن
البسط لا يريدون التبدل والتغير لما فيهم من اللذة في حضرة القدس
لانها ابدعت ابداعا لا من شيء فكلها جوهر واحد على سنخ واحد انوار
محضة وضياء صرفة منزهة عن التضاد والفساد لا يدركها الحس
ولا ينالها البصر يحار لها العقول ولا يحول فيها الفضول ولا شك
ان التقرب والتوسل لا يمكن بهذه الاباء المقدسة الا بتطهير
النفوس عن دنس الشهوات الطبيعية وتهذيب الاخلاق عن العوايق
الهوائية الشهوية والغضبية ليحصل مناسبة ما حتى اذا انسال حاجاتنا
بوسائلهم يشفعون لنا باذن الله الى خالقنا وخالقهم وبارئنا وبارئهم
وهذا التطهير والتهذيب منوط بالاكتساب والرياضة والاستمداد
من جهة التضرع والابتهال بالدعوات واقامة الصلوات وبذل الزكوات
والصدقات والصيام عن المشتهيات والتقرب بالقرابين والتبخر
بالبخورات وانما وصلوا الى معرفة الروحانيات بعد اعتبارهم الجسمانيات
لانه من حيث هو جسم لا فاعل ولا متحرك بل هيولى منفعل قابل للصور
والاعراض وكذلك الاعراض الحالة فيها لا فعل لها الا انها انقص ما لا
منها اذ لا وجود لها الا بتوسط الجسم فلذلك اجتمعوا على ان لكل واحد
من الثابت والسيار قوة روحانية تنبث باذن الباري سبحانه من جرمه و
تسري في جميع العالم من المحيط الى المركز بها يكون الصلاح والقوام
والكمال والتمام وتفصيل الكلام في هذا المرام انه ينبث من جرم الشمس

روحانية الحيوة وتسري في الاركان والمولدات كلها كالحرارة الـ
الغريزية المنبثة من القلب في البدن التي بها يكون الحيوة وصلاح
الجسد وبفنائها وخمودها يتبع الموت والبطلان يسمونها الفلاسفة
هذه القوة وما ينبعها في الكائنات روحانيات الشمس واهل النبوات
اسرافيل ملكا ذا جنود واعوان وهكذا ينبث من جرم كيوان قوة
روحانية سارية في اجزاء العالم كلها بها يكون تماسك الصور
في الهيولى كما ينبث قوة خلط السوداوية من الطحال في تمام البدن و
بها يكون التماسك وجمود الرطوبات وتكون العظام بحيث لولا ذلك
لسال هيولى الجسد في اقرب وقت وهذه القوة معبرة في لسان الشرع
بعزرائيل ملكا ذا جنود كثيرة من منكر ونكير وعلى هذا المنوال تنبث
روحانية النزوع والنهوض وقوة النشاط وطلب الغايات والارتقاء
الى اعلى الدرجات من المريخ ويسميها المليون هذه القوة ملكا ذا جنود
واعوان منهم مالك الغضبان وخزنة النيران كما ينبث من المرارة
قوة الصفراوية الى اطراف البنية المحركة للغضب والحقد والحمية و
ينبث من المشتري قوة الاعتدال لامتزاج الطبايع المتضادة وتاليف
قوى المتنافرة وهي سبب المتولدات وحصول الكائنات كما ينبث من
الكبد رطوبة الدم ليعتدل الاخلاط ويستوي المزاج وينمو الجسد
وينشأ البدن وتطيب الحيوة ويرغد العيش وتانس الارواح وقيل
هذه الروحانيات هي رضوان خازن الجنان ملكا ذا جنود واعوان
وهكذا ينبث من الزهرة روحانية البهجة والبهاء وقوة الشوق

والعشق ورونق الكائنات وزخرف المطبوعات كسريان شهوة الملاذ
من المعدة الى مجارى الحواس التى بها نستلذ المشتهيات ونستطاب النعمات
ونستحسن الزينة والجمال ونريد من اجلها البقاء ونتمنى الوصال وهذه القوة
وما يتبع منها عندهم روحانيات ناهيد عند اصحاب النواميس ملكا
ذا جنود واعوان من حور العين والولدان وهكذا ينبث ونسرى
روحانيات عطارد وبها يكون المعارف والاحساس والخواطر والالهام
والوحى كما نسرى من الدماغ قوى الوهمية والخيالية وما يتبعها
من الذهن والفكر والروية والتميز والفراسة والشعور وهذه ايضا
ملكا كثير الخيل والتبعة من كرام الكاتبين وكرام البررة واما روحانيات
القمر يتنفس ويتوجه فى تمام الاجسام لكن تارة من افق الاعلى نحو عالم
الاستحالة من حالة الاجتماع وتارة منها الى فضاء الافلاك
من وقت الاستقبال وهى القوة المتوسطة بين العالمين وكلمة جامعة
بين الخافقين كما ينبث من الرية قوة التنفس باستنشاق الهواء لترويح
الحرارة الغريزية التى هى مادة الحيوة تارة الى الداخل وتارة الى الخارج
وبها النبض على الدوام فى الانقباض والانبساط ويسمونها هذه القوة
روح القدس جبرئيل الامين ملكا ذا جنود واعوان بها ينزل الملائكة
بالوحى والبركات وبها تصعد الحسنات ومنها المبشرات والمعقبات و
هكذا ينبث قوى الثوابت من معدن الاخيار اعلى فلك الثامن الكرسى
الواسع الى قرار المكين كما نسرى الضوء فى الهواء ولهذه القوى تحفظ صور
الاجناس والانواع وبها القوام والنظام بحكمة الله الملك العلام

واليها

واليها اشار بقوله تعالى وما يعلم جنود ربك الا هو وكذا عز وجل
حكاية عنهم وما منا الا له مقام معلوم وانا لنحن الصافون و
انا لنحن المسبحون ومنهم حملة العرش والكروبيون ولكن الناس
اكثرهم غافلون لا يحسون بتاثيرها ومنافعها ولا يعرفون
بجلالة قدرها ولا يجدون خالقها وباريها على ما يقتضى حكمته
وجوده واحسانه فهم صم بكم عمى فهم لا يعقلون فصل الثالث فى اداب
بعض النوافل كيت وكيفيت سنتى از نمازها نوافل يومى و غير آنها مقيد بتعيين
سور روايات و مصرح نيفر بعدد ركعات و قرآت در اوقات با بركات و مظان
اجابت دعوات در كتب متداوله خاصه اعمال السنه و ساير كتب فقهيه و ادعيه
متبركه بنظر اصحاب اثر غريز رسيده خصوصا فى نسخة الشريفه بمكارم الاخلاق من
تصانيف شيخ الطبرسى عليه الرحمه فى اداب النوافل والادعية الماثوره وغيرها
منها صلوة الاستخاره بانحاء المختلفة الثمانيه و كذا صلوة القرعه و صلوة
قضاء الحوائج المهمه بطرق السته و صلوة الشكر و صلوة العفو و صلوة حديث
النفس بالوساوس الرديه و صلوة الاستغفار والاسترزاق و صلوة الكفايه
و صلوة ازالة الهم والغم و صلوة الفرج و صلوة المكروب بروايتين و صلوة
الاستغاثه بروايات الثلاثه و صلوة دفع الضر والفقر و صلوة الاستعداء
و صلوة الظلامه و صلوة الانتصاف الظالمين بروايتين و صلوة كشف
والفقر بروايتين و صلوة فى المهمات و صلوة اهل المصيبه و صلوة طلب الرزق
و صلوة الوالد بولده بطريقين و صلوة الولد لوالديه بروايتين و صلوة
الغنيه كذلك و صلوة اداء الدين بروايتين و صلوة الجامع و صلوة استجلاب

الرّزق و صلوة قضاء الحاجة برواية الصحيحة و صلوة في الشدايد و صلوة الطلق
و صلوة اخرى في المهمات بروايتين و صلوة طلب الولد و صلوة في حالة الخوف من
الظالم و صلوة الكفاية برواية الاخرى و صلوة حصول الذكا و جودة الحفظ
و صلوة لحفظ القرآن المجيد و صلوة الضالة و كذا نوافل الاخر في باب اداب
المريض و علاجه بعد ذكرها الادعية الماثورة في الامراض المختلفة منها
صلوة للشفا من كل داء و صلوة اخرى لجميع الامراض و صلوة المريض و
صلوة الحمى بروايتين و صلوة للصداع و صلوة لوجع العين و صلوة لوجع
الرقبة و صلوة لوجع الصدر و صلوة للقولنج و صلوة رد الابق و
صلوة في وجع الرجل و صلوة في القوة و صلوة لرد الضالة فانها تصنيف
لطيف و تاليف شريف مبارك يليق ان يجعل الراغب المسعود كل ورق من اوراقه
هيكلا و تعويذا لحصول السعادة و العروج بها الى الدرجات و دفع البليات
ظاهر که اشعار با نهار قبیل افاده مهورات و بهدیت داعی [illegible] ادای [illegible] آنها في فقهها
و على شروطها مبشر [illegible] و از آنچه القا شده [illegible] کشف [illegible]
بیان آن درین جامعه فاتحه کرده و بحمد الله المنان توفیق ادای آنها [illegible]
ضبط نماز [illegible] بمصداق وممّا رزقناهم ينفقون آداب و ارکان آنها مسبوق بمقدمه مقرون الصدق
والصفا [illegible] والتوفيق من الله الفياض الصمد اما المقدمه [illegible] آثار
[illegible] در مقام [illegible] دین [illegible] خصوصا [illegible] مغرب [illegible] تحقیقات
[illegible] بخواهد بود و در شبانه روزی چهار [illegible] آن نماز و عصر [illegible]
[illegible] یعنی ساعات طلوع غروب قرص نیر اعظم و [illegible] نصف النهار [illegible]
[illegible] الصلاة و السلام [illegible]

تندرست [illegible] فرض عینی شمرده اند و نماز [illegible] را [illegible] ترک نتوان کرد [illegible]
سنن سنیه رضوان الله علیهم اجمعین بر خود لازم کرده و برفع [illegible] در [illegible]
در غیر اسفار و حالت [illegible] مؤکد گفته اند از آنجا که تحقیق [illegible]
[illegible] و اسهل طرق اعلام و اخبار در اوقات صوت و [illegible] در وسط بلاد [illegible]
و [illegible] قرار داده [illegible] مردم [illegible] از [illegible] نوم و غفلت [illegible]
و [illegible] گفته اند نهایت چون خلاف [illegible] اطلاع و تعریف [illegible]
کوته [illegible] خصوصا [illegible] و [illegible] ذکر [illegible] تسبیح و نماز در طلوع و غروب و زوال
شمس که [illegible] نماز بامداد و شبانگاه [illegible] شرق و مغرب نقطه اعتدال [illegible] و [illegible]
روزی [illegible] نقطه جنوب [illegible] حقیقی بود و [illegible] تعظیم [illegible] سبعه سیاره و مواقع
مواضع شرف و حظوظ [illegible] آن اوضاع [illegible] خورشید [illegible]
[illegible] گرام یعنی [illegible] ابراهیم [illegible] و علیه السلام [illegible]
و آن اوقات را [illegible] و [illegible] فریضه بامداد را در طلوع فجر [illegible]
پس از غروب قرص و ظهر را بعد از زوال و [illegible] در ثلث آخر شب
مقرر کرده اند و نماز وسطی یعنی عصر را [illegible] سابقه [illegible] شریعت [illegible] و [illegible]
[illegible] عمومی دارد که بعضی از نمازها [illegible] و بعضی [illegible]
[illegible] و [illegible] و اقم الصلوة لدلوك الشمس الى غسق الليل
وقرآن الفجر ان قرآن الفجر كان مشهودا و كذا فسبح بحمد ربك قبل
طلوع الشمس وقبل غروبها ومن آناء الليل واطراف النهار
لعلك ترضى اجمالا و تفصيلا و حدیث مروی از حضرت صادق علیه السلام التطوع
بمنزلة الهدية متى تأتي بها قبلت فقدم منها ما شئت بنيتها وبعدها.

افادهٔ وسعت وقت میفرماید چه درگاه رحمت بی پایان بر متوجهان قبلهٔ
حاجات مدام باز است ساحت فیض اقدس از ردّ و قبول مستحبات ملأ اعلی
بگاه و بیگاه بی نیاز پس مشوش الحال و منکسر البال نگردید اگر اول وقت را
بعذری معروف و مانعی مکشوف ادراک ننمایند کرد تا آخر وقت منتهز فرصت
و نصرت و ادراک فیض انموهبت باشد فانّه رؤوف رحیم کشف الصلوة معراج
المؤمن بتصدیق عرفا از بیّنات است و اشعار بدان جار فیما او جیه و حنیفیه
کریمهٔ خاصه بضبط تکبیرات هر فریضه و نافله از مهمات و عدم ذکر و اجمال
ازان تفصیلا در بعضی کتب حوالهٔ بمعلومات یا از قبیل مسامحات باری مواضع
مختصّ به را پس از تکبیرة الاحرام بعد از حمد و سوره دانند ۲ را پس از
رفع راس از رکوع و ۳ را قبل از قنوت و ۴ را بعد از آن و ۵ را در توجه
بسجود و ۶ را در رفع راس از سجدهٔ اولی و ۷ را در میل بسجدهٔ ثانیه و
۸ را در رفع راس از آن و این بیان مشعر بر آنکه رکعت اولی از فرایض
یومیه را شش و رکعت ثانیه را با بیان قنوت هفت موضع باشد و در هر
موضعی خود تکبیری لازم لکن در رکعت دوم فرایض یومی تکبیر بعد از
قنوت یا تکبیر قبل از رکوع راه اتحاد پوید یعنی کار هر دو کند پس رکعت
اولی از نماز صبح را با سبعهٔ افتتاحیه ۱۳ تکبیر و رکعت ثانیه آن را با آن بعد از
اختتام بعد از سلام ۱۱ و مجموع تکبیرات آن فریضه بعدهٔ ساعات شبانه
روزی یکدوره عرش اعظم ۲۴ باشد و نماز مغرب را ۳۰ و هر یک از
ظهر و عصر و عشا حضری را ۳۶ و مجموع تکبیرات رکعات سبعه عشر
نماز پنجگانهٔ حضری را ۱۲۲ پنج ازان واجب و ۱۰۷ باقی سنن موکده

واکر

و اگر در ضیق وقت و حالت اضطرار از سبعهٔ افتتاحیه بتکبیرة الاحرام
اکتفا نماید صبح را ۱۸ و شام را ۲۴ و هر یک از چهار رکعتی را ۳۰ و
مجموع تکبیرات سبعه عشر حضری را در آنصورت ۱۲۸ خواهد بود و اگر
اربعهٔ خمیسه را هم در فریضه داخل نگرفته از تعقیبات شمارند از احصا
نیز مقرون بحق ۱۰۸ باشد لکن آنچه در بعضی از کتب فقهیه تصریح
بنود و پنج شده ظاهرش آنکه تکبیر توجه بسجود را پس از حمد مذکور
بعد از رفع راس از رکوع ۹۵ نداشته دوگانهٔ صبح را ۱۲ تکبیر و
از آن مغرب را ۱۷ و از آن هر یک از ظهر و عصر و عشا را ۲۲ شمرده باشند
حال آنکه خبر صحیح است که انّه علیهم یکبّر فی کلّ رفع و خفض و معلوم
که دو فعلی که ضدّ هم باشند راه اتحاد نتوانند پیمود خاصه که ذکر
و حمد باشد ایضا اکثر از ادای نماز جمعه بدو قنوت یکی در رکعت اولی قبل از
رکوع و دیگری در رکعت ثانیه بعد از رکوع و نماز عید از دو قیام بدو
قنوت و نماز آیات از چهار سجود و پنج قنوت در دو قیام بده رکوع و
صلوة میت بی رکوع و سجود و قنوت آن رخصت حاصل که اگر در تطوعات
که هدیه و تصریح فرموده اند که کثیر منها ما شئت تکراری در رکوع و
قنوت و یا تفننی در مواضع آنها شود صورت نوافل خارج از نماز بهای مقرره
در شریعت مقدسه نخواهد بود خاصه که از نفوس زکیهٔ نقیه باز او ضاع
شده باشد پس اگر قیامی در بعضی نوافل بدو و سه و چهار رکوع یا قنوت جبر
المتروح از بعضی کمل نقل و صادر شده باشد حمل بر ابداع نکنند خواطر
خورشید مظاهر را بلوث بدگمانی نیالوده و بی رویه و تامل کافی ادا بعضی

از نوافل غیر مشهوره را اگر در کتب متداوله نبینند و نظر نرسیده باشد در نفرمایند
بل توفیق ادای آنها را فیوض غیر متناهی شمرند هدایت حیث صحیح لا صلوة
الا بفاتحة الکتاب قرة العین ارباب یقین است و احیانا سور و آیات بعد از
حمد در نوافل یومیه منوط و مربوط بضیق و سعت وقت و حال و ضبط و
رای و رغبت منتصبان از مصلین است اگر در نوافل یومیه اکتفا بحمد کرده مجال
قرائت سوره و آیه نیابد حرجی لازم نیاید همچنانکه بعضی سور را در رکعت
اولی بعضی فرایض از قبیل و الشمس در یوم الاحد و یوم الاثنین و السماء ذات البروج
در یوم الثلثا و منافقون در یوم الاربعا و اعلی در یوم الخمیس و یوم السبت
و جمعه در جمعه و واقعه و قدر در همه لیالی خصوصیتی بینند توحید را در
رکعت ثانیه اولی دانند و بمضمون آیه کریمه و لا تجهر بصلوتک و لا تخافت
بها و ابتغ بین ذلک سبیلا در پست و بلند قرائت در همه فرایض و سنن توسط
جویند رعایت آداب و اوقات نوافل مزبوره را از شرایط مستحسنه شمرند
الاولی صلوة التهجد چون باخبار صحیحه ائمه علیهم السلم با افاده شامله
اخلاق رضیه اعمال صالحه را باقیات الصالحات را در آیه المال و البنون زینة
الحیوة الدنیا و هم چنین حسنات را در آیه کریمه ان الحسنات یذهبن السیئات
بصلوة لیل تفسیر فرموده اند نماز تهجد را از نوافل موکده دانند و از مبالغه
جناب اقدس نبوی که یا علی علیک بصلوة اللیل و علیک بصلوة اللیل و علیک
بصلوة اللیل در ادراک آن موهبت عظمی غفلت روا ندارند و بعد رکعات
فرایض یومی یعنی ظهر و عصر آن نافله را هم هشت رکعت خوانند بچهار تشهد
و چهار سلام و چون رکعات ثمانیه را عبادات واحده گیرند تکلم بکلام بیهوده را

بعد از هر سلام در بین رکعات و کان نداروا شمرند و در رکعت اولی بعد از
توجه تام ظاهرا و باطنا بقبلة الاسلام مسجد الحرام زاده الله شرفا و
تعظیما و خواندن قبلة معینه در ختم فصول اقامه و پیش از قصد نیت
فریضه و هر گونه نافله که توفیق ادای آن یابند که رب اجعلنی مقیم الصلوة
و من ذریتی ربنا و تقبل دعاء ربنا اغفر لی و لوالدی یوم یقوم الحساب
بتکبیرات سبعه افتتاح کرده بعد که مساعدت وقت یا ضیق مجال باستیفا
قنوت را طول دهند در نوافل قضا یعنی نافله استغفار و استغفار اگر در انصوت
رکعات ثمانیه را بحمد دون السور اکتفا نمایند آیات و دعوات مقرره
در بین تکبیرات سبعه بان نحو که بعد از سر تکبیر جل جلاله و عم نواله
و رفع سلطانه و عظم شانه و بهر برهانه و لا اله غیره گویند پس اعوذ
بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم شهد الله انه لا اله الا هو
و الملائکة و اولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم
له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت ذو العظمة و الجبروت
بیده الخیر ذو الجلال و الاکرام رب العرش العظیم غافر الذنب و قابل
التوب شدید العقاب ذی الطول لا اله الا هو الیه المصیر هو الاول
و الاخر و الظاهر و الباطن و هو بکل شیء علیم لا یدرکه الابصار و لا
یمثله الافکار و هو اللطیف الخبیر و ما لنا من دونه ولی و لا نصیر پس
دو تکبیر دیگر و یا من جوده و سبله کل سائل و کرمه شفیع کل امل یا
هو بالجود موصوف ارحم من هو بالاساءة معروف یا منعم یا مجمل یا محسن
یا مفضل قد اتاک المسیء و قد امرت المحسن ان یتجاوز المسیء و انت المحسن

وانا المسیء فتجاوز عنی بفضلک یا ارحم الراحمین پس تکبیر ششم گوید
و نیت کند و بتکبیرة الاحرام قیام نماید و تبارک اسمه و تعالی شانه و لا
اله الا هو گفته بعد از ان توجه حمد خواند و بعد از حمد در رکعت ثانیه
توحید و در اولی بمضمون عنایت مشحون فاقرؤا ما تیسر من القران از سور
طواله و قصار انچه مقرون برغبت صادق باشد و سایر دعوات و استغفار
و ذکر رکوع و سجود بهمان قرار که مذکور شد بعضی از موفقین لله الحمد
چهار بخش از حصص پنجگانه حرز یمانی را که هر یک مفتتح بمحمد نبیّ علی
الولاء قنوت چهار کانه نوافل تهجد کرده اند و بخش اخر ان کریمه قدسیه را
از اللهم انی اسئلک و اتوسل الیک تا اخر بعد از فراغ رکعات ثمانیه بخشی
در قنوت قعودی و از الهی کیف اصدر عن بابک تا اخر در سجده معروض
بعد از سلام از هر دو رکعتی لا اله الا الله وحده وحده و نصر
عبده و اعز جنده و لا شریک له قوله الحق و له الملک و الحمد و الفخر
و المجد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت ذو العظمة و الجبروت بیده الخیر و
هو علی کل شیء قدیر و حسبی الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر را
تعقیبات اربعه ان نافله و سایر نوافل متبرکه مذکوره در بن جامعه قدسیه
دانند تکبیرات خاتمه در سه اول مکرره باتثلیث و در اخرین بدستور فرایض
چهار و از انجمله رکعات ثمانیه تا ١٥٧ در شمار و ثنائیات سنه اولیه بتشهد
خفیفه و سلام قصیره و چهارمین بتشهد طویله و سلام اکبر زودی اشعار
بان کرده استوار و در طلوع صبح استغفار بدعای شریفه اصبحت بالله
ممتنعا و بعزته محتجبا و باسمائه عائذا من شر الشیطان و السلطان مسترشدا

ومردة

ومردة الانس و الجان یا حنان یا منان الرحمن المستعان و در ظهور فلق
و سطوع شفق الحمد لله الذی اذهب اللیل بقدرته و جاء بالنهار
برحمته و نحن فی عافیته و سلامته و جمیل صنعه و کفایته
قرة العین اولوا الابصار و بعد از تکبیر ششم هم از سبعه افتتاحیه
اگر خواهد که دعا خواند رجوع باداب صلوة قائمه تذکر اللهم
یا ذا الآلاء الفضل علی البریة الی و احصی کل شیء عددا ادرکا
نافلة المغفرة که نافله استغفارش هم گویند بدو قیام و در رکوع و قنوت
و چهار سجود بروضع فریضه بامداد گذارده میشود نهار و فتش قریب بطلوع
صبح صادق است فایضة الاثار لامعة الانوار مفتتح بتکبیرات سبعه
و دعوات ثلاثه و بعد از حمد در رکعت اولی انا بعد و امن الرسول بما
انزل الیه من ربه تا اخر بقره و در رکعت ثانیه ایات سته اواخر ال عمران
از ان فی خلق السموات و الارض الی لا تخلف المیعاد للاخبار قایم مقام
سوره چنانکه استغفار کبیر یعنی استغفر الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم
الحی القیوم عالم الغیب و الشهادة بدیع السموات و الارض مالک الملک
ذو الجلال و الاکرام العلی العظیم الکبیر المتعال عما یقولون
و مما یصفون اذا قضی امرا فانما یقول له کن فیکون فسبحان الذی
بیده ملکوت کل شیء و الیه ترجعون مخصوص مواضع سته متبرکه
معلومه هر رکعتی نوع صحیح بعد از قراءت اواخر بقره از ایه مبارکه امن الرسول
تا اخر سوره بتبدیل کلمات اخره فانصرنا علی القوم الکافرین بیر فانصرنا
انک خیر الناصرین تکبیر گفته برکوع رود و استغفار را در رکوع بدل

ذکر رکوع داند در رفع راس تکبیر راس تکبیر و استغفار باز تکبیر گفته
سجدهٔ ثانیه را همچنان با تمام رساند و دعای قنوت بعد از کلمات فرج اللهم
اهدنا فیمن هدیت وعافنا فیمن عافیت مجالس الصالحین یا ارحم الراحمین
مزبور در سلک دعوات مبارکات و تکبیرات بعد تکبیرات فریضه با ما قبل
۲۴ واستغفارات ۱۲ شش در رکعت اولی و شش در ثانیه و بعد از سلام
نشسته دست بقنوت برداشته بتضرع و زاری باز باستغفار روند
استغفر الله استغفر الله استغفر الله من جمیع ما کره الله قولا و
فعلا وخاطرا وضمیرا و استغفرك اللهم مما قدمت واخرت واسررت
واعلنت وقصدت واخطئت من المعاصی والذنوب والشکوك والظنون
التی لا یعلمها الا انت ولا یطلع علیها سواك ولا یغفرها غیرك
ولا یسعها الا عفوك ولا یمحها الا فضلك ولا ینجی منها الا سعة
رحمتك ولا یکفرها الا تجاوزك یا ستار یا غفار گفته پس بسجده
رفته معروض دارد که ربنا ومولانا قد ورد فی القرآن المجید والفرقان
الحمید الذی لا یاتیه الباطل فی صحیفة المکرمة بل تنزیل من عزیز
الحکیم الحلیم الرشید ومن یعمل سوءا او یظلم نفسه ثم یستغفر الله
یجد الله غفورا رحیما انگاه عارض ایمن را بسجده گاه رسانیده بتضرعا
عرضه دارد که ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذین سبقونا بالایمان
ولا تجعل فی قلوبنا غلا للذین آمنوا ربنا انك رؤف رحیم درالصاق
وجه ایسر اللهم اغفر لنا وارحمنا وعافنا واعف عنا فی الدنیا و
الآخرة انك غفور کریم رؤف رحیم و در ایصال جبهه دیگر باره بسجده گاه

رب

رب اغفر وارحم وتجاوز عما تعلم انك انت الاعز الاجل الاکرم
الثانیة نافلة الاستغفار که نافلة العفو والتجاوزش هم گویند وقتش
بعد از فراغ از نافلهٔ استغفار و قبل از ادای فریضه با مداد از قبای
مفتتح بتکبیرة الاحرام مشتمل بر قرآء آیهٔ توجه و سورهٔ حمد و آیه
رب قد آتیتنی من الملك وعلمتنی من تاویل الاحادیث فاطر السموات
الارض انت ولیی فی الدنیا والآخرة توفنی مسلما والحقنی بالصالحین
بعد از حمد و چهار رکوع و سه قنوت در بین رکوعات و دو سجده و
بیست تکبیر تمام کرده دوازده تکبیر بازاء شش رکوع و سجود و سه
خاصه قنوتها و یکی افتتاحی و چهار بعد از سلام تسبیحات مراتب از
رکوع و سجود عدد داری سبعه یعنی مجموع تسبیحات رکوعات اربعه
تامهٔ ثانیه و از السجدتین مدام شمار مثال فوقنا الارض در همهٔ ۲۸
آفاق مستقیمه و مایله و در رفع راس از هر رکوعی که تکبیر گوید ۱۴ ا
الحمد لله رب العالمین اهل الکبریاء والعظمة واهل الجود و
الجبروت واهل العفو والرحمة واهل التقوی والمغفرة خواند و انگاه
تکبیر قنوت گفته بقنوت رود و در رفع راس از سجدهٔ اولی بعد از تکبیر
استغفر الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الحی القیوم عالم
الغیب والشهادة بدیع السموات والارض مالك الملك ذو الجلال
والاکرام العلی العظیم الذی اذا قضی امرا فانما یقول له کن فیکون
فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء والیه ترجعون و در ثانیه
حمد بعد از تکبیر رب اغفر وارحم وتجاوز عما تعلم انك انت الاعز

الأجلّ الأكرم زنك زدا بخواطر مفتون و از تشهّد صغیره وسلام
خفیفه چون حکم رکعت ثالثه است نظر بمجموع شفع و وتر یعنی
نافلهٔ استغفار واستعفا ان شاهد قدسی مقرون برحمت جناب
اقدس بیچون و در مقام تخصیص نور اشراق قنوت میانین و معالی
الأخلاق اوّلین مواهب الرّحمن سهمین و انّ الله لمع المحسنین
الرّابعة نافلة الکرامة بمضمون مکرمت مقرون که تنفّلوا في ساعة
الغفلة ولو برکعتین خفیفتین فانّهما تورثان دار الکرامة
قیل وما ساعة الغفلة یا رسول الله قال ما بین المغرب والعشاء
ازان نافله کربهه غفلت روا نداشته اند بدو قیام و قنوتی و دو رکوع
و چهار سجود و بیست و چهار تکبیر ان نافله را کذارند آیه فتح وعنده
مفاتح الغیب لا یعلمها الّا هو ویعلم ما في البرّ والبحر وما تسقط
من ورقة الّا یعلمها ولا حبّة في ظلمات الأرض ولا رطب ولا
یابس الّا في کتاب مبین باثر آیه کریمه فسبحان الله عمّا یصفون الّا عباد
الله المخلصین وننزّل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین
فالله خیر حافظا وهو ارحم الرّاحمین در هر دو رکعت بعد الحمد
قایم مقام سوره نماید تهلیل جلیل که لا اله الّا انت سبحانك انّي
کنت من الظّالمین ولا لآئك من الذّاکرین ولنعمائك من الشّاکرین
یا اله العالمین واکرم الأکرمین ویا سرور العارفین ویا رجاء
الآملین ویا دلیل المتحیّرین وغیاث المستغیثین فلا تجعلني
یا ربّ من الخائبین الآیسین در مواضع ستّه هریك از رکعت

اولی

اولی در رکعت ثانیه بدل از ذکر رکوع وسجدتین وحمد و استغفار و دعا
ومجموع تهلیلات رکوعی و سجودی وقیامی و قعودی و قنوتی باسر بعد
از سلام در سجده سواء تهلیل اینکه بهمه عدد عوالم مشهوره ١٨ او در
سجده تعقیب مجموع سیّدي ومولائي قد ورد في القرآن العظیم والقرآن
الکریم الّذي لا یأتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه بل
تنزیل جلیل من حکیم حمید و ذا النّون اذ ذهب مغاضبا الی وکذلك
ننجي المؤمنین فانا عبدك الرّاجي کما هو عبدك الملتجي اهلك بلا
اله الّا انت سبحانك انّي کنت من الظّالمین واسبّحك بلا اله
الّا انت سبحانك انّي کنت من الخاطئین وامجّدك بلا اله الّا انت
سبحانك انّي کنت من الخاسرین ولا لآئك من الذّاکرین ولنعمائك
من الشّاکرین الی غیاث المستغیثین فلا تجعلني من الخائبین الآیسین
درج دهان کوهر بار و تسبیح و تهلیل مقرر در قنوت بهمین قرار یعنی بعلاوه
واضافهٔ دو فقرهٔ دیکر از خاطئین وخاسرین در کار نقص غرض از حمد و
استغفار و دعا مذکور در این نافله و در بعضی دیکر از نوافل متبرکه الحمد
لله ربّ العالمین اهل الکبریاء والعظمة الی انك اهل التقوی والمغفرة
مذکور که بعد از تکبیر رفع رأس از رکوع کفته میشود و استغفار استغفر الله
الّذي لا اله الّا هو الی والیه ترجعون که در میان دو تکبیر رفع و خفض
بین السّجدتین و دعاء ربّ اغفر وارحم وتجاوز عمّا تعلم الی الأکرم
مذکور بعد از تکبیر رفع از سجدهٔ ثانیه رکعت اولی در هر فریضه و بعضی
از نوافل الخامسة نافلة التّسبیح در همهٔ ایّام شریفه ولیالی متبرّکه خصوصا

اقدسك

روز جمعه بعد از دخول مسجد و فراغ از نافله تحیت و قبل از ظهر بشرطی
که اول روز غسل کرده و لباس منزه پوشیده و معطر شده باشد اگر
توفیق رفیق اید سزاوار است که از نافله بچهار قیام و چهار رکوع و دو قنوت
هشت سجود و دو سلام باتمام رسد و تسبیحات اربعه مثلثة بالتکریر
سُبْحانَ اللهِ وَالحَمْدُ للهِ وَلا اِلهَ اِلّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ مدبل بحوقلة
واحده در سیم باره دران نماز که قایم مقام سور بعد از فاتحه و ذکر
رکوع و سجود و حمد و استغفار و دعا بعد از رفع راس سجود و دعا قنوت
و درجات قطر اعظم شمارد و حوقلة میقات با نوضع که در رکعت اولی
از مواضع سبعه و قدر ثانی باضافه قنوت پس مجموع در رکعت
نخستین و حوقلة ان پانزده و بعد از هر سلامی هم تسبیح و حوقله
پنج تعقیبش سورهٔ کهف یا اسری و درحینی که نظرش در جامع بمحراب
افتد بوقار و ادب در برابر محراب بایستاده سلام دهد بر جمله ملائکه و انبیا
و صلحا بان نحو که السَّلامُ عَلی سَیِّدِنا وَنَبِیِّنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّیِّبینَ وَعِتْرَتِهِ
المَعْصُومینَ وَعَلَی المَلائِکَةِ المُقَرَّبینَ وَاُولُوا العَزْمِ مِنَ الاَنْبِیاءِ
وَالمُرْسَلینَ وَعَلَی الاَئِمَّةِ المَهْدِیِّینَ وَالخُلَفاءِ الرّاشِدینَ وَ
الحُکَماءِ المُتَاَلِّهینَ وَالعُرَفاءِ المُحَقِّقینَ وَالعُلَماءِ الرّاسِخینَ
وَالاَوْصِیاءِ المَرْضِیِّینَ وَالشُّهَداءِ الصِّدِّیقینَ وَاَوْلِیاءِ اللهِ
الفائِزینَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ عَلی نَبِیِّنا وَعَلَیْهِمْ اَجْمَعینَ السَّلامُ
عَلَیْنا وَعَلَیْکُمْ وَعَلی عِبادِ اللهِ الصّالِحینَ مِنَ الاَوَّلینَ وَالآخِرینَ
یا مَعاشِرَ المُؤْمِنینَ مِنَ الجِنِّ وَالاِنْسِ وَالرُّوحانِیِّینَ چنان گوید که

خود شنود و هو الاعز الاحد السادسة نافلة الکفایة و قتش
ساعت اخیر روز جمعه اگر زمان سعات قرآن یاری نماید ان نافلهٔ
فاصله را هم از دو قیام و دو قنوت و دو رکوع و چهار سجود که دارند
بان نسق که بعد از فاتحة الکتاب بر تسخیر که اِنَّ رَبَّکُمُ اللهُ الَّذی
خَلَقَ السَّمواتِ وَالاَرْضَ الی رَبُّ العالَمینَ و پس از تسبیح رکوع و
سجود و بعد از تکبیرات آیات کفایات را در شش موضع از هر رکعتی
بدین ترتیب خوانند وَکَفی بِاللهِ وَلِیًّا وَکَفی بِاللهِ وَکیلًا وَکَفی
بِاللهِ سَمیعًا وَکَفی بِاللهِ بَصیرًا وَکَفی بِاللهِ شَهیدًا وَکَفی بِاللهِ
عَلیمًا وَکَفی بِاللهِ حَفیظًا وَکَفی بِاللهِ حَسیبًا وَکَفی بِرَبِّنا هادِیًا
وَنَصیرًا تکبیراتش در رکعت اولی با سبعهٔ افتتاحیه ۱۴ و در ثانیه
باسه بعد از سلام ۱۰ و قنوتش در رکعت اولی کفایهٔ سجادیه و در رکعت
ثانیه سبکی سَیِّدی اِنَّما یَکْتَفِی المُکْتَفُونَ بِفَضْلِ قُوَّتِکَ وَیُعْطِی
المُعْطُونَ مِنْ فَیْضِ جِدَتِکَ وَیَهْتَدِی المُهْتَدُونَ بِنُورِ وَجْهِکَ مَنْ
والَیْتَ لَمْ یَضُرُّهُ خِذْلانُ الخاذِلینَ وَمَنْ اَعْطَیْتَ لَمْ یَنْقُصْهُ
مَنْعُ المانِعینَ وَمَنْ هَدَیْتَ لَمْ یُغْوِهِ اِضْلالُ المُضِلِّینَ فَصَلِّ عَلَی
المُصْطَفَیْنَ مِنْ رُسُلِکَ وَاَغْنِنا عَنْ هِبَةِ الوَهّابینَ بِهِبَتِکَ
وَاکْفِنا وَحْشَةَ القاطِعینَ بِصِلَتِکَ حَتّی لا نَرْغَبَ اِلی اَحَدٍ مَعَ
بَذْلِکَ وَلا نَسْتَوْحِشَ مِنْ اَحَدٍ مَعَ فَضْلِکَ سُبْحانَکَ نَحْنُ عُتَقاءُ
رَحْمَتِکَ وَطُلَقاءُ رَأْفَتِکَ فَاجْعَلْ سَلامَةَ قُلُوبِنا فی ذِکْرِ عَظَمَتِکَ
وَفَراغَ اَبْدانِنا فی شُکْرِ نِعْمَتِکَ وَانْطِلاقَ اَلْسِنَتِنا فی وَصْفِ مِنَّتِکَ

لا اله غیرک و لا رب لی سواک فاحرسنا بغرک من عبادک و اغننا
عن غیرک بارفادک و اسلک بنا سبیل الحق بارشادک و در اخر
تشهد قبل یا بعد لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم فسیکفیکهم
الله و هو السمیع العلیم و تعقیبش سما بو شعی بذ بل بمقالید الجنان
و هو الهادی الکافی المستعان السابعة نافلة التوکل در اوقات
متبرکه زمان سعادت قران بانظار مسعود و اتصالات مقبول ازمنه
وصلاحیت عاداشته باشد ان نافله کامله را هم مفتتح بتکبیرات
سبعه و دعوات اربعه یا ثلثه از دو قیام و چهار قنوت و دو رکوع
و چهار سجود هر رکوع میان دو قنوت ادا نمایند منازل سبعه هم
رکعتی یعنی بعد از قرائت فاتحه قبل از قنوت نخستین و در رکوع و
در رفع راس از ان بارعایت تکبیرات در هر رفع و خفض مشحون به
حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم و کل
شیء هالک الا وجهه الکریم و له الکبریاء فی السموات و الارض
و هو العزیز الحکیم رفیع الدرجات مبدع الماهیات یلقی الروح
من امره علی من یشاء من عباده و هو السمیع العلیم و ان من شیء
الا یسبح بحمده و یقدس لمجده و هو الرؤف الرحیم القوی الغنی
الولی القدیم یختص برحمته من یشاء و یهدی الی صراط مستقیم و قنوتش
اللهم امنن علی بالتوکل علیک و التفویض الیک و الرضاء بقضائک
و التسلیم لامرک حتی لا احب تعجیل ما اخرت و لا تاخیر ما عجلت
و اکفنی کل مؤنة و بلاء یا اله من فی الارض و السماء و یا سامع الدعاء

وغافر

وغافر الخطاء و تعقیبش نفود دابج مصری و هو الباقی و کل شیء
فانی الثامنة نافلة الاجتماع و الاستقبال هر یک از اند و نافله مبارکه
در ایام یا لیالی اجتماع و استقبال بدو قیام و چهار رکوع و دو قنوت
و چهار سجود گذارده میشود مفتتح بتکبیرات سبعه و دعوات ثلثه
بان نحو که بعد از حمد معوذتین ببسمله و احد خوانند و رکوعی کرده
در رفع راس بعد از تکبیر ایه نور خوانند و قنوت و رکوع ثانی کرده
بسجده روند و نیز رکعت دوم هم بدینطور و ایه ملک قایم مقام
ایه نور و قنوت اولی استغاثه ماثوره و ثانوی استغاثه کریمه و تکبیرات
این نافله مبارکه بشمار منازل قمریه و عده اذکار رکوع و سجود مسبوق
مخصوص اللهم لک رکعت و اللهم لک سجدت تا اخر در هر یک از ان
مواضع شریفه بتعداد موالید ثلثه و مجموع انها ساعات یومیه و دعا
بعد از رفع راس از هر سجده رب فاقهر قاهری بعزتک و اوهن مستوهنی
بقدرتک و اقصم ضائمی ببطشک و خذ ظالمی بعدلک و اسبل
علی بسترک و اعذنی بعیاذک من شرار خلقک و تعقیب نخستین مجمره البیضاء
دوم مین غایة القصوی و منه المبدا و الیه المنتهی التاسعة نافلة التحویل
در اول فروردین نوروز عالم افروز وقت ان نافله از طلوع افتاب تا
زوال و در حلول شمس باول درجه بهذا مهیمن متعال از دو قیام و شش
قنوت و چهار رکوع و چهار سجود سابعه شهوران نافله فاضله گذارده
میشود بان وضع که افتتاح بتکبیرات سبعه و دعوات ثلثه یا اربعه کرده
بعد از حمد ایه ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و انت خیر الفاتحین

ببسمله و احد معوذتین با
درین نافله که بعه مصلی بکلمه
اگر خواند بس است و دیگران هم
بنحو بکر دو بعضی از ادعیه ماثوره دعا
وارد شده و او شوق نامه
بسم الله الرحمن الرحیم قل اعوذ برب
الفلق من شر ما خلق و من شر
غاسق اذا وقب و من شر
النفاثات فی العقد و من
شر حاسد اذا حسد
و اعوذ برب الناس الخ

خواند پس تکبیر و قنوتی پس تکبیر و رکوعی پس تکبیر و قنوتی پس تکبیر و رکوعی
پس تکبیر و قنوتی پس تکبیر و سجودی پس تکبیر و دعائی که اشعا بان میشود
پس تکبیر و سجودی پس تکبیر و دعا و قیام و رکعت ثانیه هم بدین نظام
و عدهٔ تکبیرات رکعت اولی باسبعهٔ اولیه ۱۶ و از آن ثانیه باثلثهٔ
بعد از سلام ۱۲ و مجموع نامهٔ ثانیه ۲۸ و ذکر بعد از تکبیر رفع رأس از
هر سجده دعاء ماثوره که اَللّٰهُمَّ اهْدِنِی مِنْ عِنْدِكَ وَاَفِضْ عَلَیَّ مِنْ فَضْلِكَ
وَانْشُرْ عَلَیَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَاَنْزِلْ عَلَیَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ وَاَغْنِنِی بِالْحَلَالِ عَنِ
الْحَرَامِ وَبِفَضْلِكَ عَنِ الْاَنَامِ وَبِشَوْقِ النَّوَافِلِ عَنِ الْاٰثَامِ و بعد از هر
رکوعی اَللّٰهُمَّ اَهْلَ الْكِبْرِیَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَاَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ وَاَهْلَ
الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَاَهْلَ التَّقْوٰی وَالْمَغْفِرَةِ و قنوت اولی کلمات فرج لَا اِلٰهَ
اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِیمُ الْكَرِیمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِینُ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْاَرَضِینَ
السَّبْعِ وَمَا فِیهِنَّ وَمَا بَیْنَهُنَّ وَمَا فَوْقَهُنَّ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ
وَسَلَامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ و ثانیه اَوَّلُ كُلِّ شَیْءٍ وَ
اٰخِرُهُ وَبَدِیعُ كُلِّ شَیْءٍ وَمُنْتَهَاهُ وَعَالِمُ كُلِّ شَیْءٍ وَمَعَادُهُ وَمَصِیرُ كُلِّ شَیْءٍ
وَمَرَدُّهُ مُدَبِّرُ الْاُمُورِ وَمُقَدِّرُ الدُّهُورِ الْعَالِمُ بِمَا تُجِنُّهُ الْبُحُورُ وَ
تُكِنُّهُ الصُّدُورُ وَیُخْفِیهِ الظَّلَامُ وَیُبْدِیهِ النُّورُ و ثالثه عَظِیمُ
الْمَلَكُوتِ شَدِیدُ الْجَبَرُوتِ الْحَیُّ الْقَیُّومُ الدَّائِمُ الَّذِی لَا یَزُولُ وَلَا یَمُوتُ
اِذَا قَضٰی اَمْرًا فَاِنَّمَا یَقُولُ لَهُ كُنْ فَیَكُونُ فَسُبْحَانَ الَّذِی بِیَدِهِ مَلَكُوتُ
كُلِّ شَیْءٍ وَاِلَیْهِ تُرْجَعُونَ و رابعه که قنوت بخشتین رکعت دوم باشد خشعت

لك

لَكَ الْاَصْوَاتُ وَخَضَعَتْ لَكَ الرِّقَابُ وَعَنَتْ لَكَ الْوُجُوهُ وَحَارَتْ
دُونَكَ الْاَبْصَارُ وَضَلَّتْ فِیكَ الْاَفْكَارُ یَا عَزِیزُ الْقَدِیرُ الْكَبِیرُ الْفَعَّالُ
الْمُتَعَالُ و خامسه كَلَّتِ الْاَلْسُنُ عَنْ تَفْسِیرِ صِفَتِكَ وَانْحَسَرَتِ الْعُقُولُ فِی
كُنْهِ مَعْرِفَتِكَ وَالنَّوَاصِی كُلُّهَا بِیَدِكَ وَمَقَادِیرُ الْاُمُورِ كُلُّهَا اِلَیْكَ
لَا یَقْضِی فِیهَا غَیْرُكَ وَلَا یَتِمُّ مِنْهَا شَیْءٌ دُونَكَ و سادسه یا من احاط
بِكُلِّ شَیْءٍ عِلْمُكَ وَقَهَرَ كُلَّ شَیْءٍ عِزُّكَ وَنَفَذَ فِی كُلِّ شَیْءٍ اَمْرُكَ وَقَامَ كُلُّ شَیْءٍ
بِكَ وَذَلَّ كُلُّ شَیْءٍ لِعَظَمَتِكَ وَخَضَعَ كُلُّ شَیْءٍ لِقُدْرَتِكَ وَاسْتَسْلَمَ كُلُّ
شَیْءٍ لِمُلْكِكَ وَحْدَكَ وَحْدَكَ لَا شَرِیكَ لَكَ الْاَرْضُ جَمِیعًا قَبْضَتُكَ
وَالسَّمٰوَاتُ مَطْوِیَّاتٌ بِیَمِینِكَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَیْتَ عَمَّا یَقُولُونَ عُلُوًّا
كَبِیرًا و بعد از سلام یَا مُدَبِّرَ اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ و یَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْ
اَبْصَارِ و یَا مُحَوِّلَ الْاَحْوَالِ وَالْاَطْوَارِ حَوِّلْ حَالَنَا اِلٰی اَحْسَنِ الْاَطْوَارِ
وَالْمَدَارِ ۴ و در سجده بعد از ادای شکر اَللّٰهُمَّ اَنْتَ مَلِكٌ قَدِیمٌ ذُو
فَضْلٍ عَظِیمٍ وَهٰذِهِ سَنَةٌ جَدِیدٌ وَشَهْرٌ جَدِیدٌ اَسْئَلُكَ خَیْرَهَا وَخَیْرَ
مَا فِیهَا وَاَعُوذُ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِیهَا ۵ در قنوت
جلوسی پس از رفع رأس از سجدهٔ شکر قاموس قدرت اسکندری از ثنا
دعوات نظر باختصار کرده ارباب اخیتار و تکرار تسبیحات هر رکوعی و سجودی
درین نافلهٔ فاضله عدهٔ اسطقسات که جملهٔ آنها در هر رکعتی بحد
نور ۱۲ در شمار العاشرة نافلة التهلیل در یوم السبت و هم چنین در غره
و منتصف هر ماهی که خواهند باداء نفلها نمایند بعد از فریضهٔ ظهر یا
عصر افتتاح بتکبیرات سبعه و دعوات اربعه کرده فاتحه خوانده و

سه بار سوره توحید پس مواضع ستّه معیّنه را در رکعت اولی و ثانیه
بتهلیل جلیل که لا اله الا الله وحده وحده انجز وعده ونصر
عبده واعزّ جنده ولا شریک له قوله الحق وله الملک وله الحمد
والفخر والمجد یحیی ویمیت وهو حیّ لا یموت ذو العظمة والجبروت
بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر وحسبی الله ونعم الوکیل نعم
المولی ونعم النصیر و مترتب کرده اند و رکعت ثانیه بقنوتی ارایند
و معالی الاخلاق را در انجا مناسب دانند یعنی سبحانک اللهم و
بحمدک صلّ علی محمد وآله واجعل ما اجری علی لسانی نطقا بالحمد
لک واعترافا فی الثناء علیک وذهابا فی تمجیدک وشکرا لنعمک
واقرارا باحسانک واحصاء لمننک والهمنی التقوی ووفّقنی للتی
هی ازکی واستعملنی بما هو ارضی واسلک بی الطریقة المثلی وعلی
ملتک اموت واحیی ومتّعنی بالاقتصاد واجعلنی من اهل السداد
وادلّة الرشاد وصالحی العباد وامنحنی حسن الارشاد فوز المعاد و
سلامة المرصاد وهب لی نورا اهتدی به فی الظلمات واستضیء به
من الشبهات وتوّجنی بالکفایة وسمنی حسن الولایة وهب لی صدق
الهدایة وحقّق فی رجاء رحمتک املی وسهّل الی بلوغ رضاک سبلی
وحسّن فی جمیع احوالی عملی ولا تجعل عیشی کدّا کدّا ولا تردّ دعائی علیّ
ردّا ردّا فانّی لا اجعل لک ضدّا ولا ادعو معک ندّا ولا اشرک
بک احدا ولن اجد غیر بابک ملتحدا و تکبیرات رکعت اولی را ۱۳ و
ازان ثانیه را با سه بعد از سلام ۱۱ شمارند مجموع عده ساعات لیلی

ونهاری

ونهاری و تعقیبش مناجات سجادی و تسبیحات هر یک از رکوع و سجود
مثلثه بالتکریر بعد ازان تهلیل عدّه موالیه تکوینی حصول توفیق
منوط بلطف جناب اقدس باری الحادی عشر نافلة الفرج والمخرج
در این نافله که روز دو شنبه گذارده میشود تسبیحات اربعه مدکور
در اداب صلوة الحاجة یعنی سبحان المفرّج عن کل محزون الی و
الیه ترجعون در مواضع اربعة عشر قایم مقام سوره و اذکار رکوع
و سجود و حمد و دعا و استغفار و در هر قیام قنوتی از کلمات فرج بعد
از رکوع و از چهار سجده ۲۵ تکبیر تمام عیار و تعقیبش از جناح الفلاح
در مقام استظهار الثانیة عشر نافلة الخوف والامان در شب یا
روز چهار شنبه بدو قیام و چهار رکوع و دو قنوت بین الرکوعین و
چهار سجود گذارند اللهم الامان الامان یا حنّان یا منّان یا
ذا الفضل والاحسان و یا ذا العفو والغفران و یا ذا الکرامة و
الامتنان یا عزیز الدیّان و یا قویّ البرهان یا عظیم السلطان
الرحمن المستعان در مواضع معیّنه هیجده کانه قایم مقام سوره
و ذکر رکوع و سجود و باقی مواقع معهود و قنوتش در قیام نخستین
نصف اول مواهب الرحمن یعنی سبحانک اللهم وبحمدک صلّ علی ملائکتک
وانبیائک وخاصّتک من خلقک واجنبنا عن الالحاد
فی عظمتک واعصمنا من الانکار فی قدرتک ومن الاصرار فی
معصیتک واعتق رقابنا من نقمتک وجوارحنا من سخطک واجعل
لنا نصیبا فی رحمتک وظهیرا من قوّتک وعونا من نصرتک وفرجا

من عندك وادننا الی قربك وکرمنا علیك واحفظنا بك واهدنا
الیك ولا تباعدنا عنك ولا تفضحنا لدیك ربنا ومولینا کد
لنا ولا تکد علینا وامکر لنا ولا تمکر بنا وادل لنا ولا تدل منا
واکفنا حد نوائب الزمان وشر مصائد الشیطان ومرارة صولة
السلطان وحسد الجیران وعداوة الاقران وشماتة الیاس و
الحرمان یا ذا المن والاحسان ویا ذا العفو والغفران ویا ذا الکرم
والامتنان و در قیام دوم بین سبحان القدوس از دعوات مبارکات
بشمار حروف لغت تازی درین نافله تکبیرات و تعقیبش سفینة النجاة
وهو دافع البلیات وقاضی الحاجات الثالثة عشر نافلة الشکر بهمان
عدد روز یکشنبه گذارند مواضع ثمانیه را در هر رکعتی چهار قائما بعد
از قراءت فاتحه وایه و در رکوع و در رفع راس ازان و در قنوت و
چهار قاعدا در سجدتین و رفع راس ازان برباعی قدسی که حمدا لك
رب یجیئنی منك فلاح شکرا لك فی کل مساء وصباح من عندك فتح
کل باب وفتوح افتح لی ابواب فتوح فتاح ارایند وایه رب اوزعنی
ان اشکر نعمتك التی انعمت علی الی عبادك الصالحین بعد از
فاتحه قایم مقام سوره و تکبیراتش را ساعات دورهٔ عرش اعظم دانند
و پس از سلام سجدهٔ شکر گذارند و در رفع راس تعقیبش را زاد الآخرة
گردانند الرابعة عشر نافلة النبوة والابانة بدستور سایر نوافل قدسی شمایل
در یوم الثلثا این نافله گذارد و در هر دو رکعت فاتحه و سورهٔ نصر
خواند و در مواضع اربعة عشر یعنی پس از تکبیرات و اذکار رکوع و سجود

در قنوتین یکی در قیام اول قبل از رکوع و ان دیگر در قیام ثانی بعد
از رکوع آیات مبارکات ربنا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا و
تب علینا و ثبت اقدامنا و کفر عنا سیئاتنا و اتنا ما وعدتنا و عافنا
واعف عنا وانصرنا ولا تخزنا انك انت التواب الرحیم الملك القدوس
العزیز الحکیم و کل معبود من دون العرش الی قرار الفرش باطل غیر
وجهك الکریم فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم را در مقام
تضرع وسیلهٔ انابت و تحفهٔ اجابت گردانند و در تعقیبش تقریر المواهب
فی دفع المکاید ابواب تضرع گشایند و در جملهٔ نوافل باقیه و آتیه در
بین رفع راس از رکوع که بقیام رود تبارك وتعالی رب الملأ الاعلی
چنان خواند که در حین استقامت بلا فاصله تکبیر بر زبان راند الخامسة
عشر نافلة التیسیر قیاس با وضاع امثال قدسیه مال این نافلهٔ قرینهٔ
الاقبال والافضال هم در یوم الخمیس خاصه در عشر اول یا هشتم روز
بدو قیام و در رکوع و در قنوت چهار سجود بر ۲۴ تکبیر ادا میشود عدد
تسبیحات هر یك از رکوع و سجود خمسه دایره و مجموع آنها شمار درجات
برجی از بروج افلاك غالبه و اسما عظام الهی که اللهم یا رب الارباب
و مسبب الاسباب ویا مفتح الابواب و مسهل الصعاب و یا منزل
الکتاب و ملهم الصواب و یا مالك الرقاب و هازم الاحزاب و یا من
عنده حسن الثواب و منه المبدأ والیه المآب وهو سریع الحساب
الکریم التواب در مواضع ثلثه هر رکعتی و پس از تکبیرات رفع راس
از رکوع و سجدتین در مقام احتساب و سورهٔ انشراح در هر قیامی تالی

فاتحة الكتاب ایۀ کریمۀ ربنا لا تزغ قلوبنا الی انك انت الوهاب در
مواضع سته مقدم بر اسماء حسنی فتوتش فتحیه ادبا و هی یا من سمی ذاته
المقدسة من كثرة جوده وعفوه ووفور نعمه وكرمه وهابا
وتوابا وجعل من لطائف صنعه لظهور الاشياء عللا واسبابا
وفتح للراغبين الى جوار رحمته من سعة فضله سبلا وابوابا
ووعد الآملين بجزيل احسانه وجميل رضوانه توابا وغفرانا فعبدك
الفقير وسائلك الحقير ادعوك رهبا ورغبا خوفا وطمعا قائما
وقاعدا راكعا وساجدا ليلا ونهارا سرا وعلانية ان تصلی
علی خیار خلقك محمد واله الطيبين وان تدخلني في زمرة المحسنين
وعبادك المخلصين وان لا تجعلني من الخائبين الآيسين مروی از
ائمه هدی و در تعقیبش اربعین ادریسی مشحون باسماء حسنی فاتح
ابواب مع السادسة عشرة نافلة الاستخاره یا ما یکر قمر از تحت الشعاع و طرفه
محترفه و انظار ردیه دور باشد در خلوتی بحصول جمعیت خواطر و فراغ
بال رو بقبله بر سجاده نشسته و قرآن مجید را مواجهه مقدم بر سجده گاه
گذارد و تکبیرة الاحرام کفته و ایۀ توجه و حمد و ایه وعنده مفاتح
الغيب الى الا في كتاب مبين خوانده و تکبیر کفته رکوعی دیگر و
هم چنین دو سجود و تشهد و سلام و تکبیر و دست بقنوت برداشته
قرآن مجید را بوسیده و بر کف هر دو دست جا داده استفتاح
نمایند بان نحو که اللهم اني توكلت بلطفك العميم وتالفت بكتابك
الكريم القرآن العظيم وافتتحت في هذه الاستخارة بالكف

الابتدآء

الابتداء وبباء البهاء وبجيم الجمال وبدال الديمومة وبغين الغنی
يا الله الذي لا اله الا هو الرحمن الرحيم تمامی اسماء عظام بفصول عشر شمرده شود
ان تصلی علی ملائكتك وانبيائك ورسلك خصوصا علی سيدنا
محمد واله الطاهرين و ان ارني ما هو المكنون في علمك المخزون
في غيبك انك لطيف خبير عليم قدير رؤف رحيم ذو فضل عظيم تعالی
حكيم الهادي الی صراط مستقيم پس رعایت اوایل و اواخر و اواسط روزی که
استخاره میکنند از اول تا آخر وسط قرآن مجید گشایند اگر امر و نهی صریح باشد فبها و الا بعد جلاله
آن صفحه مبارکه که ورق و سطر از یسار شمرده باشند بهر آیه و سطری که منتهی گردد از آن استنباط
احوال نمایند و در امر کوشند و در نهی متقاعد گردند و اگر از محکمات نباشد در فتح الباب از
متشابهات نپسندند ساعتی دیگر از اوایل اوقات گزیده تجربه استخاره کنند و
چنانچه پس از استخاره سیم تغیری نشود ترک آن مهم را دل نهند و در سلوک طریق صبر
در صا سبیل توکل پویند السابعة عشرة نافلة الاشراق قال الله تبارك وتعالی
يسبحن بالعشي والاشراق و كذا سبحان الله حين تمسون وحين
تصبحون وله الحمد في السموات والارض وعشيا وحين تظهرون
ازین چند آیه واضح هدایه در ظهر و وقت اشراق شمس بعد از طلوع غافل نباشند چه راوی گوید
که در مسجد بودم و جناب مقدس امیر المؤمنین علیه السلام متوقف بود که مردی نافله اشراق میگذارد
عرض کردم که یا امیر بگوئید که شما از نافله این وقت نهی کرده اید فرمودند ما انا نهی
عبدا اذا صلی و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نیز از پدر بزرگوار شان نقل فرمایند
که هر گاه اشراق حاجتی بود انتظار ظهر میبردند و قریب آن وقت بمسجد رفته بدعا و نماز قیام مینمودند
رعایت آن دو وقت در همه اوقات شد غرض هر که را میل این نماز بود در یوم الاحد بعد از طلوع شمس

یا قبل از زوال و فسخ ظلال در عین استظهار آن نافله کثیرة الافضال سعیدة الاقبال ثمرة الاعمال

از دو قیام و دو رکوع و چهار سجود و شانزده تکبیره و قنوتی قبل از رکوع در رکعت ثانیه گذارد

بآن وضع و آیین که ابتدا بتکبیرة الاحرام فقط کرده و بعد از حمد آیه النور خوانده تکبیر گفته برکوع رود

و تسبیحات هر یک از رکوع و سجود را بجای آرند و مجموع آنها از شش رکوع عدد از جمله آیات

و شانزده سجود و مجدد در اربعه اسطقسیات شبانروزی شمارند و در رفع راس از رکوع

بین التکبیرتین الحمد لله الذی یفتخر بحمده الحامدون ویهتک بنوره

القاصدون ویرشد فی سبیله السالکون ویعتز ببصره الزاهدون

ویتضرع بعفوه الخاطئون ویؤید من فضله العاملون و

یهرب الیه الخائفون ویتوکل علیه المتوکلون سبحانه وتعالی

عما یصفون وبما یشرکون اذا قضی امرا فانما یقول له کن فیکون

فله الحمد وله الحکم والیه ترجعون کلش خواطر آرایه و در رفع راس از هر سجد

پس از تکبیرات سبحان الله حین تمسون وحین تصبحون وله

الحمد فی السموات والارض وعشیا وحین تظهرون یخرج الحی

من المیت ویخرج المیت من الحی ویحیی الارض بعد موتها وکذلک

تخرجون از سایر اذکار در مقام اختتام دعائی که در قنوت این نافله گذارند اللهم

اجعل فی صلوتی ودعائی برکة بها تطهر قلبی وتؤمن روعی و

تکشف کربی وتغفر ذنبی وتصلح امری وتغنی فقری وتفرج

همی وتشفی سقمی وتقضی دینی وتجمع شملی وتبیض وجهی وما عندک

خیر الی یا ارحم الراحمین مأثور و مروی از علمای کبار و ائمه اطهار استغفار بر

نافله مهجور و تعقیب بعد از تشهد و سلام و عقود بجزور سنه عشر الذی هی حد

وعلّه

وعلّه نور علی نور و پس از سجده جامعه بعد از دعوت اسم اعظم که بشروطها المقرر فی موضعه آن دعا

در قنوت جلوس مذکور سبحانک اللهم وبحمدک تبارک اسمک وتعالی

شانک نور قلبی باللوامع القدسیة والاشراقات الحدسیة

والانوار اللاهوتیة والبصائر الملکوتیة من المعارف الحقائق

والفضائل الانسانیة فی کل علم وعمل حتی یوصلنی الی جوار الرحمة

الالهیة وحضرة الربوبیة الصمدانیة ویعززنی فی عوالم الخلقیة

ویعصمنی عن الآفات النفسیة والبدنیة ویجعلنی من المشتاقین

الیک والسائرین لدیک وینصرنی نصرة اهل الحق والنور والاشراق

یا عزیز الکبیر العظیم الخلاق الثامنة عشر نافلة العجز والامتنان

فی طلب الانجاء والاستغناء در یوم الاثنین نصف اول رجب المرجب

قمر زاید النور شمالی مستعلی سریع السیر از بیت و حد و وجه مسرور و لسعد اکبر

مخطوط از مواقع عز و شرف ناظر و کفخضه قریب بسمت الراس تو خود را

جرید بدامن روی یا فنائی رسانده که جدلش قبلی یا جنوبی بود و تهیه بعضی اسباب

یا جرات اطراف از غبار اکر خواهد و خاتم صغیر الراس و بر سینه کاشف بخود برده در

لازم نباید و آن نافله مبارکه را به شهادت در کنار جویبار از دو قیام دو رکوع و چهار سجود و قنوت قبل

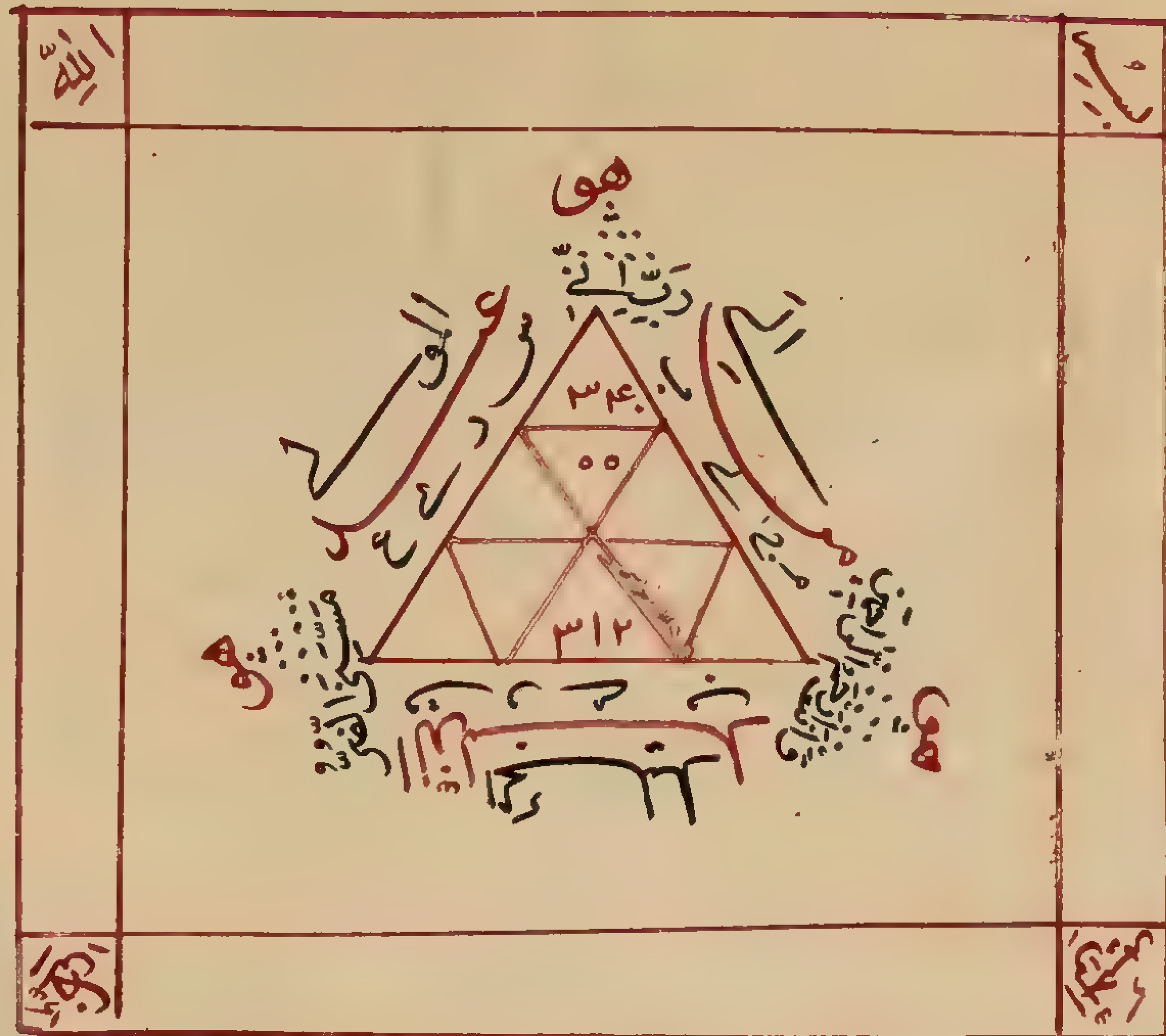
بعد از رکوع ثانی بتقدیم رسانیده که آخرش از هو الله الذی لا اله الا هو

عالم الغیب والشهادة تا وهو العزیز الحکیم بعد از حمد قائم مقام

سوره در رفع راس از رکوع بین التکبیرتین تبارک الذی بیده

الملک وهو علی کل شیء قدیر الذی خلق السموات والارض و

جعل الظلمات والنور وهو العلی الکبیر بدل حمد مقرر در آن موضع



و پس از تکبیر توجه بسجود رود رَبُّنَا الرَّحْمٰنُ الْمُسْتَعَانُ عَلٰى مَا یَصِفُونَ
بین القیام والقعود گفته بسجود رود و تسبیحات هر یک از رکوع و سجود را
بسه کرّت رساند و در رفع راس از سجدهٔ اولی بین التکبیرتین عَالِمُ
الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ رَبُّ الْعَرْشِ تَعَالٰی عَمَّا یُشْرِکُونَ و پس از تکبیر رفع راس
از سجدهٔ ثانیه وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ فِی الْاُولٰی وَالْاٰخِرَةِ وَلَهُ الْحُکْمُ وَاِلَیْهِ تُرْجَعُونَ
مقرر و بعد از سلام از آن دو عریضهٔ مرقومه باین شیخ مسئلوم الفرج
مرقوم در اوقات لایقه در موم کافوری معطر گرفته را کر باخود مهیا داشته
واحد هما را قبل از شروع بنماز در موضع سجده مستور کرده باشد و دیگری را
بفراغ از مسئلهٔ هجائیهٔ مدعوة در قنوت تعویذ بعد از سلام در
آب روان اندازد و بمفتاح توفیق ابواب الجنان را در تعقیبش گشاید بپس از
انحرکت و بعد از معاودت تصدق بسه نفر از مستحقین مسلمین بالازم و

ذروة الشرف از دعوات کامله و خطب فایجه راد رقنوت این نافلهٔ
شریفه از دیگر دعوات مبارکات اولی داند والتأیید من الله الصمد
التاسعة عشرة نافلة المبارکة که در ابتداء مهمات و یا در شروع بمعاملات جلیلهٔ ملکی تعلیمی
و یا در شب زفاف قبل از مقاربت و یا در حالت خرید ضیع و عقار و یا در روزی
که بسفر خیر اثری روانه و یا دخول بیت جدیدی کرده و یا از قبل امیری مطاع بجانب دیگر سفارت
مامور و یا مدعیان معارضه در محکمه تعقیب شده باشد طریقش آنکه بمبارکی ذوق این نافلهٔ
شریفه بشروطها در ساعات احدی السعدین که قمر زاید النور سریع السیر مسرور قوی حال ناظر
از جرم یا موضع باجه سماکه کوکب الغرض محظوظه و طالع مناسب باشد گزارده شود از قیام
بچهار رکوع و چهار سجود و بیست و هشت تکبیر شانزده از آن در رکعت اولی و دوازده در ثانیه
و دو قنوت در دو قیام بین الرکوعین بوضعی که قیام اول را مفتتح بتکبیرات سبعه
دعوات ثلثه کرده بعد بسمله که تَبَارَکَ اسْمُهُ وَتَعَالٰی شَأْنُهُ وَلَا
اِلٰهَ اِلَّا هُوَ مرآیه توجه الحمد خوانده و تکبیر گفته برکوع روند و تسبیح رکوع را سُبْحَانَ
رَبِّیَ الْعَظِیمِ وَبِحَمْدِهِ بعده تامه تحتیس بسته سجده تکرار کنند و در رفع راس تَبَارَکَ
وَتَعَالٰی رَبُّ الْمَلَاِ الْاَعْلٰی که در رفع راس رکوع رکعتین رباعیت دو در رکعت
آخر صلوة مغرب بل لَکَ الْحَمْدُ رَبَّنَا تَبَارَکَ وَتَعَالٰی خوانده تحمید گفته در
استقامت تکبیر و الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ اَهْلَ الْکِبْرِیَاءِ وَالْعَظَمَةِ
وَاَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ وَاَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَاَهْلَ التَّقْوٰی
وَالْمَغْفِرَةِ و تکبیر دیگر گفته بقنوت روند و حالت قنوت را از دعوات مبارکات
ذروة الشرف آرایند و بعد از اتمام تکبیر گفته برکوع ثالث روند و در انضمام ستور
رکوع تحتین تعدلو و تکرار تسبیحات و تکبیرات و حمد را در رفع راس رعایت نمایند

تکبیر نزول بسجود گفته عدهٔ تسبیح سجودی را هم سُبحانَ رَبِّیَ الاَعلی
وَبِحَمدِهِ بهمان نصاب رسانند و اوقات بعد از حمد و واسطهٔ هر دو
تکبیر رفع و خفض بین السجدتین حالة قعود را و هم چنین زمان سکون
بعد از تکبیر رفع از سجدهٔ ثانیه و قبل از قیام را بانوار آیهٔ ما سبر از
آیات مبارکهٔ سته عشر و امثال انها علی سبیل التبرّ ابدیکه رَبَّنا آتِنا مِن
لَدُنكَ رَحمَةً وَهَیِّئ لَنا مِن اَمرِنا رَشَدًا یا رَبِّ اَدخِلنی مُدخَلَ صِدقٍ
وَاَخرِجنی مُخرَجَ صِدقٍ وَاجعَل لی مِن لَدُنكَ سُلطانًا نَصیرًا یا رَبَّنا
هَب لَنا مِن اَزواجِنا وَذُرِّیّاتِنا قُرَّةَ اَعیُنٍ وَاجعَلنا لِلمُتَّقینَ اِمامًا
یا رَبَّنا اَفرِغ عَلَینا صَبرًا وَثَبِّت اَقدامَنا وَانصُرنا عَلَی القَومِ الکافِرینَ
یا رَبَّنا افتَح بَینَنا وَبَینَ قَومِنا بِالحَقِّ وَاَنتَ خَیرُ الفاتِحینَ یا رَبِّ
هَب لی حُکمًا وَاَلحِقنی بِالصّالِحینَ یا رَبِّ لا تَذَرنی فَردًا وَاَنتَ خَیرُ
الوارِثینَ یا رَبَّنا ظَلَمنا اَنفُسَنا وَاِن لَم تَغفِر لَنا وَتَرحَمنا لَنَکونَنَّ
مِنَ الخاسِرینَ یا رَبَّنا لا تَجعَلنا فِتنَةً لِلقَومِ الظّالِمینَ وَنَجِّنا
بِرَحمَتِكَ مِنَ القَومِ الکافِرینَ یا رَبِّ اَنزِلنی مُنزَلًا مُبارَكًا وَاَنتَ
خَیرُ المُنزِلینَ یا رَبَّنا عَلَیكَ تَوَکَّلنا وَاِلَیكَ اَنَبنا وَاِلَیكَ المَصیرُ یا
رَبَّنا اَتمِم لَنا نورَنا وَاغفِر لَنا اِنَّكَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ یا رَبِّ احکُم
بِالحَقِّ وَرَبُّنا الرَّحمنُ المُستَعانُ عَلی ما تَصِفونَ یا رَبَّنا لا تُزِغ
قُلوبَنا بَعدَ اِذ هَدَیتَنا وَهَب لَنا مِن لَدُنكَ رَحمَةً اِنَّكَ اَنتَ الوَهّابُ
یا رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنیا حَسَنَةً وَفِی الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ
یا رَبِّ اشرَح لی صَدری وَیَسِّر لی اَمری وَاحلُل عُقدَةً مِن لِسانی و

وقیام ثانی هم باین نظام تمام تسبیحات رکعات اربعه هم بان شیم و مجموع
حم عدهٔ صور اشکال فلکیه مرصودهٔ اهل تنجیم قنوت ثانی نهایة
المامول و بعد از تشهد طویله و سلام جامعه تعقیبش تعقیبات بن نوافل
لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَحدَهُ وَحدَهُ صَدَقَ وَعدَهُ وَنَصَرَ عَبدَهُ وَاَعَزَّ
جُندَهُ وَلا شَریكَ لَهُ قَولُهُ الحَقُّ وَلَهُ المُلكُ وَلَهُ الحَمدُ وَالفَخرُ وَ
المَجدُ یُحیی وَیُمیتُ وَهُوَ حَیٌّ لا یَموتُ ذُو العَظَمَةِ وَالجَبَروتِ
بِیَدِهِ الخَیرُ وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ وَحَسبِیَ اللهُ وَنِعمَ الوَکیلُ
نِعمَ المَولی وَنِعمَ النَّصیرُ پس بازای توفیق ادای نافلهٔ مبارکه
تکبیر گفته سجدهٔ شکر بتقدیم رسانند تا در رفع راس هم که
تکبیر گویند عدهٔ تکبیرات داخله باد و خارج خبر دهد از میقات
محسنین جناب موسی یعنی ثلثین و اِنَّ اللهَ لَمَعَ المُحسِنینَ العشرات
نافلة الاعتکاف از عبادات شریفه اعتکاف ایام بیض است در یکی
از مساجد در ان روزها صوم صدقه بارباب استحقاق بقدر الوسع
الطاقة از سنن لازمه اگرچه ادای هر یک از نوافل کریمه از نافلهٔ تسبیح
و توکل و غیر انها مناسب این روزها و شبها است نهایت اگر ادای نافلهٔ
مخصوص وجه قصد باشد دوازده رکعت در ان ایام گذارند بانوضع
در هر روزی و هر شبی در اوقات و ساعات لا بقید دو رکعت مفتتح
بتکبیرات سبعه و دعوات ثلثه مابین فریضهٔ بامداد از دو قیام و دو
رکوع و چهار سجود و قنوتی مشتمل بر تکبیرات و اذکار و تسبیحات مفرده هر
قیامی مشحون بفاتحة الکتاب و سه قل هو الله احد و قنوت هر یک کلمات

فرج بانضمام دعوات ماثوره یا ایات مبارکه که مناسب مقصد
ومطلب دانند بتقدیم رسد الاحدی والعشرین نافلة الفراش
جناب مقدس نبوی چون در جامه خواب و بستره را ادا میفرموده‌اند در
هنگامی که میل خواب نمایند و بعد از عشا بفراش و بستر اینده نشسته دو
رکعت نماز کذارند مفتتح تکبیرة الاحرام و ایه توجه قرائت رکعت
اولی فاتحة الکتاب و ایات سبعه و اية الکرسی تا فیها خالدون و
اية شهد الله انه لا اله الا هو تا وهو العزیز الحکیم و اية الملک
قل اللهم مالک الملک الی بغیر حساب و ایه سخره ان ربکم الله الذی
خلق السموات والارض تا تبارک الله رب العالمین و ایه فالله خیر
حافظا وهو ارحم الراحمین و در رکعت ثانیه پس از فاتحة الکتاب
ایات سبعه تعقیبیه یعنی اول سورة والصافات بی بسمله بتقابل نظیرش
یعنی ایة الکرسی تا شهاب ثاقب و ایه یا معشر الجن والانس تا فبای
الاء ربکما تکذبان و ایه لو انزلنا هذا القران علی جبل لرایته
خاشعا متصدعا من خشیة الله تا اخر سوره وهو العزیز الحکیم
و قنوتش در رکعت ثانیه قبل از رکوع استعاذه ماثوره صحیفه کامله
سبحانک اللهم وبحمدک انی اعوذ بک من هیجان الحرص و سورة
الغضب تا اخر که واعذنی من کل ذلک وجمیع المؤمنین والمؤمنات
برحمتک یا ارحم الراحمین الثانیة والعشرین نافلة الاستفتاح اسرع
واحسن اکثر اداب مبارکه استفتاحست و در ایام البیض اشهر الحرم
خاصه در شهر رجب المرجب و من اراد فعلیه بالتزام الشروط المرعیة

فی اداب الدعوات المبارکات من الطهارة والنظافة واستعمال
الطیب و لبس الجدید و قطع العلایق والعزلة عن الخلایق وقیام
الصلوة والصیام وصلة الارحام وتقلیل الطعام والمنام واداء
الزکواة والصدقات علی الایتام وفقراء الاسلام والتوکل و
التوسل التام علی الحی القیوم ذو الجلال والاکرام بمداومة التسبیح
والتحمید والتهلیل والتقدیس من اول الشهر الی منتصفه وختم القران
فی اخر ایام الاعتکاف والاعتصام و چنانچه بعضی از مهمات ضروریه
طاقت و مجال ختم قران مجید در سه روزه ایام البیض نباشد لا بد
در تمامی پانزده روز اول ماه تا منتصف شهر خود باید ختم شود و یوم
الاستفتاح که پانزدهم است قریب بظهر که غسل و تجدید لباس و تعطیر
کرده باشد بعد از ادای فریضه و نافلة ظهر اول وقت نافلة استفتاح
کذارند دو قیام بیست و چهار تکبیر در هر رکعتی حمد یکبار و ایه کریمه
شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة واولوا العلم قائما بالقسط
لا اله الا هو العزیز الحکیم دوازده کرت و یا رب العالمین و ارحم
الراحمین و یا غیاث المستغیثین و مجیب دعوة المضطرین بیست و هشت
بار و فی القنوت بعد الفراغ من الذکر والتکبیر فی الرکعة الثانیة من الماثورات
فی تلو کلمات الفرج ما یناسب مقصده و یزید بها منها و فیها رغبة
و پس از تشهد و سلام و اتمام نافله که فریضه عصر هم بعنایت الله سبحانه
برعایت سنن فاضله کذارش باید و باقی مانده از قرائت خواند و ختم شود
و بخور بعد مناسب سجاده در کار باشد در غایت تذلل و تضرع و تخشع

ودر مقام التخصیص بربع علت مربعه الکفا ثابت یعنی ایه الکرسی یا بقا العلا ازفاتحه الکتاب در هر رکعتی سه مرتبه حی القیوم و اسما مبارکه [illegible]

وبكا وبحضور قلب ورسوخ صدق باجابت مدّعا در مسجد و خلوتی
كه اختيار اعتكاف در او كرده باشد و بقبله متصل بختم قران مجيد
دعا ماثوره خوانند كه صدق الله العظيم الذى لا اله الا هو
الحى القيوم ذو الجلال والاكرام الرحمن الرحيم الذى ليس كمثله
شئ وهو السميع البصير اللطيف الخبير شهد الله انه لا اله الا
هو والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم
ان الدين عند الله الاسلام وبلغت رسله الكرام وانا على ذلك
من الشاهدين اللهم لك الحمد والمجد ولك الفخر والقهر ولك النعمة
والعظمة ولك المهابة والعناية ولك الرحمة والوقاية ولك العز
والسلطان ولك البهاء والامتنان ولك التسبيح والتقديس
ولك التهليل والتكبير ولك ما يرى وما لا يرى ولك ما فوق السموات
العلى وما تحت الثرى والارضون السفلى ولك الاخرة والاولى
وما ترضى به من الحمد والثناء والشكر والنعماء اللهم صل على
جبرئيل امينك على وحيك والقوى على امرك المطاع فى سمواتك
ومحال كراماتك المتحمل لكلماتك الناصر لانبيائك والمدمّر
لاعدائك وصل على ميكائيل ملك رحمتك المخلوق لرافتك المستغفر
المعين لاهل طاعتك وصل على اسرافيل حامل عرشك وصل على
ميكائيل ملك رحمتك المخلوق لرافتك المستغفر المعين لاهل طاعتك
وصل على اسرافيل حامل عرشك وصاحب الصور المنتظر لامرك
الوجل المشفق من خيفتك وصل على عزرائيل قابض ارواح عبادك

وعلى

وعلى حملة عرشك الطاهرين والسفرة الكرام البررة الطيبين و
على ملائكة الجنان وخزنة النيران وملك الموت والاعوان
يا ذا المن والاحسان والعفو والغفران والكرامة والامتنان
والفضل والانعام اللهم صل على ابينا ادم بديع فطرتك الذى
كرمته بسجود ملائكتك وابحته جنتك وعلى امنا حواء المطهرة
من الرجس المصفات من الدنس المفضلة من الانس المترددة بين
محال القدس وصل على هابيل وشيث و ادريس ونوح وهود
وصالح وابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب ويوسف والاسباط
ولوط وشعيب وايوب وموسى وهرون ويوشع وميشى والخضر و
يونس وذى القرنين والياس واليسع وذى الكفل وطالوت وداود
وسليمن وزكريا وشعيى ويحيى وتورخ ومتى وارميا وحيقوق
ودانيال وعزير وعيسى وشمعون وجرجيس وخالد وحنظلة
ولقمان والحواريين والاتباع فى كل عصر وزمان اللهم صل وسلم
على نبينا محمد واله الطاهرين وبارك وترحم عليه وعليهم كما صليت
وترحمت وباركت على ابرهيم وال ابرهيم انك ودود حميد عفور
شهيد ذو العرش المجيد فعال لما يريد اللهم صل على الانبياء و
الاوصياء والحكماء والاولياء والنقباء والسعداء والشهداء والائمة الهدى
وعلى الابدال وعلى الاوتاد والابرار والسياح والعباد والمخلصين و
الزهاد من اهل الجد والاجتهاد واخصص منهم محمدا واهل بيته
بافضل صلواتك واجزل كراماتك وبلغ روحهم وجسدهم منى تحية

كتابخانه آستانه قدس

وسلاما وزده فضلا وشرفا وكرما حتى تبلغه اعلى درجات
اهل الشرف من النبيين والمرسلين والافاضل المقربين اللهم
صل وسلم على من سميت ومن لم اسم من ملائكتك وانبيائك و
رسلك واهل طاعتك والصالحين من عبادك واوصل صلواتى
اليهم والى ارواحهم واجعلهم اخوانى فيك واعوانى على دعائك
فانى استشفع واتوسل واتوجه واتضرع بك اليك وبفضلك
وكرمك وجودك ووجودك وبعفوك ورحمتك الى لطفك وحسن
تدبيرك بل بكل ما سألك به احد من مسئلة شريفة مسموعة
غير مردودة وبما دعوك به من دعوة مستجابة غير مخيبة يا
الله يا رحمن يا رحيم يا احد يا صمد يا فرد يا سند يا حق يا
نور يا حى يا قيوم يا مونس يا موجد يا بر يا وتر يا حامد يا
ماجد يا واحد يا شاهد يا واجد يا راشد يا فاعل يا جاعل يا
قابل يا كامل يا عادل يا فاضل يا غالب يا طالب يا مالك يا واجب يا
باعث يا وارث يا رافع يا نافع يا صانع يا جامع يا دافع يا مانع يا
فاطر يا طاهر يا قاهر يا قادر يا غافر يا ذاكر يا ناصر يا ناظر يا
سالم يا راحم يا اول يا آخر يا باطن يا ظاهر يا عالم يا حاكم يا قائم يا
دائم يا حافظ يا عاصم يا واسع يا فارج يا كاشف يا باسط يا قابض يا
خافض يا ناطق يا صادق يا فالق يا فارق يا فاتق يا سابق يا سامق يا
دليل يا وكيل يا جليل يا جميل يا مقيل يا كفيل يا منيل يا منبل يا
رفيع يا شفيع يا بديع يا منيع يا سريع يا رفيق يا شفيق يا نجيب يا

يا طبيب

كتابخانه آستانه قدس ٤٠٤

طبيب يا حسيب يا رقيب يا منيب يا مهيب يا قريب يا مجيب يا
لطيف يا خبير يا سميع يا بصير يا كبير يا قدير يا مجير يا منير يا
مكين يا معين يا مقيم يا مبين يا حفيظ يا امين يا مبدئ يا معيد يا
حميد يا مجيد يا عفو يا شديد يا ملهم يا رشيد يا محيى يا
مميت يا معطى يا مقيت يا مغنى يا محيط يا منجز يا مغيث يا ملك يا
سبوح يا قدوس يا ودود يا شكور يا رؤف يا صبور يا عطوف يا
غفور يا مؤمن يا مهيمن يا مكون يا ملقن يا مهون يا ممكن يا
مزين يا مصور يا منور يا مدبر يا مقدر يا مبشر يا ميسر يا
مقدم يا مؤخر يا مسهل يا مبدل يا محول يا ممهل يا منزل يا
منول يا مرقب يا مقلب يا مسخر يا مرتب يا مسدد يا مسبب يا
معز يا مذل يا مقتدر يا متكبر يا محسن يا مجمل يا مرشد يا
مرسل يا منعم يا مفضل يا منذر يا مخذل يا خلاق يا رزاق يا
جبار يا ستار يا صبار يا غفار يا بار يا مختار يا وهاب يا
تواب يا فتاح يا فعال يا حنان يا منان يا ديان يا برهان يا
سلطان يا غفران يا سبحان يا مستعان يا رضوان يا سلام يا
جواد يا تام يا بارئ يا كافى يا شافى يا وافى يا هادى يا والى يا
عالى يا واقى يا قاضى يا باقى يا على يا ولى يا بدى يا وفى يا
غنى يا خفى يا زكى يا قوى يا عزيز يا حكيم يا قديم يا عظيم يا
حليم يا كريم يا شهيد يا عليم يا سيد السادات وبديع السموات
يا رفيع الدرجات وكافى المهمات يا منزل البركات ودافع البليات

قاضي الحاجات وماحي السيئات يا غافر الخطيئات وضاعف
الحسنات يا مجيب الدعوات وجامع الشتات وهو رب البريات
ومظهر الخيرات موجد الإنيات ومخترع الماهيات يا من له
العزة والجمال ويا من له القدرة والكمال ويا من له الملك و
الجلال وهو شديد المحال الكبير المتعال يا ذا الحمد والثناء و
الفخر والبهاء يا ذا العهد والوفاء والعفو والرضاء يا ذا العز
والبقاء والجود والسخاء يا ذا المن والعطاء والفضل والقضاء يا
ذا المجد والكبرياء والآلاء والنعماء يا من تواضع كل شيء لعظمته
واستسلم كل شيء لقدرته يا من ذل كل شيء لعزته وخضع كل
شيء لهيبته يا من قامت السموات واستقرت الأرضون بأمره
ويسبح الرعد بحمده والملائكة من خيفته يا رب الأرباب ومفتح
الأبواب يا مالك الرقاب وهازم الأحزاب يا مسبب الأسباب و
ملهم الصواب يا من عنده حسن الثواب منه المبدأ وإليه المآب
يا عدتي في شدتي ويا غوثي عند كربتي يا مونسي عند وحشتي و
يا صاحبي عند غربتي عليك أعتمد ومنك أستعين وإياك
أرجو وبك أستغيث يا رب العالمين ومالك يوم الدين يا غياث
المستغيثين وجار المستجيرين يا أحكم الحاكمين وأسرع الحاسبين
يا سرور العارفين وأنيس الذاكرين يا هادي المضلين ورجاء
المذنبين يا دليل المتحيرين ومجيب دعوة المضطرين يا من هو بكل
شيء عليم وعلى عباده رحيم يا من هو في سلطانه قديم وفي جلاله

عظيم يا من هو في صنعه حكيم وفي ملكه مقيم يا من هو يهدي من
يشاء إلى صراط مستقيم يا من لا يخفى عليه أنباء المتظلمين ولا
يحتاج في قصصهم إلى شهادات الشاهدين يا من قربت نصرته عن
المظلومين وبعدت عونه عن الظالمين ولا يضيع أجر المحسنين
يا من لا يدوم إلا ملكه ولا سلطان إلا سلطانه يا من لا يرجى
إلا فضله ولا سبيل إلا عفوه يا من وسعت كل شيء رحمته
وسبقت رحمته غضبه يا من أحاط بكل شيء علمه ونفذ
في كل شيء قدرته له الملك وله الحمد لا إله إلا هو رب العالمين
وأرحم الراحمين يا من ذكره شرف للذاكرين وشكره فوز للشا
كرين يا من حمده عز للحامدين وبابه مفتوح للطالبين يا
من برهانه واضح للناظرين ورحمته قريب للمحسنين رب
المشرق والمغرب وإليه ترجعون ما في السموات والأرضين
يا ذا النعمة السابغة والرحمة الواسعة يا ذا المنة السابقة
والحكمة البالغة يا ذا القدرة الكاملة والحجة القاطعة يا
ذا العزة الدائمة والكرامة الظاهرة يا سند من لا سند له
ويا عماد من لا عماد له ويا ذخر من لا ذخر له ويا عز من لا
عز له يا فخر من لا فخر له ويا غياث من لا غياث له تبارك اسمه
وتعالى شأنه ولا إله إلا هو يا من لا مفر ولا مفزع إلا
إليه ويا من لا منجا ولا ملجأ منه إلا إليه يا من يقضي ولا
يقضى عليه ليس كمثله شيء ولا يعزب عن علمه شيء يقصد

به المنيبون ويرغب اليه العارفون ويفتخر منه العارفون و
اليه يهرب الخائفون وعليه يتوكل المتوكلون اذا قضى امرا
فانما يقول له كن فيكون يا من عطاؤه شريف واحسانه قديم
يا من فعله لطيف ولطفه عميم يا من وعده صدق وفضله
عظيم وبمن رجاه كريم وبمن عصاه حليم يا منفس الكروب
ومفرج المغمومين يا انيس المريدين وغرة عين العابدين
يا ولي المؤمنين ومفزع الملهوفين يا منجي الهالكين و
اله الاولين والاخرين اياك نعبد واياك نستعين يا من لا
يصرف السوء الا هو ولا يغفر الذنوب الا هو يا من لا يتم
النعمة الا هو ولا يدبر الامور الا هو له مقاليد السموات
والارض يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر انه بكل شيء عليم
يا خالق كل شيء ووارثه واول كل شيء واخره يا منشئ كل
شيء ومقدره ومبدع كل شيء ومنتهيه يا خير ذاكر ومذكور
وشاكر ومشكور يا خير حامد ومحمود وشاهد ومشهود
يا خير مونس وانيس وصاحب وجليس يا خير مقصود ومطلوب
ومرغوب ومحبوب يا هو مقلب القلوب وميسر المطلوب و
غالب غير مغلوب يا من علمه سابق وقضاؤه كائن لا يشغله
شأن عن شأن ولا يحجبه شيء عن شيء خالق كل شيء لا اله
الا هو فانى يؤفكون يا من لا تحصي العقول نعمه ولا تنال
الاوهام كنهه يا من لا تدرك الافهام جلاله ولا عطاء

الا عطاؤه يا من احسن كل شيء خلقه واليه يرجع كله يحق الحق الامر
بكلماته ويقبل التوبة عن عباده وهو الغفور الودود الواجب
الوجود ومعطي الخير والجود يا من لا معقب لحكمه ولا راد لقضائه
والسموات مطويات بيمينه ولا ينفع الشفاعة الا باذنه يا
دائم البقاء ويا واسع العطاء يا قاهر الاعداء وناصر الاولياء
يا غافر الخطاء ومعين الضعفاء يا حسن البلاء وجميل الثناء
يا كثير الوفاء وشريف الجزاء تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك
ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير انك على
يا من جعل الارض مهادا والجبال اوتادا يا من جعل الشمس سراجا
والقمر نورا يا من جعل الليل لباسا والنهار معاشا يا ذا العرش
المجيد والقول السديد يا ذا الفعل الرشيد والبطش الشديد
وهو ولي الحميد الفعال لما يريد يا من علا فقهر وملك فقدر
يا من بطن فخبر وعبد فشكر لا يدركه بصر ولا يخفى عليه اثر يا
انس كل مستوحش غريب وفرج كل مكروب كئيب و يا غوث كل مخذول
فريد وعضد كل محتاج طريد و هو اقرب الى عباده من حبل الوريد
يا من خلق فسوى وقدر فهدى يا من خلق الزوجين الذكر والانثى يا
من علا فاستعلى فكان بالمنظر الاعلى يا من قرب فدنى وبعد فنأى
وله المثل الاعلى والصفات العليا والايات الكبرى رب السموات و
الارض وما بينهما وما تحت الثرى وان تجهر بالقول فانه يعلم السر
واخفى الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى مرسل الرياح فالق

الأصباح باعث الأرواح ذا الجود والسماح منه التدبير وعنه
التقدير وله المقادير والعسير بلطفه سهل يسير نعم المولى و
نعم النصير الهي وسيدي صل على محمد وآله وارحم ذلي وانفرادي
وفقري وفاقتي وخضوعي وخشوعي بين يديك واعتمادي وتوكلي
عليك وتضرعي وتفزعي اليك فاني ادعوك دعاء الخاضع الخاشع
الجايع الذليل الفقير الخائف البائس العائذ المشفق الوجل الحقير
المقر بذنبه المستغفر من خطيئته الذي اسلمته ثقته ورفضته
احبته وعظمت رجيعته حزين حريق غريق غريب عليل ضعيف معيوب
ملهوف مسكين مهين بربه مستجير بانك سميع بصير لطيف
خبير ملك نصير وعلى ما يشاء قدير فبحرمة الشهر الحرام والنور
والظلام والآيات العظام والملائكة الكرام والانبياء عليهم
التحية والسلام يا من وهب لآدم شيث ورفع مكان ادريس وبشر
ابرهيم باسمعيل ومن ورائه باسحق نبيا من الصالحين وفضلت
ذريتهما على العالمين يا من رد يوسف على يعقوب وكشف بعد
البلاء ضر ايوب يا راد موسى على امه وزايد الخضر في علمه ونجى
ذا النون من كربه يا من وهب لداود سليمن ولزكريا يحيى ولمريم
عيسى ربنا وسيدنا ومولانا مجرني من عذابك وعقابك وتوجه
لي رضوانك وامانك واحسانك وغفرانك وعزني بفتح الابواب و
تليين الصعاب وتسهيل العسير ورد كيد الصغير والكبير وكف شر العدو
الباغي الحاسد اللعين حتى لا يبقى عايق يحول بيني وبين اخواني واولادي

حاجاتي

وحاجاتي وطاغاتي يا من الجم الفراعنة المتمردين وقهر عتاة الشياطين
واذل رقاب المتجبرين واردّ كيد الحاسدين واعصم شر السلاطين
عن المستضعفين يا ارحم الراحمين وامان الخائفين ثم تسجد
تذللا وتقول في السجود وامان الخائفين اللهم لك سجدت وبك آمنت
ولك اسلمت وعليك توكلت وانت ربي فارحم ذلي وفقري وفاقتي
واجتهادي وتضرعي ومسكنتي وفقري اليك يا رب الثالثة والعشرين
نافلة قضاء الحاجة در اكثر كتب شريفه مؤلفه در آداب سنن مأثوره ودعوات
مرغوبه دعا ونماز قضاء حاجت بانحاء مختلفه مذكور است ودر اين
جامعه قدسيه ما الهمني الله المهيمن العلام منظور طبع نفس آنكه در
روز يكه انظار مسعوده واوقات لايقه مبشر اجابت تواند بود قريب
بظهر متوجه كردند بمسجدي از مساجد بلد وبوصول بيت الله قبل
از دخول بحضور قلب خوانند اللهم اليك قصدت وببابك وقفت
وبجنابك التجأت واليك توسلت وباصفيائك استشفعت فاقض
حاجتي ونفس كربتي وفرج غمي واكشف همي انك على كل شيء قدير
واجابة دعوة المضطرين لديك غير عسير و بعد از دخول وفراغ
از فريضه ونوافل ظهر نافله قضاى حاجت كذارند وقيام بدو ركوع
و چهار سجود و تكبيرات سبعه افتتاحيه و ما بقى باداب مرعيه در ساير
نوافل مبارك كه قراءتش در هر ركعتى بعد الحمد آية الكرسي سه بار و
سورة اخلاص سه بار و در قنوت منتهى المطلب زاد عبيد صحيفه كامله
خوانند و بعد از فراغ از سلام وتعقيب كه بسجود روند در عرض ملا...

خوانند سیدی و مولای انک قلت فی القرآن العظیم وکتابک
الکریم وایوب اذ نادی ربه ربی انی مسنی الضر وانت ارحم
الراحمین فاستجبت له وکشفت ما به من ضر وآتیته اهله
ومثلهم معهم رحمة من عندک وذکری للعالمین ونوحا اذ دعا
ربه انی مغلوب فانتصر ففتحت له من نصرک ابواب السماء بماء
منهمر وفجرت الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر وحملته علی
ذات الواح ودسر فبک استغیث یا رب انی مغلوب فانتصر پس در نهایت
تذلل روی ایمن بسجده گاه رساند که سیدی سیدی کم وجدت یتیما
فآویته وعائلا فاغنیته وضالا فهدیته ومقهورا فایدته
مظلوما فانصرته وذلیلا اعززته ومحزونا مضطرا شددت
ازره وکشفت ما به من غم وهم فکفی علمک عن المقال وکفی کرمک
عن السؤال یا اله العالمین وامان الخائفین ویا دلیل المتحیرین
ویا غیاث المستغیثین پس خد ایسر را گوید مولای مولای انا عبدک
وابن عبدک ناصیتی بیدک ماض فی حکمک عدل فی قضاؤک
اسئلک واسترته من خلقک واستاثرت به مفاتیح غیبک ان لا
تردنی خائبا انک سمیع الدعاء قریب مجیب و در رفع رأس در موضع
قعود تضرعا وتخشعا تسبیح آغاز نهد بروج ملکیه و شهور عرشیه که سبحان
المفرج عن کل محزون سبحان المنفس عن کل مسجون سبحان من
جعل خزائن ملکه بین الکاف والنون اذا قضی امرا فانما یقول
له کن فیکون فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء والیه ترجعون

در

پس از تسبیح مبارکه بعدد مبدأ اعداد زاید نشسته یا ایستاده
و سر بلند و شرافکنده چون بنا مسکینا ابتدا خوانند که اللهم انه
لیس فی السموات دورات ولا فی الارض عمارات ولا فی البحار
قطرات ولا فی الجبال مدرات ولا فی الشجر ورقات ولا فی الاجسام
حرکات ولا فی العیون لحظات ولا فی النفوس خطرات الا وهی
بک عارفات ولک شاهدات وعلیک دالات وعلی جمالک
والهات ومن جلالک خاشعات وعن سطواتک خاضعات و
بید قدرتک قبضات وفی ملکک مسخرات فاسئلک بالحکمة
التی احکمت وبالقدرة التی قدرت وبالرحمة التی وسعت
وبالرأفة التی حننت وبالعزة التی عززت وبالهیبة التی سخرت
وملکت وقهرت بها جمیع المخلوقات من اهل الارضین و
السموات ان تسخر لی الملک والملکوت وعززنی بالعظمة و
الجبروت وملکنی قلوب المخلوقات ورقاب الموجودات یا قاضی
الحاجات وکافی المهمات ویا رافع الدرجات ودافع البلیات
و بعد از قنوت دیگر باره تکبیر گفته بسجده رود و اصحاب عصمت را
صلوات الله و سلامه علی نبینا و علیهم باین عبارات وسیله
اجابت سازد اسئلک اللهم بحق الحسین واخیه وجده وابیه
وامه وبنیه وشیعته وموالیه ان تصلی علی محمد وآله وان
لا تردنی خائبا الرابعة والعشرین نافلة الزوج فی التحیة
در مشاهد متبرکه از روضات عالیات انبیا واوصیا الائمة

المعصومین والاولیاء الوارثین صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین
بعد از فراغ از اداب زیارت بترویح روح مطهر ایشان در ورود
مساجد جامعه بنیت تحیت مسجد مقدسه دو رکعت نماز کذارند
هر رکعتی مشفوع بفاتحة الکتاب و سه قل هو الله احد در قنوت
نخستین رکعت اللهم صل علی محمد واله واغفر للمؤمنین والمؤمنات
والمسلمین والمسلمات الاحیاء منهم والاموات تابع بیننا وبینهم
بالخیرات انک مجیب الدعوات ورافع الدرجات یا غافر الخطیئات
وماحی السیئات ودر دومین رب اغفر لی ولوالدی ولجمیع المؤمنین
والمؤمنات یوم یقوم الحساب منظور نظر اولوا الالباب و بطی
اطناب ختم این باب کفصل الخطاب در شرح اداب سجدات خمسه
مقرون بصواب و نخست انها سجده شکر است بازای هر نعمتی و موهبتی
که از پروردکار عالمیان در اشکار و نهان عاید بندکان کردد و
چون اعظم عطایا توفیق طاعت قیام بعبادت است لهذا ائمه سلف
و فقهاء خلف رضوان الله علیهم بعد از فراغ از اوراد و تعقیبات
فرایض یومیه خاصه در نماز بامداد و عشا این سجده را سنت موکد
خوانند و پس از انکه خود را بر زمین چسبانند نخست جبهه را بسجده کاه
رسانند و وجه ایمن و وجه ایسر و در هر موقعی از مواقع ثلثه الحمد
لله الشکر لله بزبان رانند و دل را یار او کردانند بعدد مبدا
اعداد زاید و در اخر همه که این شمار در سه موضع بمیزان مجذور
سه ۳۲ کفته شود و جبهه را در عود باز بسجده کاه رسانند خاتمه

انجمله را

انجمله را الحمد لله رب العالمین حمدا کثیرا و شکرا کثیرا کما هو
اهله ومستحقه وکما ینبغی لکرم وجهه وعز جلاله کردانند
دیکر سجده تعظیم مقرر در تلاوت و قراءت که فقهاء عامه
و خاصه را در مواضع و عدد انها اختلافست لکن علمای فرقه
ناجیه امامیه رضوان الله علیهم از پانزده سجده چهار از آنرا واجب
دانند هم بر قاری و هم بر مستمع و ما بقی سنت و مقرون بقربت
ذکرش در همه یکسان لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله
ایمانا و تصدیقا لا اله الا الله عبودیة و رقا سجدت لک
یا رب تعبدا و رقا و دیکر سجده سهو که بشورش خاطر در ایام
شباب و بضعف قوی از کهولت در فرایض و سنن بسیار افتد و
بعد از اتمام آن نماز که تدارک نقص و شک بنحوی که در کتب فقهیه
ذکر شده کرده باشند دو سجده سهو بتقدیم رسانند با نوضع
تکبیر کفته بسجده روند و سبحان الله والحمد لله ولا اله الا
الله والله اکبر و لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم و
الصلوة والسلام علی ملائکته وانبیائه ورسله اجمعین خصوصا
علی سیدنا ونبینا محمد واله المعصومین الطیبین الطاهرین
خوانند و در رفع راس باز تکبیر و ربنا اغفر وارحم وتجاوز عما
تعلم انک انت الاعز الاجل الاکرم و سجده ثانیه را همچنان
بتقدیم رسانند و پس از تکبیر رفع راس از سجده ثانیه هر دو دست
بقنوت برداشته ایة سهوا از اخر سوره مبارکه بقره خوانند که

ربنا لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطأنا ربنا ولا تحمل علينا اصرا
كما حملته على الذين من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به
واعف عنا وارحمنا انك ارحم الراحمين وسلام على المرسلين
والحمد لله رب العالمين دیگر سجدهٔ عفو ومقامش بعد از نافلهٔ
استعفا است پس هر خطائی وگناهی که عمدا یا غضبا وخطا سرزده
باشد که در معذرت بوئی وسلوک طریق ندامت وانابت جوئی
بسجده روند و پیشانی را بسجده گاه رسانند و بزبان عجز ونیاز معروض دارند
که سبحانك اللهم عفوك اعظم من الذنوب وغفرانك ستار العيوب
ولقد سبقت رحمتك غضبك وازمة الامور في قبضتك و
المقادير مرهونة بقضائك وقدرك والنواصي كلها بيدك
ولا حول ولا قوة الا بك ومنك فاعف عني وترحم على زلتي
وعجلتي وسهوي وخطيئتي وقلة صبري وكثرة ضعفي وخشوعي
بين يديك وباعتمادي في تضرعي واستكانتي اليك يا ارحم الراحمين
واله العالمين و در الصاق خد ایمن اللهم ارحم من اساء واعترف
واستكان واقترف و در الصاق خد ایسر همچنین پس دیگر باره جبهه
بسجده گاه ارد و در تقریر العفو العفو العفو العفو العفو
العفو العفو یا عفو یا رحیم یا عفو یا کریم یا عفو یا حلیم
یا عفو یا عظیم یا عفو یا علیم یا عفو یا حکیم یا عفو یا قدیم
و تا توانند دیده را اشکبار کردانند و در سجدهٔ جامعه پس از الصاق
جبهه بسجده گاه که سینه وبطن هم بوضع معهود در سجدهٔ شکر

تسطیح پذیرفته باشد بعدهٔ روح سماوی الحمد لله الشكر لله
خواند مشکبه اش حمدا کثیرا وشکرا کثیرا وشكرا كثيرا
كما هو اهله ومستحقه وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله
و انگاه عارض ایمن را و الامان الامان یا حنان یا منان یا ذا
الفضل والاحسان ویا ذا العفو والغفران ویا ذا الكرامة و
الامتنان یا عزیز الدیان یا عظیم السلطان یا قوی البرهان
الرحمن المستعان پس ایسر را و اللهم ارحم من اساء واعترف واستكان
واقترف یا عفو یا رحیم یا عفو یا حلیم یا عفو یا کریم الی اخرها
که یا عفو یا قدیم پس دیگر باره جبهه را بسجده گاه رساند به همان
عدهٔ العفو العفو و دررفع راس هر دو دست بقنوت برداشته اما
مقنبه مبارکه ربنا اغفر لنا ذنوبنا واسرافنا في امرنا الى الملك
القدوس العزيز الحكيم بعجز وانکسار وسبیله اوفار واستغفار
و هو الستار الغفار و هذه اخر النخب المستنبطة من مشكوة
ابن ابي العقيل من فقهاء القدماء الامامية في اداب السنن
المروية والنوافل المتفرقة عليه وعليهم من الله الجليل اجر
الجزيل والله يقول الحق وهو يهدي الى سواء السبيل الحرف التاسع
في طريق الزيارات اداب زیارات در کتب مزارات وسایر دعوات متداوله
بانحاء لطیفه وانشاء شریفه مذکور است واشعار باقل ما لا بد ازان
جامعه منظور وخلاصه اش انکه بعد از حصول توفیق اسباب ان مفصل
استاد تقبیل عتبهٔ علیا که نظر بر ضریح مقدس افتد در غایت ادب و

فروتنی در آستان قدسی نشان ایستاده چهار تکبیر و تشهد گوید
و صلوات فرستد که الله اکبر الله اکبر الله اکبر الله اکبر اشهد ان
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له الها واحدا صمدا احدا
فردا وترا حیا قیوما قدوسا لم یتخذ صاحبة ولا ولدا
سبحانه وتعالی عما یقولون علوا کبیرا انسبح له السموات
السبع والارض ومن فیهن وان من شیء الا یسبح بحمده
ویقدس لمجده انه کان حکیما غفورا و اشهد ان محمدا عبده
ورسوله ارسله بالهدی ودین الحق لیظهره علی الدین ولو کله
المشرکون اللهم صل علی الملائکة المقربین واولوا العزم
من الانبیاء والمرسلین خصوصا علی سیدنا ونبینا محمد
وآله الطیبین وبارک وسلم وترحم علیه وعلی آله افضل
واکرم ما صلیت وبارکت وتحننت وترحمت علی احد من
اصفیائک وانبیائک انک ودود حمید ذو العرش المجید فعال اولیائک
لما یرید وعلی کل شیء قدیر وشهید پس از آن قدم بدرون
نهد بنحوی که در دخول وخروج مساجد مقرر است یعنی در
دخول پای راست و در خروج پای چپ را مقدم دارد و برابر مزار
فایض الانوار آمده و روبرو بمسافت غیر بعیدة مناسبة ایستاده
زیارت نامه خواند و بعد از فراغ از دست چپ اگر اطراف مکشوف
باشد بلد و ضریح گردیده و خود را بر بالای سر رسانیده رو بقبله
بادای نافله ترویج قیام نماید و اگر مکشوف نباشد در هر ضلعی

که میسر و مناسب باشد بدستور آن نافله را بجا آرد و خلاصه زیارات
نامها را حسب المسطور مجری دارد و اگر مطولات خواهد در مبسوطات
طلبد اما فی زیارة النبی صلی الله علیه وآله السلام علی رسول الله وخلیله
السلام علی نبی الله وصفیه السلام علی حبیب الله ونجیبه السلام علی
خاتم النبیین ورحمة للعالمین یا قائما بالقسط وفاتح الخیر ویا معدن
الوحی والتنزیل البشیر النذیر الشفیع المکین السراج المنیر وحجة الله
علی الاولین والآخرین والهادی للسابقین واللاحقین فسلام
الله ورحمته وبرکاته علیک وعلی اهل بیتک الطاهرین وعترتک
الطیبین المهدیین بابی انت وامی یا رسول الله اشهد الله وهو خیر
الشاهدین بانک قد بلغت رسالات ربک ونصحت لامتک وجاهدت
فی سبیل الله واقمت بامره واحتملت المشقة فی جنبه ودعوت الی صراط
الحق بالحکمة والموعظة الحسنة وعبدت الله مخلصا حتی اتاک
الیقین فبلغ الله بک اشرف محل المکرمین واعلی منازل المقربین
وارفع درجات المرسلین حیث لا یلحقک لاحق ولا یفوقک فائق
ولا یسبقک سابق والحمد لله الذی بک استنقذنا من الهلکة و
هدانا من الضلالة ونور قلوبنا من الظلمة والغوایة فجزاک
الله افضل ما جازی نبیا عن امته ورسولا عن ملته فداک روحی
وجسمی یا رسول الله زرتک عارفا بحقک مقرا بفضلک مستبصرا
بضلالة من خالفک واصلی علیک کما صلی الله والملائکة علیک
صلوة وافرة ومتواصلة متواترة لا انقطاع لها الی ابد الابدین

وذهل الذاهبين تم بدعوا في قنوته اللهم اجعلني بمحمد واهل بيته مرحوما
مغفورا وجيها عندك في الدارين ومن المقربين الذين لاخوف
عليهم ولا هم يحزنون وفي زيارة البتول العذراء فاطمة الزهراء عليها السلام السلام
عليك يا سيدة نساء العالمين ويا بنت رسول الله وخاتم النبيين
ايتها الصديقة الحليمة الكريمة الزكية الرضية المرضية التقية
النقية المعصومة المحزونة يا فاطمة الزهراء بضعة خير الورى محمد
المصطفى ورحمة الله وبركاته عليك وعلى روحك وبدنك واشهد
انك مضيت على بينة من ربك وان من سرك فقد سر رسول الله
ومن جفاك فقد جفا رسول الله واني راض ممن رضيت عنه و
متبرئ ممن تبرات منه وكفى بالله شهيدا وحسيبا وجازيا و
مثيبا وفي زيارة مولانا امير المؤمنين عليه السلام السلام عليك يا ولي الله
وحبيبه السلام عليك يا حجة الله ونجيبه السلام عليك يا صفي الله
ووصي رسوله يا امير المؤمنين وسيد الصديقين وسابق الاولين
وعمود الدين وهادي المضلين وقائد الغر المحجلين يا ابا الحسنين
وامام المتقين ووارث علوم الانبياء والمرسلين يا حجة البالغة
والنبأ العظيم وخير الخليقة والصراط المستقيم قد ضل من اتبع سواك
وعند الحق من عاداك فقد جاهدت في الله يا مولاي حق جهاده و
اقمت حدوده وعملت بكتابه واتبعت سنة نبيه وامرت بالمعروف
ونهيت عن المنكر وصبرت صبرا جميلا حتى اتاك اليقين ورفعك الله
تعالى الى جواره بلطفه العميم وانت هاديا مهديا بالاتا خذك في الله

لومة

لومة لائم فلعن الله من خالفك وحاربك وغصب حقك ونقض
حرمتك ومن شوش امور المسلمين بقتلك وسلام الله وصلواته
ورحمة الله وبركاته عليك يا خالص الاخلاء ويا اية الله العظمى
ويا من عنده علم الكتاب ومعدن الحكمة وفصل الخطاب يا مظهر
العجائب ومظهر الغرائب حامل اللواء صفوة الاصفياء فجزاك الله
يا مولاي من الموحدين افضل الجزاء انه حميد مجيد وعلى كل شيء
شهيد وفي قنوت نافلة الزيارة اللهم ان اليك قلوب المخبتين
والهة وسبل الراغبين شارعة واعلام القاصدين واضحة
واصوات الداعين صاعدة وافئدة العارفين منك فارغة و
عوايد المزيد اليهم واصلة وابواب الاجابة لهم مفتوحة وتوبة
من اناب اليك مقبولة والاغاثة لمن استغاث بك موجودة والاعانة
لمن استعان بك مبذولة وذنوب المستغفرين مغفورة وقد رايت
يا الهي فقري وفاقتي وعلمت ذلي ومسكنتي واني قد اتيت سائلا اعانا
راجيا مستغفرا فارحم ذلي وفاقتي واستجب دعائي واقبل ثنائي واجمع
بيني وبين اوليائك بحق النبي والوصي وعترتهما الطاهرين وفي زيارة
مولانا ابي عبد الله الحسين عليه السلام السلام على وارث الانبياء والمرسلين
خصوصا سيدنا محمد خاتم النبيين يا امام المتقين يا ابن رسول الله
يا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور قد اقمت الصلوة واتيت الزكوة
وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر وعبدت الله مخلصا ودعوت
بما دعى رسوله وجاهدت في الله حق جهاده وسلكت مسلك السابقين

من الكاملين الفائزين حتى اتيك اليقين مولاي وابن مولاي يا ابا
عبد الله الحسين اشهد انك من دعائم الدين واركان اليقين
امام بر تقي نقي رضي زكي هادي مهدي والائمة من ولدك
اعلام الهدى وكلمة التقوى والعروة الوثقى وحجة الله على اهل
الدنيا واني بكم مؤمن وقلبي لقلبكم سلم وامري لامركم متبع
صلوات الله عليكم وعلى الارواح التي حلت بفنائكم يا شهيد
المظلوم الرشيد المحزون قتيل العبرات واسير الكربات
بابي انت وامي يا بن رسول الله تالله قد عظمت مصيبتكم علينا
وعلى سائر المؤمنين وابرء الى الله من اعدائكم اجمعين فلعن الله
امة وقوما وجيشا اسست اساس الظلم والجور عليكم وعلى
الممهدين لهم بالتمكين حيث اسرجت والجمت وتهيأت لقتالكم
وازالتكم من مقامكم ومراتبكم وانا لله وانا اليه راجعون و
عند راس علي بن الحسين عليه السلام سلام الله عليك يا بن مولاي المعصوم بن
المعصوم المظلوم بن المظلوم لقد شكر الله سعيك واجزل ثوابك
والحقك بالذروة العليا والدرجة الاسنى فاني اتقرب الى الله
بزيارتكم وابرء من اعدائكم ومخالفيكم ومن الملعونين الذين
حبسوا الفرات منكم وعند قبر الشهداء سلام الله عليكم يا اولياء
الله واحباءه وانصار دين الله واصفياءه طبتم وطابت الارض
التي انتم فيها وفزتم بجهادكم في سبيل الله فجزاكم الله فضلا
جزيلا وفوزا عظيما مع النبيين والصديقين والشهداء والصا

الصالحين

الصالحين وحسن اولئك رفيقا وفي مشهد عباس رحمه الله
عليه سلام الله وسلام ملائكته ورسله وعباده الصالحين
عليك يا بن امير المؤمنين ونسل امام المتقين يا عباس القائم
بالتصديق والتسليم والوفاء والتعظيم فجزاك الله بما صبرت
واحتسبت خير الجزاء ولعن الله من تجاهل بحقكم فاستخف
بحرمتكم في دار القرار والبوار وفي نسخة اخرى سلام الله ورحمته و
بركاته عليك ايها العبد الصالح المطيع لله ولاوليائه اشهد
انك قد بالغت في النصيحة غاية المجهود ومضيت على بصيرة من
امرك مقتديا بالصالحين ومتبعا للوصيين كما مضى المجاهدون
في سبيل الله ونصرة اوليائه فجزاك الله افضل الجزاء وبعثك
في الشهداء والسعداء ورفع ذكرك في العليين وحشرك مع
الشهداء والصديقين انه يجزي المحسنين وعند الانصراف
اللهم لا تجعل هذه اخر العهد من زيارة ائمتنا وقادتنا فان
جعلتها فاحشرني معهم وفي زمرتهم والحقني بهم في الصالحين
في زيارة مولانا ابي الحسن ثامن الائمة علي بن موسى الرضا عليهما السلام بعد الاتيان
لمراسم الزيارة عند الدخول في الروضة على النحو المقدم السلام عليك يا ولي الله
وحجته السلام عليك يا نور الله في ظلمات الارض يا عمود الدين
ووارث الانبياء والمرسلين وذرية ائمة الراشدين المهديين
العبد الصالح الصديق التقي الامام الهمام الامين الرضي النقي
قد اقمت الصلوة واتيت الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت عن

المنكر وعبدت الله مخلصا هاديا مهديا حتى اتاك اليقين
ورحمة الله وبركاته عليكم يا اهل بيت النبوة ومعدن
الرسالة اجمعين بابي انت وامي يا مولاي وابن مولاي الامام
ابن الامام ابن الامام قد اتيتك عبدكم الخاشع المذنب الذليل
الخاضع زائرا وافدا عائذا لائذا فكن لي شافعا شفيعا يوم فقري
وفاقتي فاتقرب الى الله عز وجل بحبكم وبولايتكم وابرء من
اعدائكم ومخالفيكم ومن كل وليجة دونكم وعليك في زيارة
سائر الائمة عليهم السلام بزيارة الجامعة المروية تلخيصا او تيمنا في هذه
السلام عليكم يا اهل بيت النبوة وموضع الرسالة ومختلف الملائكة
ومهبط الوحي ومعدن الرحمة وخزان العلم ومنتهى الحلم و
اصول الكرم وقادة الامم واولياء النعم وعناصر الابرار و
دعائم الاخيار وساسة العباد واركان البلاد وابواب الايمان
وامناء الرحمن وسلالة النبيين وصفوة المرسلين وعترة خيرة
رب العالمين ورحمة الله وبركاته السلام على ائمة الهدى
ومصابيح الدجى واعلام التقى وذوي النهى واولي الحجى و
كهف الورى وورثة الانبياء والمثل الاعلى والدعوة الحسنى
وحجج الله على اهل الدنيا والاخرة والاولى ورحمة الله وبركاته
السلام على محال معرفة الله ومساكن بركة الله ومعادن حكمة
الله وحفظة سر الله وحملة كتاب الله واوصياء نبي الله وذرية
رسول الله صلعم ورحمة الله وبركاته السلام على الدعاة

الى الله

الى الله والادلاء على مرضات الله والمستوفرين في امر الله و
التامين في محبة الله والمخلصين في توحيد الله والمظهرين لامره
ونهيه في عباده المكرمين الذين لا يسبقونه بالقول وهم
يعملون ورحمة الله وبركاته السلام على الائمة الدعاة والقادة
الهداة والسادة الولاة والذادة الحماة واهل الذكر واولي
الامر وبقية الله وخيرته وحجته وصراطه ونوره ورحمة الله و
بركاته اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له كما شهد الله
لنفسه وشهدت له الملائكة واولوا العلم من خلقه لا اله الا هو
العزيز الحكيم واشهد ان محمدا عبده المنتجب ورسوله المرتضى ارسله
بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون و
اشهد انكم الائمة الراشدون المهديون المعصومون المكرمون
المقربون المتقون الصادقون المصطفون المطيعون لله القوامون
بامره العاملون بارادته الفائزون بكرامته اصطفاكم
بعلمه وارتضاكم لغيبه واختاركم لسره واجتباكم بقدرته و
خصكم ببرهانه وانتجبكم بنوره وايدكم بروحه ورضيكم
خلفاء في ارضه وحججا على بريته وانصارا لدينه وحفظة لسره
وخزنة لعلمه ومستودعا لحكمته وتراجمة لوحيه مستبصر
بشانكم وبضلالة من خالفكم موال لكم ولاوليائكم مبغض
لاعدائكم ومعاد لهم سلم لمن سالمكم حرب لمن حاربكم محقق لما
حققتم مبطل لما ابطلتم مطيع لكم عارف بحقكم مقر بفضلكم

مُحتَمِلٌ لِعِلمِكُم مُحتَجِبٌ بِذِمَّتِكُم مُنتَظِرٌ لِأَمرِكُم مُرتَقِبٌ لِدَولَتِكُم آخِذٌ
بِقَولِكُم عامِلٌ بِأَمرِكُم مُستَجيرٌ بِكُم زائِرٌ لَكُم عائِذٌ بِقُبورِكُم مُستَشفِعٌ
وَمُتَقَرِّبٌ إِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُم وَمُقَدِّمُكُم أَمامَ طَلِبَتي وَحَوائِجي وَ
إِرادَتي في كُلِّ أَحوالي وَأُموري مُؤمِنٌ بِسِرِّكُم وَعَلانِيَتِكُم وَشاهِدِكُم
وَغائِبِكُم وَأَوَّلِكُم وَآخِرِكُم وَمُفَوِّضٌ في ذٰلِكَ كُلِّهِ إِلَيكُم فَقَلبي لَكُم
مُسَلِّمٌ وَرَأيي لَكُم تَبَعٌ وَنُصرَتي لَكُم مُعَدَّةٌ حَتّىٰ يُحيِيَ اللهُ دينَهُ بِكُم
وَيَرُدَّكُم في أَيّامِهِ وَيُظهِرَكُم لِعَدلِهِ وَيُمَكِّنَكُم في أَرضِهِ فَمَعَكُم مَعَكُم
لا مَعَ غَيرِكُم آمَنتُ بِكُم وَتَوَلَّيتُ آخِرَكُم بِما تَوَلَّيتُ بِهِ أَوَّلَكُم وَبَرِئتُ
إِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ مِن أَعدائِكُم وَمِنَ الجِبتِ وَالطّاغوتِ وَالشَّياطينِ وَ
حِزبِهِمُ الظّالِمينَ لَكُمُ الجاحِدينَ لِحَقِّكُمُ المارِقينَ مِن وِلايَتِكُمُ
الغاصِبينَ لِإِرثِكُمُ الشّاكّينَ فيكُمُ المُنحَرِفينَ عَنكُم وَمِن كُلِّ وَليجَةٍ
دونَكُم وَمِن كُلِّ مُطاعٍ سِواكُم وَمِنَ الأَئِمَّةِ الَّذينَ يَدعونَ إِلَى النّارِ فَثَبَّتَنِيَ
اللهُ أَبَدًا ما حَيِيتُ عَلىٰ مُوالاتِكُم وَمَحَبَّتِكُم وَدينِكُم وَوَفَّقَني لِطاعَتِكُم
وَرَزَقَني شَفاعَتَكُم وَجَعَلَني مِن خِيارِ مَوالِيكُمُ التّابِعينَ لِما دَعَوتُم
إِلَيهِ وَجَعَلَني مِمَّن يَقتَصُّ آثارَكُم وَيَسلُكُ سَبيلَكُم وَيَهتَدي بِهُداكُم
وَيُحشَرُ في زُمرَتِكُم وَيَكِرُّ في رَجعَتِكُم وَيُملَّكُ في دَولَتِكُم وَيُشَرَّفُ في عافِيَتِكُم وَيُمَكَّنُ في
أَيّامِكُم وَتَقَرُّ عَينُهُ غَدًا بِرُؤيَتِكُم وَلا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ العَهدِ مِن زِيارَةِ
قُبورِكُم وَإِتيانِ مَشاهِدِكُم بِأَبي أَنتُم وَأُمّي وَنَفسي وَأَهلي وَمالي مَن
أَرادَ اللهَ بَدَأَ بِكُم وَمَن وَحَّدَهُ قَبِلَ عَنكُم وَمَن قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُم مَوالِيَّ
لا أُحصي ثَناءَكُم وَلا أَبلُغُ مِنَ المَدحِ كُنهَكُم وَمِنَ الوَصفِ قَدرَكُم

وانتم

وَأَنتُم نورُ الأَخيارِ وَهُداةُ الأَبرارِ وَحُجَجُ الجَبّارِ بِكُم فَتَحَ اللهُ وَ
بِكُم يَختِمُ وَبِكُم يُنَزِّلُ الغَيثَ وَبِكُم يُمسِكُ السَّماءَ أَن تَقَعَ عَلَى الأَرضِ إِلّا بِإِذنِهِ
وَبِكُم يُنَفِّسُ الهَمَّ وَيَكشِفُ الضُّرَّ وَعِندَكُم ما نَزَلَت بِهِ رُسُلُهُ وَهَبَطَت
بِهِ مَلائِكَتُهُ وَإِلىٰ جَدِّكُم بُعِثَ الرّوحُ الأَمينُ في زِيارَةِ أَميرِ المُؤمِنينَ
عَلَيهِ السَّلامُ وَإِلىٰ أَخيكَ بُعِثَ الرّوحُ الأَمينُ آتاكُمُ اللهُ ما لَم يُؤتِ
أَحَدًا مِنَ العالَمينَ طَأطَأَ كُلُّ شَريفٍ لِشَرَفِكُم وَبَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ
لِطاعَتِكُم وَخَضَعَ كُلُّ جَبّارٍ لِفَضلِكُم وَذَلَّ كُلُّ شَيءٍ لَكُم وَأَشرَقَتِ
الأَرضُ بِنورِكُم وَفازَ الفائِزونَ بِوِلايَتِكُم بِكُم يُسلَكُ إِلَى الرِّضوانِ
وَعَلىٰ مَن جَحَدَ وِلايَتَكُم غَضَبُ الرَّحمٰنِ بِأَبي أَنتُم وَأُمّي وَنَفسي وَأَهلي
وَمالي ذِكرُكُم فِي الذّاكِرينَ وَأَسماؤُكُم فِي الأَسماءِ وَأَجسادُكُم
فِي الأَجسادِ وَأَرواحُكُم فِي الأَرواحِ وَأَنفُسُكُم فِي النُّفوسِ وَآثارُكُم
فِي الآثارِ وَقُبورُكُم فِي القُبورِ فَما أَحلىٰ أَسماءَكُم وَأَكرَمَ أَنفُسَكُم وَ
أَعظَمَ شَأنَكُم وَأَجَلَّ خَطَرَكُم وَأَوفىٰ عَهدَكُم وَأَصدَقَ وَعدَكُم كَلا
كَلامُكُم نورٌ وَأَمرُكُم رُشدٌ وَوَصِيَّتُكُمُ التَّقوىٰ وَفِعلُكُمُ
الخَيرُ وَعادَتُكُمُ الإِحسانُ وَسَجِيَّتُكُمُ الكَرَمُ وَشَأنُكُمُ الحَقُّ وَ
الصِّدقُ وَالرِّفقُ وَقَولُكُم حُكمٌ وَحَتمٌ وَرَأيُكُم عِلمٌ وَحِلمٌ وَ
حَزمٌ إِن ذُكِرَ الخَيرُ كُنتُم أَوَّلَهُ وَأَصلَهُ وَفَرعَهُ وَمَعدِنَهُ وَمَأواهُ
وَمُنتَهاهُ بِأَبي أَنتُم وَأُمّي وَنَفسي كَيفَ أَصِفُ حُسنَ ثَنائِكُم وَأُحصي جَميلَ
بَلائِكُم وَبِكُم أَخرَجَنَا اللهُ مِنَ الذُّلِّ وَفَرَّجَ عَنّا غَمَراتِ الكُروبِ
وَأَنقَذَنا مِن شَفا جُرُفِ الهَلَكاتِ وَالدَّرَكاتِ بِأَبي أَنتُم وَأُمّي وَنَفسي

بموالاتكم علمنا الله معالم ديننا واصلح ما كان فسد من دنيانا وبموالاتكم تمت الكلمة وعظمت النعمة وائتلفت الفرقة و تقبل الطاعة المفترضة ولكم المودة الواجبة والدرجات الرفيعة والمقام المحمود والجاه العظيم والشأن الكبير و الشفاعة المقبولة ربنا آمنا بما انزلت واتبعنا الرسول فاكتبنا مع الشاهدين ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب سبحان ربنا ان كان وعد ربنا لمفعولا يا ولي الله ان بيني وبين الله عز وجل ذنوبا لا يأتي عليها الا رضاكم فبحق من ائتمنكم على سره واسترعاكم امر خلقه وقرن طاعتكم بطاعته لما استوهبتم ذنوبي وكنتم شفعائي فانا لكم مطيع من اطاعكم فقد اطاع الله ومن عصاكم فقد عصى الله ومن احبكم فقد احب الله ومن ابغضكم فقد ابغض الله ثم يقنت مستقبل القبلة ويقول اللهم اني لو وجدت شفعاء اقرب اليك من محمد واهل بيته الاخيار الائمة الابرار لجعلتهم شفعائي فبحقهم الذي اوجبت لهم عليك اسئلك ان تدخلني في جملة العارفين بحقهم وفي زمرة المرحومين بشفاعتهم انك ارحم الراحمين وفي زيارة قبور المؤمنين يستقبل القبلة ويضع يده على القبر وقال الله اكبر الله اكبر الله اكبر الله اكبر اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له الها واحدا احدا صمدا فردا وترا حيا قيوما قدوسا دائما مقتدرا لم يتخذ صاحبة ولا ولدا الى اخره ثم

اللهم

اللهم ارحم غربته وصل وحدته وانس وحشته وامن روعته واسكنه في جوار رحمتك والحقه لمن يتولاه من احبائك واصفيائك من عبادك الصالحين المخلصين يا ارحم الراحمين وفي زيارة العلماء السلام عليك يا بحر العلوم وكنزها ومحيي الرسوم ومروجها يا حافظ الدين وعون المؤمنين ومروج شريعة سيد المرسلين وطريقة ائمة المعصومين عليهم افضل صلوة المصلين وفي زيارة المشايخ سلام الله ورحمته وبركاته عليك ايها الشيخ العالم العامل الزاهد الكامل الصالح التقي المتورع النقي عضد الاسلام ومميز الحلال والحرام العارف المؤيد العابد المسدد امين الدنيا والدين ووارث علوم الاوصياء والنبيين قد بلغت معالم الدين واجتهدت في حفظ سنن سيد الاولين والاخرين حتى اظهرت الحق وازهقت الباطل وسهلت السبيل واوضحت الدليل فجزاك الله بحسن سيرتك وسريرتك عن المسلمين افضل جزاء التابعين وحشرك مع النبيين والوصيين والشهداء والصديقين وحسن اولئك رفيقا وكذب العادلون بالله وضلوا ضلالا بعيدا فسلام الله على عباده الراشدين الذين اذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا اللهم املأ قبره نورا وسرورا واكرمه بالروح والريحان واسكنه في بحبوحة الجنان يا حنان يا منان ويا ذا العفو والاحسان تتمة واذا تشرفت بدخول البيت العتيق الكعبة المعظمة فصل ركعتين عند الحنانة ثم ادعو

بما استطعت علی قدر وقوفك وشعورك من المأثورة واختم به
یا من تری مکانی وتسمع کلامی ولا یخفی علیك شیء من امری و
مقامی وکیف تخفی الامور بمکونها وبارئها ولا یتضح الخفیات علی
موجدها ومبدعها وهو سبحانه خالق سبع الشداد وما بینهن
وفوقهن ومقدر الارض وما تحتهن بکافی فرد الضعیف ویا وافی
عبد النحیف قد جئتك متضرعا مسکینا فقیرا عائذا لائذا متشفعا
بجناب قدسك ومتوسلا باصفیائك سائلا باعظم اسمائك الذی
من دعاك به اجبته ومن سالك به اعطیته ومن استنصرك به علی
الاعداء نصرته ومن استغفرك به غفرت له ومن استعانك به
اغثته ومن استرحمك به رحمته ومن استجارك به اجرته ومن
استعصمك به عصمته ومن استنقذك به انقذته ومن استعطفك
به تعطفت له ومن توکل به علیك کفیته ان تصلی علی
ملائکتك وانبیائك ورسلك خصوصا علی ابرهیم واسمعیل و
علی سیدنا محمد وعترته الطاهرین ان تقضی برحمتك الواسعة
وبشرافة هذا البیت العتیق المبارك حوائجی وتعفو عما سلف من
خطیئاتی وتفضل علی بما هو اهل لعبادك الخائفین یا ارحم
الراحمین وغیاث المستغیثین ویا رب العالمین واله الاولین و
الاخرین یا قاضی الحاجات ومجیب الدعوات ویا کاشف الکربات
وواسع العطیات ویا دافع البلیات ومبدل السیئات بالحسنات
ازالهٔ شك ووهم متتبع کتب دعا و اثار عرفا در ملاحظهٔ اوراد

وازکیا

۴۷

وازکیا و تعقیبات جامعهٔ فقها رضی الله عنهم وعن سایر
الاصفیا الحاق واسقاط وارد در بعضی ادعیهٔ مقدسهٔ
منزههٔ مرتبه بعنایت ملهم الصواب را از قبیل یحرفون
الکلم عن مواضعه وارد در خصوص تحریفات یهود عنود
در مقام نقض احکام حقهٔ فرقانیه با مصرحات توریه
ندانند و درایهٔ وانی هذا او لو جئتکم باهدی مما
وجدتم علیه اباءکم تاملی بسزا فرمایند و هرگاه با اثبات
ترتیل وتنزیل متواتر قران مجید برخلاف ان ترتیب تلاوت
ومداومت بر قرائت بعضی سور و ایات متفرقه بنحو خاص
منوط باختیارات مفهومه از مولفات خواص جایز
باشد چرا باسندعای بعضی فقرات وکلمات در بعضی
مواقع ترتیبات وتکمیلات ادعیهٔ غیر متواترهٔ خاصه
با اشعار غیبی و القاء روحی لاریبی ان محو و اثبات روا
نبود بل از سزد که مرآت خواطر فیض مظاهر را
هیچگونه بغبار نقار تیره وخیره نکرداند
وقلم را بین اصابع الراقم معذور
انکارند که سعی در صفا و
رمی حصا یعنی تبری از
بدگمانی از مواهب رحمانیست
ودغدغهٔ شك وشبهه از وساوس شیطانی

حرف الشين في الدعوات المتفرقة وهي خمسين دعاء وفهرستها

محجة البيضاء الاجتماعي ٦٨	غاية القصوى الاستقبال ٧٢
عروة الوثقى ٦٩	نقود الجيبة المصري ٧٩
اربعين الادريسية ٧٣	نور الاشراقي ٧٤
التجاء السبحاني ٧٥	مطلع الانوار ٧٥
مشكوة الانوار ٧٧	حجة القاطعة ٨٠
درر اللامعة ٨٠	كفاية السجادية ٨١
زاد الاخرة ٨٢	عديلة الكاملة ٨٤
لباس العافية	توسل القدسية
سحاب الرحمة ٨٤	استغاثة الكريمة ٨٦
مناجات السبحانية ٨٧	قاموس القدرة ٨٧
استعاذة المأثورة ٨٨	وقاية السجادية ٨٨
مسئلة الحرفية ٨٩	جناح الفلاح ٨٩

منهاج

منهاج النجاح في الاستغفار ٩٠	مفتاح الابواب ٩٠
احتجاب المستطاب ٩١	حديقة الرشاد ٩١
معالي الاخلاق ٩٢	سفينة النجاة ٩٣
مواهب الرحمن ٩٣	مقاليد الجنان ٩٤
خاتم سليمان ٩٤	جنة الامان ٩٧
حصن الحصين ٩٨	ذريعة المضطرين ٩٨
درع المتين ٩٩	زاد المسافرين ٩٩
صلاح المسلمين ٩٩	منتهى المطلب ١٠٠
ذروة الشرف ١٠٠	تقرير الموائد ١٠١
سراج الليل ١٠٢	سهام الغيب ١٠٢
سيف المسلول ١٠٣	سبحات القدس ١٠٤
نهاية المأمول ١٠٥	تحية الشمسية ١٠٥
رؤية الاهلة ١٠٤	قنوت نافلة الاستغفار ١٠٨
قنوت صلوة العيدين ١٠٦	قرة عين الصائمين ١٠٨

بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم بذكرك استفتح مقالي وبشكرك استنجح سؤالي و
عليك توكلي في كل احوالي واياك املي فلا تخيب امالي الحمد لله
المذكور بكل لسان المشكور على كل احسان المعبود في كل مكان
المشهود لذوي البصيرة والعرفان بدلالة كل ذرة من ذرات
الاعيان وباية كل قطرة من قطرات بحار الاكوان على يقين الايمان
البرهان مدبر الامور مقدر الدهور العالم بما تجنه البحور و
تكنه الصدور وتخفيه الظلام وتبديه النور الذي حار في
علمه العلماء وسلم لحكمه الحكماء وتواضع لعزته العظماء
وفاق بسعة فضله الكرماء وساد بعظيم حلمه الحلماء لا يخفر
من انتصر بذمته ولا يقهر من استتر بعظمته ولا يكدي من
اذاع شكر نعمته ولا يهلك من تغمده برحمته ذي المنن التي لا
يحصيها العادون والنعم التي لا يجازيها المجتهدون والصنايع
التي لا يستطيع دفعها الجاحدون والدلايل التي يستبصر بنورها
الموجودون احمده جاهرا بحمده شاكرا لرفده حمد موفق لرشده
واثق بوعده له الشكر الدائم والامر اللازم اللهم اياك اسئل
وبك اتوسل وعليك اتوكل بفضلك اغتنم وبحبلك اعتصم وفي
رحمتك ارغب ومن نقمتك ارهب وبعونك استعين وبعظمتك
استكين وانت الولي المرشد والغني المرفد والعون المؤيد

الراحم

الراحم الغفور الساتر الشكور العفو الصبور الخالق الحليم الرازق
الكريم السابق القديم العلي العظيم علمت فخبرت وحلمت فسترت
ورحمت فغفرت وعظمت فغفرت وعظمت فقهرت وملكت فاشترت
وادركت فاقتدرت فحكمت فعدلت وانعمت فافضلت وابدعت فاحسنت
وصنعت فاتقنت وجدت فاغنيت وايدت فكفيت وخلقت
فسويت ووفقت فهديت بطنت الغيوب فخبرت مكنون اسرارها
وحلت بين القلوب وبين تصرفها على اختيارها فايقنت البرايا
انك مدبرها وخالقها واذعنت انك مقدرها ورازقها لا اله
الا انت تعاليت عما يقول الظالمون علوا كبيرا اللهم اني اشهدك
وانت اقرب الشاهدين واشهد ملائكتك المقربين وعبادك
الصالحين من الجنة والناس اجمعين اني اشهد بسريرة زكية و
بصيرة من الشك برية شهادة اعتقدها باخلاص وايقان
واعدها طمعا في الخلاص والامان اسرها تصديقا بربوبيتك
واظهرها تحقيقا لوحدانيتك لا اصد عن سبيلها ولا الحد في تاويلها
انك انت الله ربي لا اشرك بك احدا ولا اجد من دونك ملتحدا لا
اله الا الله وحده لا شريك له الواحد الذي لا يدخل في عدد و
الفرد الذي لا يقاس باحد علا عن المشاكلة والمناسبة وخلا من
الاولاد والصاحبة سبحانه من خالق ما اصنعه ورازق ما اوسعه
وقريب ما ارفعه ومجيب ما اسمعه وعزيز ما امنعه له المثل الاعلى
في السموات والارض وهو العزيز الحكيم واشهد ان محمدا نبيه

المرسل ووليه المفضل وشهيده المعدل المؤيد بالنور المضيء والمسدد
بالامر المرضي بعثه بالاوامر الشافية والزواجر الناهية والدلايل
الهادية التي اوضح برهانها وشرح تبيانها في كتاب مهيمن على كل
كتاب جامع لكل رشد وصواب فيه نباء القرون وتفصيل الشئون
والفرق بين الحلال والحرام وفرض الصلوة والصيام فدعى الى الخير
سبيل وشفى من هيام الغليل حتى علا الحق فظهر وزهق الباطل
وانحسر صلى الله عليه واله صلوة دائمة ممهدة لا تنقضي لها مدة
ولا ينحسر لها عدة ما جرت النجوم في الابراج وتلاطمت البحور بالامواج
وما ادلهم ليل داج واشرق نهار ذو ابتلاج وبما تعاقبت الايام و
تناوبت الاعوام وما خطرت الاوهام وتدبرت الافهام وما بقي
الانام صلوة مقرونة بالتمام والنماء باقية بلا افناء وانقضاء
اللهم يا رب العالمين واحكم الحاكمين ورجاء الاملين وارحم
الراحمين اسئلك من الشهادة اقسطها ومن الزيادة ابسطها و
من الكرامة اغبطها ومن السلامة احوطها ومن الاعمال اقسطها
ومن الامال اوفقها ومن الاقوال اصدقها ومن المحال اشرفها
ومن المنازل الطفها ومن الحياطة اكنفها ومن الرعاية اعطفها
ومن العصمة اكفاها ومن الراحة اشفاها ومن النعمة اوفاها ومن
الهمم اعلاها ومن القسم اسناها ومن الارزاق اغزرها ومن الاخلاق
اطهرها ومن المذاهب اقصدها ومن العواقب احمدها ومن الامور
ارشدها ومن التدابير اوكدها ومن الجدود اسعدها ومن الشئون

اعودها

اعودها ومن الفوائد ارجحها ومن العوائد انجحها ومن العطيات
اتمها ومن البركات اعمها ومن الصالحات ابقاها اللهم اني اسئلك قلبا
خاشعا زكيا ولسانا صادقا عليا ورزقا واسعا هنيئا وعيشا
رغدا مريئا واعوذ بك من ضنك المعاش ومن شر كل ساع وواش
وغلبة الاضداد والاوباش وكل قبيح باطن او فاش واعوذ بك من
دعاء محجوب ورجاء مكذوب وحياء مسلوب واحتجاج مغلوب و
راي غير مصيب انك انت المستعان والمستعاذ وعليك المعول وبك
الملاذ فاتكني لطايف منك بفيضك اللطيف ولا تبتليني بقهرك فاني عبدك
الضعيف بل تولني بعطف تحننك وتفضلك يا من اوى بمنجاك المفتقر
اليه واغنى المتوكلين عليه جد بغناك على فاقتي ولا تحملني فوق
طاقتي حتى تجعلني من الذين جدوا في قصدك فلم ينكلوا وسلكوا الطريق
اليك فلم يعدلوا واعتمدوا عليك في الوصول حتى وصلوا فرويت قلوبهم
من محبتك وانست نفوسهم بمعرفتك فلم يقطعهم عنك قاطع
ولا منعهم عن بلوغ ما املوه لديك مانع فهم فيما اشتهت انفسهم
خالدون ولا يحزنهم الفزع الاكبر وتتلقيهم الملائكة هذا يومكم
الذي كنتم توعدون اللهم لك قلبي ولسانا وبك نجاتي واماني وانت
العالم بسري واعلاني فاسكت قلبي عن البغضاء واصمت لساني
عن الفحشاء واخلص سريرتي عن علائق الاهواء واكفني بامانك
من عوائق الضراء واجعل سري معقودا على مراقبتك واعلاني
موافقا لطاعتك وهب لي جسما روحانيا وقلبا سماويا وهمة متصلة

بروحك ويقينا محفوظا بنورك والهمني من محامدك امدحها
وهب لي من فوائدك اسمحها انك ولي الحمد والمسئول على المجد يا من
لا ينقص ملكوته عصيان المتمردين ولا يزيد جبروته ايمان
الموحدين اليك استشفع بقديم كرمك ولا تسلبني ما منحتني
من جسيم نعمك واصرفني بحسن نظرك عن ورطة المهالك وعرفني بجميل
اختيارك منجيات المسالك يا من قربت رحمته من المحسنين واوجب
عفوه للاوابين بلغنا برحمتك غنائم البر والاحسان وجللنا
بنعمتك ملابس العفو والغفران قلوبنا نورا يمنعها من الشبهات بحجاب
يقطعها عن الشهوات واحش قلوبنا نورا يمنعها من الشبهات و
اودع نفوسنا خوف المشفقين من سوء الحساب ورجاء الواثقين
بتوفير الثواب فلا نغتر بالاهمال ولا نقصر في صالح الاعمال ولا نفتر
من التسبيح بحمدك في الغدو والاصال يا من انس العارفين بطيب
مناجاته والبس الخائفين ثوب موالاته متى فرح من قصد سواك
همته ومتى استراح من ارادت غيرك عزيمته ومن ذا الذي قصدك
بصدق الارادة فلم تشفعه في مراده ام من ذا الذي اعتمد عليك
في امره فلم تجد باسعاده ام من ذا الذي استرشدك فلم تمنن بارشاده
سبحانك سبحانك كم من نعمة ظللت لا ابتغي لحجتها لابسا وكم اسديت
عندي من يد قد طفقت بهداياتها منافسا وكم قلدتني من منة
ضعفت قواي عن حملها وذهلت فطنتي عن ذكر فضلها وعجز
شكري عن جزائها وضقت ذرعا باحصائها فقابلتك فيها بالعصيان

ونسيت شكر ما اوليتني فيها من الاحسان فمن اسوء حالا مني ان لم
تداركني بالغفران وتوزعني شكر ما اصطنعت عندي من فوائد
الامتنان فلست مستطيعا لقضاء حقوقك ان لم تؤيدني بصحة
توفيقك سبحانك سبحانك لولا نورك عميت من الدليل ولولا تبصيرك
ضللت عن السبيل لولا تعريفك لم ارشد للقبول ولولا توفيقك
لم اهتد الى معرفة الفصول واسرار الفروع والاصول فيا من
اكرمني بتوحيده وعصمني عن الضلال بتبديده والزمني اقامة حدوده
لا تسلبني ما وهبت من تحقيق معرفتك واحبني بيقين اسلم به من
الالحاد في صفتك يا خير من رجاه الراجون وارءف من لجأ اليه
اللاجون واكرم من قصده المحتاجون ارحمني اذا انقطع عمري و
درس ذكري وامحى اثري وبوئت في الضريح رهينا بعملي مسئولا
عما اسلفته من فارط زللي منسيا كمن نسي في الاموات ممن كان
قبلي رب سهل لي توبة مقبولة واعني عليها واحملني على محجة
الاخبات وارشدني اليها فان الحول والقوة بمعونتك والثبات
والانتقال بقدرتك يا من هو ارحم من الوالد الشفيق وابر من
الصاحب الرفيق واقرب الينا من حبل الوريد والجار اللصيق قرب
الخير من متناولي واجعل الخيرة العامة فيما قضيت لي واختم بالبر
والتقوى عملي واجرني من كل عائق يقطعني عنك وكل قول وفعل
يباعدني منك وارحمني رحمة تشفي بها قلبي من كل شبهة معترضة وبدعة
ممرضة سبحانك سبحانك خاب رجاء من رجا سواك وظفرت يدا من بحاجته

ناجاك وضلّ من يدعو العباد لكشف ضرهم الا اياك انت المؤمّل
في الشدة والرخاء والمفزع في كل كربة وضراء والمستجار به من
كل فادحة ولأواء لا يقنط من رحمتك الا من تولى وكفر ولا ييأس من
روحك الا من عصى واصرّ انت وليي في الدنيا والآخرة توفني مسلما
والحقني بالصالحين يا من لا يحرم زوّاره عطاياه ولا يسلم من التجاه
واستكفاه املي واقف على جدواك ووجه طلبتي منصرف عن سواك
وانت الملي بتيسير الطلبات والوفي بتكثير الرغبات فانجح لي المطلوب
من فضلك برحمتك واسمح لي بالمرغوب فيه من بذلك بنعمتك
سيدي سيدي ضعف جسمي ودق عظمي وكبر سني ونال الدهر مني
ونفدت مدتي وذهبت شهوتي وبقيت تبعتي واقامني مقام
الاذلاء بين يديك فجد بحلمك على جهلي وبعفوك على قبيح فعلي
ولا تؤاخذني بما كسبت من الذنوب العظام في سالف الايام يا ذا الجلال
والاكرام سيدي سيدي انا المعترف باساءتي المقر بخطائي
المأسور باجرامي المرتهن بآثامي المشهور باساءتي المتحير عن قصد
طريقتي انقطعت مقالتي وضل عمري وبطلت حجتي في عظيم وزري
فامنن علي بكريم غفرانك واسمح لي بعظيم احسانك فانك ذو مغفرة
للطالبين سيدي سيدي ان كان صغر في جنب طاعتك عملي فقد
كبر في جنب رجائك املي فكيف انقلب من عندك بالخيبة محروما
وظني انك تقلبني بالنجاة مرحوما سيدي سيدي ادعوك بانين
المذنبين وبكاء المجرمين وانادبك بنداء المغرقين في بحر الطمع

متهمكين قاصدا الى جناب جلالك مطروح على باب كبريائك
ايحسن من لطفك رد الفقير خائبا ايليق بجودك طرد الكئيب
قانطا لكل اسير قوم يرحمونه فما بال اسيرك ان لم ترحم بنظر منك و
عين فضلك افيرجع عبيد الآثمين من ابواب مواليهم مسرورين وعبدك
الملتجي يرجع خائبا في زمرة المكتوبين يقولون ويل لك ويل لك ما
بالك لم تنظر اليك مولاك سعدنا وشقيت ووصلنا وبقيت فاذقني حلاوة
انوارك واهلني لمعرفة اسرارك حتى تجعلني من الفائزين ولآلائك
من الشاكرين يا امان الخائفين سيدي سيدي لم اسلط على حسن ظني
بك قنوط الآيسين ولا تبطل صدق رجائي لك في الآملين فقد عظم
جرمي اذ بارزتك باكتسابه وكبر ذنبي اذ جاهرتك بارتكابه الا ان
عظيم عفوك يسع المعترفين وجسيم غفرانك يعم التوابين فارحم غريقا
حزينا مسكينا لا يجيره الا عطاؤك وفقيرا غريبا لا يغنيه الا جداك
فقد اصبحت على ابواب منحك سائلا وعن التعرض لسواك عادلا و
ليس من جميل امتنانك رد سائل ملهوف مضطر لانتظار فضلك
المألوف سيدي سيدي ان حرمتني الجنة دار السلام واعدمتني طوف
الوصائف والخدام وصرفت وجه تأميلي بالخيبة في دار المقام فغير
ذلك منتني نفسي منك يا ذا الطول والانعام سيدي سيدي وعزتك
لو قرنتني في الاصفاد ومنعتني سبل الرشاد ما قطعت رجائي عنك
ولا صرفت انتظاري للعفو منك ولو لم تهدني الى صراط المستقيم لضللت
ولو لم تثبتني اذا لزللت ولو لم تشعر قلبي الايمان ما آمنت ولا صدقت

ولو لم تطلق لساني بالدعاء ما دعوت ولو لم تعرفني حقيقة المعرفة
ما عرفت ولو لم تدلني على كريم الثواب ما رغبت ولو لم تبين لي
اليم العقاب ما رهبت فاسئلك توفيقي لما يوجب الثواب وتخليصي
مما يكسب العقاب سيدي سيدي ان اقعدني التخلف عن السبق مع
الابرار فقد اقامتني الثقة بك على مدارج الاخيار فكل مكروب
اليك يلتجئ وكل محزون اياك يرتجي سمع العابدون بجزيل ثوابك
فخشعوا وسمع المولون عن القصد بجودك فرجعوا وسمع المحرومون
بسعة فضلك فطمعوا حتى ازدحمت عصائب العصاة من العباد
عجت اليك الالسن باصناف الدعاء في البلاد وان ربي لبالمرصاد
سيدي سيدي ان اخطئت النظر لنفسي بما فيه كرامتها فقد اجبت
طريق الفرج بما فيه سلامتها وان كانت نفسي استعبدتني متمردة
ما يرديها فقد استعبدتها الان على ما ينجيها وان اجحف بي زاد
الطريق في المسير اليك فقد اوصلته بذخائر ما اعددته من فضل
تعويلي عليك سيدي سيدي اذا ذكرت رحمتك ضحكت عيون مسائلي
واذا ذكرت عقوبتك بكت جفون وسائلي فادعوك دعاء من لم
يدع غيرك في دعائه وارجوك رجاء من لم يقصد غيرك برجائه
وكيف ارد عارض تطلعي الى نوالك وانما انا في هذا الخلق احد عيالك
سيدي سيدي كيف اسكت بالافحام لسان ضراعتي وقد اقلقني
ما ابهم علي من تقدير عاقبتي وقد علمت حاجة جسمي الى ما تكفلت
لي من الرزق ايام حياتي وعرفت قلة استغنائي عنه بعد وفاتي فيا من سمح

منفصلاً

منفصلاً في العاجل لا تمنعنيه حاجتي في الاجل فمن شواهد نعماء
الكريم اتمام نعمائه ومن محاسن الاء الجواد اكمال الائه الهي لولا
ما جهلت من امري لم استقلك عثراتي ولولا ما ذكرت من شدة
التفريط لم اسكب عبراتي فامح مثبتات العثرات بمسبلات العبرات وهب وامح
كثير السيئات بقليل الحسنات يا فاطر السموات ورافع الدرجات ويا
ماحي السيئات ومضاعف الحسنات ويا قاضي الحاجات ومجيب
الدعوات
اللهم بذكرك استعيذ واعتصم وبركنك الوذ واحترم وبقوتك استجير
واستنصر وبنورك اهتدي واستبصر واياك استعين واعبد واليك
اقصد واعمد وبك اخاصم واحاول ومنك اطلب ما احاول فاغنني
للخير المعينين وفي المكاره يا رجاء المؤمنين الحمد لله خالق امشاج
النسم ومولج الانوار في الظلم ومخرج الموجود من العدم والسابق
الازلية بالقدم والجواد على الخلق بسوابغ النعم والعواد عليهم بالفضل
والكرم الذي لا يعجزه كثرة الانفاق ولا يمسك خشية الاملاق و
لا ينقصه ادرار الارزاق ولا يدرك بانامل الاحداق ولا يوصف
بمضاهاة ولا افتراق احمده على جزيل احسانه واعوذ به من حلول
خذلانه واستهدي به بنور برهانه واومن به حق ايمانه واشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شريك له الذي عم الخلق الاء جوده و
تم حكمه فيمن ضل منهم وهداه واحاط علما بمن اطاعه وعصاه
واستولى على الملك بعوائد نحواه فسبحت له السموات واكنافها

والارض واطرافها والجبال واطرافها والشجر واغصانها والبحار و
حيتانها والنجوم في مطالعها والامطار في مواقعها ووحوش الارض
وسباعها ومدد الانهار وامواجها وعذب المياه واجاجها و
هبوب الرياح وعجاجها وكل ما وقع عليه اسم ووصف او
يدركه حد ورسم مما يحويه التصور في الفكر او يشمله العبارة
في الذكر او يتمثل بجسم وقد او ينسب الى عرض وجوهر من صغير
او خطير كبير مقرا له بالعبودية خاشعا معترفا له بالوحدانية طائعا
مستجيبا لدعوته خاضعا منضرا لمشيته متواضعا له الملك الذي
لا نفاد لديمومته ولا انقضاء لعدته واشهد ان محمدا عبده الامين
ورسوله الطاهر المعصوم بعثه واكثر الناس في غمرة الضلالة
ساهون وفي عزة الجهالة لاهون لا يقولون صدقا ولا يستعملون
حقا قد اكتنفتهم القسوة وحقت عليهم الشقوة الا من احب الله
انقاذه ورحمه واعانه فقام محمد فيهم مجدا في انذاره مرشدا
لانواره بعزم ثاقب وحكم واجب حتى تالق شهاب الايمان وتفرق
حزب الشيطان واعز الله جنده وعبد وحده ثم اختاره الله ورفعه
الى روح جنته وفسيح كرامته فقبضه نقيا زكيا راضيا مرضيا طاهرا
نقيا وتمت كلمة الله صدقا وعدلا لا مبدل لكلماته وهو السميع
العليم صلى الله عليه وعلى اله واقربيه وذوي رحمه ومواليه صلوة
جليلة جزيلة موصولة مقبولة لا انقطاع لمزيدها ولا اتضاع لمشيدها
ولا امتناع لصعودها تنتهي الى مقر ارواحهم ومقام فلاحهم فيضاعف

اللهم

الله لهم تحياتها وتشرف لديهم صلواتها فتلقيهم مقرونة بالروح و
السرور محفوفة بالنضارة والنور دائمة بلا افناء وفتور اللهم
اجعل اكمل صلواتك واشرفها واجمل تحياتك والطفها واشمل
بركاتك واعطفها واجل هباتك واوفاها عليه وعلى اهل بيته
الاصفياء الطاهرين وعترته النجباء المختارين وشيعته الاوفياء
الموازرين من انصاره والمهاجرين وادخلنا في شفاعته يوم الدين
مع من دخل في زمرته من الموحدين يا اكرم الاكرمين وارحم
الراحمين اللهم انت الملك الذي لا يملك والواحد الذي لا شريك لك
يا سامع السر والنجوى ويا دافع الضر والبلوى ويا كاشف العسر والبؤسى
وقابل العذر والعتبى ومسبل الستر على الورى جللني من رافتك
بابر واق وسمني من رعايتك بركن باق واوصلني بعنايتك الى غاية
السباق واجعلني برحمتك من اهل الرعاية للميثاق وامر قلبي بخشية
ذوي الاشفاق يا من لم يزل فعله حسنا جميلا ولم يكن بستره بخيلا
ولا بعقوبته عجولا اتمم علي ما ظاهرت من تفضلك ولا تؤاخذني
بما سترت عند نظرك اللهم عبدك الضعيف الفقير ومسكينك
اللهيف المستجير عالم ان في قبضتك ازمة التدبير ومصادر المقادير
اتمنت بقدسك حيوة كل شيء وجعلته نجاة لكل حي فارزقني
من جلاوة مصافاتك ما يصير به الى مرضاتك وهب لي من خشوع
التذلل وخضوع التقلل في رهبة الاخبات وسلامة المحيا والممات
ما تخصه به كفاية المتوكلين وتعز به رعاية المكفولين و

تغربه وولاية المتصلين المقبولين يا انس كل مستوحش غريب وفرج كل
مكروب كئيب ويا غوث كل مخذول طريد وعضد كل محتاج فريد
اللهم انت موضع انسي في الخلوة اذا اوحشني المكان ولفظتني الاوطان
وفارقني الالاف والجيران وانفردت في محل ضنك قصير السمك
ضيق الضريح مطبق الصفيح مهول منظره ثقيل مدره مستقلة
بالوحشة عرصته مغشاة بالظلمة ساحته على غير مهاد ولا وساد
ولا تقدمة زاد ولا اعتداد فتداركني برحمتك التي وسعت الاشياء
اكنافها وجمعت الاحياء اطرافها وعمت البرايا الطافها وعد على
بعفوك يا كريم ولا تؤاخذني بجهلي يا رحيم اللهم ارحم من اكتنفته
سيئاته واحاطت به خطيئاته وحفت به جناياته بعفوك ارحم من
ليس له من عمله شافع ولا يمنعه من العذاب مانع ارحم الغافل عما
اصله والذاهل عن الامر الذي خلق له ارحم من نقض العهد وقدر وعلى
معصيتك انطوى واصر وجاهرك بجهله وما استتر ارحم من القى عن راسه
قناع الحياء وحسر عن ذراعيه جلباب الاتقياء واجترء على سخطك
بارتكاب الفحشاء فيا من لم يزل عفوا غفارا ارحم لمن لم يزل مسقطا
عثارا اللهم اغفر ما مضى مني واختم بما ترضى به عني واعقد عزائمي
على توبة بك متصلة ولديك متقبلة تقيلني بها عثراتي وتستر
بها عوراتي وترحم بها عبراتي وتجيرني بها اجارة من معاطب انتقامك
وتنيلني بها المسرة بمواهب نعمائك يوم تبرز الاخبار وتعظم
الاخطار وتبلى الاسرار وتشخص القلوب والابصار يوم لا ينفع

الظالمين

الظالمين معذرتهم ولهم اللعنة ولهم سوء الدار انك معدن الآلاء
والكرم وصارف اللأواء والنقم لا اله الا انت عليك اعتمد
وبك استعين وانت حسبي ونعم الوكيل يا مالك خزائن الاقوات و
فاطر اصناف البريات وخالق سبع طرائق مسلوكات من فوق سبع
ارضين مدللات العالي في وقار العز والمنعة الدائم في كبرياء الهيبة
والرفعة الجواد بنيله على خلقه من سعة ليس له حد ولا امد و
لا يدركه تحصيل وعدد ولا يحيط بوصفه احد مولاي مولاي ان كنت
لا ترحم الا المجدين في الطاعة فالى من يفزع المقصرون وان كنت
لا تقبل الا من المجتهدين فالى من يلجأ الخاطئون وان كنت لا تكرم
الا اهل الاحسان فكيف يصنع المسيئون وان كان لا يفوز الا
المتقون فبمن يستغيث المذنبون وان كان لا يجوز على الصراط
الا من اجازته براءة عمله فانى بالجواز لمن لم يتب قبل دنو اجله وان
حجبت على اهل التوحيد نظر نعمك بخطيئاتهم او اوبقهم غضبك
بين المشركين بكرباتهم وان لم تنش لنا يد احسانك يوم الورود
اختلطنا في الخزي بذوي الجحود فاوجب لنا بالاسلام مذخور
هباتك واصف ما كدرته الجرائم بصفح صلاتك مولاي مولاي
ليس لي عهد اتخذته ولا عمل اخلصته الا الوثوق بكريم افعالك و
الرجاء بجسيم افضالك عودتني من جميل تطولك عادة انت ولي باتمامها
ووهبت لي من خلوص المعرفة حقيقة انت المشكور على الهامها
وما جفت هذه العيون لفرط بكائها ولا جادت هذه الجفون بفيض

مالها ولا اسعدها نحيب الباكيات الثاكلات لفقد عزائها الا لما
اسلفته من عملها وخطائها وانا لقادر على كشف عمائها
مولاى مولاى امرت بالمعروف وانت اولى به من المامورين و
حضضت على الاعطاء وانت خير المسئولين وندبت الى العتق و
انت خير المعتقين وحثثت على الصفح وانت اكرم الصافحين ومتى تلونا
من كتابك سعة رحمتك اشفقنا من مخالفتك وفرحنا ببذل رحمتك
واذا تلونا ذكر عقوبتك جددنا في طاعتك وفرقنا من اليم
نقمتك فلا رحمتك تؤمننا ولا سخطك تؤيسنا فلذا ان كان ذنبي
اخافني فان حسن ظني قد اجارني وان كان خوفك اوبقني فان حسن
نظرك قد اطلقني وان كان قد دنى مني اجلي ولم يقربني منك عملي فالاعتراف
بالذنب اوجه وسائل عللي ومن اولى بالرحمة منك ان رحمت ومن اعدل
في الحكم منك ان عذبت انك لم تزل برا ايام حيوتي فلا تقطع لطيف
برك عند وفاتي مولاى مولاى عفوك اعظم من كل جرم وغفرانك
ممحاة لكل اثم وان كانت ذنوبي قد اخافتني فان شفاعة نبيك قد
امنتني فتول من امري ما انت اهله وعد بفضلك على من غمره
جهله يا من السر عنده علانية ولا تخفى عليه من الغوامض خافية
فاغفر لي ما خفي على الناس من امري وخفف برحمتك من ثقل الاوزار
ظهري وقد سترت ذنوبي سرارا ولم تظهرها فلا تفضحني في الاخرة
واسترها فمن احق بالستر منك يا ستار ومن اولى منك بالعفو
يا غفار اذ ليس اعتذاري اليك اعتذار من يستغني عن قبول عذره

ولا

ولا تضرعي تضرع من يستنكف عن مسئلتك لكشف ذره فاقبل
عذري يا خير من اعتذر اليه المسيئون واكرم من استغفره
الخاطئون ولا تردني في حاجة قد افنيت عمري في طلبها منك
ولا اجد غيرك معدلا بها عنك مولاى مولاى الفتني الحسنات
بين جودك واحسانك والسيئات بين عفوك وغفرانك وقد
رجوت ان لا يضيع بين ذين وذين مسيء مرتهن بجريرته ومحز
مخلص في بصيرته اذ شهد لي الايمان بتوحيدك ونطق لساني بتمجيدك
ودلني الاثار على فواضل جودك لا ينتهج رجائي بتحقيق موعودك
ولا يفرح امنيتي بحسن مزيدك فان غفرت فبفضلك وان عذبت
فبعدلك فيا من لا يرجى الا فضله ولا يخشى الا عدله امنن علي
بفضلك ولا تستقص في عدلك فاني ادعوك دعاء ملح لا يمل مولاه
واتضرع تضرع من اقر على نفسه بالحجة في دعواه واخضع خضوع
من يؤملك لاخرته ودنياه فلا تقطع عصمة رجائي واسمع تضرعي
واقبل دعائي وثبت حجتي على ما اثبت من دعواى مولاى مولاى
قد اصبت من الذنوب ما عرفت واسرفت على نفسي بما علمت فاجعلني
عبدا اما طائعا فاكرمته واما عاصيا فرحمته وقد ذكرتك بالذكر
الذي الهمتنيه ووحدتك بالتوحيد الذي اكرمتنيه ودعوتك
بالدعاء الذي اكرمتنيه ودعوتك بالدعاء الذي علمتنيه فلا
تحرمني برحمتك الجزاء الذي وعدتنيه اذ من اعظم نعمتك ان
هديتني بحسن دعائك ومن تمامها ان توجب لي محمود جزائك فاني

انتظر عفوك كما ينتظره المذنبون ولست آيس من رحمتك التي يتوقعها
المحسنون مولاي مولاي كم من نعمة على قل عندها شكري
وكم من بلية ابتليتني بها عجز عنها صبري فيا من قل شكري عند
نعمه فلا يحرمني ويا من عجز صبري عند بليتي فلم يخذلني اذا اتيتك معترفا
بسوء فعلي خاضعا باستكانة ذلي راجيا جميل ما عرفتنيه من الفضل
الذي عودتنيه فلا تصرف رجائي من فضلك خائبا ولا تجعل
ظني بتطولك كاذبا فان امالي تتجاوز امال الاملين وسؤالي لا
سؤالي لا يشبه سؤال السائلين لان السائل اذا منع امتنع عن السؤال
وانا فلا غناء بي عنك في كل حال مولاي مولاي غرني حلمك
العظيم وعفوك الكريم حتى قويت بالعافية على المعصية وانفقت
النعمة في سبيل المخالفة وافنيت العمر في غير الرشد والطاعة لكن
علمت ان الله على كل شيء قدير ولا يجري في ملكه دون قضائه و
قدره حقير وخطير فامنن على بعفوك عن ذنبي وتب على توبة تطهر
بها قلبي لطفك نوري في كل ظلمة وذخري لكل ملمة وعمادي عند كل
شدة وانيسي في كل خلوة ووحدة فاعذني من سوء مواقف الخائبين
واستنقذني من ذل مقام الايسين يا دليل من انقطع دليله وامل
من امتنع تاميله ان كان ذنوبي حالت بين دعائي واجابتك فلم يحل تحول
كرمك بيني وبين مغفرتك انك لا تضل من هديت ولا تذل من
واليت ولا يفتقر من اغنيت ولا يسعد من اشقيت مولاي مولاي
اسئلك مسئلة مسكين ضارع مستكين خاضع ان تجعلني من

الموفقين

الموفقين خبرا وفهما والمحيطين معرفة وعلما انك لم تنزل كتبك
الا بالحق ولم ترسل رسلك الا بالصدق ولم تترك عبادك هملا
ولا سدى ولم تدعهم بغير بيان ولا هدى ولم ترض منهم بالجهل
والاضاعة بل خلقتهم ليعبدوك ورزقتهم ليحمدوك ودللتهم
ليوحدوك ولم تكلفهم من الامر ما لا يطيقون ولا تخاطبهم بما
يجهلون بل هم بمنهجك عالمون وبحجتك مخصوصون امرك فيهم نافذ
وقهرك بنواصيهم اخذ تجتبي من تشاء فتدنيه وتهدي من اناب اليك
من معاصيك فتنجيه تفضلا منك بجسيم نعمتك على من ادخلته في
سعة رحمتك يا اكرم الاكرمين وارءف الراحمين مولاي مولاي
خلقتني باكمل التقدير وصورتني باحسن التصوير فصرت بعد العدم
والمغيب موجودا شهيدا وبتحنن رافتك تاما سويا وحفظتني في
المهد طفلا صبيا ورزقتني سائغا هنيئا كافيا برحمة الاباء و
الامهات وتعطف قلوب الحواضن والمربيات حتى افصحت ناطقا
بالكلام زائدا في كل عام من سبوغ ملابس الانعام والطاف المعاش
واصناف الرياش في غاية الرعاية ونهاية الكفاية في جميع ملاهيي
ومطالبي اتماما لنعمتك وايجابا لحجتك وذلك اكثر من ان يحصيه
القائلون او يثني بشكره العاملون فخالفت ما يقربني منك و
اقترفت ما يباعدني عنك فظاهرت على جميل سترك وادنيتني بحسن
نظرك وبرك ولم يباعدني عن الاحسان تعرضي للعصيان بل تابعت
على في نعمك وعدت بفضلك وكرمك فان دعوتك اجبتني و

[illegible]

وان سئلتك اعطيتني وان شكرتك زدتني وان امسكت عن
مسئلتك ابتدأتني فلك الحمد على بوادي اياديك وتواليها حمدا
يضاهي آلاءك ويكافيها مولاي مولاي كيف ادعوك وافرح
انا انا وكيف لا ادعوك واحزن وانت انت وقد جاء في الاخبار ان
الشيبة نور من انوارك فكيف ان تحرق نورك بنارك وان زادت
بطول عمري ذنوبي ومعصيتي فبكثرة عفوك وغفرانك طال رجائي
وثقتي ولا ريب ان طاعتي لا تزداد في ملكك وعصياني لا ينقص
من جبروتك فاعطني ما لا ينقصك ولا تفعل ما لا يسرك مولاي
مولاي اتحرق بالنار جسمي وكان وجهي مصليا وعيني من خوفك باكية
ولساني بتقديسك مسبحا وقلبي من شوقك وجلا وجوارحي من هيبتك
خاشعا واركاني لعظمة جلالك ركعا سجدا اذ لا سبيل الى الاحتراز
من الذنوب الا بعصمتك ولا وصول الى عمل الخير الا بمشيتك فكيف
بالاحتراس ما لم تدركني فيه عصمتك فان لنا عدوا مسلطا يدخل
قلوبنا ويحل الراي والفكرة منا فكيف القرار واين الفرار من مكره و
غدره ان لم يكن من رحمتك عون يا كريم الصفح والتجاوز ومعدن
العوارف والجوائز كن عن ذنوبي صافحا متجاوزا وهب لي من مراقبتك
بيني وبين المعصية حاجزا مولاي مولاي سترت علي في الدنيا ذنوبا
ضاق علي منها المخرج وانا بسترها في الاخرة احوج فيا من جللني بستره
عن لواحظ المتوسمين لا تزل سترك عني على رؤس العالمين اذ اعطيتني
فاسنيت حظي وحفظتني فاحسنت حفظي وغذيتني فانعمت غذائي و

جوبني

جوبني فاكرمت مثواي وتوليتني بفوائد البر والاكرام وخصصتني
بنوافل الفضل والانعام فلك الحمد على جزيل جودك ونوافل مزيدك
حمدا جامعا للشكر الواجب مانعا من عذابك الواصب مكافئا لما بذلته
من اقسام المواهب مولاي مولاي عودتني اسعافي بكل ما اسئلك
واجابتي الى تسهيل كل ما احاوله وانا اغنمك في كل ما يعرض لي من
الحاجات وانزل بك كل ما يخطر ببالي من الطيبات واثقا بقديم
تطولك ومدلا بكريم تفضلك واطلب الخير من حيث تعودته و
التمس النجح من معدنه الذي تعرفته واعلم انك لا تكل اللاجين
اليك الى غيرك ولا تخلي الراجين لحسن تطولك من نوافل برك مولاي
مولاي تتابع منك البر والعطاء فلزمني الشكر والثناء فما من شيء
انشره واطويه من شكرك ولا قول اعيده وابديه في ذكرك الا كنت
له اهلا ومحلا وكان في جنب معروفك مستصغرا مستقلا وقد
عظم قدر من اسعدته باصطفائك وعدم النصر من ابعدته
من فنائك وما اعظم روح قلوب المتوكلين عليك وانجح سعي
الآملين لما لديك وانت تفقدت اولياءك من حيرة الشكوك و
اوصلت الى نفوسهم خيرة الملوك وزينتهم بحلية الوقار والهيبة
واسبلت عليهم ستور العصمة والتوبة وسيرت هممهم في ملكوت
السماء وحبوتهم بخصائص الفوائد والحباء وعقدت عزائمهم بحبل
محبتك وآثرت خواطرهم بتحصيل معرفتك فهم في خدمتك متصرفون
وعند نهيك وامرك واقفون وبمناجاتك آنسون وبصدق الارادة

مجالسون وذلك برأفة تحننك عليهم وما أسديت من جميل منك عليهم
مولاي مولاي بك وصلوا إلى رضاك وبكرمك استشعروا ملابس
موالاتك فاجعلني ممن ناسبهم من أهل طاعتك ولا تدخلني فيمن
جانبهم من أهل معصيتك واجعل ما اعتقدته من ذكرك خالصا
من شبه الفتن سالما من تمويه الإسرار والعلن مشوبا بخشيتك
في كل آن مقربا من طاعتك في الإظهار والإبطان داخلا فيما يؤيد
الدين ويعصمه خارجا مما ينتهبه الدنيا وتهدمه منزها عن قصد
أحد سواك وجيها عندك يوم أقوم وألقاك محصنا من لواحق الرياء
مبرأ من بوائق الأهواء عارجا مع صالح الأعمال بالغدو والآصال
متصلا لا تنقطع بوادره ولا يدرك آخره مثبتا عندك في الكتب
المرفوعة في عليين مخزونا في الديوان المكنون الذي يشهده المقربون
ولا يمسه إلا المطهرون اللهم أنت ولي الأصفياء والأخيار ولك الخلق
وإليك الاختيار وقد ألبستني في الدنيا ثوب عافيتك وأودعت قلبي
ثواب معرفتك فلا تخلني في الآخرة عن عواطف رأفتك واجعلني ممن
شمله عفوك ولم تبله سطوتك يا من يعلم علل الحركات وحوادث
السكون ولا يخفى عليه عوارض الخطرات في مجال الظنون اجعلنا
من الذين أوضحت لهم الدليل وفسحت لهم السبيل فاستشعروا
مدارع الحكمة واستطرقوا سبل التوبة حتى أناخوا في رياض الرحمة
وسلموا من الإعراض بالعصمة إنك ولي من اعتصم بنصرك ومجازي
من أذعن بوجوب شكرك لا تبخل بفضلك ولا تشغل عن فعلك جل

ثناؤك

ثناؤك وفضل عطاؤك وتظاهرت نعماؤك وتوالت آلاؤك وتقدست
أسماؤك فبتيسيرك يجري سداد الأمور وبتقديرك يمضي مقتضيات
الدهور يجير ولا يجار منك ولا لراغب مندوحة عنك سبحانك
وحنانيك تباركت وتعاليت عليك توكلي وإليك يفد أملي وبك
ثقتي وعليك معولي ولا حول عن معصيتك إلا بتسديدك ولا قوة
على طاعتك إلا بتأييدك لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من
الظالمين ولآلائك من الشاكرين ولنعمائك من الذاكرين يا غياث
المستغيثين ويا خير الغافرين وصلى الله على محمد خاتم النبيين
وعلى أهل بيته الطاهرين وأصحابه المنتجبين وسلم تسليما كثيرا
وحسبنا الله ونعم الوكيل نعم المولى ونعم النصير

عروة الوثقى

يا من تحل به عقد المكاره ويا من يفثأ به حد الشدائد ويا من
يلتمس منه المخرج إلى روح الفرج ذلت لقدرتك الصعاب وتسببت
بلطفك الأسباب وجرى بقدرتك القضاء ومضت على إرادتك
الأشياء فهي بمشيتك دون قولك مؤتمرة وبإرادتك دون نهيك
منزجرة أنت المدعو للمهمات وأنت المفزع في الملمات لا يندفع منها
إلا ما دفعت ولا ينكشف إلا ما كشفت وقد نزل بي يا رب ما قد
تكادني ثقله وألم بي ما قد بهظني حمله وبقدرتك أوردته علي
وبسلطانك وجهته إلي فلا مصادر لما أوردت ولا صارف لما
وجهت ولا فاتح لما أغلقت ولا مغلق لما فتحت ولا ميسر لما عسرت

ولا ناصر لمن خذلت فصل على محمد واله سيد المرسلين واهل بيته
المطهرين وافتح لي يا رب باب الفرج بطولك واكسر عني سلطان الهم بحولك
وانلني حسن النظر فيما شكوت واذقني حلاوة الصنع فيما سئلت وهب
لي من لدنك رحمة وفرجا هنيئا واجعل لي من عندك مخرجا وحيا ولا
تشغلني بالاهتمام عن تعاهد فروضك واستعمال سنتك فقد ضقت
لما نزل بي يا رب ذرعا وامتلأت بحمل ما حدث علي هما وانت القادر على
كشف ما منيت به ودفع ما وقعت فيه فافعل بي ذلك وان لم استوجبه
منك يا ذا العرش العظيم
نفوذ رائحة المصري
اللهم بك اعوذ والوذ ولك اخشع واخضع وعليك اتوكل واعتمد و
اياك ارجو واستعين ومنك استكفي واستنصر واليك اتوجه و
استغيث وانت فاطر السموات والارض رب العالمين وارحم الراحمين
الهي انا عبدك وابن عبدك ناصيتي بيدك ماض في حكمك عدل
في قضاؤك معروف بالعبودية والتقصير مقر باضاعة العمر في التدبير
اشهد ان لا اله الا انت وحدك لا شريك لك ولا رب لي سواك
اليك مردي وايابي وعليك توكلي ومآبي وانت على كل شيء قدير
تفعل ما تشاء وتحكم ما تريد لا معقب لحكمك ولا راد لقضائك ولا
مرد لكتابك انت المعروف بالاول والاخر المشهود والباطن في الظاهر
والقديم الازلي العالم السرمدي القادر الاحدي الواجب الابدي
العلي العظيم الرفيع القوي لم تكن من شيء ولم تبن عن شيء خلقت
الاشياء بتقديرك وانت السميع البصير العزيز الحكيم الحي القيوم

لاتأخذك

لا تأخذك سنة ولا نوم لا توصفك الاوهام ولا تدركك الخواطر
ولا تقاس بالقياس ولا تشبه بالناس وان الخلق كلهم عبيدك
واماؤك فقرك بفنائك فانت الرب ونحن المربوبون وانت الخالق
ونحن المخلوقون وانت القادر ونحن المضطرون فلك الحمد يا الهي
بجميل عطائك وجليل الائك اذ خلقتني بشرا سويا غنيا مكفيا
بعد ما كنت طفلا صبيا فقوتني من الثدي لبنا مريا سائغا
طريا ثم غذيتني غذاء طيبا هنيئا حتى جعلتني رجلا قويا صحيحا
سليما فلك الحمد حمدا جزيلا كثيرا لا يحصى عده ولا يمكن حده حمدا
فوق حمد الحامدين ويعلو في السموات والارضين حتى يرضى ربنا
الرحيم ويقبل مولانا الكريم ثقة الواثقين ورجاء المتوكلين و
ذريعة المؤمنين وامان الخائفين الهي اسئلك باسمك الذي دعا
به صفوتك ابونا ادم وزوجته اذ قالا ربنا انفسنا وان لم تغفر لنا
وترحمنا لنكونن من الخاسرين فغفرت لهما خطيئتهما واستجبت
دعوتهما وكنت منهما قريبا يا قريب الهي واسئلك باسمك الذي
دعا به ادريس فجعلته نبيا صديقا ورفعته مكانا عليا في
الاولين وبقيت ذكره في الاخرين الهي واسئلك باسمك الذي دعا
به نجيك نوح اذ نادى ربه اني مغلوب فانتصر ففتحت له ابواب
السماء بماء منهمر وفجرت الارض عيونا فالتقى الماء على امر قد قدر
وحملته على ذات الواح ودسر ان في ذلك لذكرى لمن كان فكر الهي
واسئلك باسمك الذي دعا به عبدك الصالح اذ قلت فلما جاء امرنا

نجينا صالحا والذين امنوا معه برحمة منا ومن خزي يومئذ ان ربك
هو القوي العزيز واخذ الذين ظلموا الصيحة فاصبحوا في ديارهم جاثمين
فنجيته من الخسف واعليته على اعدائه فاستجبت دعاءه وكنت منه
قريبا يا قريب الهي واسئلك باسمك الذي دعا به خليلك حين القاه
عدوه في النار وقال ربنا انك تعلم ما نخفي وما نعلن وما يخفى على
الله من شيء في الارض ولا في السماء ان ربي لسميع الدعاء فجعلت النار
عليه بردا وسلاما وكنت منه قريبا يا قريب الهي واسئلك باسمك
الذي دعا به نبيك ابرهيم وابنه حين اسلما صابرين وتله للجبين اذ
قلت وناديناه ان يا ابرهيم قد صدقت الرؤيا ان هذا لهو البلاء
المبين وفديناه بذبح عظيم وتركنا عليه في الاخرين سلام على ابرهيم
كذلك نجزي المحسنين انه من عبادنا المؤمنين الهي واسئلك باسمك
الذي دعا به اسمعيل صادق الوعد فجعلته نبيا والحرم له منسكا و
مسكنا واستجبت دعاءه وكنت منه قريبا يا قريب الهي واسئلك باسمك
الذي دعا به لوط عبدك المطهر حين اوى الى ركنك الشديد وقال
رب انصرني على القوم المفسدين فاستجبت له واتيته حكما وعلما
ونجيته من القرية التي كانت تعمل الخبائث وادخلته في رحمتك واخرجته
واهله من الكرب العظيم وانك لهدى على صراط مستقيم الهي واسئلك
باسمك الذي دعا به حزنك اسرائيل يعقوب المكروب اذ قال لبنيه
بل سولت لكم انفسكم امرا فصبر جميل والله المستعان على ما تصفون
وتولى عنهم وقال يا اسفى على يوسف وابيضت عيناه من الحزن فهو

كظيم

كظيم وقال انما اشكو بثي وحزني الى الله واعلم من الله ما لا تعلمون
يا بني اذهبوا فتحسسوا من يوسف واخيه ولا تيأسوا من روح الله
انه لا ييأس من روح الله الا القوم الكافرون فلما جاء البشير
والقاه القميص على وجهه فارتد بصيرا قال الم اقل لكم اني اعلم من الله
ما لا تعلمون فجمعت شمله وكشفت ضره واقررت عينه بولده وكنت
منه قريبا يا قريب الهي واسئلك باسمك الذي دعا به هود عبدك
المتوكل اذ قال اني توكلت على الله ربي وربكم ما من دابة الا هو
اخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم فلما جاء امرك نجيته مع
الذين امنوا رحمة منك وموعظة للمتقين الهي واسئلك باسمك
الذي دعا به عبدك الحليم شعيب الرشيد اذ قال وما توفيقي الا بالله
عليه توكلت واليه انيب فاستجبت دعاءه ونجيته واهله واخذت
الذين ظلموا اعداءك منك وبشرى للمتوكلين الهي واسئلك باسمك
الذي دعا به يوسف الصديق اذ قال رب قد اتيتني من الملك وعلمتني
من تأويل الاحاديث فاطر السموات والارض انت وليي في الدنيا و
الاخرة توفني مسلما والحقني بالصالحين فاستجبت له ونجيته من
الجب وصرفت عنه السوء والفحشاء وكشفت ضره وكفيته مكر
اخوته وكيدهن وجعلته بعد العبودية عزيزا امينا مكينا حفيظا
عليما وكنت منه قريبا يا قريب الهي واسئلك باسمك الذي دعا به كليمك
موسى بن عمران اذ قلت تباركت وتعاليت وناديناه من جانب الطور
الايمن وقربناه نجيا وضربت له في البحر طريقا يبسا وانجيته ومن

تبعه من بني اسرائيل واغرقت فرعون وهامان وجنودهما وانت على
كل شيء قدير الهي واسئلك باسمك الذي دعا به عبدك الاواب داود
ذا الايد فاستجبت دعاءه وسخرت له الجبال يسبحن بالعشي والاشراق
والطير محشورة كل له اواب وشددت ملكه واتيته الحكمة و
فصل الخطاب والنت له الحديد وعلمته صنعة لبوس وغفرت
ذنبه وان عندك لزلفى وحسن ماب الهي واسئلك باسمك الذي
دعا به سليمن وقال رب اغفر لي وهب لي ملكا لا ينبغي لاحد من بعدي
انك انت الوهاب فاستجبت واطعت له الخلق وحملته على الريح و
علمته منطق الطير وسخرت له الشياطين كل بناء وغواص و
اخرين مقرنين في الاصفاد هذا عطاؤك بغير حساب لا اعطاء غيرك
يا كريم الوهاب الهي واسئلك باسمك الذي دعا به عبدك الممتحن
ايوب الصبور لما حل به البلاء بعد العافية والسقم منزلة الصحة
والضيق موقع السعة والوحشة موضع الانس فناداك عائذا
لائذا راغبا راجيا رب اني مسني الضر وانت ارحم الراحمين فاستجبت
له وكشفت ضره ورددت عليه اهله ومثلهم معهم رحمة منك و
سكينة للصابرين الهي واسئلك باسمك الذي دعا به عبدك المبتلا
يونس بن متى حين ناداك معترفا بظلمه تائبا لربه في ظلمات ثلث ان
لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبت دعاءه ونجيته
من الكرب العظيم وارسلته الى قومه بلطفك العميم ومنحك الجسيم
يا حليم يا كريم الهي واسئلك باسمك الذي دعا به زكريا اذ نادى ربه

نداء

نداء خفيا وقال رب اني وهن العظم مني واشتعل الرأس شيبا
ولم اكن بدعائك رب شقيا واني خفت الموالي من ورائي وكانت
امرأتي عاقرا فهب لي من لدنك وليا يرثني ويرث من ال يعقوب
واجعله رب رضيا فبشرته بغلام اسمه يحيى واوحيت اليهم ان
سبحوا بكرة وعشيا رحمة منك وذكرى لمن يتزكى الهي واسئلك
باسمك الذي دعا به عبدك مسيح بن مريم اذ دعا متيقنا بالاجابة
ربنا انزل علينا مائدة من السماء تكون لنا عيدا لاولنا واخرنا
واية منك وارزقنا وانت خير الرازقين فاستجبت له وايدته بروح
القدس وانطقته بكلمتك فاحيا به الموتى وابرء الاكمه والابرص
باذنك وكل ذلك سهل يسير مع فضلك ولطفك سبحانك وحنانيك
تباركت وتعاليت عما يقولون علوا كبيرا الهي واسئلك باسمك
الذي دعا به اصف بن برخيا على عرش ملكة سبا حتى صار مصورا بين
يديه فلما رأته قيل اهكذا عرشك قالت كانه هو فظهرت قدرتك
وقوتك واثار اسمك الاعظم يا قديم الاكرم الهي واسئلك
باسمك الذي دعتك به امتك امرأة عمران حين قالت رب اني نذرت
لك ما في بطني محررا فتقبل مني انك انت السميع العليم فلما وضعتها
قالت رب اني وضعتها انثى والله اعلم بما وضعت وليس الذكر كالانثى
واني سميتها مريم واعيذها بك وذريتها من الشيطان الرجيم
فتقبلها ربها بقبول حسن وانبتها نباتا حسنا وكان الله على كل
شيء قديرا الهي واسئلك باسمائك الذي دعا بها عبدك ونبيك

صفيك من عبادك ونجيبك من خلقك وامينك على وحيك ورسولك
الى خلقك وبعثك الى بريتك محمد خاصتك وخلاصتك حين
ايدته بجنود لم يروها وجعلت كلمتك العليا وكلمة الذين كفروا
السفلى وشرفته بخطابك وكتابك وحيا وتنزيلا انا فتحنا لك
فتحا مبينا ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك وما تاخر ويتم
نعمته عليك ويهديك صراطا مستقيما وينصرك الله نصرا عزيزا
هو الذى انزل السكينة فى قلوب المؤمنين ليزدادوا ايمانا مع ايمانهم
ولله جنود السموات والارض وكان الله عليما حكيما ليدخل المؤمنين
والمؤمنات جنات تجرى من تحتها الانهار خالدين فيها ويكفر
عنهم سيئاتهم وكان ذلك عند الله فوزا عظيما ويعذب المنافقين
والمنافقات والمشركين والمشركات الظانين بالله ظن السوء عليهم
دائرة السوء وغضب الله عليهم ولعنهم واعد لهم جهنم وساءت
مصيرا ان تصلى على ملائكتك وانبيائك ورسلك وان تخص
منهم محمدا واله بصلوات زاكية نامية باقية مباركة كما صليت
وباركت على ابرهيم وال ابرهيم وزدهم فوق ذلك زيادة من فضلك
واجعلنى منهم واحشرنى معهم وفى زمرتهم وادخلنى فى جملتهم واعطنى
خير الدنيا والاخرة بحقهم وبلغنى ما لى فى الدارين بجرمهم و
تبلغهم سلامى وتحيتى رحمة وبركاتا منك انك ذو الفضل العظيم
وكل معبود من دون العرش الى منتهى الفرش باطل غير وجهك الكريم
انا الذى نادى فيض فضلك وشمول لطفك فى انصاف الليل

هل

هل من سائل مستغفر هل من مسكين راج ام هل من مؤمل مبتلى
ام هل من مضطر خائف علجز حتى اعطيته سؤله واجبر مطلبه
وانجيته من كربه واعززته من عشيرته واعنته على عدوه واغفر
ذنبه وابلغه امله فها انا ذا يا رب سائلك بفنائك مسكينك
ببابك فقيرك الى جنابك اريد نصرك وارجو رحمتك واؤمل
عفوك وانتظر خيرك واستدعى غفرانك واحسانك والتمس امانك
ورضوانك فاعطنى يا سيدى ومولاى ومعتمدى بسعة رحمتك مؤملى
وبلغنى املى واجبر فقرى وامن خوف نفسى واشدد ازرى واكشف همى
وفرج غمى وارحم ذلى وقو ضعفى ويسر عسرى واصلح شانى ويسر لى
امرى واحجبنى بحجابك المنيع واحرزنى بحرزك الوثيق واكفنى بركنك
الشديد وحصنى بدرعك الحصين واحفظنى بحفظك المكين و
اهدنى بهداك واغننى عمن سواك والهمنى تقواك واستعملنى فى
سبيل رضاك واسترنى برداء العفة ونجنى من الهلكة والبلية فاغفر لى
واعف عنى وقد يعفو السيد عن عبده وليس براض عنه فبعزتك يا
سيدى لا طاقة لى بالجهد ولا صبر لى بالبلاء فلا تسلط على من لا يرحمنى
ولا تهلكنى بفضائح عملى ولا تهتك سترى بجسارات قدمى واجعلنى من
عتقائك وطلقائك حتى لا يردنى الا بذنب مغفور وسعى مشكور
وتجارة لن تبور سيدى ومولاى قد علمت يقينا انك لا تامر بالظلم
ولا ترضى بالجور وانك تعلم ما فيه هؤلاء الظلمة من الفسق والكفر
والفجور وبغيهم بغير الحق والمعروف بل ظلما وعدوانا وزورا

وبهتانا بحيث لا يخفى عليك من اعمالهم خافية ولا تذهب عنك من
من افكارهم خائنة وانك علام الغيوب عالم بما في الضمائر و
القلوب فان قيل لا بد من البلوغ الى الاجال المكتوبة فقد قلت
وقولك الحق يمحوا الله ما يشاء ويثبت وعنده ام الكتاب فبكل ما سألك
اصفياؤك واولياؤك من عبادك الصالحين وشهدائك المؤمنين
من مسئلة مجابة غير مردودة اسئلك ان تمحوا من ام الكتاب ذلك الذي
تكتب لهم الاضمحلال والاستيصال والمحق والازهاق حتى تنقضي
مدتهم وتذهب دولتهم وتشتت جمعهم وتبدد شملهم وتزلزل اقدامهم
وتقبض ايديهم وتخرس لسانهم وان تسلط بعضهم على بعضهم و
تخلص عبادك عنهم وتطهر بلادك منهم حتى يستخذلوا بعد نخوتهم
ويخشعوا بعد استطاعتهم اذلاء ماسورين في ربق حبائلهم
التي كانوا يؤملون ان يرونا فيها فقد غيروا سنتك ونقضوا عهدك
وهتكوا حرمك وهدموا سبيلك واتوا بما نهيت وعتوا عتوا كبيرا
وضلوا ضلالا بعيدا وخاصة هذا الفرعون ذو الاوتاد مع عناده
وفساده وكيده ونفاقه بحيث لا يندم ولا يرجع ولا يستحيي ولا يصلح
ان بطشك لشديد واخذك لعتيد ومكرك لكبير وعلى الظالمين
قهرك غير بعيد ما دعا عابدين صفيين بيدك راجين وبقدرتك
واثقين وبحسن قضائك منتظرين من آل عمران موسى وهرون حين
قالا ربنا انك اتيت فرعون وملاه زينة واموالا في الحيوة الدنيا
ليضلوا عن سبيلك ربنا اطمس على اموالهم واشدد على قلوبهم فلا يؤمنوا

حتى يروا العذاب الاليم فمننت وانعمت عليهما بالاجابة فقلت قد
اجيبت دعوتكما فاستقيما ولا تتبعان سبيل الذين لا يعلمون فسبحانك
اللهم الارض جميعا قبضتك والسموات مطويات بيمينك اذا اردت
امرا فانما قلت له كن فيكون فافعل بهم وعجل ذلك واشغلهم في
انفسهم باسماعهم وابصارهم وافئدتهم حتى يروا العذاب
يا هازم الاحزاب ويا مالك الرقاب ويا شديد العقاب
وسريع الحساب

اربعين الاربعين

سبحانك اللهم وبحمدك لا اله الا انت يا رب كل شيء ووارثه يا
رحمن كل شيء وراحمه يا واحد الباقي اول كل شيء وآخره يا اله الالهة
الرفيع جلاله يا قيوم الذي لا يفوت شيء من علمه ولا يؤده يا
نقي من كل جور لم يرضه ولم يخالطه فعاله يا منان ذا الاحسان قد
عم كل الخلائق منه يا خالق من في السموات والارض وكل اليه معاده
يا رحيم كل صريخ ومكروب وغياثه ومعاذه يا عزيز المنيع الغالب
على امره فلا شيء يعادله يا قاهر ذو البطش الشديد الذي لا يطاق
انتقامه يا جليل المتكبر على كل شيء فالعدل امره والصدق وعده
يا كريم العفو الذي ملأ كل شيء عدله يا عظيم ذو الثناء الفاخر و
ذو العز والمجد والكبرياء فلا يذل عزه يا الله المحمود في كل فعاله
يا حي حين لا حي في ديمومة ملكه وبقائه يا دائم بلا فناء ولا زوال
لملكه يا صمد من غير شبه ولا شيء كمثله يا بار فلا شيء كفوه ولا
امكان لوصفه يا كبير الذي لا تهتدي العقول لوصف عظمته يا بارئ

النفوس بلا مثال خلا من غيره يا زكي الطاهر من كل آفة بقدسه يا كافي
الموسع لما خلق من عطايا فضله يا ديان العباد كل يقوم خاضعا
لرغبته ورهبته يا تام فلا تصف الألسن كل كنه جلال ملكه
وعزه يا علام الغيوب فلا يفوت شئ من خلقه يا معيدما أفناه
إذا برز الخلائق لدعوته يا حميد الفعال ذا المن على جميع خلقه
بلطفه يا غريبا المتعالي فوق كل شئ علو ارتفاعه يا مذل كل
جبار عنيد بقهر عزيز سلطانه يا نور كل شئ وهديه انت الذي
فلقت الظلمات بنوره يا عالي الشامخ فوق كل شئ علو ارتفاعه
يا قدوس الطاهر من كل سوء فلا شئ يعادله من خلقه يا مبدئ
البرايا ويا معيدها بعد فنائها بقدرته يا محمود الذي لا تبلغ
الأوهام والأفهام كنه ثنائه ومجده يا مجيب الذي لا تنطق الألسن
بكل آلائه وثنائه ونعمائه يا حنان الذي وسعت كل شئ رحمة
وعلما يا مبدئ البدايع لم يبغ في إنشائها عونا من خلقه اسئلك
يا معتمدي عند كل كربة وغياثي عند كل شدة بهذه الأسماء أيمانا
وأمانا من عقوبات الدنيا والآخرة وأن تصرف عني بهن كل سوء
ومخوف ومحذور وأن تخس عني أبصار الظلمة المريدين بي السوء
لك الحمد يا إلهي على عطاياك الجزيلة ولك الحمد يا سيدي على منتك
المتواترة التي بها دافعت عني مكاره الأمور وبها آتيتني مواهب
السرور وأسئلك اللهم بك وبحقك على جميع من هو دونك وبكل
ذي حق بحقيقة أن تصلي على محمد وآله ومن أرادني بسوء فخذه

بسمعه

بسمعه وبصره ومن بين يديه ومن خلفه وعن يمينه وشماله وامنعه
مني بحولك وقوتك يا من ليس له وزير يؤتى ويا من ليس له حاجب
يرشى ويا من ليس له بواب ينادى ويا من لا يزداد كثرة العطاء إلا
كرما وجودا ولا تتابع الذنوب إلا مغفرة وعفوا صل على محمد و
آله وافعل بي ما أنت أهله إنك تواشرفي أهل التقوى وأهل المغفرة
يا إلهي وإله جميع الموجودات من المعقولات والمحسوسات يا واهب
النفوس والعقول ومخترع ماهيات الأركان والأصول يا واجب
الوجود ويا فايض الخير والجود يا نور الأنوار ومدور كل دوار
أنت الأول الذي لا أول قبلك وأنت الآخر الذي لا آخر بعدك
الملائكة عاجزون عن درك صفات جمالك والناس قاصرون
عن معرفة كمال ذاتك سبحانك سبحانك لا أحصي ثناء عليك
أنت كما أثنيت على نفسك ما عرفناك حق معرفتك وما عبدناك حق
عبادتك صل على ملائكتك وأنبيائك ورسلك وأولو العلم من أهل
طاعتك والصالحين من عبادك وخلصني بفضلك عن العلايق
الدنية الجسمانية ونجني برحمتك من العوايق الردية الظلمانية
ارسل على روحي شوارق أنوارك وأفض على نفسي بوارق آثارك العقل
نطرة من قطرات بحار ملكوتك والنفس شعلة من شعلات نار جبروتك
ذاتك ذات فياضة تفيض عنها جواهر روحانية لا متمكنة ولا متحيزة
لا متصلة ولا منفصلة مبرات عن الأحياز والعين معرات عن الوصل
والبين فسبحان الذي لا تدركه الأبصار ولا تمثله الأفكار

يا من ليس معه رب يدعى يا من ليس فوقه خالق يخشى ويا من ليس دونه إله يتقى ويا من ليس

يا من ليس معه
رب يدعى يا من لا يفنى
خالق يخشى يا من ليس دونه
إله يتقى يا من ليس له
وزير يؤتى وحاجب يرشى
يا من ليس له بواب
ينادى

وهو البكاء اللطيف السبحا الخبير

اللهمّ إن تشأ تعف عنّا بفضلك وإن تشأ تعذّبنا فبعدلك
فسهّل لنا عفوك بمنّك وأجرنا من عذابك بتجاوزك فإنّه لا طاقة
لنا بعدلك ولا نجاة لأحد منّا دون عفوك يا غنيّ الأغنياء ها
نحن عبادك بين يديك وأنا أفقر الفقراء إليك فاجبر فاقتنا بوسعك
ولا تقطع رجاءنا بمنعك فتكون قد أشقيت من استسعد بك وحرمت
من استرفد فضلك فإلى من حينئذ منقلبنا عنك وإلى أين مذهبنا
عن بابك سبحانك نحن المضطرّون الذين أوجبت إجابتهم وأهل
السوء الذين وعدت الكشف عنهم وأشبه الأشياء بمشيّتك وأولى
الأمور بك في عظمتك رحمة من استرحمك وغوث من استغاث
بك فارحم تضرّعنا إليك وأغننا إذ طرحنا أنفسنا بين يديك
اللهمّ إنّ الشيطان قد شمت بنا إذ شايعناه على المعصية فصلّ
على محمّد وآله ولا تشمته بنا بعد تركنا إيّاه لك ورغبتنا عنه إليك
يا ارحم مطلع الأنوار فيض باهر ربنا الراحمين

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهمّ أنت الملك الحقّ لا إله إلّا أنت سبحانك أنت ربّي وأنا عبدك
عملت سوءاً وظلمت نفسي واعترفت بذنبي واستغفرك فاغفر لي فإنّه
لا يغفر الذنوب إلّا أنت يا غفور يا شكور يا حليم يا كريم اللهمّ
إنّي أحمدك وأنت للحمد أهل على ما خصصتني به من مواهب الرغائب
وأوصلت إليّ من فضائل الصنائع وأوليتني به من إحسانك

دبوأتني

وبوّأتني به من مظنّة الصدق وأنلتني به من مننك الواصلة و
أحسنت إليّ من اندفاع البليّة والتوفيق لي والإجابة لدعائي
حين أناديك داعياً وأناجيك راغباً وأدعوك مضارعاً مصافياً
وحين أرجوك راجياً فأجدك في المواطن كلّها لي جاراً حاضراً حفيّاً
بارّاً وفي الأمور ناصراً وللذنوب غافراً وللعيوب ساتراً لم أعدم
عونك وبرّك وإحسانك طرفة عين منذ أنزلتني دار الاختبار
والفكر والاعتبار لتنظر ماذا أقدّم لدار القرار فأنا عتيقك يا
مولاي من جميع المضالّ والمعايب اللوازم واللوازب والهموم التي
قد ساورتني فيها الغموم بمعاريض أصناف البلاء وضروب جهد
القضاء لا أذكر منك إلّا الجميل ولم أر منك إلّا التفضيل خيرك
لي شامل وصنعك لي كامل ولطفك بي كافل وفضلك عليّ متواتر
ونعمك عندي متّصلة وأياديك لديّ متظاهرة لم تخفر جواري و
لم تشمت أعدائي بل صدّقت رجائي وصاحبت أسفاري وأكرمت أحضاري
وحقّقت آمالي وعافيت منقلبي ومثواي فحمدي لك واصب وثنائي عليك
متواتر دائم من الدهر إلى الدهر بألوان التسبيح وأنهاء التهليل و
أنواع التقديس وأجناس التحميد خالصاً لذكرك ومرضيّاً لك بناصع
التوحيد وإخلاص التفريد وإمحاض التمجيد بطول التعبّد والتعديد
لم تعن في قدرتك ولم تشارك في إلهيّتك ولم
تعلم لك مائيّة وماهيّة فتكون للأشياء المختلفة مجانساً ولم
تعاين إذ حبست الأشياء على العزائم المختلفات ولا خرقت الأوهام

والنوائب والكوارث

حجب الغيوب بالليك فاعتقد منك محدودا في عظمتك لا يبلغك بعد
الهمم ولا ينالك غوص الفتن ولا ينتهي اليك بصر ناظر في مجد جبروتك
قد عز جارك وجل ثناؤك ولا اله غيرك ارتفعت عن صفة المخلوقين
صفات قدرتك وعلا عن ذكر الذاكرين كبرياء عظمتك لا ينتقص
ما اردت ان يزداد ولا يزداد ما اردت ان ينتقص ولا ضد شهدك
حين فطرت الخلق ولا ند حضرك حين برات النفوس كلت الالسن عن
تفسير صفتك وانحسرت العقول عن كنه معرفتك والنواصي كلها بيدك
ومقادير الامور كلها اليك لا يقضى فيها غيرك ولا يتم منها شيء
دونك فكيف يوصف كنه صفتك يا رب وانت الله الرحمن الرحيم الملك
القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر الذي لم يزل
ازليا ابديا سرمديا دائما في الغيوب وحدك لا شريك لك ليس فيها
احد غيرك ولم يكن اله سواك حارت في بحار ملكوتك عميقات مذاهب
التفكر وصارت في ظل سرادقات جبروتك اعناق الجبابرة اسراء وتواضعت
الملوك لهيبتك وعنت الوجوه بذلة الاستكانة لعزتك وانقاد
كل شيء لعظمتك وقام كل شيء بك واحاط بكل شيء علمك واستسلم
كل شيء لقدرتك خشعت لك الاصوات وخضعت لك الرقاب وكل
دون ذلك تحبير اللغات وضل هنالك التدبير في تصاريف الصفات
فمن تفكر في ذلك رجع طرفه اليه حسيرا وعقله مبهوتا وتفكره
متحيرا اللهم لك الحمد حمدا كثيرا دائما متواليا متواترا متسقا
مستوسقا يدوم ويتضاعف ولا يبيد غير مفقود في الملكوت ولا

مطموس

مطموس في المعالم ولا منتقص في العرفان فلك الحمد على مكارمك التي
لا تحصى في الليل اذا ادبر والصبح اذا اسفر وفي البر والبحار والغدو
والاصال والعشي والابكار والظهيرة والاسحار وفي كل جزء من
اجزاء الليل والنهار اللهم لك الملك والملكوت والعظمة والجبروت
والجلال والاكرام والنقض والابرام والعزة والسلطان و
الحجة والبرهان والكبرياء والربوبية والقدرة والهيبة و
المنعة والسطوة والرافة والرحمة والعفو والعافية والسلام
والطول والالاء والفضل والنعماء والنور والضياء والجود
والبقاء سبحانك سبحانك الارض جميعا قبضتك والسموات مطويات
بيمينك تباركت وتعاليت عما يقولون علوا كبيرا فبتوفيقك اللهم
قد احضرتني النجاة جعلتني منك في الولاية العصمة فلم ابرح في
سبوغ نعمائك وتتابع الائك محروسا لك في الرد والامتناع
محفوظا منك في المنعة والدفاع لم تكلفني فوق طاقتي ولم
ترض عني الا طاعتي فانك حي قيوم وبالعز مذكور وبالفخر مشهور
وعلى السراء والضراء مشكور وهو الله الواحد الاحد الصمد
المبدئ المعيد البديع الرفيع الشفيع المنيع السريع السميع العليم
الذي ليس لامرك مدفع ولا عن قضائك ممتنع ولم تغب عنك غائبة
ولا تخفى عليك خافية ولن تضل عنك في ظلم الخفيات ضالة
انما امرك اذا اردت شيئا ان تقول له كن فيكون فسبحان الذي
بيده ملكوت كل شيء واليه ترجعون اللهم لك الحمد مثل ما حمدت

به نفسك اضعاف ما حمدك به الحامدون وقدّسك به المقدّسون
وكبّرك به المكبّرون وهلّلك به المهلّلون وعظّمك به المعظّمون
وسبّحك به المسبّحون ووحّدك به الموحّدون حتى يكون لك منّي
في كلّ طرفة عين مثل حمد جميع الحامدين وتوحيد الموحّدين وتسبيح
المسبّحين وتقديس العارفين وثناء المهلّلين وصلوات المصلّين
المخلصين ومثل ما انت به عالم وعارف وهو محمود من خلقك وارغب
اليك في بركة ما انطقتني به من حمدك فما ايسر ما كلّفتني به من
حقّك واعظم ما وعدتني به على شكرك ابتدأتني بالنعم فضلا
وطولا وامرتني بالشكر حقّا وعدلا ووعدتني عليه اضعافا
ومزيدا واعطيتني من رزقك اختيارا ورضا وسألتني منه شكرا
يسيرا صغيرا اذ نجّيتني وعافيتني من جهد البلاء وسوء القضاء
وجعلت ملبسي العافية واوليتني الرخاء والبسطة وسوّغت
لي ايسر القصد وضاعفت لي اشرف الفضل مع ما وعدتني به
من المحجّة الشريفة وبشّرتني به من الدرجة الرفيعة واصطفيتني
باعظم النبيّين دعوة وافضلهم شفاعة واوضحهم حجّة وارفعهم
درجة واقربهم منزلة محمّد عبدك ورسولك امينك على وحيك
ونجيبك من خلقك وصفيّك من عبادك امام الرحمة وقائد
الخير ومفتاح البركة صلواتك ورحمتك وبركاتك عليه وعلى آله
الطيّبين واصحابه المنتجبين واخوانه من النبيّين والصدّيقين
والشهداء والصالحين وحسن اولئك رفيقا فاغفر لي اللهمّ

بهم

[right margin:] ومجّدك به الممجّدون

بهم ما لا يسعه الا مغفرتك ولا يمحقه الا عفوك ولا يكفّره الا
تجاوزك وفضلك وتشوّقني اليك وترغّبني فيما يرضيك واكتب لي المغفرة
وبلّغني الكرامة واوزعني شكر ما انعمت ولا تزغ قلبي بعد اذ هديتني
وهب لي من لدنك رحمة انك انت الوهّاب سبحانك اللهمّ وبحمدك
انّي اسئلك الثبات في الامر والعزيمة على الرشد والشكر على نعمك و
التوفيق لعبادتك بك اصول على الاعداء واياك ارجو ولاية الاحبّاء
والقرناء فلك الحمد على ما لا استطيع احصاءه ولا تعديده من عوائد
فضلك وعوارف رزقك والوان ما اوليتني به من ارفادك فانك
انت الله الذي لا اله الا انت الفاشي في الخلق حمدك الباسط بالجود
يدك لا تضادّ في حكمك ولا تنازع في سلطانك وملكك تملك من الانام
ما تشاء ولا يملكون منك الا ما تريد اللهمّ انت المنعم المفضل المحسن
المجمل الخالق البارئ المصوّر القيّوم القويّ القاضي القابض القادر
القاهر القديم القريب القدير القدّوس في نور القدس تردّيت بالمجد
والعلاء وتأزّرت بالعظمة والكبرياء وتغشّيت بالنور والضياء
وتجلّلت بالمهابة والبهاء لك المنّ القديم والسلطان الشامخ و
الملك الباذخ والجود الواسع والقدرة الكاملة والحكمة البالغة
والعزّة الشاملة فلك الحمد على ما خلقتني في احسن تقويم سميعا
بصيرا صحيحا سويّا سالما معافى لم تشغلني بنقصان في بدني ولم تمنعني
كرامتك وحسن صنيعك وفضل منائحك وجزيل نعمائك وجليل
الائك انت الذي اوسعت عليّ في الدنيا وفضّلتني على كثير من اهلها

[left margin:] يا ربّ الارباب ويا مسبّب الاسباب ويا مفتّح الابواب ويا مالك الرقاب ومسهّل الصعاب ويا هازم الاحزاب فضلت اربابي وملهم الصواب يا منزل الكتاب يا من عنده حسن الثواب ومنه البلاء واليه المآب وهو سريع الحساب الكريم اتوب في سدى

تفضيلا فجعلت لي سمعا يسمع آياتك وعقلا يفهم ايمانك وبصرا
يرى قدرتك وفؤادا يعرف عظمتك وقلبا يعتقد توحيدك فاني
لفضلك على حامد ولك نفسي شاكرة وبحقك شاهدة واشهد
انك ربي ورب كل شيء فاطر السموات والارض عالم الغيب والشهادة
وهو الاول والآخر والظاهر والباطن العلي العظيم الكبير المتعال
الذي لم تقطع عني موايد الكرم ولم تنزل بي عقوبات النقم ولم تمنع
عني دقايق العصم ولم تغير علي وثايق النعم فلو لم اذكر من احسانك
الا عفوك عني والتوفيق لي والاجابة لدعائي حين رفعت صوتي
بتمجيدك وتحميدك والا في تقديرك خلقي حين صورتني فاحسنت
والا في تقديرك خلقي حين صورتني فاحسنت صورتي والا في
قسمة الارزاق حين قدرتها لي لكان في ذلك ما اشغل شكري عن
جهدي فكيف اذا فكرت في النعم العظام التي اتقلب فيها ولا ابلغ
شكر شيء منها فلك اللهم الحمد على الحمد عدد ما حفظه علمك و
ما وسعت رحمتك وما احاطت به قدرتك واضعاف ما تستوجبه
من جميع خلقك فتمم يا رب احسانك فيما بقي من عمري كما احسنت الي
فيما مضى منه انك على كل شيء قدير وانت حسبي ونعم الوكيل نعم
المولى ونعم النصير اللهم اني اسئلك واتوسل اليك بوجوب ذاتك و
كمال صفاتك وبنور وجهك الكريم وبعز اسمك العظيم ان تصلي على
ملائكتك وانبيائك ورسلك واولي العزم والعلم من اهل طاعتك
والصالحين من عبادك وان لا تحرمني رفدك وفضلك وجمالك

وفوايد

وفوايد كرامانك فانه لا يعتريك لكثرة ما نشرت من العطايا عوايق
البخل ولا ينقص جودك التقصير في شكر نعمتك ولا تنفد خزائنك مواهبك
المتسعة ولا تؤثر في جودك العظيم منحك الفايقة الجميلة الجليلة
ولا تخاف ضيق املاق فتكدي ولا يلحقك خوف عدم فينقص من جودك
فيض فضلك ومع كل ذلك ما انا باول راغب رغب اليك فاعطيته
وهو يستحق المنع ولا باول سائل سئلك فافضلت عليه وهو يستوجب
الحرمان فبفضلك اللهم اغنني وبعظمتك فانعشني وبسعتك فابسط
يدي وبما عندك فاكفني وادخلني في لجة بحر ربوبيتك وطماطم يم
الوهيتك وقوني بقوة سطوة سلطان ديموميتك حتى اخرج الى فضاء
سعة الرحمة وفي وجهي لمعان برق القرب من آثار قيوميتك مكتنا
بمكنتك عزيزا بعزتك قادرا بتقديرك عالما بتعليمك والبسني
خلع السكينة والقبول وسهل لي مناهج الوسيلة والوصول
توجني بتاج الكرامة والوقار والف بيني وبين الاخيار والابرار
في دار القرار والقرار واجعل لي من انوار اسمائك قوة وسطوة تنقاد
لي القلوب والارواح وتخضع لدي النفوس والاشباح يا من ذلت
له الرقاب لتماردة وخضعت لديه اعناق الفراعنة لا ملجا ولا منجا
منك الا اليك ولا اعانة ولا اتكاء الا اليك ولا حول ولا قوة الا
بالله العلي العظيم الهي كيف اصد عن بابك بخيبة منك وقد وردته
على ثقة بك وكيف تؤيسني من عطائك وقد امرتني بدعائك ها انا
ذا يا ربي عبدك وابن عبدك مقبل عليك ملتجئ اليك مطروح بين

يديك منك وبك ولك فافعل بي ما انت اهله ولا تفعل بي ما انا
اهله انك انت المعطي جلائل النعم المكرمة لمن ناجاك بلطائف رأفتك
يا سميع الدعاء يا قريب يا مجيب وتدعو اسمين كريمين في السجود
متواليا خمسة **مشكوة الانوار لمطالب نفسي** وخمسين مرة
اللهم يا من دلع لسان الصباح بنطق تبلجه وسرح قطع الليل
المظلم بغياهب تلجلجه واتقن صنع الفلك الدوار في مقادير تبرجه
واحكم مراكز الثوابت والسيار في حدود تدرجه وشعشع ضياء
الشمس بنور تأججه وزعزع القمر بحسن تموجه يا من دل على
ذاته بذاته وتنزه عن مجانسة مخلوقاته وجل عن ملائمة
كيفياته يا من قرب من خواطر الظنون وبعد عن ملاحظة العيون
وعلم بما كان قبل ان يكون يا من ارقدني في مهاد امنه وامانه و
ايقظني الى ما منحني به من مننه واحسانه وكف اكف السوء
عني بيده وسلطانه صل اللهم على الدليل اليك في الليل
الاليل والماسك من اسبابك بحبل الشرف الاطول والناصع
الحسب في ذروة الكاهل الاعبل والثابت القدم على زحاليفها
في الزمن الاول وعلى آله الاخيار المصطفين الابرار وافتح **اللهم**
لنا مصاريع الصباح بمفاتيح الرحمة والفلاح والبسني من افضل
خلع الهداية والصلاح واغرس بعظمتك في شرب جناني ينابيع
الخشوع واجر لهيبتك من اماقي زفرات الدموع وادب نزق الخرق
مني بازمة القنوع وكسر سطوة الاعداء فيهم بالاستكانة و

الخضوع **الهي** ان لم تبتدئني الرحمة منك بحسن التوفيق فمن السالك
بي اليك في واضح الطريق وان اسلمتني اناتك لقائد الامل و
المنى فمن المقيل عثراتي من كبوات الهوى وان خذلني نصرك عند
محاربة النفس والشيطان فقد وكلني خذلانك الى حيث النصب و
الحرمان **الهي** اتراني ما اتيتك الا من حيث الامال ام علقت
باطراف حبالك الا حين باعدتني ذنوبي عن دار الوصال فبئس المطية
التي امتطت نفسي من هواها فواها لها لما سولت لها ظنونها
ومناها وتبا لها لجرأتها على سيدها ومولاها **الهي** قرعت
باب رحمتك بيد رجائي وهربت اليك لاجيا من فرط اهوائي و
علقت باطراف حبالك انامل ولائي فاصفح **الهي** عما كان من
زللي وخطائي واقلني من صرعة ردائي فانك سيدي ومولائي و
معتمدي ورجائي وغاية مناي في منقلبي ومثواي **الهي** كيف تطرد
مسكينا التجأ اليك من الذنوب هاربا ام كيف تخيب مسترشدا قصد
الى جنابك ساعيا ام كيف ترد ظمآنا ورد الى حياضك شاربا
كلا وحياضك مترعة في ضنك المحول وبابك مفتوح للطلب و
الوغول وانت غاية السؤل ونهاية المأمول **الهي** هذه ازمة
نفسي عقلتها بعقال مشيتك وهذه اعباء ذنوبي درأتها برأفتك
ورحمتك وهذه اهواء المضلة وكلتها الى جناب لطفك و
عفوك فاجعل **الهي** صباحي هذا نازلا علي بضياء الهدى و
السلامة والبشرى والعافية في الدين والدنيا ومسائي جنة

من كيد الاعداء ووقاية من مرديات الهوى انك قادر على ما تشاء
تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل
من تشاء بيدك الخير انك على كل شيء قدير تولج الليل في النهار
وتولج النهار في الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت من
الحي وترزق من تشاء بغير حساب

حجة القاطعة الرضوية

اللهم يا ذا القدرة الجامعة والرحمة الواسعة والنعمة السابغة
والحجة القاطعة والمنن المتتابعة والآلاء المتوالية والايادي
الجميلة والمواهب الجزيلة يا من لا يوصف بتمثيل ولا يمثل بنظير ولا
يغلب بظهير ولا له شريك ووزير يا من خلق فرزق وألهم فانطق
وابتدع فشرع وعلا فارتفع وقدر فاحسن وصور فاتقن واحتج
فابلغ وانعم فاسبغ واعطى فاجزل ومنح فافضل يا من سما في
العز ففات خواطر الابصار ودنا في اللطف فجاز هواجس الافكار
يا من تفرد بالملك فلا ند له في ملكوت سلطانه وتوحد
بالكبرياء فلا ضد له في جبروت شانه يا من حارت في كبرياء هيبته
دقائق لطائف الاوهام وانحسرت دون ادراك عظمته خطائف
ابصار الانام يا عالم خطرات قلوب العارفين وشاهد لحظات
ابصار الناظرين يا من عنت الوجوه لهيبته وخضعت الرقاب
لعظمته ووجلت القلوب من خيفته وارتعدت الفرائص من فرقه
يا بدئ يا بديع يا قوي يا منيع يا علي يا رفيع صل على من شرفت
الصلوة بالصلوة عليه واله واسمع ندائي واستجب دعائي فقلت

وقولك

وقولك الحق ووعدت ووعدك الصدق ادعوني استجب لكم
فانك لا تخلف الميعاد ثم في السجود لبيك لبيك تسمع من شكا اليك
وتلقى من توكل عليك تلقى د

درر اللامعة

الهي كم من نعمة اقبلت علي باقبالها فلم ارها مع عظم جلالها
ولم ار انها فوا خطر عماياه الهي وكم رحمة نشرتها علي فرأيتها و
تعاميت عن شكرها فوا اصرار غفلتاه الهي وكم من نقمة دفعتها
عني سرا وجهرا فلم اؤد بذلك شكرا فوا قلة شكراه الهي وكم
رايتني على بساط المخالفة فسترت على ما تراه فوا فضيحتاه الهي
وكم دعوتك هذا المصر على المعاصي فلم اعد الى الطاعة فوا عدم
حياه الهي وكم نمت في شوق الطلب مع قربك في غاير القدس الى
عبادك فما هجرتني فوا حسرتاه من هول نومتاه الهي وكم امرتني
بالجنة واحببتني وانا لم اعرف بعض محبتك فوا سوء حرماناه
الهي وكم هديتني الى النجاة فنهضت عن طرق الهداية الى الضلالة
فوا نداماتاه من قبح اعراضاه الهي وكم ارسلت رسولا هاديا عقليا
فاعرضت منه فوا عظم جهالتاه الهي وكم كتبت الى قلبي صحفا مكرمة
فتجاهلت عن مضمونها فوا شاماتاه من عاقبة غفلتاه الهي
وكم عاملتني بالجميل وعاملت وقابلتها بالقبيح فوا عجباه من
سوء معاملتاه الهي وكم هربت من صراطك المستقيم وانت
بلطفك الخفي لا تجازيني بهربي فوا سوء اختياراه الهي وكم ذكرتني
وانا غير ذاكر لك فلم تمهلني فوا اسفاه على ترك تذكراه الهي وكم

كتابخانه آستانه قدس

رميت نفسي في حفر الهلاك فحفظتني وانا كذلك مصرّ الى اضاعة
نفسي فوا اكرتباه من اضاعتاه الهي وكم دعوتني الى السعادة
فاعرضت ومضيت الى الشقاوة فلم تتركني فوا انفساه من طلب شقوتاه
الهي وكم ضيّعت ما اودعتني من امانتك ولم تضيّعني فوا حرّ
قلباه من تضيّعي امانتاه الهي وكم تقوّيت بنعمتك على المعصية
فلم تستعدّها منّي فوا اخوفاه من عدم مراقبتاه الهي وكم وعدتك
بوعود فاخلفتها وعاهدتك بعهود فنقضتها ولم تعاقبني
عليها فوا طول نداماتاه الهي وكم ليلة بتّ فيها امنا وقد سلكت
فيه طريق الخاطئين فوا ذلّ مبيتاه الهي وكم وقت عنايتك
تدعوني فلا اسمع وتوجّهت فيه الى هواي فوا تاه من كثرة
حزناه الهي وكم عطيّة اعطيتها عليّ فنسبتها الى الغير وشكرته
عليها فلم تحرمني فيا بئس خياناتاه الهي وكم مقام ادّعيته لنفسي
وسلكت فيه مسلك الفراعنة فلم تغرقني فوا مصيبتاه من شدّة
نداماتاه الهي وكم كرهت الامر والخلق واردت ان يكون التقدير
تبعا لارادتي وانت تعلم سرّي واعلاني فوا ويلاه من تكرار خجلتاه
الهي وكم بليّة هلكت بها الاماثل فسلّمتني بما جرى عليهم
فلم اعترف لك بذلك فوا قلّة اعتباراه الهي وكم مدحني الناس
بما تعلم منّي خلافه فسرّني مدحهم ولم افكّر انّك عليم بصير فيا
عماقلباه الهي وكم سمعت ثناءك وثنائي وكان مدح نفسي عندي
احلا من مدح ربّي وسيّدي فيا سوء عبداه الهي وكم صغرت ما

تريد تعظيمه وعظّمت ما تريد تصغيره فلم تنتقم منّي فوا سوء سيرتاه
الهي وكم مددت الى يد احسانك بالعطاء فغفلت واشتغلت بخساس
دار الفناء وذخارفها فوا اسفاه من اثر ذلّتاه الهي وكم قدّمت من
العيوب والذنوب في حضرة قدسك ولم اعتذر منه فآه آه ثمّ آه
آه الهي وكم بدأت بالاحسان وانا اخترت النقصان فعنايتك دلّتني
على طلب العفو والغفران ولا تتركني مع هواي يا الله يا ربّاه يا غوثاه
يا سيّداه يا سنداه يا غاية رغبتاه ويا منتهى املاه فحمدا لك ثمّ
حمدا لك ارحم عبدك المعترف بسوء المعاملة لمولاه وخلّصه من خطر
ما قد جناه وسلّمه من هول دنياه واخراه انّك انت ارحم الراحمين
واكرم الاكرمين امين امين امين يا ربّ العالمين ثمّ يسجد ويقول في سجوده
اللهمّ الامان الامان يا حنّان يا منّان الى آخرها المستعان

كفاية السجّادية

اللهمّ يا من شأنه الكفاية وسرادقه الرعاية ويا من هو الغاية
والنهاية ويا صارف السوء والسواية اصرف عنّي اذيّة العالمين
من الجنّ والانس اجمعين بالاسماء الربّانيّة وبالاشخاص الروحانيّة
وبالصور العقلانيّة وبالنير الرحمانيّة وبالالطاف السبحانيّة و
بالاسرار الحقّانيّة وبالايات القرانيّة وبالمقطعات الفرقانيّة و
بالاعلام السريانيّة وبالحروف الاكوانيّة وبالمعارف اليونانيّة و
بالحجج البرهانيّة وبالكلمات العبرانيّة بما نزل في الالواح من يقين
الايضاح فاجعلني الهي من حزبك فانّ حزب الله هم الغالبون واكفني

وبالاقلام

بركنك واحرسني بعينك وايدني بجندك واحرزني بحرزك وحصني
في حصنك واعذني بعياضك واحفظني بحفظك واغثني برحمتك و
اعنّي بلطفك واعصمني من شر كل شيطان مارد وسلطان جاحد
وعدو راصد ولئيم معاند وضد كنود وقرين حسود فسيكفيكهم
الله وهو السميع العليم ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم فالله
خير حافظا وهو ارحم الراحمين

زاد الاخرة

اللهم اني اشهدك وكفى بك شهيدا واشهد السفرة الكرام البررة
من ملائكتك وارواح الخيرة من رسلك وانبيائك وصفوتك
اولياء المخلصين من بريتك بانك انت الله لا اله الا انت الواحد
في الالهية الفرد في الازلية الاول الذي ليس له قبل والاخر
الذي ليس له بعد الظاهر لا بكثافة القديم لا يحول الدائم لا يزول
الحي الذي لا يلحقه الافات الموجود الذي لا يتغير عليه الحادثات
القدير الذي لا نهاية لمقدوراته العليم الذي لا غاية لمعلوماته يعلم
دبيب النملة السوداء على الصخرة الصماء في الليلة الظلماء لا يعزب
عنه مثقال ذرة في الارض ولا في السماء يعلم خائنة الاعين وما
تخفي الصدور ليس كمثلك شيء تبعث ما في القبور لم تزل ولا تزال
كذلك ما اختلف عليك دهر فيختلف منك الحال ولا كنت في مكان
فيجوز عليك الانتقال الواحد لا ثاني لك في القدم المحدث للاشياء
بعد العدم الغني لا يحتاج وكل العباد اليك يحتاج لا يبليك
الليل والنهار ولا يجوز عليك الليل والنهار تعاليت عن اتخاذ

الابناء وتقدست عن مشابهة الاشياء لم تلد فتكون محدودا
ولم تولد فتكون مولودا لا تنالك الاوهام فتقدرك ولا تتوهمك
الفطن فتصورك لا تدركك الحواس ولا يلمسك الماس ولا توصف
بالتجزي والانقسام ولا تشبه بالجواهر والاجسام لا بعرض من
الاعراض ولا بالغيرية والابعاض لا كفو لك فيكافيك ولا نظير
لك فيساويك لست في الاشياء بوالج ولا عنها بخارج انشات الخلق
انشاء وابتداتها ابتداء على غير مثال خلا من غيرك ولم تستعن
على خلقها باحد من خلقك بل رفعت السماء بغير عماد واقمتها
بلا قوائم وحصنتها من الاود والاعوجاج ومنعتها من التهافت
والانفراج امسكت الارض بلا امساك ولا دسار وارسيتها
على غير قرار وقرار علمك بها قبل تكوينها كعلمك بها بعد تبيينها
لم تكونها لتشييد سلطان ولا خوفا من زوال ونقصان بل استشهدت
بحدوثها قبل ازليتك وبما وسمتها به من العجز على قدرتك وبما
اضطررتها اليه من الفناء على دوام ديمومتك لم تخل منك مكان فتدرك
باينية ولا لك شبح مثال فتنعت بكيفية حارت في ملكوتك
مذاهب التفكر وانقطعت دون الرسوخ في العلم بك جوامع التفسير
لم تحلل في الاشياء فيقال انت فيها كائن ولم تناء عنها فيقال انت
منها باين واشهد يا الهي انك المتكلم بلا لسان ولهوات والسامع
بلا حروف وادوات وانما كلامك فعل منك انشاته وذكر مبارك
وانزلته وانك عادل في القضايا والقسم الجواد بفوائد العوائد

النعم الحكيم في افعالك وهي للحكمة والصواب مطابقة وفي اقوالك
وهي للحق والصدق موافقة تعاليت عن ارادة الظلم والاستفساد
وتكرمت عن خلق افعال العباد كما تنزهت عن الصاحبة والاولاد
لا ترضى لعبادك الكفر ولا تشاء الفساد ولا تريد منهم الا
الصلاح والرشاد بل انت الرحيم بهم المحسن اليهم المبشر ما كلفتهم
عليهم بالتمكين منه والاقتدار عليه والارشاد له والهداية
اليه اذ عرضتهم بذلك للثواب العظيم والنعيم المقيم الذي لا
يحسن ايصاله اليهم الا بالاستحقاق ويقبح فعله باهل الجحود
والشقاق والكفر والنفاق لم تمنعهم في دينهم لطفا ولا صلاحا
ولا تحرمهم فوزا ولا فلاحا ربيتنا في الدنيا بنعمتك واحسانك
ووعدت لنا في الآخرة عفوك وغفرانك خيرك الينا نازل وشرنا
اليك غير صاعد سبحانك ما احلمك واكرمك وما افشا فينا
صنايعك ونعمك لا تكلف الا دون الطاقة ولا تامرنا الا
بالاستطاعة قضاؤك خيرة وتقديرك عدل وهبتك ابتداء و
عفوك فضل لا تحدث في خلقك من الالام والامراض الا لما تقتضيه
الحكمة من لطائف الاغراض وتضمنه لهم من جلايل الاعواض
واشهد انك المغني للاشياء بعد وجودها حتى تصير موجودها
كمفقودها وليس فناء الدنيا بعد ابتداعها باعجب من انشائها و
اختراعها وانك كما بدأت اول خلق نعيده للعدل في العالمين و
الفضل على المؤمنين تبعث من في القبور وتحصل ما في الصدور

تجزي

تجزي بالاعمال الصالحات وتخلد المؤمنين في روضات الجنات
لا تحبط ثواب الطاعات وتعفو عن كثير من السيئات لا تغفر ان يشرك
بك وتغفر ما دون ذلك لمن تشاء كما وعدت في كتابك ولا تظلم مثقال
ذرة وان تك حسنة تضاعفها وتؤت من لدنك اجرا عظيما وانك
اخترت من عبادك صفوة امناء على وحيك وسفراء بينك وبين
بريتك اصطفيتهم على العالمين وبعثت عليهم الروح الامين جعلتهم
حججا على خلقك وتراجمة لحكمتك فهم انبياؤك المجتبون واصفياؤك
المصطفون كلما مضى منهم سلف عقبتهم لحفظ دينك خلف حتى
انتهت كرامتك الى اجلهم واكملهم ارشدهم وافضلهم محمد المصطفى
صلواتك عليه وعلى آله المجتبى اذ اخرجته من افضل المعادن محتدا
واكرم المغارس منبتا واعز الخلائق ارومة وافضلهم اكرومة وخصصته
بالكتاب القويم والقرآن الكريم والصراط المستقيم نسخت بشريعته
شرايع الماضين وختمت به مسلك النبيين واتممت به عدد المرسلين
واكملت به معالم الدين واشهد انهم خيرتك من خلقك مطهرون
معصومون موفقون للصواب في الفعال والمقال صادقون فيما
ادوه الى العباد على جميع الاحوال وانك لم تخل الارض قط ولم
تخلها من حجة لك على خلقك حافظ لشريعتك مستودع لحكمتك
مؤيد ببرهانك مخصوص بسلطانك معصوم من الخطاء والزلل
موثوق به في القول والعمل جعلته افضل دهره واعلم خلق عصره
وسيد اقرانه واشجع زمانه واشهد ان المخصوص بهذه الصفات

والمتسم بهذه السمات بعد نبينا امير المؤمنين عليه السلام واولادها
الطاهرين واشهد انهم اولياؤك المصطفون وحزبك الغالبون
واصفياؤك الصادقون الذين جللتهم بكرامتك وغذيتهم
بحكمتك واصطفيتهم على بريتك وارتضيتهم بحفظ شريعتك لا
تصلح الامامة بعد النبي لمن عداهم ولن يستحقها احد سواهم وهم
الشهداء يوم القيمة على دعاياهم لا يقبل الاعمال الا بمعرفتهم
وولايتهم ولا تنال السعادة الابدية الا بالتمسك بعروتهم فانهم
سفن النجاة وعين الحيوة ومثلهم مثل سفينة نوح من ركبها نجى
ومن تخلف عنها هوى اللهم هذه شهاداتى واعتقاداتى فاكتبها
عندك مع شهادة اولى العلم حتى تؤديها الى يوم القيمة وانت عنى
راض ونقضى لها بها من السعادة ما انت قاض قد اوجبت لى بها غفرانك
وجنانك واكملت لى ببركتها رضوانك واحسانك واحللتنى بها دار
المقامة من فضلك لا يمسنى فيها لغوب فاحينى عليها ما احييتنى موفورا
وامتنى عليها اذا امتنى مسرورا وابعثنى بها اذا بعثتنى محبورا واجعلها
لى عندك عهدا يوم القاك منشورا ربنا اننا سمعنا مناديا ينادى
للايمان ان امنوا بربكم فامنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا
وتوفنا مع الابرار ربنا واتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا
يوم القيمة انك عدليه الكامله لا تخلف الميعاد
شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط
لا اله الا هو العزيز الحكيم ان الدين عند الله الاسلام وانا

العبد

العبد الضعيف المذنب العاصى الفقير الحقير المحتاج اشهد لمنعمى
وخالقى ورازقى ومكرمى كما شهد لذاته وشهدت له الملائكة
واولوا العلم من عباده بانه لا اله الا هو ذو النعم والاحسان
والكرم والامتنان قادر ازلى عالم ابدى حى احدى واجب سرمدى
سميع بصير مريد كاره مدرك صمدى يستحق هذه الصفات وهو
على ما هو فى عز صفاته كان قويا قبل ايجاد العلم والعلة لم يزل
سلطانا اذ لا مملكة ولا مال ولم يزل سبحانا على جميع الاحوال
وجوده قبل القبل فى ازل الازال وبقاؤه بعد البعد من غير انتقال
ولا زوال غنى فى الاول والاخر مستغن فى الباطن والظاهر لا
جور فى قضيته ولا ميل فى مشيته ولا ظلم فى تقديره ولا مهرب من
حكومته ولا ملجا من سطوته ولا منجا من نقمته سبقت رحمته
غضبه ولا يفوته احد اذا طلبه ازاح العلل فى التكليف وسوى
التوفيق بين الضعيف والشريف مكن اداء المامور وسهل سبيل
اجتناب المحظور لم يكلف الطاعة الا دون الوسع [illegible] سعته
ما ابين كرمه واعلى شانه سبحانه ما اجل نيله واعظم احسانه
بعث الانبياء ليبين عدله ونصب الاوصياء ليظهر طوله وفضله و
له الحمد على توالى الائه وتواتر نعمائه بما جعلنا من امة سيد الانبياء
وخير الاصفياء واعلى الازكياء محمد صلى الله عليه واله الفضلاء
الادباء الاتقياء اللهم امنا به وبما دعانا اليه وبالقران الذى
انزله عليه وبوصيه الذى نصبه يوم الغدير واشهد ان الائمة

الأبرار والخلفاء الأخيار بعد الرسول المختار علي قامع الكفار
وأولاده الأطهار وأن أقوالهم حجة وامتثالهم فريضة و
طاعتهم مفروضة ومودتهم لازمة والاقتداء بهم منجية و
مخالفتهم مردية وهم سادات أهل الجنة أجمعين وشفعاء يوم
الدين وأئمة أهل الأرض على اليقين وأفضل الأمناء المرضيين
وأشهد أن الموت ومسألة القبر والبعث والنشور والصراط و
الميزان والحساب والجنة والنار كلها حق وأن الساعة آتية لا ريب
فيها وأن الله يبعث من في القبور إلهي لا عمل لي أستحق به الجنة و
لا طاعة لي أستوجب بها الرضوان إلا الاعتقاد بتوحيدك و
عدلك والرجاء بمزيد فضلك وسعة رحمتك وشفاعة أصفيائك
وأوليائك وأنت أكرم الأكرمين بتحقيق آمال الآملين يا أرحم
لبس الراحمين العافية
سبحانك اللهم وبحمدك صل على محمد وآله وألبسني عافيتك وجللني
عافيتك وحصني بعافيتك وأغنني بعافيتك وتصدق علي بعافيتك
وهب لي عافيتك وأفرشني عافيتك وأصلح لي عافيتك ولا تفرق بيني
وبين عافيتك في الدنيا والآخرة اللهم صل على محمد وآله وعافني
عافية كافية شافية عالية نامية عافية تولد في بدني العافية
عافية الدنيا والآخرة وامنن علي بالأمن والإيمان والصحة و
السلامة في ديني وبدني والبصيرة في قلبي والنفاذ في أموري والخشية
لك والخوف منك والقوة على ما أمرتني به من طاعتك والاجتناب لما

نهيتني

نهيتني عنه من معصيتك اللهم وامنن علي بالحج والعمرة وزيارة
قبر رسولك وآله صلواتك ورحمتك وبركاتك عليه وعليهم و
اجعل ذلك مقبولا مشكورا مذكورا مذخورا وأنطق بحمدك و
شكرك وذكرك وحسن الثناء عليك لساني واشرح لمراشد دينك
قلبي وأعذني وذريتي من الشيطان الرجيم ومن شر السامة والهامة
والعامة واللامة ومن شر كل شيطان مريد وسلطان عنيد
ومترف حفيد وضعيف وشديد ومن شر كل شريف ووضيع وصغير
وكبير وقريب وبعيد ومن شر كل دابة أنت ربي آخذ بناصيتها
إنك على صراط مستقيم اللهم أنت ملاذي فبك ألوذ وأنت معاذي
فبك أعوذ يا من ذلت له رقاب النماردة وخضعت لديه أعناق
الجبابرة صل على محمد وآله ومن أرادني بسوء فاصرفه عني وادحر
عني مكره وادرأ عني شره ورد كيده في نحره واجعل بين يديه
سدا حتى تعمي عني بصره وتصم عن ذكري سمعه وتقفل دون إخطاري
قلبه وتخرس عني لسانه وتقمع رأسه وتذل عزه وتكسر جبروته
وتخضع رقبته وتفسخ كبره وتؤمنني من جميع ضره وغمزه وهمزه
ولمزه وحسده وعداوته وحبائله ومصائده ورجله وخيله إنك عزيز
توسل قدير القدسية

سحاب الرحمة

استغفر الله الذى لا اله الا هو الحى القيوم الرحمن الرحيم ذو الجلال
والاكرام واسئله ان يتوب على توبة عبد ذليل نفعا ولا ضرا ولا
موتا ولا حيوة ولا عزا ولا نشورا الا بلطفك العميم وفضلك الجسيم
اللهم يا معتق الرقاب ورب الارباب ويا منشئ السحاب ومفتح
الابواب ويا منزل القطر من السماء وذا المن والفضل والعطاء يا
فالق الحب والنوى وخلق الزوجين الذكر والانثى ومخرج النبات
وجامع الشتات ويا منزل البركات وقاضى الحاجات صل على محمد وال
محمد واسقنا غيثا مغيثا مغدقا هنيئا مريئا تنبت به الزرع وتدر
به الضرع وتحيى به مما خلقت انعاما واناسى كثيرا اللهم اسق
عبادك وبهائمك وانشر رحمتك بدوام عطائك واحى بلادك
بمزيد نعمائك استغثنا يا ارحم الراحمين الكريم ورجاء الاملين
الهى من ذا الذى دعاك فلم تجبه ومن ذا الذى سئلك فلم تعطه
ومن ذا الذى استجارك فلم تجره ومن ذا الذى استعانك فلم
تعنه ومن ذا الذى استغاث بك فلم تغثه ام من ذا الذى جاك

فخيبته

فخيبته ام من ذا الذى تقرب اليك فابعدته واغوثاه يا مولاه
يا رباه يا سيداه يا سنداه يا غاية مقصداه يا منتهى املاه يا
مجيب دعوة المضطر اذا دعاه يا الله يا رحمن يا رحيم يا واحد يا احد
يا صمد يا فرد يا وتر يا حى يا قيوم يا بديع السموات والارض يا
ذا الجلال والاكرام يا سند من لا سند له ويا عماد من لا عماد له يا
ذخر من لا ذخر له ويا ركن من لا ركن له يا كنف من لا كنف له ويا
شرف من لا شرف له ويا عز من لا عز له ويا غوث من لا غوث له يا
رب الارباب ويا مسبب الاسباب يا مفتح الابواب ومسهل الصعاب
يا ملهم الصواب وسريع الحساب يا شديد العقاب ومالك الرقاب
يا منزل الكتاب وهازم الاحزاب ويا من عنده حسن الثواب منه
المبدأ واليه المآب يا رافع الدرجات وكافى المهمات يا دافع البليات
وماحى السيئات يا قاضى الحاجات وضاعف الحسنات يا جامع الشتات
ومحيى الاموات يا فاطر السموات ومجيب الدعوات يا اله العالمين
وارحم الراحمين يا دليل المتحيرين ويا غياث المستغيثين يا امان
الخائفين وخير الناصرين يا من اظهر الجميل وستر القبيح يا من لم
يؤاخذ بالجريرة ولم يهتك الستر يا عظيم العفو ويا كريم الصفح
يا جليل الفضل ويا كثير المن يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة
ويا باسط اليدين بالعطية يا منتهى كل نجوى ويا غاية كل شكوى
يا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها يا ربنا ويا سيدنا ومولانا صل
على محمد واله وارحم ذلى وانفرادى وفقرى وفاقتى وخضوعى و

خشوعى بين يديك واعتمادى عليك وتضرعى اليك رب سهل
على كل عسير وامنع عنى شر كل ظالم وماكر وجاحد وحاسد
وآفة وعاهة ومرض وشدة ووباء وبلاء يا سبوح يا قدوس
يا رب والروح

مناجاة الملائكة السبحانية

مولاى مولاى انت المولى وانا العبد وهل يرحم العبد الا المولى
مولاى مولاى انت الخالق وانا المخلوق وهل يرحم المخلوق الا الخالق
مولاى مولاى انت المالك وانا المملوك وهل يرحم المملوك الا المالك
مولاى مولاى انت الرب وانا المربوب وهل يرحم المربوب الا الرب
مولاى مولاى انت الغنى وانا الفقير وهل يرحم الفقير الا الغنى
مولاى مولاى انت القوى وانا الضعيف وهل يرحم الضعيف الا القوى
مولاى مولاى انت العزيز وانا الذليل وهل يرحم الذليل الا العزيز
مولاى مولاى انت الباقى وانا الفانى وهل يرحم الفانى الا الباقى
مولاى مولاى انت الدائم وانا الزائل وهل يرحم الزائل الا الدائم
مولاى مولاى انت المحسن وانا المسيئ وهل يرحم المسيئ الا المحسن
مولاى مولاى انت المغيث وانا المستغيث وهل يرحم المستغيث الا المغيث
مولاى مولاى انت المعطى وانا السائل وهل يرحم السائل الا المعطى
يا منتهى كل نجوى ويا غاية كل شكوى رب السموات والارض وما
بينهما وما تحت الثرى وان تجهر بالقول فانه يعلم السر واخفى
الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى والصفات العليا اسئلك
يا سيدى ومولاى ومعتمدى بسر انوار وجهك فى الانوار وبالقا

دقايق دقايق حقايق حكمتك فى الاثار وبتجليات اسرار شهودك
لذوى البصيرة والابصار وبمدارج معارف المصطفين الاخيار
محمد وآله الطيبين الاطهار واخوانه من النبيين والصديقين
والشهداء الابرار ان تلبسنى خلع العزة والقبول وان تكرمنى
ببهاء القرب الى ذروة الوصول حتى يكف عنى شر الاشرار ويجلى
لى انوار شهود نور الانوار واسرار وجود عوالم الاطوار والادوار
يا مهيمن العزيز الحكيم الجبار الخالق المصور الفعال المختار

قاموس القدرة اسكندرى

الهى قد تلاطمت امواج قاموس قدرتك فظهر فى كل مقدور
آثار قدرة عجيبة غريبة لا يبلغ كنهها عقول العقلاء وفهوم
العلماء واوهام الحكماء وكل شيئ فى قبضة قدرتك اسير وان
ذلك عليك سهل يسير وانت على كل شيئ قدير يا قاهر ذا البطش
الشديد اسئلك مددا من قوتك واسئلك مددا من حكمتك واسئلك
مددا من سلطانك واسئلك مددا منك لتستخير كل متمرد وتليين
كل صعب واذلال كل منيع وقهر كل عدو ومحق كل خصم وارغام كل ارم
وازهاق كل منافق ذى شقاق من الانس والجن والهوام فلا تبقى
شيئ من المكونات الا ولينت بيدى عريكته وكسرت شدة شكيمته
وفرط عتوه وتفرغ عنيته بعزتك يا قوى يا عزيز يا على يا
كبير يا ولى يا قدير

استعاذة المأثورة

سبحانك اللهم وبحمدك انى اعوذ بك من هيجان الحرص وسورة

اسئلك مددا من قدرتك وقوتك و... مددا من حكمتك و... من سلطانك و... من حجاب لطفك واحسانك ... من حجاب فضلك ... بلطفك العجيب

الغضب وغلبة الحسد وضعف الصبر وقلة القناعة وشكاسة
الخلق والحاح الشهوة وملكة الحمية ومتابعة الهوى ومخالفة
الهدى وسنة الغفلة وتعاطي الكلفة وايثار الباطل على
الحق والاصرار على المآثم واستصغار المعصية واستكبار الطاعة
ومباهات المكثرين والازراء بالمقلين وسوء الولاية لمن تحت ايدينا
وترك الشكر لمن اصطنع العارفة عندنا او ان نعضد ظالما او نخذل
ملهوفا او نروم ما ليس لنا بحق او نقول في العلم بغير علم ونعوذ بك
ان ننطوي على غش احد وان نعجب باعمالنا ونمد في امالنا ونعوذ
بك من سوء السريرة واحتقار الصغيرة وان يستحوذ علينا الشيطان
او ينكبنا الزمان او يتهضمنا السلطان ونعوذ بك من تناول
الاسراف ومن فقدان الكفاف ومن سد باب الالطاف ومن
شماتة الاعداء ومن الفقر الى الاكفاء ومن معيشة في شدة
وميتة على غير عدة ونعوذ بك من الحسرة العظمى والمصيبة
الكبرى واشقى الشقاء وسوء المآب وحرمان الثواب وحلول العقاب
اللهم صل على محمد واله واعذني من كل ذلك برحمتك وجميع
المؤمنين والمؤمنات وفاية سنه البحابة يا ارحم الراحمين
اللهم يا كافي فرد الضعيف ويا واقي امر السخيف افردتني الخطايا يا
فلا صاحب معي وضعفت الزلل فلا مؤيد لي ومن يؤمنني وينصرني
ان اخفتني وافردتني ومن يقويني ويعززني ان اضعفتني واذللتني
فلك الحمد على ما خلقت فسويت وقدرت وقضيت وامت و

احييت

احييت وامرضت واشفيت وعلى العرش استويت وعلى الملك احتويت
سبحانك سبحانك لا امر مع امرك ولا حول الا بقضائك وقدرك
ولا قدرة على الخروج من ملكك وسلطانك ولا انال ما عندك
الا بفضل رحمتك وامتنانك لاني عبدك وفي قبضتك ناصيتي
بيدك لا امر مع امرك ولا حول الا بقوتك ماض في حكمك عدل
في قضاؤك فاجر هربي وانجح مطلبي انك ان صرفت عني وجهك
الكريم او منعتني فضلك الجسيم لم اجد السبيل الى المطالب ولا التوسل
الى المآرب الهي اصبحت وامسيت عبدا داخرا متحيرا لا املك لنفسي نفعا
ولا ضرا الا بقضائك وقدرك فارحم ضعف فقري وقلة حيلتي و
انجز لي ما وعدتني اولياءك وتمم لي ما وهبت اصفياءك فاني عبدك
المسكين الضرير المهين الحقير الخائف المستجير وبيد قدرتك ازمة
التعظيم والتعزيز والتكبير والتدبير والتقدير فبك استعين فيما
تقترن به النجاح والانجاح واياك استرشد لما فيه الصلاح والاصلاح
وادعوك كمن ضعفت وسيلته وانقطعت حيلته واشتدت فاقته
وعظمت حسرته وكثرت زلته فلا تجعلني محروما من كرمك ولا
آيسا من احسانك بل اجعل ثنائي عليك ومدحي اياك وحمدي لك
في كل حالاتي وهب لي قوة احتمل طاعاتك في تحصيل مرضاتك واجعل
فراري اليك ورغبتي فيما عندك وصل على سيدنا ونبينا محمد وآله
اجمعين الطيبين اعظم الاسماء الالهية مكملة لحرفنا لهجانية الطاهرين
اللهم اني اسئلك بالف الابتداء وبباء البهاء وبجيم الجمال وبدال

الديمومية وبهاء الهداية وواو الولاية وزاء الزيادة وحاء
الحكمة وبطاء الطول وياء اليسر وبكاف الكرامة ولام اللطف
وبميم الملك ونون النور وبسين السيادة وعين العناية وبفاء
الفلاح وصاد الصلاح وبقاف القدرة وراء الربوبية وبشين الشهود
وتاء التمام وبثاء الثناء وخاء الخير وبذال الذكر وضاد الضياء
وبظاء الظهور وغين الغناء يا الله الذي لا اله الا هو الرحمن الرحيم
الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر الخالق
البارئ المصور الوهاب الرزاق الفتاح التواب الفعال الحكيم
الواجب الواحد الاحد الصمد الفرد الآخر الظاهر الباطن الصانع
الجامع الواسع الرافع النافع البر التام الرقيب الجواد الكريم البديع
الجليل الحسيب الوكيل الرؤف الحفيظ العلي الكبير الودود الحليم
النور الهادي الباقي الكافي الزكي الغني الولي الحنان المنان العظيم
الرب الباعث الوارث الباسط الناصر الكاشف السميع البصير اللطيف
الخبير الحي القيوم القوي القادر القاهر القابض القاضي القدير
القريب القدوس القديم السبوح الشكور الرشيد الغفور الشهيد
المجيد العفو الحميد العدل العليم الحق المجيب المبين المحيط المنعم المغيث
المحسن المعطي المبدئ المعيد ان تصلي على ملائكتك وانبيائك ورسلك
واولوا العلم من اهل طاعتك والصالحين من عبادك وان لا تحرمني
رفدك وفضلك وجمالك وفوائد كراماتك انك انت المعطي جلائل
النعم المكرمة لمن ناجاك بعجائب صنعك ولطائف رأفتك يا سميع

يا قريب

يا قريب **جناح يا سريع الفلاح** يا مجيب

اللهم يا من لا تراه العيون ولا تخالطه الظنون ولا تصفه الواصفون
ولا ينعته الناعتون ويا من امره بين الكاف والنون اذا قضى امرا
فانما يقول له كن فيكون اسئلك بمكنون علمك ومخزون اسمك
لا اله الا انت انقطع الرجاء الا منك وخابت الامال الا فيك
واستدت الطرق الا اليك يا ثقة من لا ثقة له ويا ركن من لا ركن
له يا جار من لا جار له ويا غياث من لا غياث له يا اله العالمين
وارحم الراحمين يا هادي المضلين ومجيب دعوة المضطرين ربنا
وسيدنا ومولانا انت الذي تعطي وتمنع ترفع وتضع وتخشع وتخضع
تبصر وتسمع تجمع وتدفع صل وسلم على ملائكتك وانبيائك و
رسلك وافعل بي ما انت اهله ولا تفعل ما انا اهله انك انت
المعطي جلائل النعم المكرمة لمن ناجاك بلطائف رأفتك يا سميع
الدعاء يا بديع يا قريب يا مجيب يا سريع يا قدوس يا رفيع

مفتاح الابواب عالم علوي وسفلي سماوي

اللهم اني اسئلك باسمك الاعظم الاعز الاجل الاكرم الذي اذا
دعيت به على مغالق ابواب السماء للفتح بالرحمة انفتحت وعلى
مضائق ابواب الارض للفرج انفرجت وعلى العسر لليسر تيسرت
وعلى الاموات للنشور انتشرت وعلى كشف البأساء والضراء انكشفت
وبجلال وجهك الكريم ولطفك العميم الذي عنت له الوجوه و
خضعت له الرقاب وخشعت له الاصوات ووجلت له القلوب

وبقوتك التي تمسك السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا وكانتا رتقا ففتقتهما
فتقا وبمشيتك التي دان لها العالمون اذا قضى امرا فانما يقول له
كن فيكون وبكلمتك التي جاء بها الملك والملكوت وبحكمتك
التي صنعت بها العجائب وانتظمت بها العوالم وخلقت بها الظلمة
وجعلتها ليلا سكنا والنور وجعلته نهارا مبصرا والشمس و
جعلتها ذكاء وضياء والقمر سراجا وهاجا وخلقت بها الكواكب
وجعلتها نجوما وبروجا وزينة ورجوما وجعلت لها مشارق
ومغارب ومطالع ومجاري وفلكا ومصابيح وقدرتها في السماء
منازل بحسن التقدير وصورتها باحسن التصوير واحصيتها
باسمائك احصاء ودبرتها بحكمتك تدبيرا وسخرتها بسلطان الليل
والنهار في جميع الاقطار باختلاف الاطوار واختلاف الادوار
ان في ذلك لعبرة لاولي الالباب والابصار فاسئلك اللهم بمجدك
الذي كلمت به عبدك موسى بن عمران وظهر له على قبة الرمان
فوق احساس الكروبيين من على غمائم النور فوق تابوت الشهادة
وفي عمود النار وفي جبل حوريث في الواد المقدس في بقعة مباركة
من جانب الطور الايمن من الشجرة وفي ارض مصر بتسع ايات
بينات ويوم فرقت لبني اسرائيل البحر وفي المنبجسات في بحر سوف
فاغرقت عدوهم حتى كلمتك الحسنى عليهم بما صبروا واورثتهم
الارض التي باركت فيها للعالمين وبنورك الذي تجليت له في
طور سيناء ولابراهيم في مسجد الخيف ولاسحق في بئر سبع و

ليعقوب

ليعقوب في بيت ايل فاوفيت لخليلك بميثاقك ولصفيك بحلفك
ولاسرائيل لشهادتك ولموسى بعهدك ولداود بعفوك ولعيسى
بصدقك ولمحمد بنصرك وللمؤمنين بوعدك وللداعين باسمائك
وبايات المحكمات وبكلمات التامات وبالسبع المتطابقات والحجب
السرادقات وبغايات الغايات ومواقع الاشارات وباحاطة الذات
في علو الصفات وبالانوار الساطعة والاثار اللامعة وبالهداية
الشايعة والولاية الجامعة والبراهين القاطعة والاعلام
الرافعة وبالاعيان الباقية والاكوان الدائمة وبالحجج البالغة
والاضواء البارقة وبالعظمة القاهرة والشفقة الباهرة و
بالكرامة الطاهرة والكواكب الدائرة وبالعناية الشاملة و
الاكر الحاملة وبالنعم الفاضلة والهمم الكاملة وبالعقول
القادسة والنفوس الباعثة وبالالاء القديمة والتحننات
الجديدة وبالدرجات الرفيعة والماهيات البديعة وبالاسرار
الالوهية والاطوار الربوبية وبلوازم الوجودية ومراسم
العبودية وبمظاهر الكنونية وتعينات الشؤنية وبالكتب المقدسة
والصحف المكرمة وبالانفاس الرحمانية والاشخاص الروحانية
وبالاراء الصحيحة والانظار الدقيقة وبالعلوم الحقيقية و
المعارف اليقينية وبالاخلاق الرضية والاداب المرضية و
بالحكم العلية والشيم السنية وبالسنن العادلة والمنن الباذلة
وبالاشراقات العقلية والتحقيقات الفلسفية وبالصور المجردة

من الهمم المرددة وبسلطان القوة وسريان القدرة وبرحمتك
الواسعة ومنتك السابقة وبنور نورك وعين ظهورك و
بمعاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك وبجمالك و
جلالك وبكمالك وكبريائك وبفضلك وعلمك وبلطفك و
كرمك وبسلطانك واحسانك وبرضوانك وامتنانك وبملكوتك
وجبروتك وبطلعتك في ساعير وظهورك في فاران وبربوات
المقدسين وجنود الملائكة الصافين حول العرش حافين وبصلوات
المصلين وتقديس المسبحين وتهليل الذاكرين وكشف المحققين
وبشهود الصديقين ومنازل المقربين وبمراتب الكروبيين و
سرور الشاكرين وبوفاء المحسنين ووثوق الراغبين وبذل
الراجين ومنهج الراشدين وبانتباه الكاملين وتوثيق العاملين
وبخضوع العابدين وخشوع الساجدين وباذكار المهللين
وتنزيه الموحدين وبشوق المشتاقين وذوق المرتاضين وبرصد
المجاهدين ومشهد الشاهدين وبمقامات العارفين ومناجات
الطالبين وباقبال السابقين واضطراب العاشقين وبحيرة الوالهين
وصفوة الواصلين وباعتذار المستغفرين واصطبار المسترشدين
وبمنسك الناسكين ومقصد القاصدين وبطريق السالكين و
خلوص المؤمنين وبمساعي النبيين وجهد المرسلين صلواتك و
رحمتك وبركاتك على نبينا محمد واله اجمعين امين يا رب العالمين
وفي السجود بعده اللهم اني اسئلك موجبات رحمتك وعزائم

مغفرتك

مغفرتك والغنيمة من كل بر والسلامة من كل اثم

احتجاب المستطاب

احتجبت بنور وجه الله القديم الكامل واعتصمت بحبل الله المتين
الكافل وتحصنت بحصن الله القوي الشامل ورميت من بغى علي
بسهم الله وسيفه القاتل اللهم يا قادرا على خلقه ويا غالبا على امره
ويا قائما فوق خلقه ويا حائلا بين المرء وقلبه حل بيني وبين اعدائي
من الشياطين الجن والانس ونزغهم وحزبهم الذي لا طاقة لي بهم
واغش عني ابصارهم وكف عني السنتهم واغلل ايديهم وارجلهم
واجعل بيني وبينهم سدا من نور عظمتك وسترا من سطوات
عزتك وحجابا من قوتك وجندا من سلطانك حتى لا ابالي عن ابصارهم
وافكارهم يكاد سنا برقه يذهب بالابصار يقلب الله الليل والنهار
ان في ذلك لعبرة حيدر يقرأ الرشاد في تربية الاولاد لاولي الابصار
سبحانك اللهم وبحمدك صل على محمد واله الامجاد وامنن علي ببقاء
الاولاد وباصلاحهم وبامتاعي بهم وامدد في اعمارهم وزد في اجالهم
وادرر ارزاقهم واصحح اديانهم وابدانهم واحسن اخلاقهم واعمالهم
وعافهم في انفسهم وفي جوارحهم ورب لي صغيرهم وقو لي ضعيفهم
واجعلهم بفيض فضلك وعين عنايتك ابرارا اتقياء حكماء فضلاء
ادباء علماء بصراء سامعين مناصحين لك مخلصين ولخيار خلقك
محبين ولشرارهم مبغضين ولمحبين مطيعين وعلى حدبين مقبلين
غير عاصين ولا عاقين التاركين لمعصيتك الفائزين بعفوك

المجارين بكنفك المفلحين بلطفك السالكين في جوارك المرزوقين
من سعة فضلك المعزين من الذل بعزك المجارين من الظلم بعدلك
المعافين من البلاء برحمتك المعوذين بالتعوذ بك الرابحين في التجارة
عليك الموفقين للرشد والصواب لطاعتك الراضين بنقدير
قضائك المستطيعين من الفقر بغناك المعصومين من الذنوب
والزلل بتقواك تباركت اللهم وتعاليت عز شانك وبهر برهانك
فاشدد بهم عضدي واقم بهم اودي وكثر بهم عددي وزين بهم
محضري واحي بهم ذكري واعني على تربيتهم وتاد بهم وبرهم
وخيرهم وهب لي من لدنك معهم اولادا ذكورا واجعلهم لي
عونا على ما سالتك واعذني وذريتي من الشيطان الرجيم
فانك خلقتنا وربيتنا امرتنا ونهيتنا رغبتنا ورهبتنا ولكن لنا
عدو مسلط ساكن في صدورنا وجاري في مجاري دمائنا لا يغفل
ان غفلنا ولا ينسى ان نسينا يؤمننا عقابك ويخوفنا بغيرك
ان هممنا بفاحشة شجعنا وان قصدنا بصالح ثبطنا يتعرض لنا
بالشهوات وينصب لنا الشبهات ان وعدنا كذبنا وان منانا
اخلفنا فاقهر اللهم سلطانه عنا بسلطانك واحبس عنا مصائده
بامتنانك حتى نصبح من كيده في الامنين ومن نزغاته في المعصومين
اكفنا حزنه وولنا ظهره واقطع عنا اثره واهزم جنده و
اهدم كهفه وابطل مكره واشرب قلوبنا انكار عمله والطف لنا
في نقض حيله واحلل ما عقد وافتق ما رتق وافسخ ما دبر

وانقض

وانقض ما ابرم وثبطه اذا عزم انك اهل التقوى والمغفرة

معالي الأخلاق

سبحانك اللهم وبحمدك صل على محمد وآله واجعل ما اجرى على
لساني نطقا بالحمد لك واعترافا في الثناء عليك وذهابا في تمجيدك و
شكرا لنعمتك واقرارا باحسانك واحصاء لمننك والهمني التقوى
ووفقني للتي هي ازكى واستعملني بما هو ارضى واسلك بي الطريقة
المثلى وعلى ملتك اموت واحيى ومتعني بالاقتصاد واجعلني من
اهل السداد وادلة الرشاد وصالحي العباد وامنحني حسن الارشاد
وفوق المعاد وسلامة المرصاد وهب لي نورا اهتدي به في الظلمات واستضيء
به من الشبهات وتوجني بالكفاية وسمني حسن الولاية وهب لي صدق
الهداية وحقق في رجاء رحمتك املي وسهل الى بلوغ رضاك سبلي
وحسن في جميع احوالي عملي ولا تجعل عيشي كدا ولا ترد دعائي علي ردا
ردا فاني لا اجعل لك ضدا ولا ادعوا معك ندا ولا اشرك بك
احدا ولا اجد غير بابك ملتحدا امين يا رب العالمين والصلوة و
السلام على ملائكتك وانبيائك ورسلك اجمعين خصوصا على
محمد واله سفينة النجاة تخاطرت نفسي ومالي حزب البحر رسالة الطاهرين
يا الله يا رحمن يا رحيم يا علي يا عظيم يا قوي يا حليم يا غني يا عليم يا خفي
يا قديم يا ولي يا كريم انت ربي وعلمك حسبي فنعم الرب ربي ونعم
الحسب حسبي تنصر من تشاء وانت العزيز الحكيم نسئلك العصمة في
الحركات والسكنات والكلمات والارادات والخطرات من الشكوك

والظنون والاوهام الساترة للقلوب عن مطالعة الغيوب فقد
ابتلى المؤمنون وزلزلوا زلزالا شديدا واذ يقول المنافقون و
الذين في قلوبهم مرض ما وعدنا الله ورسوله الا غرورا فثبتنا
وانصرنا وسخر لنا هذا البحر كما سخرت البحر لموسى وسخرت النار
لابرهيم وسخرت الجبال والحديد لداود وسخرت الريح والشياطين
والجن والانس لسليمان عليهم السلام وسخر لنا كل بحر هو لك
في الارض والسماء وفي الملك والملكوت وبحر الدنيا والاخرة
وسخر لنا كل شيء يا من بيده ملكوت كل شيء كهيعص انصرنا
فانك خير الناصرين وافتح لنا فانك خير الفاتحين واغفر لنا فانك
خير الغافرين وارحمنا فانك خير الراحمين وارزقنا فانك خير الرازقين
واهدنا ونجنا من القوم الظالمين وهب لنا ريحا طيبة كما هي في
علمك وانشرها علينا من خزائن رحمتك واحملنا بها حمل الكرامة
مع السلامة والعافية في الدين والدنيا والاخرة انك على كل شيء
قدير اللهم يسر لنا امورنا مع الراحة لقلوبنا وابداننا والسلامة
والعافية في ديننا ودنيانا وكن لنا انيسا وصاحبا في سفرنا وخليفة
في اهلنا واطمس على وجوه اعدائنا وامسخهم على مكانتهم فلا يستطيعون
المضي ولا المجيء الينا وخذ بايديهم والسنتهم حتى لا يبسطوا الينا
ولو نشاء لطمسنا على اعينهم فاستبقوا الصراط فانى يبصرون
ولو نشاء لمسخناهم على مكانتهم فما استطاعوا مضيا ولا يرجعون
بسم الله الرحمن الرحيم يس والقران الحكيم انك لمن المرسلين

على

على صراط مستقيم تنزيل العزيز الرحيم لتنذر قوما ما انذر اباؤهم
فهم غافلون لقد حق القول على اكثرهم فهم لا يؤمنون انا جعلنا
في اعناقهم اغلالا فهي الى الاذقان فهم مقمحون وجعلنا من بين
ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون شاهت
الوجوه شاهت الوجوه شاهت الوجوه وعنت الوجوه للحي القيوم
وقد خاب من حمل ظلما طس طسم حمعسق مرج البحرين يلتقيان بينهما
برزخ لا يبغيان حم حم حم حم حم حم حم حُمَّ الامر وجاء النصر فعلينا لا
ينصرون حم تنزيل الكتاب من الله العزيز العليم غافر الذنب وقابل
التوب شديد العقاب ذي الطول لا اله الا هو اليه المصير بسم الله
بابنا تبارك حيطاننا يس سقفنا كهيعص كفايتنا حمعسق حمايتنا
فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم وستر العرش مسبول علينا
وعين الله ناظرة الينا بحول الله لا يقدر علينا والله من ورائهم
محيط بل هو قران مجيد في لوح محفوظ فالله خير حافظا وهو
ارحم مواهب الرحمن الراحمين
سبحانك اللهم وبحمدك صل على ملائكتك وانبيائك ورسلك
خاصتك من خلقك واجبنا عن الالحاد في عظمتك واعصمنا من
الانكار في قدرتك ومن الاصرار في معصيتك واعتق رقابنا من
نقمتك وجوارحنا من سخطك واجعل لنا نصيبا في رحمتك وظهيرا
من قوتك وعونا من نصرتك وفرجا من عندك وادننا الى قربك
وكرمنا عليك واحفظنا بك واهدنا اليك ولا تباعدنا عنك

ولا تفضحنا لديك ربنا ومولينا كذا نالنا ولا تكد علينا وامكر لنا
ولا تمكر بنا وادل لنا ولا تدل منا واكفنا حد نوائب الزمان وشر
مصائد الشيطان ومرارة صولة السلطان وشآمة الياس و
الحرمان يا ذا المن والاحسان ويا ذا العفو والغفران ويا ذا الكرام
والامتنان سيدي سيدي انما يكتفي المكتفون بفضل قوتك ويعطى
المعطون من فيض جدتك ويهتدي المهتدون بنور وجهك فمن واليت لم
يضرره خذلان الخاذلين ومن اعطيت لم ينقصه منع المانعين ومن
هديت لم يغوه اضلال المضلين فصل على المصطفين من رسلك
واغننا عن هبة الوهابين بهبتك واكفنا وحشة القاطعين
بصلتك حتى لا نرغب الى احد مع بذلك ولا نستوحش من احد مع
فضلك سبحانك نحن عتقاء رحمتك وطلقاء رافتك فاجعل
سلامة قلوبنا في ذكر عظمتك وفراغ ابداننا في شكر نعمتك و
انطلاق السنتنا في وصف منتك لا اله غيرك ولا رب لي سواك
فامنعنا بعزك من عبادك واغننا عن غيرك بارفادك واسلك بنا
سبيل الحق بارشادك يا رب العالمين ورجاء المتوكلين وارحم

مقاليد الراجين الجنان

مقلد مقالد و مقليد جلد
مقاليد جمع

الهي البستني الخطايا ثوب مذلتي واكفنتني التباعد لباس مسكنتي و
امات قلبي عظم جنايتي وبعزتك ما اجد لذنبي سواك غافرا ولا
ارى لكسري غيرك جابرا فان طردتني من بابك فبمن الوذ وان رددتني
عن جنابك فبمن اعوذ فوا اسفا من خجلتي وافتضاحي ووالهفا من

سوء

سوء عملي واجترائي هل يرجع العبد الآبق الا الى مولاه ام هل يجيره
من سخطه احد سواه فظلل ذنوبي بغمام رحمتك وازل عيوبي بسحاب
رافتك قد اتيتك طامعا في احسانك راغبا في امتنانك مستسقيا
وابل طولك مستمطرا سحاب فضلك طالبا مرضاتك طارقا بابك
قاصدا جنابك واردا شريعة رفدك ملتمسا سني الخيرات من عندك
وافدا الى حضرة جمالك مستكينا لعظمة جلالك فيا مولاي ارجو الا
فضله ولا اخشى الا عدله ولا اثقة الا لقوله ولا تمسك الا بحبله
بك استرشد لما فيه الصلاح والاصلاح ومنك استعين فيما
يقترن به النجاح والفلاح الهي ان كان الندم على الذنب توبة
فبعزتك اني من النادمين وان كان الاستغفار من الخطاء حطة
فبجلالك اني من المستغفرين اليك اشكو نفسا بالسوء امارة والى
الخطيئة مبادرة وبمعاصيك مولعة ومن سخطك متعرضة
تتبع راى المخالفين وتسلك سبيل الخاطئين كثيرة العلل طويلة
الامل ان مسها الشر تجزع وان مسها الخير تمنع ميالة الى اللعب
واللهو مملوة بالغفلة والسهو تسرع بي الى الحوبة وتسوفني بالتوبة
تزين لي حب الدنيا وتحول بالوساوس بيني وبين الطاعة والزلفى
فلا حول الا بقوتك ولا قدرة الا بمشيتك يا من اسمه دواء و
ذكره شفاء وطاعته غناء الهي اتراك بعد الايمان ان تعذبني و
مع رجائي بسعة رحمتك تحرمني وهل تسود وجوها خرت لعظمتك
ساجدة او تخرس السنة بالثناء عليك ناطقة او تطبع على قلوب

انطوت على محبتك وتصم اسماعا تلذذت بسماع ذكرك او تغل اكفا
رفعتها اليك الامال وتعذب رجلا سعت في عبادتك بالغدو
والاصال حاشاك حاشاك من وجهك الكريم ومنك العميم
ان تذلل نفسا اعززتها من العزة بتوحيدك او احرقت قلبي بنيتك
الحقيق بنار غضبك فما ذلك الظنون بك ولا المعروف من سعة رحمتك
ونشر عناياتك وكيف تضيع المربوبين وتحرق قلوب الذين صانت
من تقديسك وتوحيدك في زمرة المتالهين بل لولا ما قضت حكمتك
من تعذيب الجاحدين وتعذيب الخاطئين لجعلت النار كلها بردا و
سلاما وما كان لاحد فيها دخولا ومقاما يا من اذا سئله عبده
اعطاه واذا امل ما عنده بلغه مناه واذا اقبل عليه قربه وادناه
واذا جاهره بالعصيان ستره وغطاه ابرجع عن باب رحمتك عبدك
بالخيبة والحرمان ولست اعرف مولا سواك بقبول التوبة وكثرة الاحسان
وكيف ارجو غيرك والخير كله بيدك وكيف اؤمل سواك والخلق والامر
لك فاكرمني من عطائك بما تقربه عيني ومن نوالك بما تطمئن به
نفسي يا منتهى همة الراغبين والمفرج عن المهمومين يا رب العالمين
وارحم الراحمين الهي ما بدأت به من فضلك فتممه فما وهبت من
كرمك فلا تسلبه وما سترت علي بحلمك فلا تهتكه وما علمته من
قبيح فعلي فاغفره فقد اذهلني عن اقامة شكرك تتابع طولك واعجزني
عن احصاء ثنائك توارد فضلك وشغلني عن ذكر محامدك ترادف
عوائدك واعياني عن نشر عوارفك توالي اياديك اذ حللتني نعما من

انوار الايمان والمعرفة جللا وضربت على لطايف بري من الايقان
والعزة كللا فاولئك جمة ونعماؤك كثيرة ضعفت الالسن عن
احصائها وقصرت الافهام عن ادراكها فضلا عن استقصائها
فكيف تحصيل مقام الشكر وشكري اياك يفتقر الى الشكر فلك الحمد
على حسن بلائك وسبوغ نعمائك واياك ارغب لباس العافية و
تمامها وشمول السلامة ودوامها الهي من ذا الذي ذاق حلاوة
عبادتك فرام منك بدلا ومن ذا الذي انس بذكرك فابتغى عنك
حولا سبحانك ما اضيق الطرق على من لم تكن دليله و
ما اوضح الحق عند من هديته سبيله ليس لنا وسيلة الا عواطف
رافتك ولا ذريعة الا عوارف رحمتك وقد حل رجاءنا بحريم كرمك
وحط طمعنا بفناء جودك فحقق بمنك امالنا واختم بالخير والعافية
اعمالنا واسلك بنا سبل الوصول وسيرنا في اقرب الطرق للقبول و
احملنا في سفن النجاة ومتعنا بلذيذ المناجاة واوردنا حياض حبك
واذقنا حلاوة ودك واجعل جهادنا فيك وهمنا فيما لديك ويسر لنا
بلوغ ما نتمنى من ابتغاء رضوانك واحللنا بحبوحة جنانك وازهق
الباطل عن ضمائرنا واثبت الحق في سرائرنا فان الشكوك والظنون لواقح
الفتن ومكدرة لصفوة المنايح والمنن يا من لا يفد الوافدون على اكرم
منه ولا يجد القاصدون ارحم منه يا خير من خلا به وحيد ويا اعطف من
اوى اليه الطريد الى سعة عفوك مددت يدي وبذيل كرمك اعلقت
كفي فلا تولني بالحرمان ولا تبلني بالخيبة الهي كسري لا يجبره الا لطفك

وفقري لا يغنيه الا احسانك وروعتي لا يسكنها الا امانك وذلتي
لا يعزها الا سلطانك وحاجتي لا يقضيها غيرك وكربي لا يفرجه سوى
رحمتك وغلتي لا يبردها الا وصلك وشوقي لا يبله الا النظر الى وجهك
وامنيتي لا يبلغها الا فضلك وخلتي لا يسدها الا طولك وضري
لا يكشفه غير رافتك وغمي لا يزيله الا قربك وسقمي لا يشفيه الا
طبك وجرحي لا يبرؤه الا صفحك ورين قلبي لا يجلوه الا نورك و
وساوس صدري لا يزيحه الا ذكرك ولوعتي لا يطفيها الا لقاؤك
فلا مانع لما اعطيت ولا معطي لما منعت يا منتهى امل الاملين و
يا غاية سؤل السائلين ويا اقصى طلبة الطالبين واعلى رغبة الراغبين
الهى قصرت الالسن عن بلوغ اداء ثنائك كما يليق بجناب كبرياء جلالك
وعجزت العقول والافهام عن ادراك كنه صفات كمالك وانحسرت الابصار
دون النظر الى سبحات وجه جمالك والخلائق كلهم سائرون مقهورون
تحت لواء قضائك وقدرك وقد اجريت على حكما جازما اتبعت
فيه هواى وقدرت لي امرا لازما لا مهرب منه الا بعنايتك مولاى
فلا حجة لي فيما جرى على قضاؤك والزمني حكمك وبلاؤك فلذا
اتيتك بعد التقصير والاسراف معترفا لك معتذرا في حضرتك
مستغفرا متضرعا من خشيتك مقرا خاشعا بربوبيتك حامدا
مسبحا بالوهيتك بمقاعد العز من عرشك ومنتهى الرحمة من
كتابك اقبل عذري ومسكنتي وارحم شدة ضري وقلة حيلتي ولا
تعاجلني بالجزاء على سوء فعلي وقبح سريرتي واسائتي في الخلوات

بدوام

بدوام تفريطي وجهالتي من كثرة الغفلات والشهوات خلص وهذب
بسعة رحمتك نفسي من اسر الطبيعة وطينة الهيولى ونورها بانوار
البصيرة والمعرفة والبهاء واوزعني ما اوليتني من نعمة ارني الحق
حقا والهمني اتباعه والباطل باطلا واحرمني اعتقاده حتى صار الحكم
سببا الاتحاد نفسي بالعوالم الالهية والدخول في زمرة الارواح السماوية
منازل النفوس المنزهة الباقية ومحل الارواح المقدسة العالية

خاتم سليمان في ازجار الانس والجان

حجبتكم وزجرتكم معاشر الجن والانس والشياطين والطيارة الهواء
ومسترق السمع من السماء وحلال المنازل والديار والمتغيبين ما
بالاسحار والبارزين في اناء الليل واطراف النهار باسماء الله الملك
الجبار الشديد المحال المنتقم الفعال العظيم القهار خالق كل شيء بمقدار
لا تدركه الابصار وهو يدرك الابصار وهو اللطيف الخبير اعلموا
ان الخالق اعظم من المخلوقين والقادر اقدر من المقدورين والرازق
الرازق ابسط يدا من المرزوقين نار الله الموقدة التي تطلع على الافئدة
انها عليهم مؤصدة في عمد ممددة تكيد افئدة المردة وترد كيد
الحسدة بالاقسام بالاقلام بالاحكام بالارواح بالاشباح وباللوح
المحفوظ والحجاب المضروب وبالعرش العظيم ووجه ربنا الكريم الرحمن الرحيم
مالك يوم الدين احتجبت واستترت واستجرت واعتصمت وتحصنت
منكم بالم وبالم وبالمص وبالر وبالر وبالمر وبالر وبالر
وبكهيعص وبطه وطسم وطس وطسم وبالم وبالم وبالم ويس وص

وفي نسخة بالجلال

يا الله يا رحمن يا رحيم يا حي يا قيوم يا بديع السموات والارض يا عالم الغيب والشهادة يا مالك الملك يا ذا الجلال والاكرام برحمتك

وحم وحم وحمعسق وحم حم وحم وحم وق ون والقلم وما يسطرون
وبمواقع النجوم وبالطور وكتاب مسطور في رق منشور والبيت
المعمور والسقف المرفوع والبحر المسجور ان عذاب ربي لواقع ما له من
دافع ولا منجا لكم جميعا من صواعق الديان وقوارع القرآن واسماء
الله الملك المنان فان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات والارض
فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان فبأي آلاء ربكما تكذبان يرسل
عليكما شواظ من نار ونحاس فلا تنتصران فلا ملجا لواردكم ولا منقذ
لماردكم ولا منفذ لهاربكم من ركسط التشبيط ونزاع المهبط وروازر
التخبيط قرابعكم محبوس ونجم طالعكم منحوس وشامخ عزكم منكوس
واعين اقبالكم مطموس وكلكم مطرود وما يوس فاستبسلوا الخبا انا
واستكنوا اجداثا وتمزقوا اشتاتا وتواقعوا باسماء الله امواتا
بل يجعلكم الله شاردين متمزقين في عز طغيانكم هالكين و
اغلقت عني باب كيد المستأخرين منكم والمستقدمين الضالين المطرودين
وان مكرتم مكرا فالله خير الماكرين ناعت الانجاس غليت الارجاس
بالصافات والذاريات والمرسلات والنازعات ازجركم عن الحركات
كونوا رمادا اذا الخطمو سكوا ولا تنبسطوا الي ولا الى احد من المؤمنين
يدا اليوم نختم على افواهكم وتكلمنا ايديكم وتشهد ارجلكم بما كانوا
يكسبون هذا يوم لا ينطقون ولا يؤذن لهم فيعتذرون عميت الاعين
وخرست الالسن وخضعت الاعناق للملك الخلاق ان الله بالغ
امره وكتب الله لاغلبن انا ورسلي وهو القوي العزيز ولله جنود

السموات

السموات والارض وكان الله عزيزا حكيما وكفى بالله وليا وكفى بالله
حسيبا وكفى بالله وكيلا وكفى بالله شهيدا وكفى بالله عليما وكفى
بربنا هاديا ونصيرا ان الذين يبايعونك انما يبايعون الله يد الله
فوق ايديكم واوفوا بعهد الله اذا عاهدتم ولا تنقضوا الايمان بعد
توكيدها وقد جعلتم الله عليكم كفيلا فمن نكث فانما ينكث على نفسه
ومن اوفى بما عاهد عليه الله فسيؤتيه اجرا عظيما ومن لم يؤمن بالله
ورسوله فانا اعتدنا للكافرين سعيرا سنة الله التي قد خلت من قبل
ولن تجد لسنة الله تبديلا ولن تجد لسنة الله تحويلا فلا سبيل لكم على
من تعوذ بالقرآن واستجار بالرحيم الرحمن ان بطش ربي لشديد انه هو
يبدئ ويعيد وهو الغفور الودود ذو العرش المجيد فعال لما يريد هل
اتيكم حديث الجنود فرعون وثمود بل الذين كفروا في تكذيب والله من ورائهم
محيط بل هو قرآن مجيد في لوح محفوظ

جنة الامان

بسم الله كلمة المعتصمين ومقالة المتحرزين واعوذ بالله من جور الجائرين
وكيد الكائدين وبغي الظالمين واحمده فوق حمد الحامدين واشكره
شكر الشاكرين يا من لا يخفى عليه ابناء المتظلمين ولا يحتاج في قصصهم
الى شهادات الشاهدين ويا من قربت نصرته من المظلومين وبعد
عونه عن الظالمين قد علمت يا الهي شدة ضعفي وقلة حيلتي عن مقاومة
الاضداد وكيد الحساد لاغترارهم بالمنكرات وولوعهم بالشهوات
بطرا في نعمتك وغرورا بمهلتك فخذهم بقوتك وافلل حدهم بقدرتك
واجعل لهم شغلا طويلا وعجزا غير قليل واعصمني من افعالهم ولا

تجعلني في مثل حالهم وعوضني من ظلمهم عفوك وابدلني بسوء صنيعهم
رحمتك فكل مكروه جلل دون سخطك وكل مرزئة سواء مع موجدتك
وكما كرهت لي ان اظلم فقني من ان اظلم ولا تفتني بالقنوط من الا
الانصاف ولا بالامن من الاعتساف ونبئهم ما اوعدت الظالمين
واذقني حلاوة اجابة المضطرين وصل على محمد واله المنتجبين واهدني
للتي هي اقوم واستعملني بما هو اسلم انك انت الاعز الاجل الاكرم

حصن الحصين

تحصنت بذي الملك والملكوت واعتصمت بذي العلي والعزة والعظمة
والقدرة والكبرياء والجبروت وتوكلت على الحي الذي لا ينام
ولا يموت اصبحت وامسيت في جوار الله وفوضت امري الى الله
ودخلت في حرز الله وفي حفظ الله وفي كنف الله وفي امان الله
من شر البرية والبلية اجمعين كهيعص اكفنا حمعسق احمنا وانصرنا
ربنا على من ظلمنا كفيت شر الاعداء واخذت سمعهم بسمع الله و
سلبت قوتهم بقوة الله وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا
همسا وعنت الوجوه للحي القيوم وقد خاب من حمل ظلما واخسؤا
فيها ولا تكلمون صه صه صه صه صه صه صه صه صه صه
لقد حق القول على اكثرهم فهم لا يؤمنون انا جعلنا في اعناقهم
اغلالا فهي الى الاذقان فهم مقمحون وجعلنا من بين ايديهم سدا
ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون انا جعلنا على قلوبهم
اكنة ان يفقهوه وفي اذانهم وقرا وان تدعهم الى الهدى فلن يهتدوا

اذا

99

اذا ابدا اولئك الذين طبع الله على قلوبهم وعلى سمعهم وعلى ابصارهم
غشاوة واولئك هم الغافلون افرايت من اتخذ الهه هويه و
اضله الله على علم وختم على سمعه وقلبه وجعل على بصره غشاوة
فمن يهديه من بعد الله افلا تذكرون واذا قرات القران جعلنا
بينك وبين الذين لا يؤمنون بالاخرة حجابا مستورا صم بكم
عمي فهم لا يعقلون لا يفقهون لا يعلمون لا يرجعون لا يشعرون
لا ينصرون لا يهتدون لا يحسبون لا يسمعون لا يتكلمون شاهت
الوجوه ٣ وعنت الوجوه للحي القيوم الذي لا تاخذه سنة ولا
نوم الى اولئك اصحاب دعاء المضطرين النار هم فيها خالدون
يا من برحمته يستغيث المذنبون والى ذكر احسانه يفزع المضطرون
ويا من لهيبته يرتعد الخائفون وبرجاء تفضله ينتظر الاملون ها
انا ذا يا رب عبدك الذليل وسائلك الفقير او قرين الخطايا ظهر و
افنت الذنوب عمره فلا تخيب من لا يجد معطيا غيرك ولا يستغني عنك
باحد دونك ووقني من الاضاعة والبطالة واحرسني من الازالة و
الضلالة واستصلحني بالعافية واكرمني بحسن العاقبة وطهرني بالتوبة
وايدني بالعصمة واكتب لي امانا من السخط ونصيبا من الاقساط و
بشرني بذلك في العاجل ولا تفضحني يا رب في الاجل لا يجير يا الهي الا
رب على مربوب ولا يؤمن الا غالب على مغلوب ولا يعين الا طالب
على مغلوب ولا يعين الا طالب على مطلوب وبيدك يا الهي جميع ذلك
السبب والى جناب عزك المفر والمهرب فهب لي قوة احتمل بها مرضاتك

واجعل حرزي من المهالك تفويلك ونور قلبي بذكرك ورطب لساني
بشكرك واستوحشني من الاشرار وانسني من الاخيار ولا تجعل
لفاجر ولا كافر علي يدا ومنة ولا بي اليهم رغبة وحاجة بل اجعل
سكون قلبي وانس نفسي واستغنائي وكفايتي بذكرك وبخيار خلقك
واجعلهم لي وليا ونصيرا انك كنت بنا بصيرا

درع المبين

اعيذ نفسي وديني واهلي ومالي وولدي واخواني في ديني وما رزقني
ربي ومن يعنيني امره بالله الواحد الاحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد
ولم يكن له كفوا احد وبرب الفلق من شر ما خلق ومن شر غاسق اذا
وقب ومن شر النفاثات في العقد ومن شر حاسد اذا حسد وبرب الناس
ملك الناس اله الناس من شر الوسواس الخناس الذي يوسوس في
صدور الناس من الجنة والناس حسبي الله ربي لا اله الا هو
عليه توكلت وهو رب العرش العظيم ما شاء الله كان وما لم يشا
لم يكن اشهد واعلم ان الله على كل شيء قدير وان الله قد احاط بكل
شيء علما واحصى كل شيء عددا اللهم اني اعوذ بك من شر نفسي
ومن شر كل دابة انت اخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم

زاد المسافرين

بسم الله وبالله ومن الله والى الله وفي سبيل الله وعلى ملة رسول
الله وسنة نبي الله ومنهاج ولي الله سبحانك اللهم وبحمدك تباركت
وتعاليت اليك اسلمت نفسي ووجهت وجهي وفوضت امري واودعت
اهلي ومالي وولدي فاحفظني واياهم بحفظ الايمان وتاييد القرآن

وباسماء

باسماء الله الملك المنان الحنان المستعان انك حسبي ونعم الوكيل
واقوى معين واهدى دليل فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم
ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

صلاح المسلمين

اللهم ارزقنا توفيق الطاعة وبعد المعصية وصدق النية وعرفان
الحرمة واكرمنا بالهدى والاستقامة وسدد السنتنا بالصواب
والحكمة واملأ قلوبنا بالعلم والمعرفة وطهر بطوننا من الحرام و
الشبهة واكفف ايدينا عن الظلم والسرقة واغضض ابصارنا عن
الفجور والخيانة واسدد اسماعنا عن اللغو والغيبة وتفضل على
علمائنا بالزهد والنصيحة وعلى المتعلمين بالجهد والرغبة وعلى
المستمعين بالاتباع والموعظة وعلى المشايخ بالوقار والسكينة
وعلى الشباب بالانابة والتوبة وعلى النساء بالحياء والعفة وعلى
الاغنياء بالتواضع والسعة وعلى الفقراء بالصبر والقناعة وعلى
الغزاة بالنصرة والغلبة وعلى الاسراء بالخلاص والراحة وعلى الملوك
والامراء بالعدل والشفقة وعلى الرعية بالانصاف وحسن السيرة
وعلى المرضى المسلمين بالشفاء والعافية وعلى موتاهم بالرحمة و
المغفرة وبارك للحجاج والزوار في الزاد والنفقة واقض ما اوجبت
عليهم من الحج والعمرة بفضلك ورحمتك يا ارحم الراحمين

منتهى المطلب

اللهم يا منتهى مطلب الحاجات ويا من عنده نيل الطلبات ويا من
لا يبيع نعمه بالاثمان ويا من لا يكدر عطاياه بالامتنان ويا من

يستغني به ولا يستغنى عنه ويا من يرغب اليه ولا يرغب عنه
ويا من لا تفني خزائنه المسائل ويا من لا تبدل حكمته الوسائل
ويا من لا تنقطع عنه حوائج المحتاجين ويا من لا يعنيه دعاء
الداعين تمدحت بالغناء عن خلقك وانت اهل الغنى عنهم و
نسبتهم الى الفقر وهم اهل الفقر اليك فمن حاول سد خلته
من عندك ورام صرف الفقر عن نفسه بك فقد طلب حاجته في مظانها
واتى طلبته من وجهها ومن توجه بحاجته الى احد من خلقك او
جعله سبب نجحها دونك فقد تعرض للحرمان واستحق من عندك
فوت الاحسان اللهم ولي اليك حاجة قد قصر عنها جهدي و
تقطعت دونها حيلي وسولت لي نفسي رفعها الى من يرفع
حوائجه اليك ولا يستغني في طلباته عنك وهي زلة من زلل
الخاطئين وعثرة من عثرات المذنبين ثم انتبهت بتذكيرك لي من
غفلتي ونهضت بتوفيقك من زلتي ونكصت بتسديدك عن
عثرتي وقلت سبحان ربي كيف يسئل محتاج محتاجا وانى يرغب
معدم الى معدم فقصدتك يا الهي بالرغبة واوفدت عليك
رجائي بالثقة وعلمت ان كثير ما اسئلك يسير في وجدك وان
خطير ما استوهبك حقير في وسعك وان كرمك لا يضيق عن
سؤال احد وان يدك بالعطايا اعلى من كل يد اللهم فصل على
محمد واله واحملني بكرمك على التفضل ولا تحملني بعدلك على الاستحقاق
فما انا باول راغب رغب اليك فاعطيته وهو يستحق المنع ولا باول

سائل

سائل سئلك فافضلت عليه وهو يستوجب الحرمان اللهم صل على
محمد واله وكن لدعائي مجيبا ومن ندائي قريبا ولتضرعي راحما ولصوتي
سامعا ولا تقطع رجائي عنك ولا تبت سببي منك ولا توجهني في
حاجتي هذه الى سواك بل تولني بنجح طلبتي وقضاء حاجتي ونيل سؤلي
قبل زوالي عن موقفي بتيسيرك لي العسير وحسن تقديرك في جميع الامور
وصل على محمد واله صلوة دائمة نامية لا انقطاع لابدها ولا
منتهى لامدها واجعل ذلك عونا لي وسببا لنجاح طلبتي انك واسع
كريم ومن حاجتي يا رب كذا وكذا وتذكر حاجتك ثم تسجد وتقول في
سجودك فضلك آنسني واحسانك دلني فاسئلك بك وبمحمد واله صلواتك
عليهم ان لا تردني خائبا انك سميع الدعاء قريب مجيب وعلى كل شيء

ذروة رقيب الشرف

الحمد لله الذي استوى على العرش بالعظمة وتجلى للقلوب بالمعرفة و
احتجب عن الافكار بالعزة واستولى على الاشياء بالقدرة فلا
الابصار تثبت لرؤيته ولا الاوهام تبلغ كنه معرفته تمجد بالشكر
والثناء وتكبر بالفخر والبهاء وتهلل بالعز والالاء وتلالا بالنور و
الضياء سبحانه وتعالى وتقدست عن المشابهة والمجانسة للاشياء
والاكفاء خالق بلا نظير وظهير وصانع بلا مشير وقدير باسط في
وحدانيته وواسع في صمدانيته لا ند ولا ضد له ولا شريك ووزير معه
فاطر السموات وخالق البريات وهو الاول بلا زوال والاخر من غير
انتقال قائم في قدسه ودائم في ملكه المبتدئ بلا امد المعطي ما يكفي

بالعبيد فالكل له عبيد وهو تعالى لا يريد ليس له حد في مكان ولا
غاية في زمان لم يزل ولا يزال موصوف بالكمال والجمال ومنعوت
بالجلال والافضال لا اله الا هو الحي القيوم العليم القديم الحليم
الكريم الذي ليس كمثله شيء وهو السميع البصير العزيز الحكيم العلي
العظيم اله الخلق ورب المطلق اكرم الاكرمين وارحم الراحمين

تقرير الموايد في دفع المكايد

الهي هديتني فلهوت ووعظت فقسوت وابليت الجميل فعصيت ثم
عرفت فاستغفرت فاقلت فعدت فسترت فاسررت فلك الهي
الحمد تقحمت اودية الهلاك وحللت شعاب تلف تعرضت فيها
لسطواتك وبحلولها عقوباتك ووسيلتي اليك التوحيد وذريعتي
اني لم اشرك بك شيئا ولم اتخذ معك الها وقد فررت اليك بنفسي و
اليك مفر المسيء ومفزع المضيع لحظ نفسه الملتجيء الهي فكم من عدو
انتضى علي سيف عداوته وشحذ لي ظبة مديته وارهف لي شبا حده و
داف لي قواتل سمومه وسدد نحوي صوائب سهامه ولم تنم عني عين
حراسته واضمر ان يسومني المكروه ويجرعني زعاق مرارته فنظرت
يا الهي الى ضعفي عن احتمال الفوادح وعجزي عن الانتصار ممن قصدني
بمحاربته ووحدتي في كثير عدد من ناواني وارصد لي بالبلاء فيما لم اعمل
فيه فكري فابتدأتني بنصرك وشددت ازري بقوتك ثم فللت حده
وصيرته من بعد جمع عديد وحده واعليت كعبي عليه وجعلت ما
سدده مردودا عليه فرددته لم يشف غيظه ولم يسكن غليله قد

عض

عض على شواه وادبر موليا قد اخلفت سراياه الهي وكم من باغ بغاني
بمكائده ونصب لي شرك مصائده ووكل بي تفقد رعايته واضبأ الي
اضباء السبع لطريدته انتظارا لانتهاز الفرصة لفريسته وهو
يظهر لي بشاشة الملق وينظرني على شدة الحنق فلما رأيت يا الهي
تباركت وتعاليت دغل سريرته وقبح ما انطوى عليه اركسته لام راسه
في زبيته ورددته في مهوى حفرته فانقمع بعد استطالته ذليلا
في ربق حبالته التي كان يقدر ان يراني فيها وقد كاد ان يحل بي لولا
رحمتك ما حل بساحته الهي وكم من حاسد قد شرق بي بغصته وشجي
مني بغيظه وسلقني بحد لسانه ووحرني بقرف عيوبه وجعل عرضي
غرضا لمراميه وقلدني خلالا لم تزل فيه ووحرني بكيده وقصدني
بمكيدته فناديتك يا الهي مستغيثا بك واثقا بسرعة اجابتك عالما
انه لا يضطهد من اوى الى ظل كنفك ولا يفزع من لجا الى معقل
انتصارك فحصنتني من بأسهم بقدرتك ومن مكرهم بعزتك ومن
شرهم بكفايتك ومن كيدهم بحمايتك الهي وسيدي وكم من غمائم
مكروه جليتها وسحائب نعم امطرتها وجداول رحمة نشرتها وخلع
عافية البستها واعين احداث طمستها وغواشي كربات كشفتها و
فضائح ذنوب غفرتها مولاي وكم من ظن حسن حققت وعدم
جبرت وصرعة انعشت ومسكنة حولت كل ذلك انعاما وتطولا و
في جميعه انهماكا مني على معاصيك لم تمنعك اساءتي عن اتمام احسانك
ولا حجزني ذلك عن ارتكاب مساخطك لا تسأل عما تفعل ولقد سئلت

فاعطيت ولم تسئل فابتدات واستميح فضلك فما اكديت ابيت يا مولاى
الا احسانا وامتنانا وتطولا وانعاما وابيت الا تقحما لحرماتك وتعديا
لحدودك وغفلة عن وعيدك الهى من مقتدر لا يغلب وذى اناة
لا تعجل هذا مقام من اعترف بسبوغ النعم وقابلها بالتقصير وشهد على
نفسه بالتضييع رجاء برحمتك نظرا فى عفوك وطمعا فى مغفرتك وطلبا
لتجاوزك الهى فانى اتقرب اليك بالمحمدية الرفيعة والعلوية
البيضاء واتوجه اليك بهما ان تعيذنى من شر الاعداء فان
ذلك لا يضيق اليك فى وجدك ولا يتكادك فى قدرتك وانت على
كل شىء قدير فهب لى يا الهى من رحمتك ودوام توفيقك ما اتخذه
سلما اعرج به الى رضوانك وامن به من عقابك انك رحيم بما دعاك
ومستجيب لمن ناداك

سراج الليل

الهى غارت نجوم سمائك ونامت عيون انامك وهدات اصوات
عبادك وانعامك حتى غلقت الملوك ابوابها وطافت عليها
حراسها واحتجبوا عمن يسئلهم حاجة او ينتجع منهم فائدة و
انت حى قيوم لا تاخذك سنة ولا نوم ابواب سمائك لمن دعاك
مفتحات وخزائن رحمتك لعبادك غير مغلقات وفوائدك اليهم
ايل ولا يرد عنك سائل وقد ترانى ذل مقامى بين يديك وفقرى
وفاقتى واعتمادى عليك تعلم ما يصلح به امرى وتطلع على ما فى قلبى
فاسئلك اللهم بافضل المسائل وانجحها واعظم الوسايط وارجحها
وباسمائك الحسنى وامثالك العليا واياتك الكبرى والنعم التى لا تحصى

وباكرم

وباكرم الموجودات عندك درجة واقربها منك وسيلة واشرفها
عندك منزلة واسرعها فى الامر اجابة خاصة بالاسم المكنون
المخزون الاعظم الاكرم الاعز الاجل ان تصلى على ملائكتك و
اصفيائك من امنائك واوليائك خصوصا على سيدنا محمد واله الا نقياء
النجباء وان تغفر لى الذنوب التى تغير النعم وتنزل النقم وتورث الندم
وتحبس القسم وتهتك العصم التى تعجل الفناء وتقرب البلاء وتديل
الاعداء وتكشف الغطاء سرها الغيب يا رافع السماء يا دافع البلاء
اعتجم والتجم عنى كل مارد لعين وخضع وذل لى كل ذى سطوة مكين
وتلاشت عنى مكائد الانس والجن اجمعين باسماء الله رب العالمين
وبالسموات القائمات المسكات المنشات هن بالقدرة والقفات بالسبع
المتطابقات وبالحجب المترادفات وبمجارى الافلاك وبمواقع الاملاك
وبالكرسى البسيط وبالعرش المحيط وبالقدرة العليا التى ليس لها منتهى
وبغاية الغايات وبمواضع الاشارات وبصانع المصنوعات وبرب البريات
وبمن دنى فتدلى فكان قاب قوسين او ادنى وبالرحمن على العرش استوى
ادحضت المردة والظالمين فاندحضوا ورميت اعدائى من الانس و
الجن فكبتوا فاكدتهم بعزائم الله فاكمدوا وخاب المارد وذل الحاسد
واشتغل عنى كل معاند باسماء الله احترست وبالله اعتصمت رضيت
بالله ربا قائما على من عادانى واستعنت بالله على من ناوانى الهى كيف
كيف اخاف واليك املى وكيف اخشى وعليك متكلى اعذنى اللهم من سطوة
المارق ومن كيد الفاسق ومن عبث الرامق ومن شر الطارق الا

طارقاً يطرق بخير يا ذا الجلال والإكرام
لا إله إلا الله وحده وحده أنجز وعده ونصر عبده وأعز جنده وهزم
الأحزاب وحده فله الحمد لله رب العالمين أصبحت وأمسيت في حمى
الله الذي لا يستباح وستره الذي لا يهتكه الرياح ولا تخرقه الرماح
في ذمته التي لا تخفر وفي جاره الذي لا يمنع وفي عزه الذي لا يستذل
ولا يقهر وفي حزبه الذي لا يهزم وجنده الذي لا يغلب بالله
استفتحت وبه استنجحت وتعززت وانتصرت وتقويت واحترست
واستعنت وبقوته جل اسمه ضربت على أعدائي وبجلال الله و
كبريائه ظهرت عليهم وقهرتهم بعونه وحوله وفوضت أمري إلى
الله وحسبي الله ونعم الوكيل إلى أمر الله وعلت كلمة الله ولاحت
حجة الله على أعداء الله الفاسقين وجنود إبليس أجمعين وتحصنت
منهم بالحصن الحصين وأويت إلى ركن شديد والتجأت إلى كهف منيع
رفيع وتمسكت بالحبل المتين وتدرقت بهيبة أمير المؤمنين أبي
الحسنين وتعوذت بعوذة سليمان بن داود عليهم السلام واحترزت
بخاتمه فأنا حيث ما سلكت آمن مطمئن وعدوي في الأحوال الحيران
قد حف بالمهانة وألبس الذل وقمع بالصغار وضربت على نفسي سرادق
الحياطة وعلقت على هيكل الهيبة وتتوجت بتاج الكرامة وتقلدت
بسيف العز الذي لا يفل وخفيت بالمجد عن العيون وتواريت بالعز عن
الظنون وأمنت على نفسي وسلمت من أعدائي فهم لي خاضعون ومني
خائفون وعني نافرون كأنهم حمر مستنفرة فرت من قسورة قصرت

أيديهم

أيديهم عن بلوغ ما يؤملونه في وصمت آذانهم عن استماع كلام
يؤذيني وعميت أبصارهم عن رؤيتي وخرست ألسنتهم عن ذكري
وذهلت عقولهم عن معرفتي ووجفت قلوبهم مني وارتعدت
فرائصهم من مخافتي وانفل حدهم وانكسرت شوكتهم ونكست
رؤوسهم وانحل عزمهم وتشتت جمعهم وافترقت أمورهم واختلفت
كلماتهم وضعف جندهم وانهزم جيشهم وولوا مدبرين سيهزم
الجمع ويولون الدبر بل الساعة موعدهم والساعة أدهى وأمر
علوت عليهم بعلو الله الذي كان يعلو به على صاحب الحروب في منكس
الرايات ومفرق الأقران وتعززت منهم بأسماء الله الحسنى وكلماته
العليا وظهرت عليهم ببأس شديد وأمر عتيد فأظللتهم وقمعت
رؤوسهم ووطأت رقابهم فظلت أعناقهم لي خاضعين قد خاب
من ناواني وهلك من عاداني فأنا المؤيد المحبور والمظفر المنصور
قد ألزمني كلمة التقوى واستمسكت بالعروة الوثقى واعتصمت
بالحبل المتين فلن يضرني بغي الباغين ولا كيد الكائدين ولا حسد
الحاسدين أبد الآبدين فلن يراني ولن يجدني ولن يقدر على أحد
إنما أدعو ربي ولا أشرك به أحداً أسألك اللهم يا متفضل أن تفضل
علي بالأمن على نفسي وأهلي ومالي والسلامة من أعدائي وحل بيني
وبينهم بالملائكة الغلاظ الشداد وأيدني بالجند الكثيفة والأرواح
المطيعة فيحصبونهم بالحجج البالغة ويقذفونهم بالأحجار الدامغة
ويضربونهم بالسيوف القاطعة ويرمونهم بالشهاب الثاقب و

الحريق اللاهب والشواظ المحرق والنحاس النافذ ويقذفون من كل
جانب دحورا ولهم عذاب واصب ذللتهم وزجرتهم وغلبتهم
ببسم الله الرحمن الرحيم وبطه ويس والذاريات والطواسين و
التنزيل والحواميم وبكهيعص وبحمعسق وبالم وق والقرآن المجيد
وتبارك ون والقلم وما يسطرون وبمواقع النجوم وبالطور و
كتاب مسطور في رق منشور والبيت المعمور والسقف المرفوع و
البحر المسجور ان عذاب ربك لواقع ما له من دافع فولوا مدبرين وعلى اعقابهم
ناكصين وفي ديارهم جاثمين فوقع الحق وبطل ما كانوا يعملون فغلبوا
هنالك وانقلبوا صاغرين والقى السحرة ساجدين فوقيه الله سيئات
ما مكروا وحاق بهم ما كانوا به يستهزؤن وحاق بآل فرعون
سوء العذاب ومكروا ومكر الله والله خير الماكرين جبرئيل عن
يميني وميكائيل عن يساري واسرافيل فوق راسي ومحمد رسول الله
صلى الله عليه وآله بين يدي وامير المؤمنين علي عليه السلام
ورائي والله تعالى محيط بي يا من جعل بين البحرين حاجزا احجز بيني وبينهم
واضرب على سرادقات حفظك الذي لا تهتكها الرياح ولا تخرقها
الرماح وق روحي بروح قدسك الذي من القيته عليه كان
معظما في عيون الناظرين وكبيرا في صدور الخلق اجمعين ووفق
لي باسمائك الحسنى وامثالك العليا لصلاحي في جميع ما اؤمله
من خير الدنيا والآخرة واصرف عني ابصار قلوبهم من شر ما يضمرونه
الى خير ما يملكه احد غيرك اللهم انت ملاذي فبك الوذ وانت معاذي

فبك اعوذ يا من ذلت له رقاب الجبابرة وخضعت له اعناق الفراعنة
اجرني من خزيك ومن كشف سترك ومن نسيان ذكرك انا في كنفك
ليلي ونهاري ذكرك شعاري والثناء عليك دثاري وانت على كل
شيء قدير ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم فسيكفيكهم
الله وهو السميع العليم وحسبي الله ونعم الوكيل نعم المولى ونعم
سبحان النصير القدس
اللهم يا من احتجب بشعاع نوره عن نواظر خلقه وتكبر برداء
قدسه عن خواطر بريته يا من تجلى لعباده بالجمال والجلال وتوحد
في حريم كبريائه الى ذروة الكمال بلا زوال يا من انقادت الامور
بازمتها طوعا لامره وقامت السموات والارض مجيبات لدعوته
يا من زين افلاك الدائرة بالنجوم الطالعة والآفاق الباسطة
باللوامع الساطعة هادية للانام في المرام وانار القمر سراج
المنير في ظلم الليالي من مراسم الانعام والاكرام يا من تشعشع بهاء
سناء شروق شموس وجوده خلع المكونات وترعرع بذكاء ضياء الطاف
بروق انوار ظهوره هياكل الموجودات من المبدعات والماديات
فاستوجب الحمد والشكر بدوام انتشار رشحات سحائب مكرمته
وتعاقب فوائد وترادف موائد فنون نعمه واحسانه اسئلك يا رب
العالمين واله الاولين والآخرين بمعاقد العز من عرش الرحمن و
بمفاتيح الكرم من ايادي الشفقة وبالاسماء العظام المنزلة الى
القلوب والمستاترة في بواطن الغيوب الامن والامان والايمان

والاحسان لا اله الا انت يا ربنا الحنان المنان الرحمن المستعان

نهاية المأمول

سبحانك اللهم وبحمدك عز شانك وجل سلطانك ولا اله غيرك
صل على ملائكتك وانبيائك ورسلك وصحح بالعرفان
الحق يقيني واستصلح بقدرتك ما فسد مني وايدني بمعالي
الاخلاق واجعلني من اهل الاشواق والاشراق والبسني بحلية
الصالحين وزينة المتقين في بسط العدل ونشر الفضل وكظم الغيظ
واقامة القبض وخفض الجناح وعموم الفلاح وحسن السيرة
ولين العريكة واصلاح ذات البين والتنزه عن الشين وافشاء
العارفة واطفاء النائرة وستر العائبة وطيب المخالقة واختيار
الجميل وكسب الفضيلة والاجتناب عن الرذيلة والقول بالحق وان
عسر والسبق الى الخير وان كسر وامنعني من السرف وحصني من التلف
ووفر ملكتي بالبركة وامن خوف نفسي من الهلكة واكمل لي كل ذلك
رحمة وبركاة منك في سبيل الطاعة بدوام العبادة ولزوم الجماعة
ورفض البدع الباطلة وعزني باليسار والانصار وبقاء الاولاد
الراشدين الابرار ولا تبتذل جاهي بالاقتار والادبار بحرمة
المصطفين الاخيار محمد تحية الشمسية الاشراقية واله الطيبين الاطهار

بسم الله الرحمن الرحيم

يسبح لله ما في السموات وما في الارض الملك القدوس العزيز الحكيم
اهلا وسهلا ومرحبا بالحي الناطق الانور والشخص الاظهر و

الكوكب

الكوكب الازهر عليك سلام الله ورحمته وبركاته ايها النير الاعظم
السيار الاشرف الطايع لبديع المتحرك في عشق جلال بارئك بحركة
الفلك المتبري عن قبول الخرق والكون والفساد والحركة المستقيمة
انت هورخش الشديد قاهر الغسق رئيس العالم ملك ملوك الكواكب
سيد الاشخاص العلوية فاعل النهار ومالك رقاب الانوار المتجسدين
الاطهار بحول الله المطاع الجبار الجرم الازهر الباهر المنير الحكيم
العالم الفاضل الكامل الكبير اعظم اولاد القدس من الاضواء
المتجسمين خليفة نور النور في عالم الاجرام والسرور نورك من نوره
مثل يبتدي من نوره قهرك من قهره ينتهي الى قهره وانت مثال لكبريائه
وانموذج من انموذجات بهائه وحجته على عباده من اعطيته من
نورك في الاجسام اضاء ومن اسعدته بقوة الله سعد تعطي الكواكب
نورك ولا تاخذ منها وتكسو البهاء والاشراق سبحان من صورك
في عشق ونورك ودورك وفي شوق جلاله سيرك وفي الفلك الرابع بوأك
وفي وسط نظام الكل قررك اسئلك ايها الاب القدوس صاحب
السلاطة والهيبة والعظمة والقدرة كامل القوى علة تعاقب الجديدين
وتتابع الفصول ان تسئل بباسط ضوء نفسك الناطقة الشارقة
اباك وعلتك ومعشوقك ومبدأ حركتك الذي انت ظله وطلسمه و
جميع الانوار القاهرة والعقول المجردة ليسئلوا بسؤال اللائق العالم
السرمدي البري عن التغير والتجدد اباهم وعلتهم ومعشوقهم النور
الاقرب المبدع الاول الاشرف العقل الكل المعلول الاعظم ليسئل

هو هكذا اله الالهة منتهى العلل رب الارباب اول الاوايل ناظم
العوالم مبدع الكل الحي القيوم نور النور في عالم السرور اله كل
عقل ونفس وجسم اثيري وعنصري بسيط ومركب على النظام الاتم
الاكمل الله الوحيد الواحد واجب الوجود عز شانه وجل سلطانه
ان ينور قلبي باللوامع القدسية والحكم الالهية والصناعات الاسمائية
والمعارف الحقانية بل بكل علم وعمل يوصلني الى الحضرة الربوبية
ويعززني في عوالم الخلقية والخلقية ويعصمني عن الافات النفسية
والبدنية ويجعلني من المشتاقين اليه والسايرين لديه وينصرني
على الاعداء نصرة اهل النور والاشراق والبهاء ويبارك كل
واياي ويقدسك واياي الى ابد الابدين ودهر الداهرين

في رؤية الاهلة

بسم الله الرحمن الرحيم

تبارك الذي بيده الملك وهو على كل شيء قدير الذي خلق السموات
والارض وجعل الظلمات والنور لا اله الا هو اليه المصير ايها
الخلق المطيع الدايب السريع المنير المتردد في منازل التقدير المتصرف
في فلك التدوير الملك الشهيد السيد القريب مفتاح السموات ووالي
الاسطقسات وصاحب السيارات وفالق الظلمات المتحرك بحركة
الدايمة التي هي اقرب الحركات لاستبقاء الانواع واستحفاظ الاجناس
والاشخاص يا جامع انوار الكواكب وقابلها ومعطي الاتصالات العلوية
وناقلها بحركة فلكك نعلم عدد السنين والاوقات وبشعاعك

ونورك تحصل الارزاق والاقوات بك اختيار من كان في تحت
ظلك الظليل ومنك يهتدي المسافرون بالدليل الى السبيل
حلولك في المنازل مبدأ النوازل وانتقالك من في البروج ظاهر
لاهل العروج تبدلك من طبع الى طبع رعاية للسافلات وتحولك
من حال الى حال وقاية للكاينات فتطورك بالاطوار للتنبيه والا
الاعتبار وفي هلالك وبدرك عبرة لاولي الابصار فاني امنت
بمن نور بك الظلم واوضح بك البهم وجعلك اية من ايات ملكه
وعلامة من علامات سلطانه وامتحنك بالزيادة والنقصان و
الطلوع والافول والانارة والخسوف وان كان كل ذلك امورا
اضافيا اعتباريا وانت بقدرته ونظر الى ذاتك منزه عن الزيادة و
النقصان والرزيلة والخسران ولكن في الحالات كلها انت له مطيع
والى ارادته سريع وضرب الله مثلا في محكم كتابه لاجل التعظيم
والتكريم والقمر قدرناه منازل حتى عاد كالعرجون القديم و
خلق الله سبع سموات طباقا وجعل القمر فيهن نورا سبحانه سبحانه
ما اعجب ما دبر في امرك والطف واحسن ما صنع في شانك جعلك
واسطة تعلق الافلاك بالاركان لحفظ الاعيان وتكوين الاكوان
ولتمام الدوران فيك يصل فضايل الاباء للامهات ومنك يحصل
للعنصريات ماثر العلويات تقدس سناؤه وتوالت نعماؤه و
هو ينقش المواد العنصرية بالنقوش الروحانية ويصور النطف الانسانية
بالصور النورانية فاني لتعظيمه وتمجيده اثني على نفسك الزكية و

كتابخانهٔ آستانهٔ قدس

جوهرك البهية واقدس مسكنك الرفيعة ومنظرك القريبة فالمقر
بكمالك مقصر عن ملاحظة جمالك وكيف لا وانت خليفة نير
الاعظم وضياء الاكبر في افاضة الخيرات واشاعة البركات
وارضاع النبات والحيوان بتقدير الله الملك المنان فاسئل الله
ربي وربك ومبدعي ومبدعك وخالقي وخالقك ومصوري
ومصورك الذي هو نور النور ومصور النور ومقدر النور ونور
مع نور ونور على نور ونور في نور ونور فوق كل نور وبالفخر
مشهور وبالعز مذكور وعلى السراء والضراء مشكور وهو
الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى يسبح له ما في
السموات والارض وهو العزيز الحكيم الذي لا يصل النطق الى
شرح جلاله ولا تدرك الاوهام كنه كماله وچنانچه در رؤيه هلال خواند
شده باشد تغيير را بتصليه مقرون کرداند که ان يصلي على ملائكته
وانبيائه ورسله وان يجعلك هلال بركة لا تمحقها الايام وطهارة
لا تدنسها الاثام هلال امن من الافات وسلامة من السيئات هلال
سعد لا نحس فيه ويمن لا نكد معه ويسر لا يمازجه عسر وخير لا
يشوبه شر هلال امن وايمان ونعمة واحسان وسلامة واسلام
پس از مواجهه قمر منعطف کشته وبقبلهٔ الاسلام کعبهٔ معظمه رو آورده
ودست بدعا برداشته بوضع حالت قنوت بخواند اللهم ربنا ومولينا
صل على محمد واله واجعلنا من ارضى من طلع عليه وازكى من نظر
اليه واسعد من تعبد لك فيه ووفقنا للتوبة واعصمنا من الحوبة

واحفظنا

واحفظنا من مباشرة المعصية واوزعنا شكر النعمة والبسنا
جنن العافية واتمم علينا فيه باستكمال طاعتك واستقبال كفايتك
انك المنان الحميد الرقيب الشهيد ودر ساير اوقات که زايد النور
و بجال ومحفوظ باشد بتمجيد وتقديس را باين عبارات ختم نمايد
ان يسعدني بسعادتك الجزيلة وفضائلك الجميلة ومناهجك
الجليلة ويحفظني عن خدع اهل الجدال وائمة الضلال وجنود
شيطان الخيال واولي وساوس القيل والقال انه على ما يشاء
قدير واجابة دعوة قنوت نافلة الاستغفار بعد كلمات الفرج الداعين عليه عز شأنه
اللهم اهدنا فيمن هديت وعافنا فيمن عافيت وتولنا فيمن
توليت وبارك لنا فيما اعطيت وقنا شر ما قضيت انك تقضي ولا يقضى
عليك لا يذل من واليت ولا يعز من عاديت تباركت ربنا وتعاليت
فلك الحمد على ما قضيت والشكر على ما هديتنا استغفرك اللهم و
استعينك واتوكل عليك واعوذ بك واتوب اليك والخير كله
بيديك سبحانك لا احصي ثناء عليك انت كما اثنيت
على نفسك ما عرفناك حق معرفتك وما عبدناك حق عبادتك
صل وسلم على ملائكتك وانبيائك ورسلك وافرشني مهاد كرامتك
واوردني مشارع رحمتك واحللني بحبوحة جنتك ولا تسمني
بالرد عنك ولا تحرمني بالخيبة منك ولا تقاصني بما اجترحت
ولا تناقشني بما اكتسبت ولا تبرز مكتومي ولا تكشف مستوري
ولا تحمل على ميزان الانصاف عملي ولا تعلن على عيون الملاء

والشر ليس اليك

خيري اخف عنهم ما يكون نشره علي عارا واطو عنهم ما بالحفي عندك شنارا اشرف درجتي برضوانك واكمل كرامتي بغفرانك وصل على المصطفين وانظمني في اصحاب اليمين ووجهني في مسالك الامنين وايدني بروح اليقين واجعلني من فوج الفائزين وزمرة العارفين وامرني مجالس الصالحين يا ارحم الراحمين

قنوت صلوة العيد

اللهم اهل الكبرياء والعظمة واهل الجود والجبروت واهل العفو والرحمة واهل التقوى والمغفرة اسئلك بحق هذا اليوم الذي جعلته للمسلمين عيدا ولنبينا المصطفى كرامة وشرفا وذخرا ومزيدا ان تصلي على ملئكتك وانبيائك ورسلك وان تدخلنا في كل خير ادخلت فيه محمدا واله وان تخرجنا من كل سوء اخرجت منه محمدا واله وان تخرجنا من كل سوء اخرجت منه محمدا واله وان تخرجنا من كل سوء اخرجت منه محمدا واله صلواتك ورحمتك وبركاتك عليه وعليهم اجمعين الطيبين الطاهرين اللهم اني اسئلك خير ما سئلك به عبادك الصالحون واعوذ بك مما استعاذ منه قرة عين الصائمين في ايامها عبادك المخلصون الحمد لله حق حمده وبما جعله لانسان الكامل اكرم خلقه خليفة الله في ارضه والصلوة على ملائكته وانبيائه ورسله خصوصا على سيدنا محمد واله وعترته اللهم يا حنان يا منان ويا مقدر شهر رمضان الذي فيه من الرعاية والامتنان انزلت القران

وبينات

وبينات من الفرقان وافرضت الصيام وسننت القيام وفتحت ابواب الجنان والغفران وسددت طرق النيران والخسران فامنن علي يا ربنا الرحمن المستعان فيه باداء الصلوة والزكوة والقيام بوظائف الطاعات والعبادات واعطاء الصدقات الى ذوي الحاجات والاتيان بالسنيات من الحسنات واستجابة الدعوات ووفور البركات وحصول السعادات والاجتناب من الخطيئات والعفو من السيئات والتعوذ من الهمزات واللمزات والنغزات بحسن الارشاد والاجتهاد وقوة النشاط في المرصاد مع التحفظ من موجبات الاوتاد ومكايد الحساد يا اكرم الاكرمين و ارحم الراحمين ويا ملجاء الهاربين ومنتهى رغبة الراغبين ويا غياث المستغيثين قرة عين الصائمين في لياليها ومجيب دعوة المضطرين الحمد لله الذي لا مضاد له في ملكه ولا منازع له في امره ولا شريك له في خلقه ولا شبيه له في عظمته الفاشي في الخلق حلمه والظاهر بالكرم مجده الباسط بالجود اشفاقه ولا تنقص خزائنه كثرة انفاقه وهو الحنان المنان الرحمن المستعان المقدر شهر رمضان الذي نزل فيه القران وبينات من الفرقان وهي شهر الصيام والقيام والتحري عن الاثام وقبول التوبة وحصول العفو والرحمة والفوز بالجنة والمغفرة فصل اللهم على ملئكتك وانبيائك ورسلك خصوصا على نبينا محمد واله اصفيائك الكاملين واعني على صيامه وقيامه ووفقني فيه بطاعتك وعبادتك والتلاوة والانابة

واعطني فيه البركة والكرامة واذهب عني القسوة والغفلة
وجنبني من الاعراض والامراض والذنوب والاعراض ونصرف
عني السوء والفحشاء بظهور العافية وحسن الوقاية يا سامع
الدعاء ودافع البلاء ويا ذا الجود والعطاء والالاء والنعماء
وفي قبضته مقاليد بركات الارض والسماء

في استخراج الاسماء الروحانية النورية والنارية الموكلة بتصاريف خواص الحروف ومعاني الظروف

رصع درة ناصعة عارف رباني عبد
الرحمن بسطامي از تحقيقات شمس المعارف ولطايف العوارف در مبحث
استنطاق نقل كرده كه القاعدة في معرفة استخراج الاصل و
المحمول عليه والمطروح منه والملحق بباقيه ان يجعل الاصل هو
الخارج من ضرب مغلاقه في غايته والمحمول في الاسم الاول من
اسمائه السبعة مفتاحه وفي الثاني مغلاقه وفي الثالث عدله و
في الرابع وفقه وفي الخامس مساحته وفي السادس ضابطته و
في السابع غايته والمطروح كل واحد هو المجموع من حروف الملحق
والملحق في الاسماء الجمالية ١٥ وفي الجلالية ٣١٩ والمثال
في خاتم زحل المفتاح ١ المغلاق ٩ العدل ١٠ الوفق ١٥ المساحة
٤٥ الضابطة ٢ الغاية ١٢٠ وعلى مثال الجدول يكون اتخاذها
في كل الاشكال وجميع الاعمال على اي ترتيب كان وضعها و
باي رقم كان ابتداؤها وكلما تكررت الالوف يعد بالحرف
الذي قبلها فعلامة الالفين بغ واثني عشرة الاف يبغ وهذه

الطريقة

الطريقة الشريفة والحكمة اللطيفة مستخرجة من كتاب كنز الاسرار وذخاير
الابرار لهرمس الهرامسة المثلث بالحكمة ادريس النبي عليه السلام وهو
اول من خاط الثياب واتخذ السلاح واظهر الاوزان والمكاييل و لما
رفعه الله تعالى مكانا عليا قيل انه ارتقى بروحه الاقدس الى فلك الشمس
وابرم بينه وبين روحانيتها معاقد الانس و قد شرح كتابه تنكلوشا
البابلي شرحا غريبا وكذلك ثابت بن قرة الحراني وحنين بن اسحق العبادي
وهي سر من اسرار المكنونة وكنز من ذخاير المضنونة التي رمزها
الانبياء وسترها الاولياء وكنزها الحكماء واخفيها العلماء
عن كثير من ابناء جنسهم لقرب مرامها وبعد انخرامها ونفوذ نتايجها
في حل الامور واخراج اللب من القشور و اما كيفية الاستدعاء
باسماء الخدام وختمهم باسم اعظمهم مثاله في الاسماء المستخرجة
ان يقول المستدعي بسم الله الرحمن الرحيم الحي القيوم اللطيف
الخبير العزيز الحكيم عزمت عليكم ايتها الارواح الروحانية ذو
الذوات النورانية المتفقة بالمنن الرحمانية والنواميس الربانية
القائمة في تصريف لطايف الحروف ودقايق معانيها المكنونة الموكلة
بتسخير روحانيتها وعوارف اسرارها المخزونة المستبدة بجدود
وجوه مواقع ترتيبها المخصوصة بخواص طبايعها على افرادها وتركيبها
وينادي بلسان جلي وعزم قوي يا شلايل ويا شلحايل ويا
شلطايل ويا شمدايل ويا شعدايل ويا شفطايل اقسمت عليكم
باحالت شفمطايل ان تجيبوا بالسمع والطاعة وتحضروا بالقوة

ابرم مشتق من الابرام

والاستطاعة وان تسرعوا الى ما دعوتكم اليه وتفعلوا ما امرتكم
به وتوكلكم عليه فان الله لقوی شدید فعال لما یرید ویذ
یذکر ما شاء فان الامر یتم بارادة الله وقدرته و لاحول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم تصریح بعد از تامل وافی نظر
استقرائی وتفطن الهامی خصوصا در غیر طبیعیات اسما خمسه
مستخرجه از اصول پنجگانه مفتاح و مغلاق و عدل و
وفق و مساحت را کافی وهر یک از خمسه اصول را بکمیتها الاصلیة
غیر ان یجعل الغایة المصطلحة التی هی ضعف الضابطة المجتمعة
من الوفق والمساحة اصلا اصیلا شافی دانند که مطروح و
ملحوق را علی ای حال یکسان ارد و در طبیعیات که مفتاح و مغلاق را
هم در بعضی الواح مجال طرح واسقاط نباشد اصوب انکه از
اصول ثلثه اخیره بسه اسم اکتفا نمایند ویا به بسط حرفی ویا عددی
دست توسل باز نند و بعضی در اکثر موارد مانند صفایح تکسیریه
وخالصات بسطیه که جزو وفق و مساحت معتبر نبود باسقاط
٢٥٦ والحاق نور اسم روح القدس استخراج نمایند و بالقاء
٥١ والصاق ابیل ملك و بازالة ٦٦ وعلاوة یون عون و بکاشر
٣١٦ و بفزایش یوش اسم اعظم حق ورا استمداد واستدعاء
ثلثه روحیه و ملکیه و عونیه را باسم حق قسم دهند واین
طریق را هم در تحصیل اسما روحانیات علوی و سفلی در غایت
سداد ونهایت رشاد دانند وبدین آیین استنباط روحانیات

علیه توکلت و هو حسبی ونعم الوکیل

اسماء ایام وشهور وسنین وانجم وافلاک وارکان واعیان
نمایند لما فرغت من وضع الشکل وصححت ایفانه واستخرجت
منه اسماء خدامه الستة ثم السابع المحیط فتنجم بالبخور تسعه
لیال بجبال الوالی وبکلم فی کل لیلة بالعزیمة بعدة الحروف
والظروف والله یقول الحق وهو یهدی السبیل تایید چون
وصول کف الخضیب را بدایرة نصف النهار زمان استجابت
دعا دانند فی استخراج عشا وصول الکف الخضیب
الجدول المنسوبة الی دایرة نصف النهار طریق عادی در تمام بلاد انکه
هرگاه شمس در بروج شمالی باشد بازای تقویم شمس انچه در جدول
یابند اگر کمتر از ساعات نصف النهار بلد مفروض باشد ان
ان نقصان کنند باقیرا ساعات وصول دانند واگر بیش بود
ساعات نصف النهار ازو کاهند باقی ساعات مانده تا آخر
شب باشد واگر در بروج جنوبی باشد انچه از جدول کبرند
اگر کمتر از ساعات نصف النهار باشد بان افزایند وحاصل را
ساعات وصول دانند از روز واگر بیشتر باشد ساعات نصف
النهار را ازان کاهند تتمه ساعات گذشته از اول شب باشد
ودر ندقیق باید بتعدیل ما بین السطرین بر دارند بهر هفتاد
سال شمسی یکدرجه از تقویم شمس کاسته وبهمانسیاق عمل نمایند
و تاریخ وضع جدول یمینی را ١٠٧٣ هجری عغیج خوانند و چپ را
پس از هفتاد سال شمسی بجدول یساری عمل کنند ادق وتحقیق

جدول استخراج أسماء الأرواح الموكلة بخادم جل على طريق المغاربة المنقول من هرمس مثلث الهرامسة

الأصل	المحمول	المجموع	المطروح	الباقي	الملحق	الأسماء
١٠٨٠ شف	١ مفتاح	١٠٨١ شفا	٥١	١٠٣٠ شل	٥١	شلايل
شف	٩ مغلاق	٢٨٩		١٠٢٨ شلح		شلحايل
شف	١٠ عدل	١٠٩٠		١٠٣٩ شلط		شلطايل
شف	١٥ وفق	١٠٩٥		١٠٤٤ شمد		شمدايل
شف	٤٠ مساحت	١١٢٥		١٠٧٤ شعد		شعدايل
شف	٦٠ ضابطه	١١٤٠		١٠٨٩ شفط		شفطايل
شف	١٢٠ غايث	١٢٠٠	٥١	١١٤٩ شقمط	٥١	شقمطايل
شف	مفتاح	١٠٨١	١٠١٩	٦٢ صب	١٠١٩	صبطيش
شف	مغلاق	١٠٨٩		٧٠ ع		عطيش
شف	عدل	١٠٩٠		٧١ عا		عاطيش
شف	وفق	١٠٩٥		٧٦ عو		عوطيش
شف	مساحت	١١٢٠		١٠٦ قو		قوطيش
شف	ضابطه	١١٤٠		١٢١ قكا		قكاطيش
شف	غايث	١٢٠٠	١٠١٩	١٨١ قفا	١٠١٩	قفاكيش

جدول بعد كف الخضيب تبقى شمس بركرند

الساعات	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	عاج	عاج	عاج	عاج	عاج	عاج	عاج	عاج	عاج	عاج	عاج	عاج
٢ ١	٤ د د	ا نه نط	ح نه نط	و ى ح	ح س و	لـ س لو	ا نو نخ	لـ ٥ ط ا	٥ ح د ا	٥ نو ند	ح مح مح	ا مح مه
ب ح	ما مه	ب ح د	ى ج ب	س و	كا اله	ڡ ه	مط مه	نو نخ	نو نخ	مح مح	لط له	م لو
ر ه	ع اله	ما مد	س نو	كا الد	الط لح	الو ٧	ڡ لح	مط مو	مع مد	لط له	لا الر	لح الط
و ر	الو الط	ع اله	ڡ الد	لـ لد	لو ما	له لط	لد لا	س لح	م لو	لـ الو	الح مط	اله كا
ح ط	لح لو	الو لـ	الط لح	لط ڡ	مه مط	س مى	الو الح	لد لـ	لا الو	كا و	مه ما	ع مط
ح ما	م مه	لد لح	لو ما	مو س	ند نخ	ه ند	ڡ يى	الو الد	الح مط	لح ح	د ح س	لـ و
س ح	مح نا	ص مو	مو ه	و نو و ٤	ط س د	لـ نو نا ا	س ط	مح مد	مد لـ	ى ٥ ٤	س نح ند	ا ح ط ٢
له مه	نه ح نط	ه ند	ند نط	٥ ط	لـ مد	٥ ٢	٥ ا ما	لـ و	و و ا	و ى نه نا	ه مو	نه س
بو يو	ا ح و	ع ٥ س	ح ٥ د	ح و	ع الد	س ى	لـ نو ند	س نخ	و نو مم	ص مح	س لح	ع مد
ع ط	ـے مد	د ـے	ما و	الد الو	اله الط	ڡ الح	ه مى	ند ه	مط مد	لح لد	له لا	م لو
ڡ كا	و كا	مه ع	ڡ الد	لـ له	لح لو	الو لا	مح لط	مو س	م لو	لـ اله	الو الح	لح الط
يد ج	الله الط	الد الو	الط لح	لط ڡ	ا مه	لد لح	له لا	لح لد	لا الو	كا و	مط مه	الو الد
الد اله	لح لو	لـ لد	لح ص	مى نا	مط نخ	س مه	الو الد	لـ الو	الد ع	مح ط	ما ں	ع مه
الو الو	م مد	لح ص	مو نا	د نو ح ح	لـ نو ا ٤	مط نخ	ڡ لو	الد ع	مد ط	ى ح	ب ى ا نط	ما د
لـ الط	مح ا نا	ص نا	نه نط	ى ح ح	مه ح ٤	ما ن ح س	س ط ٤	مه ط ح	٥ و ا	نو س ٤ ب	نو ا لله	ى ح ٤

جدول ثاني يسار معمول برصد هفتاسال شمسي

	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	
	دج دق	دج دق	دج دق	دج دق	دج دق	دج دق	
ح ا	ح ى	ند نه	نا نه	ح كه	ط ك	ح س	ل الط
ـ ح	رد ما	لط ح	٤ كه	ط ك	ير كا	لو ك	الح الو
ء ه	له ع	د ما	ح س	و الد	اله الط	الد الو	الو اله
و د	اله الو	ه لط	لو كا	الو لا	لد لح	لا له	اله اح
ح ط	الط لح	اله الو	اله الط	له لا	س ى	لط س	الد كا
ك ما	لو م	ل لد	لح ع	لد مح	هر ند	لو هم	٤ ط
س ى	لد مح	لح س	س ى	ند نو	ع ـ	ند نو	ك لو
لد له	لل ند	ى ه	ما نه	ا ه	د ى	ا ه	لو له
لو لو	لط ح	نل كح	نط ح	ط لد	لد ع	ح س	له ى
كح نط	و لے	ـ و	ح لد	ع الد	الد الو	لو ٤	س ا
كا	لد ع	ى له	لو كا	الو لا	ل لد	الح الو	ل ط
الد الد	كا الد	لح الد	الد الط	لله لط	لح ا	لا لد	ح ر
الد اله	الط ح	لو لا	لد لح	لد مح	له مط	لح س	د ه
الو الو	لو م	له لط	مح مر	ند نو	كح نو	له ط	ى ح
الط	لد مح	مى س	نا نو	٢ ه	ح ه	كح نو	ا
	حوت	دلو	جدي	قوس	عقرب	ميزان	الثابتات

جدول المشروطات والمختارات في اختيار الاوقات اللائقة للاجابة

كون الطالع تسعة عشر درجة السرطان او ثلاث درجة الاسد احد
السعدين فيه والآخر في العاشر او في الرابع واحدهما في الرابع والآخر في العاشر
او في التاسع وصاحب الطالع في وسط السماء متصلا بالمشتري او ناظرا بكوكب الذي في العاشر

الشمس في شرفها والقمر في الاسد وكوكب الغرض مسعودا محفوظا
متصلا بالقمر وواقعا في درجة كف الخضيب والكف المخضبة
مع الراس وصاحب وتد السماء ناظرا بيتيه

المشتري شرقيا مع الراس في العاشر او في التاسع ومقارنا مع كف
الخضيب والزهرة غربيا وهما غير راجعين ولا ناظرين بالنحسين

القمر منصرفا عن صاحب الطالع ومتصلا باحد السعدين
اتصالا محمودا او بالعكس ومع بعده من تحت
الشعاع ومن الهبوط وعدم اتصاله ونظره بالنحسين

الزهرة في السرطان والقمر في الحوت والمشتري في بيته او في شرفه والقمر متصلا به
من الثور او من الميزان والحاصل لامور الدنيا وينبغي ان يكون القمر في بيتي
الزهرة متصلا بالمشتري ولامور الاخروية في بيتي المشتري متصلا بالزهرة

ومع هذه الشروط او بعضها ان دعا في ايام الرجب او يوم الجمعة او يوم الانتصاف
او يوم العيدين او ليلة الرغايب او ليلة البرائة او ليلة الغدير وغيرها في الاسحار
ومنتصف الليالي ويوم الاربعاء بين الظهر والعصر وليلة الاربعاء في نصفه
اذا كان القمر في دائرة نصف النهار وفي ليالي البيض كان اسرع واقرب الى الاجابة

کتابخانهٔ آستانهٔ قدس

اقرب یابند چه درانصورت احتیاج بنقصان از تقویم شمس
نبود لکن کاهش و فزایش بهمانسان و جدول مشروطات و
محذورات اوقات اجابت سمات مدعیات معروفهٔ مشروعهٔ
خاتمهٔ جامعهٔ کریمهٔ شریفه مؤیّد احسان واجب الوجود حنّان
منّان مستعان ختام مُکیّة انبدع حسنه که بعد از صدر اوّل
از عهد بخشنبن اسلام خاصّه در مجامع فرقهٔ ناجیهٔ امامیهٔ
اثنی عشریّه اشتهار یافته قرائت سورهٔ فاتحة الکتابست پس
از فراغ از اکل طعام نهایت انخوشتر که سورهٔ مبارکه مذیّل
کردد چنان وقتی علی طریق المداومة بسیاق حمد القائی حقّانی
رحمانی باین نظام که اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلشُّکْرُ لِلّٰهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلشُّکْرُ
لِلّٰهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلشُّکْرُ لِلّٰهِ عَلٰی تَوٰالی نَعْمٰائه و تواتر الآئه حمدًا
کَثِیرًا وَشُکْرًا کَثِیرًا کَمٰا یَلِیقُ بِجَنٰابِ قُدْسِهِ وَیَنْبَغِی لِکَرَمِ وَجْهِهِ
وَعِزِّ جَلالِهِ اَبَدَ الْآبِدِینَ وَدَهْرَ الدّٰاهِرِینَ وَالصَّلوٰةُ وَ
السَّلامُ عَلٰی کٰافَّةِ اَنْبِیٰائِهِ وَرُسُلِهِ خُصُوصًا عَلٰی سَیِّدِنٰا وَ
نَبِیِّنٰا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّیِّبِینَ الطّٰاهِرِینَ

باز بین شد
۱۳۷۱ ش

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

باز بین شد
۱۳۵۲ خ

کتابخانه آستان قدس
ویژه خطی



سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

ل

کتاب دعا با مقدمه و شرح

فارسی



